٢

آراء المراجع في الحج

على ضوء فتاوى الإمام الخميني



بإشراف

آية الله علي الإفتخاري

بسم الله الرحمن الرحیم

آراء المراجع فی الحج

کاتب:

علی افتخاری گلپایگانی

نشرت فی الطباعة:

مشعر

رقمی الناشر:

مرکز القائمیة باصفهان للتحریات الکمبیوتریة

الفهرس

آراء المراجع فی الحج المجلد۲

اشارة

سرشناسه : افتخاری گلپایگانی،علی، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : ملحقات آراء المراجع فی‌الحج /باشراف علی الافتخاری .

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۳۱۲ ص.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۴۱-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : عربی

موضوع : حج -- رساله عملیه.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه.

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/الف۶۷م۸ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۵۲۳۸۵

ص:۱

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

ص:۱۲

ص:۱۳

ص:۱۴

الجزء الثانی

مقدمه

ص:۱۵

بر کسی پوشیده نیست که مناسک و مسائل فقهی حج دارای گستره عظیم بوده و هر روز که می گذرد با وقوع مسائل مستحدثه، بر گستره آن افزوده می‌شود.

زرارهٔ بن أعین که از شاگردان برجسته امام صادق علیه السلام است، خطاب به آن حضرت می گوید:

«حدود چهل سال است که از حج می‌پرسم و شما پاسخ می‌دهید و هنوز هم مسائل آن تمام نشده است.

و امام صادق علیه السلام در پاسخ وی فرمودند:

«خانه‌ای که دو هزار سال پیش از پیدایش آدم علیه السلام حج گزارده می‌شده است، توقع داری در چهل سال مسائل آن پایان یابد؟» (۱)

اکنون در این زمان با وقوع مسائل مستحدثه و تعدّد فتاوای مراجع، کار برای عموم مردم و به ویژه روحانیون محترم کاروان‌ها مشکل‌تر گردیده است.

آیهٔاللّه حاج شیخ علی افتخاری از پیش گامانی هستند که با تألیف کتاب ارزشمند «آراء المراجع فی الحج» تلاش کردند تا نظریات فقهی مراجع معظّم

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲، ح ۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹، باب نوادر الحج.

ص: ۱۶

تقلید را یکجا گردآورند تا روند پاسخگویی به مسائل حج تسهیل گردد.

معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری در راستای وظایفی که برعهده دارد و با توجّه به اینکه سالها از تألیف کتاب «آراء المراجع» می‌گذشت و برخی نظریات و فتاوی دستخوش تغییر گردیده بود، از حضرت آیت اللّه افتخاری درخواست کرد تا در این کتاب ارزشمند تجدید نظر نموده، آن را تکمیل نمایند، ایشان نیز علی‌رغم گرفتاری‌هایی که داشتند پذیرفتند و سال گذشته این کتاب چاپ و در اختیار عموم قرار گرفت و از آنجا که برخی مسائل در جلد نخست وجود نداشت لذا تصمیم گرفته شد همراه با مسائل ضروری دیگر با عنوان «ملحقات آراء المراجع فی الحج» به آن افزوده و این اثر تکمیل گردد.

از حضرت آیهٔ اللّه افتخاری به خاطر تألیف این کتاب و از فاضل ارجمند جناب حجّهٔالاسلام والمسلمین آقای مقدادی و نیز آقای صدرالدین افتخاری که کار تنظیم، مقابله و تصحیح کتاب را بر عهده داشتند تشکّر نموده توفیق همگان را از خداوند متعال مسألت داریم.

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

ملحقات استطاعت

لزوم تحصیل مقدّمات بر مستطیع

ص: ۱۷

ص: ١٨

ص: ۱۹

السید الخوئی قدس سره: إذا حصلت الإستطاعة وتوقف الحج علی مقدمات وجبت المبادرة فإن وثق بالإدراک مع التأخیر وإلّا وجب الخروج. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: یجب علی المستطیع المبادرة إلی تهیئة ما یتوقّف علیه إدراک الحجّ فی عام الإستطاعة ولو ببیع أو شراء بحیث تمکّن من أدائه فی وقته. (۲)

السید الشبیری: اگر تشرف به حج مقدماتی لازم دارد تحصیل آن مقدمات بر مستطیع واجب است، به‌طوری که در این سال ممکن به حج برسد و اگر مخارجی داشته باشد باید بپردازد و اگر کوتاهی کرد حج بر او مستقر می‌شود. (۳)

السید السیستانی: إذا وجب الخروج إلی الحج وجب تحصیل مقدماته، نعم إذا تأخّر فی الخروج للوثوق بإدراکه مع التأخیر ولکن اتّفق أنّه لم یدرکه لسبب ذلک لا یستقرّ علیه الحج علی الأظهر. (۴)

***

۱- ص ۶

۲- ص ۱۲

۳- ص ۱

۴- ص ۷ و ۸

ص: ۲۰

الشیخ البهجت: هرگاه استطاعت حاصل شد و متوقف بر مقدمات بود باید فوراً به تحصیل آن بپردازد و اگر اطمینان دارد که اگر با قافله اولی نرود با قافله بعدی موفق می‌شود بنابر اظهر تأخیر جایز است والّا باید با اول قافله حرکت کند. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس عبارهٔ السید الخوئی قدس سره. (۲)

الشیخ الوحید: ولو قصّر فی تحصیلها ففاته الحج استقرّ علیه الحج ولو مع زوال الإستطاعهٔ (۳) وإن وثق ... (۴)

المؤلف: الأنظار فی الفرع متوافقهٔ.

وجوب حفظ استطاعت

السید الخوئی قدس سره: نعم یجب المحافظهٔ مهما أمکن فلو صرفه ولم یحفظه استقرّ علیه الحج ولم یکن معذوراً. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر مطمئن است که در سال نوبت، متمکّن از انجام حج است پس گرفتن پول جایز نیست و اگر پس گرفت و بعداً نتواند حج به‌جا آورد حج بر او مستقر شده است. (۶)

السید السیستانی: إذا أحرز أنّ سائر شروط الإستطاعهٔ سوف تکون متوفّرهٔ له فی العام القادم لزمه التحفّظ علی استطاعته المالیهٔ وإلّا لم یجب علی الأظهر. (۷)

السید الشبیری: اگر می‌داند یا احتمال می‌دهد که بعداً از جهات دیگر استطاعت پیدا کند واجب است مال را حفظ کند و اگر نیاز مبرم به مال داشته باشد می‌تواند صرف کند و مستطیع نیست و اگر بداند در سالی که سایر شرایط فراهم

۱- ص ۳

۲- ص ۷

۳- ص ۸

۴- إلی آخر عبارهٔ الخوئی.

۵- المنیهٔ، ص ۸۵

۶- احکام، ص ۶۷

۷- الملحق، ص ۶

ص: ۲۱

می‌شود از نظر مالی هم تمکن خواهد داشت حفظ این مال لازم نیست. (۱)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: در سالی که تمکن مالی دارد به حج برود ولو از طریق غیر رعایت نوبت، باید تحفّظ بر مال کند، ولی اگر تمکّن ندارد حفظ استطاعت برای سال‌های دیگر واجب نیست و اگر در غیر اشهر حج تمکّن مالی پیدا کرد در صورت اطمینان و علی‌الاحوط در صورت احتمال به اجتماع سایر شرایط تحفظ واجب است. (۲)

الشیخ الصافی: احتیاط این است که اگر مطمئن است ... (۳)

تمکّن مالی دارد، ولی تمکن جسمی ندارد

س: کسی که از نظر مالی مستطیع بوده و برای حج ثبت‌نام کرده، لکن در سال جاری که زمان اعزام وی رسیده، پزشک قانونی به دلیل بیماری یا کهولت سنّ اذن حج نداده، آیا مستطیع است و حج واجب است یا نه؟ و آیا تا زنده است استنابه بکند یا نه؟

الإمام الخمینی قدس سره: بر مریضی که قدرت رفتن ندارد یا برای او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست. (۴)

السید الخوئی قدس سره: بر مریض مباشرت واجب نیست، ولی باید نایب بگیرد. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: بلکه درباره‌کسی که حج بر او مستقر نشده است اگر از نظر مالی در مشکل نمی‌افتد نائب گرفتن مطابق با احتیاط است. (۶)

وفی المناسک العربی: بل الأحوط ذلک لمن لم یستقرّ علیه الحجّ أیضاً إن کان

۱- ص ۱۶

۲- الضمیمة، ص ۱۰

۳- فی الحاشیة.

۴- م ۲۷

۵- مناسک، م ۶۳

۶- آداب، ص ۴۲

ص: ۲۲

موسراً من حيث المال متعذراً من المباشرة كما أن الأحوط ذلك ولو كان مرجو الزوال. (۱)

السيد السيستانى: وكذلك من كان موسراً ولم يتمكّن من المباشرة ووجوب الإستنابة فورى كفوريّة الحجّ المباشرى. (۲)

السيد الشبيرى: م ۵۱ ملخصاً- كسى كه از جهت مالى مستطيع است و از جهت بدنى استطاعت ندارد و مأيوس از استطاعت بدنى است واجب است در اولين سال ممكن كسى را به نيابت خود به حج بفرستد و احتياط مستحب آن كه اگر منوب‌عنه مرد است مرد صروره را به حج بفرستد.

*** الشيخ البهجت: و همچنين كسى كه ثروتمند است و توانايى مباشرت حج را ندارد بايد نايب بگيرد وليكن اظهر عدم وجوب فوريت است. (۳)

اگر در سال اول كه مستطيع بوده بدون تأخير ثبت‌نام كرده و حال كه زمان اعزام رسيده توانايى جسمى ندارد كشف مى‌شود كه مستطيع نبوده و اگر تأخير كرده بوده مستطيع است.

در صورتى‌كه مستطيع بوده و از توانايى خود مأيوس باشد بايد نايب بگيرد و اگر بعد از استنابه رفع عذر باشد وجوب اعاده با بقاء استطاعت بلكه مطلقاً احوط است. (۴)

الشيخ التبريزى قدس سره: حج مباشرتى غير از فرستادن نايب به حج است، سلامتى در اوّلى معتبر است و در صورت دوّم مقتضاى بعضى روايات معتبره ارسال نايب است. (۵)

۱- ص ۳۲

۲- ص ۳۲

۳- ص ۲۲

۴- مهر دفتر.

۵- ضميمه، ص ۶

ص: ۲۳

اگر تمکّن از رفتن به حج ولو از طریق آزاد را دارد، بایـد به حج برود و اگر به علت بیماری یا کهولت سن نمی‌توانـد به حج برود بنابر احتیاط واجب باید کسی را به نیابت خود بفرستد. (۱)

الشیخ الصافی: احتیاط واجب در صورت بقاء استطاعت مالی این است که شخصی را به نیابت خود بفرستد که حج به‌جا آورد و اگر استطاعت مالی او باقی نیست، اگر در سنوات گذشته به غیر از طریق ثبت‌نام امکان تشرف به حج برای او نبوده و فعلًا که امکان حاصل شده استطاعت مالی ندارد حج بر او واجب نیست. (۲)

الشیخ المکارم: همان عبارت امام قدس سره (حاشیه ندارد). (۳)

الشیخ الفاضل: چنان‌چه حج قبلًا بر او مستقر نشده در فرض مزبور مستطیع نیست و حج بر او واجب نیست و نیابت گرفتن در حج مستحبّی مانع ندارد و در صورتی که مستقر شده و توانایی تا آخر عمر ندارد باید نایب بگیرد.

رجوع به کفایت

السید الگلپایگانی قدس سره: در استطاعت بنابر اقوی رجوع به کفایت معتبر است. (۴)

السید السیستانی: الخامس: الرجوع إلی الکفایة وهو التمکّن بالفعل أو بالقوّة من إعاشة نفسه وعائلته بعد الرجوع ... (۵)

السید الشبیری: داشتن پول و شغل مناسب (پس از بازگشت از حج) از شرایط نیست، بلی اگر رفتن به حج مستلزم اختلال در زندگی باشد (پس از مراجعت) حج واجب نمی‌باشد. (۶)

۱- مهر خاص.

۲- مهر خاص.

۳- ص ۲۷

۴- ص ۳۵

۵- ص ۱۷

۶- ص ۸، م ۲۴

ص: ۲۴

*** الشیخ البهجت: چهارم: رجوع به کفایت است به نحوی باشد که پس از رجوع بتواند خود و عائله را اداره کند. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: الرابع: الرجوع إلی الکفایهٔ وبعبارهٔ واضحهٔ یلزم أن لا یکون صرف ما عنده من المال فی سبیل الحجّ موجباً لوقوعه فی الحرج.

الشیخ الصافی: با متن السید الگلپایگانی موافق هستند.

الشیخ الفاضل: نفس عبارت فوق که متن عبارت مناسک امام است. (۲)

الشیخ المکارم: رجوع به کفایت شرط است. (۳)

الشیخ النوری: رجوع به کفایت در استطاعت شرط است. (۴)

الشیخ الوحید: الرابع: الرجوع إلی الکفایهٔ وهو التمکّن بالفعل أو بالقوهٔ من إعاشهٔ نفسه وعائلته بعد الرجوع بحسب حاله وشأنه. (۵)

لزوم ثبت نام

الإمام الخمینی قدس سره: س: برای پنج سال یا بیشتر ثبت‌نام می‌کنند آیا ثبت‌نام لازم است؟ ج: اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون آید لازم است شرکت کنند و حج بر آنها مستقر می‌شود. (۶)

السید الگلپایگانی قدس سره: (خلاصه سؤال و جواب) کسانی که در وقت نام‌نویسی برای حج تمکّن مالی دارند واجب است ثبت‌نام کنند هرچند نوبت حج ممکن است به‌سال‌های بعد برسد و چنانچه مسامحه کردند و ثبت‌نام نکردند حج بر آنها مستقر می‌شود. (۷)

۱- ص ۱۰

۲- ص ۲۹

۳- ص ۲۹، م ۲۶

۴- ص ۲۰

۵- ص ۱۶

۶- متفرقه استطاعت، م ۳۱

۷- احکام، ص ۶۶

ص: ۲۵

السید الشبیری: برای حجِ واجب لازم است، اگر راه انحصار به آن داشته باشد. (۱)

*** الشیخ الصافی: محل تأمل است و استقرار حج بر او معلوم نیست، اگرچه احتیاط آن است که با بقاء استطاعت تا مدّت مضروبه اگر فوت کرد برای او استیجار حج نمایند. (۲)

الشیخ الفاضل: معظم‌له در فرع مذکور حاشیه ندارد. (۳)

الشیخ المکارم: اسم‌نویسی برای این اشخاص واجب است و اگر یقین به اصابت قرعه داشته باشند، حج بر آنها مستقر می‌شود، ولی احتمال، کافی نیست. (۴)

الشیخ النوری: معظم له در فرع مذکور حاشیه ندارد.

استطاعت با فیش شخص دیگر

السید الگلپایگانی قدس سره: س: شخصی برای حج پول به حساب ریخته و سالی که نوبت او رسیده فوت کرده و او وصیت کرده شخص خاصّی به‌جای او حج به‌جا آورد و آن شخص از نظر مالی و جسمی استطاعت دارد، فقط از جهت طریق استطاعت نیست که ممکن است با استفاده از نوبت موصی به حج برود، اگرچه او و وصی و همچنین ورثه راضی نباشند.

ج: حج نیابی برای مستطیع صحیح نیست و اگر با استفاده از فیش مذکور خود را به میقات برساند باید حج را برای خود به‌جا آورد و ضامن قیمت سوقیّه فیش است و باید ورثه شخص دیگری را برای حج موصی اجیر کنند. (۵)

۱- کتبی.

۲- م ۱۵۷، مناسک السید الگلپایگانی.

۳- ص ۴۲ محشی.

۴- م ۳۱

۵- احکام، ص ۵۹

ص: ۲۶

السید السیستانی: إذا آجر نفسه للنیابة عن غیره فی السنة الحاضرة ثمّ حصلت الإستطاعة فإن کان واثقاً من أداء حجّه فی عام لاحق یعمل بمقتضی الإجارة وإلّا فهی باطلة فیحجّ لنفسه. (۱)

السید الشبیری: استفاده از فیش حج دیگری موجب استطاعت نمی‌شود و باید حج نیابی را انجام دهد و همچنین اگر وصیت کسی را قبول کرده که حج نیابی را انجام دهد. ولی اگر قرارداد الزامی برای انجام حج نیابی نباشد و با فیش دیگری راه برای او باز شود مستطیع است و باید حج خود را به‌جا آورد. و اگر تعهد مقید به‌سال حاضر نباشد و بتواند بعداً به تعهد خود عمل کند، باید امسال برای خود حج کند.

*** الشیخ البهجت: اگر قبل از استطاعت اجیر شده که در سال حاضر حج منوب‌عنه را به‌جا آورد باید به مقتضای عقد اجاره حج منوب‌عنه را به‌جا آورد و وفای به عقد اجاره لازم است و تا عقد اجاره را فسخ نکنند استطاعت حاصل نمی‌شود و اگر اجاره اعم از مباشرت و تسبیب باشد حج خود را به‌جا آورد و شخص دیگری را از میت نیابت کند. (اطلاق اجاره قید مباشرت را برمی‌دارد). (۲)

منه أیضاً: خلاصه جواب: اگر مستطیع نبوده و اجیر شده که برای صاحب‌فیش حج به‌جا آورد ظاهراً اجاره لازم است و نمی‌تواند فسخ کند و بدون فسخ هم مستطیع نمی‌شود و اگر مستطیع بوده و نمی‌دانسته اجیر شدنش بی‌مورد بوده و اجاره باطل است. اگر بتواند ولو با استقراض برای خود حج به‌جا آورد و با احراز رضایت صاحب‌فیش برای او حج میقاتی بگیرد و خسارت صاحب‌فیش راهم بدهد.

۱- الملحق، ص ۱۲.

۲- شفاهی.

ص: ۲۷

الشیخ الصافی: خلاصه مسأله ۱۴۴: اگر یکی از ورثه توانست که با فیش تا میقات برود و سایر شرایط بود، حج بر او واجب می‌شود.

الشیخ الوحید: با توجه به این‌که استطاعت طریقی برای شخص بدون فیش دیگران فراهم نمی‌شود، اگر موصی شخص خاصی را برای حج تعیین کرده و یا ورثه شخصی را به استنابه گرفته‌اند، زمینه برای استطاعت آن شخص فراهم نمی‌شود، مگر به‌نحو دور مصرّح و باید حج منوب‌عنه را به‌جا آورد، ولی اگر گفته با این فیش برای من حج به‌جا آورند منافات ندارد که شخص واجد فیش حج خود را به‌جا آورد و برای منوب‌عنه هم حج میقاتی استیجار نماید. (۱)

مؤلف: اگر بدون مشکل فیش دیگران تحت اختیار او قرار گرفت و چنان‌چه عوض خواست، از عهده عوض هم برآید و سایر شرایط موجود بود باید برای خود حج به‌جا آورد.

ثمن هدی را ندارد

الإمام الخمینی قدس سره: بلی مستطیع است و پول هدی جزء استطاعت نیست. (۲)

السید الخوئی قدس سره: مستطیع نیست و عنوان استطاعت صادق نیست مگر با تمکن از تمام مصارف حج و از جمله ثمن هدی. (۳)

السید السیستانی: س: هل فقد الثمن- ثمن الهدی- یمنع من تحقّق الإستطاعهٔ أم لا؟ ج: لا یمنع منه فیصوم بدل الهدی. (۴)

السید الگلپایگانی قدس سره: ثمن الهدی علی الباذل إن کان المبذول له ممّن یجب علیه الهدی بأن یکون واجداً له وإلّا فینتقل إلی الصوم. (۵)

۱- شفاهی.

۲- متفرقات استطاعت، م ۴۴

۳- معتمد، ص ۱۸۳

۴- الملحق، ص ۱۱

۵- ص ۲۶

ص: ۲۸

أیضاً منه: در مجمع، ج ۱، ص ۴۳۷ فرع ۳۸ بعض محشین استفاده عدم استطاعت کرده‌اند، ولی این استنباط با جواب‌های متعدد آن مرحوم شفاهاً مخالف است و می‌فرمود مستطیع است.

السید الشبیری: پول قربانی و کفارات برعهده باذل نیست. اگر حاجی توانایی قربانی دارد قربانی کند والّا وظیفه او روزه است.

*** الشیخ البهجت: الظاهر انّ ثمن الهدی علی الباذل فلو لم یبذله لم یجب الحجّ إلّا إذا کان متمکّناً من شرائه من ماله. (۱)

الشیخ الصافی: س: پول قربانی نـدارد و روزه می‌تواند بگیرد، ولی سوغات خریده؛ ج: مستطیع است باید قربانی کند و روزه به‌جای قربانی صحیح نیست و سوغات لازم نیست. (۲)

الشیخ الفاضل: با مرحوم امام موافق است. (۳)

الشیخ المکارم: مستطیع است. (۴)

الشیخ النوری: مستطیع است (موافق با امام). (۵)

مؤلف: مقتضی الإحتیاط أن یقصد بالحج، وظیفته الفعلیّة أعمّ من الواجب والندب.

حج خود یا مادر

س: پسری با فیش حج مادر به مدینه آمده و خودش مستطیع است، ولی مادر می‌گوید باید خودت امسال حج مرا به‌جا آوری و الّا تو را عاق می‌کنم،

۱- ص ۲۷- مثل ذلک کلام الشیخ الوحید دام ظلّه، ص ۲۶.

۲- ص ۸، الألف مع التلخیص.

۳- محشی، ص ۴۹.

۴- محشی، ص ۵۰.

۵- م ۴۳ استطاعت.

ص: ۲۹

تکلیف فرزند چیست؟

السید الشبیری: اگر موجب قطع رابطه بین مادر و پسر شود جایز نیست برای خود از فیش مادر استفاده کند. (۱)

السید السیستانی: س: أوصی إلی بعض ولده بالحج عنه والولد مستطیع مالیاً ولکن لا یسمح له بالذهاب إلی الحجّ لأنّه لم یأت دوره، هل یعمل بوصیة الأب أو یستفید من حقّ أبیه فیحجّ لنفسه؟

ج: ینفذ وصیة أبیه فی الحجّ عنه فانّه لا استطاعة سربیة له لیحج عن نفسه.(۲)

*** الشیخ البهجت: اگر فرزند از همه‌جهات مستطیع است، باید برای خودش حج به‌جا آورد و حج نیابی صحیح نیست و گفتن مادر که عاقت می‌کنم اثر ندارد، ولی اگر از جهت راه استطاعت نداشته، مگر با فیش مادر و راه با این فیش برای او باز شده برای مادر حج به‌جا آورد. در صورتی که قبلًا اجیر شده بوده برای انجام حج مادر که در این‌صورت اجاره لازم است و باید به مفاد اجاره عمل کند.

الشیخ التبریزی قدس سره: باید برای خود حج به‌جا آورد و با اجازه مادر برای او نائب بگیرد.

الشیخ الصافی: در مورد سؤال چنانچه اجیر شده که برای مادر حج به‌جا آورد و استطاعت طریقی برای او با فیش حج مادر بوده، باید حج را جهت مادر انجام دهد. (۳)

الشیخ الفاضل: اگر قبل از فوت وصیت کند که فرد خاصی برای او حج به‌جا آورد، ولی او را اجیر نکند این فرد می‌تواند طبق وصیت عمل کند، ولی اگر

۱- کتبی.

۲- الملحق الأول، ص ۸.

۳- کتبی.

ص: ۳۰

خودش استطاعت داشته باشد و با فیش حج موصی راه بر او باز شود، احتیاط اقتضا می‌کند که حج را برای خودش انجام دهد و برای میت استنابه کند. (۱)

مدعوّین برای حج مستطیع باشند یانه

السید السیستانی: س: الطبیب الّذی یرسل البعثهٔ إلی الحج کیف یحج وهل یکفی عن حجّهٔالاسلام أم لا؟

ج: إذا کان واجداً لسایر شروط الإستطاعهٔ فحجّه حجّهٔالاسلام. (۲)

السید الخامنئی: لا یصدق علی حجّه عنوان البذلی فیما إذا اشترط علیه القیام بعمل ما مقابل دعوته إلی الحج. (۳)

السید الشبیری: أهل العلم والأطباء وخدمهٔ القوافل ونحوهم من الّذین یدعون لبعثهٔ الحج أو لتقدیم الخدمات الدینیّهٔ وغیرها فی قوافل الحج لا ـ یجب علیهم القبول لکن لو قبلوا وجب علیهم الحج بشرط أن لا ـ یکون الإتیان بمناسک الحج منافیاً للخدمات المفروضهٔ علیهم ولا یؤدّی إلی اختلال أمورهم وأجزء حجّهم عن حجّهٔ الإسلام. (۴)

*** الشیخ البهجت: س: من جاء إلی المیقات بمهمّهٔ عمل کخدمهٔ حملات الحجیج وأطبائها وموظّفی الاسعافات الاولیّهٔ فهل هو مستطیع تجب علیه حجهٔ الإسلام أم لا؟ ج: نعم، یجب علی من ذکر أداء حجهٔ الإسلام إلا إذا کانت مهمّته علی نحو لا یستطیع معها القیام بالمناسک. (۵)

۱- مناسک حج، م ۱۵۶، ص ۶۷.

۲- ص ۸، طبع بیروت و فی الملحق الثانی ص ۶.

۳- ص ۲۴.

۴- ص ۲۰، مع التلخیص.

۵- ص ۱۸۴.

ص: ۳۱

الشیخ التبریزی قدس سره: فی الجواب عن السؤال: مستطیع و یجب الحج. (۱)

الشیخ الصافی: اشخاصی که به‌عنوان روحانی و یا مدیر و کارمند یا سازمان‌های مربوطه به حج بروند، اگر بعد از رسیدن به میقات دارایی آنها وافی به لباس احرام و قربانی و مخارج عائله باشد با رجوع به کفایت مستطیع می‌باشند و واجب است برای خود حج به‌جا آورند. (۲)

الشیخ الفاضل: خدمه کاروان‌ها و پزشکان و امدادگران و افراد دیگری که با مأموریت به میقات آمده‌اند چنانچه واجد رجوع به کفایت باشند که نوعاً چنین است مستطیع هستند و باید حجةالاسلام به‌جا آورند. (۳)

الشیخ المکارم: کسانی که برای خدمت در سفر حج استخدام می‌شوند خواه به‌عنوان روحانی کاروان یا معاون کاروان یا اعضاء ستاد و بعثه حج و یا طبیب و پرستار یا مأمورین انتظامی و مسؤولین بانک و غیر اینها، حج آنها حج واجب محسوب می‌شود به‌شرط این‌که هزینه خانواده‌اش در این مدت تأمین شده باشد. (۴)

ملحقات نیابت

الجمع بین الأصلی والنیابی فی العمرة المستحبة

۱- الصراط، مع التلخیص ج ۴، ص ۲۲.

۲- ص ۱۵، مناسک الألف.

۳- ص ۲۷ حج و عمره.

۴- ص ۱۸.

ص:۳۲

ص: ۳۳

ص: ۳۴

ص: ۳۵

السید السیستانی: س: هل یجوز الإتیان بعمرهٔ مفردهٔ إصالهٔ ونیابهٔ عن نفسه ونیابهٔ عن آخر؟ ج: لا یبعد جوازه. (۱)

السید الشبیری: مانع ندارد. (۲)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: جایز است. (۳)

الشیخ الصافی: ظاهراً مانعی نداشته باشد. (۴)

الشیخ الفاضل: ملخّص دو مسأله: در حج مستحبی و عمره مفرده مستحبی قصد انجام آن برای خود و به نیابت پدر و مادر یا چند نفر دیگر مانع ندارد. (۵)

الشیخ المکارم: احتیاط آن است که آن‌را به نیت خود به‌جا آورد و هر مقدار ثواب که می‌خواهد به دیگری هدیه کند. (۶)

نیابت معذورین

۱- کتبی.

۲- شفاهی.

۳- شفاهی.

۴- شفاهی.

۵- استفتائات حج و عمره، ص ۷۶.

۶- استفتائات حج، ص ۱۹۶.

ص: ۳۶

الإمام الخمینی قدس سره: در عذر طاری هم محل اشکال است (۱). (و در متفرقات مشعر، م ۵: س: نائب قبل از طلوع فجر برای اثاث به منی رفته و قصد رجوع داشته، ولی خوابش برده؟ ج: اگر نائب است کافی نیست).

السید الخوئی قدس سره (۲): قد ذکرنا فی بحث قضاء الصلاة انّ من کان مکلفاً بإتیان واجب (۳) من الواجبات یجب علیه أن یأتی به تام الأجزاء والشرایط ... ومقام الإستنابة کذلک فانّ الواجب علی الوصیّ مثلًا إستنابة القادر علی إتیان الواجب بأجزائه وشرائطه ولا وجه للإکتفاء بنیابة العاجز ...

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر نائب در اثناء عمل عذر پیدا کند و به تکلیف مربوط به خود عمل نمایدکافی است و مبرء ذمه است. (۴)

منه أیضاً: س: خدمه قبل از طلوع فجر با زن‌ها به منی می‌روند و قبل از طلوع آفتاب به مشعر برمی‌گردند و درک رکنی وقوف را به‌عمل می‌آورند، نیابت آنها چگونه است؟ ج: اگر از ذوی‌الأعذار نبوده‌اند، نیابت آنها صحیح است هرچند مرتکب حرام شده‌اند. (۵)

السید السیستانی: الظاهر أنّ حال النائب حال من حج عن نفسه فیما إذا طرء علیه العجز عن أداء بعض المناسک مطلقاً أو علی النهج المقرر لها فیصحّ حجّه

۱- مسائل نیابت، م ۳۶؛ و در متفرقات مشعر، م ۵.

۲- فی المعتمد، م ۱۱۳.

۳- ص ۱۷۴.

۴- احکام، ص ۷۳.

۵- ص ۳۰۳ احکام.

ص: ۳۷

ویجزیء عن المنوب عنه فی بعض الموارد ویبطل فی البعض الآخر. (۱)

السید الخامنئی: إذا أدّی عروض العذر أثناء الحجّ النیابی إلی نقص فی أعمال النائب فلا یبعد بطلان الاجارة والأحوط فی هذه الصورة التصالح علی الأجرة وإعادة الحجّ عن المنوب عنه. (۲)

السید الشبیری: اگر عذر طاری شده و به وظیفه عمل کرده، نیابت صحیح و مجزی است و مستحق تمام اجرت. (۳)

*** الشیخ البهجت: إذا کان عذره طاریاً فعمله بالوظیفة الإضطراریة کاف ومجز. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: نیابت کسی که در بین اعمال عذری برای او پیش آید به نیابت او ضرر نمی‌زند ولی احتیاطاً در اجرت با طرف خود تراضی حاصل نماید. (۵) ولا بأس بعجزه الطاری وقت الوقوف. (۶)

الشیخ الصافی: اگر عذر طاری شده، مضرّ به نیابت نیست.

الشیخ الفاضل: عذر طاری ضرری ندارد. (۷)

الشیخ المکارم: اگر نائب است و عذر مزبور قابل پیش‌بینی نبوده، نیابتش صحیح است. (۸)

منه أیضاً: اگر عذر در اثناء عارض شده اشکال ندارد نیابت صحیح و مستحق اجرت است. (۹)

الشیخ النوری: نایب شدن معذور صحیح نیست. (۱۰) و در ص ۶۵: س: بعد از عقد اجاره و در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری مطابق وظیفه عمل کرده کافی است یا نه؟ ج: محل اشکال است.

الشیخ الوحید: ولا بأس بعجزه الطاری وقت الوقوف (۱۱) وتصحّ نیابة من کان معذوراً فی ارتکاب ما یحرم علی المحرم کمن اضطر إلی التظلیل وکما لا بأس

۱- ص ۵۲

۲- المناسک الصغیر، ص ۳۹

۳- ص ۲۱

۴- ص ۱۹۲

۵- ضمیمه، ص ۱۴

۶- م ۱۱۰

۷- ص ۸۳، م ۲۰۹ مع التلخیص.

۸- متفرقات مشعر، م ۵

۹- م ۳۸ محصّل حاشیه.

۱۰- ص ۵۲

۱۱- م ۱۱۰

ص: ۳۸

بنیابهٔ النساء أو غیرهنّ ممّن تجوز لهم الإفاضهٔ قبل طلوع الفجر والرمی لیلًا للحجّ عن الرجل والمرأهٔ.

استنابه دائم الحدث

السید الخوئی قدس سره: س: إذا کان الشخص دائم الحدث فهل یجوز أن یوجر نفسه للحج؟ ج: لا- یجوز ذلک وإن ابتلی بعد الإستنابهٔ وجب علیه ردّ النیابهٔ إلی من استنیب منه إن أمکنه وإلّا استناب واحداً غیر معذور. (۱)

السید السیستانی: س: هل یتجزأ باستنابهٔ دائم الحدث لأداء الحج الواجب؟

ج: لا یبعد ذلک بناءاً علی ما هو المختار من عدم انتقاض طهارته ما لم یصدر منه غیر ما ابتلی به من سائر الأحداث أو نفس الحدث المبتلی به غیر مستند إلی مرضه. (۲)

وعنه أیضاً: س: من یرافق النساء والمرضی لیلهٔ العید ویکتفی بالوقوف فی المزدلفهٔ معهم لعدم استغنائهم عن مرافقته أصلًا هل یجوز أن یکون نائباً فی الحجّ عن الغیر؟ ج: لا یبعد الإجتزاء بنیابته. (۳)

عنه أیضاً: س: من استوجر للحج عن غیره فطرأ علیه العذر المسوغ للإستنابهٔ فی الطواف أو الرمی أو غیرها فقام بذلک فهل یستحق تمام الأجرهٔ المسماهٔ أم یسقط منها؟ ج: الظاهر إستحقاقه تمام الأجرهٔ المسماهٔ. (۴)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: اگر نائب وقوف بین الطلوعین را درک کرد، ولی بیتوته شب مشعر را درک نکرد، نیابت او صحیح است، ولکن به نسبت از اجرت او کسر می‌شود. (۵)

و در دو مسأله بعد فرموده: اگر بعد از طلوع فجر به مشعر رسید، حج صحیح است و احتیاط مصالحه در اجرت است.

تبرّع معذورین در حج و عمره مستحب از والدین و معصومین علیهم السلام

۱- الصراط، ج ۲، ص ۲۰۶

۲- الملحق الثالث، ص ۳۳

۳- نفس المصدر، ص ۳۲

۴- الملحق الثالث، ص ۳۶

۵- مناسک صغیر، ص ۳۳۴

ص: ۳۹

الإمام الخمینی قدس سره: مستحب است انسان از طرف خویشاوندان یا غیر اینها حج به‌جا آورد تبرعاً چه زنده باشند یا مرده و همچنین از جانب معصومین علیهم السلام. (۱)

السید گلپایگانی قدس سره: اگر تبرّع از حج استحبابی باشد صحت آن بعید نیست. (۲)

السید السیستانی: س: إذا کان النائب معذوراً فی بعض الأفعال فهل یصحّ إستیجاره فی الحج الندبی؟ ج: یصحّ إستیجاره إذا کان عمل الأجیر صحیحاً فی حق نفسه ولکن یلزمه إعلام المستأجر بالحال.

السید الشبیری: به‌قصد رجاء مانع ندارد و مثاب خواهد بود.

*** الشیخ التبریزی قدس سره: رجاءاً مانع ندارد. (۳) و یا بعد از آن‌که عمره و حج قربهًْالی‌اللّه به‌جا آورد ثوابش را اهدا کند.

الشیخ الصافی: موافق است و حاشیه ندارد.

الشیخ الفاضل: در فرع مذکور حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: موافق است و حاشیه ندارد.

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

نیابت مستطیع از غیر تبرعاً یا به اجاره

الإمام الخمینی قدس سره: کسی که حج بر او واجب باشد، جایز نیست نیابت کند از غیر و اگر نیابت کند باطل است چه عالم به حکم باشد و چه جاهل. (۴)

السید الخوئی قدس سره: این‌شرط شرطصحت اجاره‌است نه شرط صحت حج نائب

۱- حج استحبابی، م ۲

۲- احکام، ص ۱۰۰

۳- شفاهی.

۴- فصل النیابهٔ، فرع ۱۲

ص: ۴۰

و (در فرض مسأله) حج‌نائب صحیح‌است وذمّه منوب‌عنه بریء می‌شود، ولی نائب اجرتی را که قرار داده شده مستحق نخواهد بود بلکه مستحق اجرةالمثل است. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: الخامس: أن لا یکون ذمّهٔ النائب مشغولهٔ بحج واجب إلی قوله هـذا فی العالم بوجوب الحج وأمّا الجاهل والغافل فقد یقال بصحّهٔ نیابتهما لکن فیها وکذا فی صحهٔ حجهما إشکال والأحوط عدم الإکتفاء به فی برائهٔ ذمّهٔ المنوب عنه. (۲)

السید الشبیری: بر کسی که امسال حج منجّز باشد چه حجهٔالاسلام یا حج استیجاری یا قبول وصیت یا کفاره یا نذر باید حج مذکور را به‌جا آورد و اگر حج نیابی را به‌جا آورد معصیت کرده، ولی ظاهراً حج او صحیح است و کفایت از منوب‌عنه می کند. (۳)

السید السیستانی: در صورت جهل به‌وجوب حج منجّز بر خودش، حج نیابی صحیح است و حق اجرهٔالمثل دارد و شرط صحت اجاره است نه حج. (۴)

*** الشیخ البهجت: کسی که حج واجب فوری دارد، نیابت او جایز نیست و اگر نیابت کرد خلاف تکلیف کرده و مشهور بطلان حج نیابتی است از اجیر و متبرّع، و اظهر صحت آن است. (۵)

الشیخ التبریزی قدس سره: فی الفرض الّذی أوصی إلی ابنه لیحجّ عنه والإبن مستطیع أو صار مستطیعاً بعد موت أبیه، یحجّ عن نفسه ویستنیب عن أبیه من بلده. (۶)

الشیخ الفاضل: اجاره وحج‌نیابی هردو صحیح‌است اگرچه‌مرتکب‌حرام شده.

قائل به صحت نیابت: آیات عظام: خوئی، شبیری، بهجت و فاضل.

ایمان نائب

۱- مناسک، م ۱۰۳ چهارم.

۲- ص ۴۱

۳- ص ۱۹

۴- ص ۷۲، م ۱۰۳

۵- الجامع، ص ۱۹۰

۶- الصراط الرابع، ص ۱۹ مع التلخیص.

ص: ۴۱

الإمام الخمینی قدس سره: الثالث: الإیمان. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: الثالث الإیمان فلا یصحّ من غیر المؤمن وإن کان مسلماً معتقداً بوجوبه وتحقّق منه قصد القربهٔ. (۲)

السید السیستانی: نعم الإیمان شرط فی النائب فیما سوی الذبح والنحر علی الأحوط. (۳)

السید الشبیری: اگر نائب عمل عبادی را به‌جای منوب به‌جا می‌آورد باید مؤمن باشد، ولی کسی که فقط ذبح می‌کند یا ناخن می‌گیرد لازم نیست نائب هم باشد بنابراین لازم نیست مؤمن باشد. (۴)

الشیخ البهجت: نائب باید مؤمن باشد، یعنی علاوه بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده امام را قبول داشته باشد، پس نیابت غیر مؤمن کافی نیست، هرچند عمل را بر طبق مذهب ما به‌جا آورد. (۵)

الشیخ التبریزی قدس سره: فلا عبرهٔ بنیابهٔ غیر المؤمن وان أتی بالعمل علی طبق مذهبنا. (۶)

الشیخ الفاضل: الثالث: الإیمان. (۷)

الشیخ النوری: سوم از شرایط ایمان است. (۸)

الشیخ الوحید: فلا تصحّ نیابهٔ غیر المؤمن وإن أتی بالعمل علی طبق مذهبنا وحصل منه قصد القربهٔ. (۹)

تقلید منوب‌عنه یا نائب

۱- تحریرالوسیلهٔ، شرائط النائب، م ۱.

۲- ص ۴۹.

۳- ص ۲۶.

۴- ص ۲۴.

۵- ص ۳۷.

۶- مناسک، ص ۵۰.

۷- ص ۴۱.

۸- فصل النیابهٔ.

۹- م ۱۰۰.

ص: ۴۲

الإمام الخمینی قدس سره: میزان وظیفه خود او است، ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی باید طوری عمل کند که وظیفه خودش و کیفیت ذکرشده بشود.

السید الخوئی قدس سره: علی تقلید المنوب عنه. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: اجیر باید مطابق وظیفه خودش عمل کند مگر این‌که بر او شرط کرده باشند که علاوه بر واجبات و شرایط صحت به نظر اجیر بعضی از امور لازمه به‌نظر منوب‌عنه را نیز به‌جا آورد که باید به شرط عمل کند. (۲)

السید السیستانی: یعمل علی طبق تقلید نفسه نعم إذا کان أجیراً وفرض تقیید متعلق الإجارة بالصحیح فی نظر المنوب عنه أو المستأجر صریحاً أو لانصراف إطلاقه إلیه کانت وظیفته حینئذ العمل بمقتضاه ما لم یتیقّن بفساد العبادة. (۳)

السید الشبیری: یجب علیه أن یراعی تقلید نفسه فیما یتعلّق بالنسک وشروط صحّتها ولا فرق فی ذلک بین کون الحجّ عن الحی أو المیت کما لا فرق بین أن یکون أوصی به المیت أم لم یوص، کان تبرعاً أو بإجارة. (۴)

*** الشیخ البهجت: النائب یعمل بوظیفة نفسه المطابقة لفتوی مرجعه سواء کان المنوب عنه حیاً أم میتاً. (۵)

الشیخ التبریزی قدس سره: یجب مراعاة تقلید المنوب عنه إذا کان حیاً وأمّا إذا کان میتاً فیراعی علی الأحوط تقلید الورثة والوصی أیضاً إن کان للمیت وصی. (۶)

الشیخ الصافی: اجیر باید مطالق وظیفه خود عمل کند، بلی اگر با او شرط

۱- مناسک صغیر، ص ۲۳۶.

۲- ص ۹۰ احکام.

۳- الملحق، ص ۳.

۴- الفرع ۷۲ مع التلخیص.

۵- ص ۱۹۱.

۶- الصراط، ج ۴، ص ۴۷.

ص: ۴۳

کنند که علاوه بر واجبات و شرایط صحت به نظر اجیر بعضی از امور لازمه در نظر منوب‌عنه را نیز به‌جا آورد و یا بعض منافیات به‌نظر او را ترک نماید، به شرط عمل نماید. (۱)

الشیخ الفاضل: نفس عبارة الإمام قدس سره. (۲)

منه أیضاً: کل وظائف الحج والعمرة یأتی بها النائب بقصد المنوب عنه سوی الکفارات. (۳) وفی ص ۱۶: یعمل النائب علی تقلید مقلّده.

الشیخ المکارم: نفس عبارة الإمام قدس سره. (۴)

الشیخ النوری: میزان وظیفه خود اوست ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده انجام شود.

علم به استطاعت خود بعد از عمره نیابی

السید السیستانی: فی الصورة الأولی إذا کان واثقاً بتمکّنه من الحج لنفسه فی عام لاحق أتمّ الحج النیابی وإلّا ترکه وذهب إلی بعض المواقیت وأحرم للحج لنفسه وأمّا فی الصورة الثانیة فالظاهر انّه لا عبرة بالإستطاعة المتجدّدة ولو کانت بغیر مال الإجارة. (۵)

السید الشبیری: باقی اعمال را از طرف‌منوب‌عنه انجام‌می‌دهدومجزی است. (۶)

عمره برای نائی

فی العروة: فلا تجب علی الأجیر وإن کان مستطیعاً لها وهو فی مکة.

الإمام الخمینی قدس سره: لا تجب علی الأجیر وإن کان مستطیعاً لها وهو فی مکة. (۷)

۱- الألف، ص ۵۸

۲- م ۲۵

۳- حول الحج، ص ۲۲

۴- م ۲۵

۵- الملحق، ص ۵

۶- ص ۲۰، م ۶۰

۷- ص ۴۰۳

ص: ۴۴

السید الخوئی قدس سره: ولا یجب علی الأجیر بعد فراغه عن عمل النیابة وإن کان مستطیعاً من الإتیان بها.

السید الگلپایگانی قدس سره: لا یجب علی النائب النائی وإن کان مستطیعاً لها. (۱)

السید السیستانی: ولکن الإحتیاط بذلک کله مما لا ینبغی ترکه. (۲)

السید الخامنئی: الظاهر أنها لا تصیر واجبهْ علی النائب النائی، نعم الأحوط أن یأتی بها. (۳)

السید الشبیری: کسی که تنها استطاعت عمره مفرده داشته باشد، اگر در مکه و حوالی آن حضور دارد، باید عمره مفرده به‌جا آورد، ولی بر نائی لازم نیست (۴). و عمره را از ایام تشریق تأخیر اندازد. (۵)

*** الشیخ البهجت: واجب نیست بر اجیر عمره مفرده، لکن به‌جا آوردنش احوط است. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: لا تجب علی الأجیر لکن الإتیان بها أحوط. (۷)

الشیخ الصافی: بر کسانی که شانزده فرسخ و بیشتر فاصله دارند واجب نیست. (۸)

الشیخ المکارم: احتیاط واجب اتیان عمره مفرده است.

الشیخ النوری: این احتیاط برای نائب واجب نیست، لکن خیلی مطلوب است. (۹)

۱- ص ۷۲

۲- ص ۶۲

۳- ص ۴۶

۴- ص ۱، کتبی.

۵- ص ۳۸

۶- ص ۴۸

۷- ص ۶۲

۸- کتبی.

۹- ص ۲۶۱

ص: ۴۵

الشیخ الوحید: لا تجب علی الأجیر لکن الإتیان بها أحوط. (۱)

فوت الحاج فی الحرم

السید السیستانی: فی فرض المسألۀ قال دام ظلّه: یجب الإستیذان من ورثته ولا تکفی إجازة الحاکم الشرعی، والنّص الدال علی انّه یجعل نفقته وزاده وراحلته فی الحجّ عنه لا یدلّ علی جعل الولایۀ فی ذلک لغیر ورثته. (۲)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: س: إذا مرض الحاج ومات یوم العید ولم یدرک الوقوفین أو مات قبل یوم عرفۀ فی حال إحرام الحجّ أو قبله فهل یجب علیه الحج لو کان مستقراً علیه فی السنوات السابقۀ؟ ج: یسقط عنه الحجّ. (۳)

وفی ص ۲۹: س: جاء شخص إلی المدینۀ المنورة قاصداً أداء حجّۀالإسلام فمات قبل مباشرة الأعمال، هل یجوز للمرافقین له أن یستنیبوا له من یحج عنه من أمواله التی ترکها بلا حاجۀ إلی الإستیذان عن الحاکم الشرعی أو ورثۀ المیت؟ ج:

إذا استقرّ علیه الحجّ للمرافقین أن یستنیبوا من أمواله من یحج عنه بلا حاجۀ إلی الإستیذان من الورثۀ أو من الحاکم الشرعی.

الشیخ الفاضل: یجب الإستیذان من ورثته ولا تکفی إجازة الحاکم الشرعی. (۴)

علم النائب باستطاعته فی المیقات

السید السیستانی: الرابع: أن لا یکون النائب مشغول الذمّۀ بحجّ واجب علیه فی عام النیابۀ إن تنجز علیه ولا بأس باستنابته فیما إذا کان جاهلًا بالوجوب أو

۱- ص ۵۴

۲- الملحق الأول، ص ۲۷

۳- الصراط، ج ۴، ص ۳۰

۴- جامع المسائل، ص ۲۵

ص: ۴۶

غافلًا عنه وهذا الشرط شرط فی صحّة الإجارة لا فی صحّة حجّ النائب فلو حجّ والحال هذه برئت ذمّة المنوب عنه ولكنّه لا يستحق الأجرة المسمّاة بل يستحق أجرة المثل. (۱)

السید الشبیری: من وجب عليه الحج وتنجّز فی عامه الحالی كان حجةالإسلام أو غيره كالحجّ الواجب بالإجارة أو النذر أو قبول الوصية أو بعنوان الكفارة يجب عليه أداؤه فی نفس العام ولو أتى بحج آخر غير ما تنجّز عليه صحّ الحجّ وإن كان آثماً بتركه ما تنجز عليه إلّاأن يكون هو حجة إسلامه ففی هذه الصورة يحكم بفساد الحجّ المأتی به. (۲)

*** الشیخ البهجت: لمّا علم انّه كان مستطيعاً من قبل فقد تبيّن له بطلان الإجارة.

وفی الجواب عمن وصل المدينة بواسطة فيش غيره بالنيابة: ففی الفرض إن أمكنه الإقتراض والحج عنه نفسه وجب ذلک وأمّا بالنسبة إلی المنوب عنه فانّه مع إحراز رضا صاحب الفيش يستنيب من يحج عنه من الميقات فإنّ إطلاق الإجارة ينفی إعتبار مباشرته ... وأمّا لو عيّن شخصاً خاصاً للنيابة فإن كان عقد الإجارة وقع قبل إستطاعته وجب الوفاء به، وأمّا إذا كان استطاعته قبل العقد أو لم يكن عقد أصلًا فله أن يحجّ عن نفسه ويستنيب عن الميت. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: عدم حج واجب در ذمّه نائب شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نائب، پس هرگاه در حالی كه بر خودش حج واجب بوده از جانب ديگری نيابت كند، ذمّه منوب عنه بریء می‌شود و نائب استحقاق اجرة المثل دارد نه اجرةالمسمی. (۴)

الشیخ الصافی: بايد حج واجب خود را به‌جا آورد. (۵)

الشیخ الفاضل: كسی كه حج واجب بر عهده او است نبايد نيابت قبول كند،

۱- ص ۴۹

۲- ص ۲۷

۳- ص ۱۸۹، مع التلخيص من فرعين.

۴- ص ۶۹

۵- فرع ۱۱۹ مع التلخيص.

ص: ۴۷

ولی اگر اجیر شد هرچند معصیت کرده، ولی حج نیابی او صحیح است و مبرء ذمّه منوب عنه است و استحقاق اجرة المسمّی را دارد، هرچند حج بر خودش مستقر می‌شود. (۱)

منع از نیابت حج بعد از عمره تمتع

س: طلبه سیدی به نیابت شخصی که مأیوس از سلامتی بوده به حج آمده و اعمال عمره تمتع‌را انجام‌داده، پس‌از انجام‌عمره‌تمتع به‌او خبر داده‌اند که منوب‌عنه حالش خوب است، باید خودش حج به‌جا آورد و نیابت شما صحیح نیست؛ تکلیف این نائب از نظر اتمام اعمال حج و عدم اتمام و از نظر اجرت چیست؟

السید الشبیری: در فرض مزبور خوب شدن منوب‌عنه کاشف از بطلان اجاره است و نائب مستحق اجرةالمثل می‌باشد و عمل نائب برای خودش نیز حساب نمی‌شود مگر این‌که اعمال را به نیت عمل مشروع، نه خصوص نیابت به‌جا آورده باشد که در این‌صورت عمل مزبور برای خود حساب می‌شود. (۲)

*** الشیخ البهجت: بنابر احتیاط، نائب عمل را تمام کند و به آن اکتفا نشود و در اجرت مصالحه نمایند. (اجاره از عقود لازمه است، باید تمام اجرت را بدهد مگر این‌که اجیر به کمتر حاضر شود). (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: چنان‌چه قصد حجةالإسلام برای منوب‌عنه کرده لازم نیست حج را تمام کند، ولی بنابر احتیاط طواف نساء به‌جا آورد و اجاره بر حجةالاسلام منحل می‌شود و بنابر احتیاط واجب باید مستأجر نسبت به اجرت

۱- حج و عمره، ص ۸۰.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

ص: ۴۸

اعمالی که اجیر تا کنون انجام داده او را راضی کند. (۱)

الشیخ الصافی: در فرض سؤال چنانچه راه برای منوب‌عنه باز است و وقت هم برای عمره تمتع باقی است و استطاعت مالی هم دارد علاوه بر اجرت نائب، بایـد خودش عمره تمتع و حـج را به‌جا آورد و در این صورت نائب موظف به انجام حـج نیست، بلکه حجش برای منـوب‌عنه صـحیح نیسـت و اجرت انجـام عمره و بـاز گشت را طلبکـار اسـت و اگر وقت عمره گذشـته و یـا راه برای منـوب‌عنه مسدود است، نایب باید حج‌را هم انجام دهد و مجزی از منوب‌عنه و مستحق تمام اجرت است. (۲)

وظیفة النائب فی طواف النساء

الإمام الخمینی قدس سره: نائب در طواف نساء نیز باید قصد منوب‌عنه بنماید و احتیاط استحبابی قصد ما فی‌الذمّة. (۳)

السید الگلپایگانی قدس سره: بقصد منوب‌عنه انجام دهد. (۴)

السید السیستانی: یأتی بطواف النساء عن المنوب‌عنه لا عن نفسه. (۵)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: ولو أتی النائب بطواف النساء عن المنوب عنه کفی والأحوط أن یأتیه بقصد الأعم، یعنی بقصد ما هو الوظیفة. (۶)

الشیخ الصافی: باید به قصد منوب‌عنه انجام دهد. (۷)

الشیخ الوحید: یأتی به بقصد المنوب عنه لا عن نفسه. (۸)

طواف نساء به‌قصد منوب‌عنه

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- ص ۳۲، طبع پنجم.

۴- احکام عمره، ص ۸۹

۵- ص ۲۱۰

۶- ص ۲۰۵

۷- الألف، ص ۵۸

۸- ص ۱۷۶

ص: ۴۹

الإمام الخمینی قدس سره: نائب در طواف نساء نیز باید قصد منوب‌عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به‌قصد مافی‌الذمّهٔ به‌جا آورد.

السید الگلپایگانی قدس سره: نایب باید طواف را به‌قصد منوب‌عنه انجام دهد. (۱)

السید السیستانی: والنائب عن الغیر فی الحجّ یأتی بطواف النساء عن المنوب‌عنه لا عن نفسه. (۲)

السید الشبیری: نائب در تمام اعمال حج حتی طواف نساء باید نیت منوب‌عنه نماید. (۳)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: ولو أتی النائب فی الحج عن الغیر لطواف النساء عن المنوب‌عنه کفی والأحوط أن یأتیه بقصد الأعم یعنی بقصد ما هو الوظیفهٔ. (۴)

الشیخ الصافی: موافق است با السید الگلپایگانی قدس سره. (۵)

الشیخ الفاضل: با حضرت امام موافق است. (۶)

الشیخ المکارم: با حضرت امام موافق است. (۷)

الشیخ النوری: نفس عبارت امام است. (۸)

الشیخ الوحید: والنائب عن الغیر یأتی بطواف النساء عن المنوب عنه لا عن نفسه. (۹)

جواز النیابهٔ للنائب فی أثناء عمله لغیر المنوب عنه

۱- احکام، ص ۸۹ و شفاهی.

۲- ص ۲۱۰

۳- ص ۲۲ وفی العربی فرع ۷۰

۴- ص ۲۰۵

۵- احکام، ص ۸۹

۶- مناسک محشی، م ۱۵۲

۷- م ۶

۸- م ۶

۹- ص ۱۷۶، م ۴۱۴

ص:۵۰

فی الوسائل فی باب ۲۱ من أبواب النیابة: عن صفوان بن یحیی الأزرق، قلت لأبی الحسن علیه السلام فی الرجل یحجّ عن الرجل أیصحّ أن یطوف عن أقاربه؟ قال علیه السلام: إذا قضی مناسک الحجّ فلیصنع ما شاء.

السید الخوئی قدس سره: لا بأس للنائب بعد فراغه من أعمال الحج النیابی أن یأتی بالعمرة عن نفسه أو غیره کما لا بأس أن یطوف عن نفسه او عن غیره. (۱) ووافق هذا المتن السید الگلپایگانی فی مناسک العربی (۲) والسید الخامنئی (۳) والسید السیستانی (۴) والشیخ البهجت. (۵)

السید الشبیری: یجوز للأجیر فی الحج أو العمرة أن یطوف عن نفسه أو عن غیره ولو فی أثناء الحجّ أو یسعی أو یرمی أو یذبح کما إذا کان علیه قضاء بعض منها. (۶)

أقول: در سال ۱۴۲۳ ه ق همین مسأله از مراجع عظام استفتاء شد که استفتاء کتبی آنها موجود است؛ غالباً مراجع جواب مثبت دادند که مانع ندارد برای نائب در اثناء عمل نیابی خود برای خود یا دیگری طواف به‌جا آورد. مراجع مشارالیهم حضرات آقایان تبریزی، بهجت، فاضل، صافی و سیستانی.

قد یستظهر الخلاف ممّا فی مناسک السید الخوئی وجمع آخر.

آمدن نائب به بلد قبل از موسم برای حج بلدی

الإمام الخمینی قدس سره: چند ماه قبل کافی است. (۷)

السید الگلپایگانی قدس سره: کافی‌است (۸) ودر مناسک‌جدیدص ۹۷ م ۲۴۲: کافی است.

۱- م ۱۲۹

۲- ص ۶۱

۳- م ۶۴

۴- م ۱۲۹

۵- م ۱۲۶

۶- ص ۲۳، الفرع ۸۸

۷- نیابت، ص ۶۹، م ۳۷

۸- شفاهی.

ص: ۵۱

السید السیستانی: یتوجّه الأجیر إلی بلد المیت قبل موعد الحج بشهر مثلًا ثمّ رجع إلی بلده قاصداً به الشروع فی سفر الحج یجزیه حجّه ویکون حجّه بلدیاً. (۱)

السید الشبیری: با چنین آمدنی حج شخص، حج بلد محسوب نمی‌شود، مگر در بعضی از فروض نادره. (۲)

*** الشیخ الصافی: اگر وطن خودش یا محل دیگر که به آن‌جا می‌رود در مسیر مکه‌معظمه باشد واز بلد منوب‌عنه به‌قصد مکّه معظمه حرکت کرده باشد، کافی است. (۳)

الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: چند ماه قبل به بلد منوب‌عنه رفته است کافی است. (۴)

الشیخ النوری: س: چند ماه قبل از حج به بلد آمده به‌قصد منوب عنه؛ ج:

کافی است.

عمره و حج به نیابت حضرت حجت علیه السلام

الإمام الخمینی قدس سره: حج به نیابت حضرت ولی عصر علیه السلام هرچند در موقف تشریف داشته باشند اشکال ندارد. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: جواز آن بعید نیست. (۶)

السید السیستانی: یجوز الإتیان بالحج والعمرة نیابةً عن مولانا صاحب العصر والزمان علیه السلام. (۷)

السید الشبیری: انجام عمره و حج و نماز مستحبی اشکال ندارد، ولی انجام طواف مستحبی از طرف کسانی که در موسم حضور دارند صحیح نیست و انجام

۱- الملحق، ص ۲۴

۲- کتبی.

۳- کتبی - حاشیه.

۴- مناسک محشی، ص ۷۱، م ۲۷

۵- نیابت، م ۳۱

۶- احکام، ص ۹۲

۷- الملحق، ص ۳۰

ص: ۵۲

طواف و اهداء ثواب آن به پیشگاه مبارك حضرت ولی‌عصر توفیق بزرگی است. (۱)

*** الشیخ الصافی: حاشیه ندارد. (۲)

الشیخ الفاضل: موافق با امام قدس سره است.

الشیخ المکارم: به امید مطلوبیت (حاشیه)

الشیخ النوری: با امام موافق است.

احرام الحائض وإتيان المناسک مع النيابة

السید السیستانی: س: إذا کانت المرأة حائضاً وهی تعلم أنّ الرفقة لا ینتظرونها للإتیان بأعمال العمرة المفردة بعد طهرها فهل یجوز لها من أوّل الأمر أن تقصد الإحرام ثمّ تستنیب للطوافین؟ ج: الإستنابة فی مفروض السؤال محل إشکال. (۳)

*** الشیخ البهجت: در حال حیض احرام بستن مانع ندارد، لذا پس از ورود به مکه اگر فرصت صبر دارد، باید صبر کند والّا برای طواف‌ها استنابه کند. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: فرقی بین حیض بعد از احرام و قبل از احرام نیست؛ محرم می‌شود و برای طواف‌ها استنابه می‌کند. (۵)

الشیخ الفاضل: فی مفروض السؤال (زن نمی‌تواند از کاروان جدا شود) إذا کانت المرأة فی المدینة أو جدّة ولا تقدر علی مفارقة الرفقة وملزمة بدخول مکّة فتحرم وتستنیب للطواف والصلاة وأمّا إذا کانت فی مکّة فصحّة إحرامها فی الفرض مشکلة، نعم لو أحرمت جهلًا بالمسألة فعلیها الإستنابة لهما. (۶)

ملحقات نذر

نذر احرام از جدّه در تهران

۱- ص ۲۷

۲- احکام، ص ۹۲

۳- الملحق الأول، ص ۱۰۳

۴- شفاهی.

۵- شفاهی.

۶- الجامع، ص ۶۹

ص:۵۳

ص:۵۴

ص:۵۵

س: در تهران نذر می‌کند که من از جدّه محرم می‌شوم؛ آیا این نذر صحیح است؟

السید الشبیری: بلی صحیح است به‌شرط این‌که در مسیرش میقات قرار نگیرد. (۱)

*** الشیخ البهجت: در عمره تمتع و در حج افراد چون محرز نیست که جدّه قبل از میقات باشد این نذر اشکال دارد، ولی در عمره مفرده بنابر این‌که میقات عمره مفرده برای نائی هم مواقیت معروفه و هم أدنی الحل باشد نذر مذکور مانع ندارد، ولی بنابر این‌که ادنی‌الحل برای نائی میقات نباشد، نذر صحیح نیست و این مبنی صحیح است. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: چون‌که محرز نیست جدّه قبل از میقات باشد، نذر

۱- کتبی.

۲- کتبی.

ص: ۵۶

منعقد نمی‌شود. (۱)

الشیخ الصافی: صحیح نیست. (۲)

احرام حائض با نذر قبل از میقات

الإمام الخمینی قدس سره: زن‌های حائض می‌توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند و لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی باید با اذن شوهر باشد. (۳)

السید الخوئی قدس سره: اگر شوهر از نذر زن جلوگیری نماید، زن نمی‌تواند در صورتی که وفاء به نذرش منافی با حق شوهر باشد نذر کند. (۴)

السید الگلپایگانی قدس سره: موافقت شوهر با زن در انجام حج کفایت از اذن می‌کند، زیرا صحت حج او متوقف است بر نذر احرام قبل از میقات. (۵)

السید السیستانی: یصحّ نذرها إذا لم تکن منافیاً لحق الزوج فی الإستمتاع کما لو کان بعیداً عنها خلال هذه الفترة. (۶)

السید الخامنئی: لا بأس بنذر الزوجة بلا إستیذان من زوجها فیما لو کان غائباً عنها. (۷)

السید الشبیری: برای کسی که از میقات عبور می‌کند نذر احرام قبل از میقات صحیح نیست.

*** الشیخ البهجت: زن حائض می‌تواند قبل از میقات با نذر محرم شود اگرچه نائب باشد. (۸)

الشیخ التبریزی قدس سره: حائض می‌تواند قبل از میقات با نذر محرم شود و

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- ص ۸۱

۴- توضیح ص ۴۶۹

۵- شفاهی.

۶- الملحق الأول، ص ۶۴

۷- ص ۲۰

۸- ص ۷ ملحق.

ص: ۵۷

چنان‌چه نذر او منافی حق زوج نیست، مانعی ندارد. (۱)

الشیخ الصافی: نذر احرام قبل از میقات صحیح است و باید به آن وفا کند. (۲)

الشیخ الفاضل: إذا نذر الإحرام قبل المیقات فانّه یجوز ویصحّ ویجب العمل به ولا یجب تجدید الإحرام فی المیقات. (۳)

الشیخ المکارم: احرام از داخل مسجد واجب نیست، بنابراین زن‌های حائض می‌توانند در بیرون مسجد محرم شوند. (۴)

الشیخ النوری: زن‌های حائض می‌توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند، ولی باید با اذن شوهر باشد. (۵)

الشیخ الوحید: الأول أن ینذر الإحرام قبل المیقات من مکان معین فانّه یصحّ ولا یلزمه التجدید فی المیقات ولا المرور علیه. (۶)

نذر زوجه

الإمام الخمینی قدس سره: احرام قبل از میقات صحیح است و زن‌های حائض می‌توانند در مدینه با نذر محرم شوند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد. (۷)

السید الگلپایگانی قدس سره: یمین زوجه و نذر او بدون اذن زوج منعقد نمی‌شود. (۸)

السیدالخوئی قدس سره و السید الگلپایگانی قدس سره: احرام از خارج مسجد صحیح است. (۹)

السید الشبیری: برای کسی که از میقات یا نزدیک میقات می‌گذرد نذر احرام قبل از میقات صحیح نیست. (زن حائض می‌تواند خارج مسجد محرم شود و هم می‌تواند در حال عبور در مسجد محرم شود) (۱۰)

۱- ص ۲۶

۲- ص ۳۴

۳- تحریر، ۷۳

۴- ص ۳۴

۵- ص ۹۲

۶- ص ۷۲

۷- میقات، م ۱۳

۸- احکام، ص ۷۰

۹- مناسک.

۱۰- ص ۴۲

ص: ۵۸

الشیخ البهجت: زن‌هایی که به‌واسطه عادت زنانه معذورند می‌توانند قبل از میقات با نذر محرم شوند، هرچند نائب باشند (۱) و در صورتی که منافی با حق زوج نباشد می‌تواند بدون اذن نذر کند. (۲) و در توضیح ص ۴۲۷ نذر زن بدون اجازه شوهر بنابر احتیاط واجب وصفاً منعقد می‌شود.

منه أیضاً: الذین یسافرون إلی جدّة بالطائرة وکان ذهابهم إلی الجحفة أو غیرها من المواقیت شاقاً علیهم یجزیهم الإحرام من جدّة بالنذر. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر شوهر حاضر نباشد استیذان لازم نیست. (۴)

الشیخ الصافی: یمین زوجه بدون اذن زوج منعقد نمی‌شود و اما نذر زوجه در غیر آن‌چه متعلّق حق زوج است، خصوصاً در غیر مالیات حکم یمین را داشته باشد اشکال است. (۵)

الشیخ الفاضل: حاشیه ندارند.

الشیخ المکارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد، اجازه لازم نیست. (۶)

منه أیضاً: احرام در خارج مسجد جایز است. (۷)

الشیخ النوری: در مناسک محشی حاشیه ندارند. (۸)

نذر احرام قبل از میقات برای نائب

الإمام الخمینی قدس سره: چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زن‌های حائض می‌توانند در مدینه با نذر محرم شوند. (۹)

۱- جدید، ص ۷.

۲- س ۲۸.

۳- ص ۱۹۷.

۴- شفاهی.

۵- م ۱۷۰.

۶- محشی، م ۱۳.

۷- محشی، ص ۱۰۷، م ۱۳.

۸- میقات، م ۱۳.

۹- متفرقه میقات، ۱۳.

ص: ۵۹

السید الخوئی قدس سره: یجوز الإحرام لساکن جدّة للمفردة والتمتع إذا یبقی فیها مدة یصدق انّ منزله فیها.

ووافقه الشیخ التبریزی قدس سره ثمّ قال: إذا شک فی صدق العنوان لابد أن یذهب إلی أحد المواقیت. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: نذر احرام قبل از میقات برای نائب هم جایز است. (۲)

السید السیستانی: فی سؤال ۱۰۱ فی الملحق: وهل یشرع النذر فی المواقیت المعلومة سواء کان النذر قبل الوصول إلیها أم بعده؟ ج: ... کما یصحّ الإحرام بالنذر قبل الوصول إلی المواقیت المعلومة وکذا نذر الإحرام فی المواقیت نفسها. (۳)

السید الشبیری: بر کسی که از میقات یا نزدیک میقات عبور می کند لازم است از میقات محرم شود و نمی‌تواند به نذر قبل از میقات محرم شود. (۴)

*** الشیخ البهجت: نذر احرام قبل از میقات جایز است، هرچند نایب باشد. (۵)

الشیخ الصافی: با نظر آقای گلپایگانی قدس سره موافق است.

الشیخ الفاضل: با نظر مرحوم امام قدس سره موافق است.

الشیخ المکارم: اگر نذر کند که از محلی پیش از میقات احرام ببندد جائز است و باید از همان‌جا محرم شود. (۶)

الشیخ النوری: با نظر مرحوم امام قدس سره موافق است.

الشیخ الوحید: یصحّ أن ینذر الإحرام قبل المیقات من مکان معیّن ولا یلزمه التجدید فی المیقات ولا المرور علیه ولا فرق فی ذلک بین الحج الواجب والمندوب والعمرة المفردة؛ نعم إحرام الحجّ وعمرة التمتع لابد أن یکون فی أشهر الحجّ. (۷)

با نذر احرام در ایران لازم نیست به میقات برود

۱- الصراط، ج ۲، ص ۲۱۸

۲- ص ۸۹ احکام.

۳- ص ۵۵

۴- م ۱۱۵

۵- مسائل جدید، ص ۷

۶- مناسک محشی، ص ۱۰۰

۷- ص ۷۲

ص: ۶۰

السید السیستانی: نـذر صـحیح است و احرام هم محقق می‌شود و لاـزم نیست به میقـات برود مگر بدانـد که مجبور می‌شود در روز سوار هواپیما یا ماشین مسقف بشود که صحت نذر در این‌صورت محل اشکال است و نیز بنابر احتیاط در شب‌های بارانی. (۱)

السید الشبیری: اگر مرور به میقات نکند احرام او صحیح است. (۲)

السید الخامنئی: بلی نذر او صحیح است، باید در ایران محرم شود و رفتن به میقات لازم نیست. (۳)

*** الشیخ البهجت: می‌تواند با نذر احرام در ایران محرم شود و رفتن میقات لازم نیست. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: نذر مذکور صحیح است و رفتن به میقات لازم نیست. (۵)

الشیخ الصافی: نذر مذکور صحیح است و رفتن به میقات لازم نیست. (۶)

الشیخ الفاضل: مانعی ندارد، مشروط بر این‌که احرام در ایران مستلزم انجام محرمات احرام مثل سفر در زیر سایبان در روز نباشد والّا احتیاط آن‌است که نذر نکند و محرم نشود و در فرض صحت رفتن به میقات لازم ندارد. (۷)

الشیخ النوری: نذر و احرام او صحیح است و رفتن به میقات لازم نیست. (۸)

نذر الصيام فی حال السفر

۱- مهر دفتر.

۲- مهر شخصی.

۳- مهر خاص.

۴- مهر دفتر.

۵- مهر شخصی.

۶- مهر شخصی.

۷- مهر دفتر.

۸- مهر شخصی.

ص: ۶۱

السید الگلپایگانی قدس سره: شفاهاً فرمودند: اشکال ندارد.

السید السیستانی: فرع ۴۴ در دفتر استفتاءات: س: در جواز صوم در سفر فرق است بین آن‌که قبلًا نذر کرده باشد یا این‌که در حال سفر هم می‌تواند نذر کند؟ ج: فرق نمی‌کند، ولی اگر در اثناء روز بخواهد نذر روزه همان روز را بکند، صحت آن محل اشکال است.

السید الخامنئی: می‌تواند برای روزه نذر کند و در این‌صورت اعتکاف مانع ندارد. (۱)

السید الشبیری: بلی می‌تواند بعد از سفر نذر کند که در همان سفر روزه بگیرد و معتکف شود. (۲)

*** الشیخ البهجت: می‌تواند پس از وارد شدن به مکه مکرّمه با نذر به اعتکاف بپردازد. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: نذر روزه در حال سفر اگر روزه واجب در ذمّه نداشته باشد اشکال ندارد. (۴)

الشیخ الصافی: محل اشکال است. (۵)

الشیخ المکارم: بدون قصد اقامه ده روز، گرفتن روزه اشکال دارد. (۶)

نذر برای کعبه مقدسه و ضرایح مقدسه

السید الخوئی قدس سره: س: هل یجوز رمی النقود بأضرحة الأئمّة المعصومین علیهم السلام؟

ج: نعم یجوز وأمّا لو نذر فلا یصحّ نذره. وفی مسألة ۱۰۴۸: أمّا النذورات

۱- المصدر.

۲- المصدر.

۳- المیقات، ص ۳۸.

۴- شفاهی.

۵- جامع الاحکام.

۶- المصدر.

ص: ۶۲

المخصصة للسیدة زینب علیها السلام والعباس علیه السلام أو أحد الأئمّة علیهم السلام المقیدة بوضعها فی القفص أو المطلقة کیف یصرف؟ ج: ربّما لا یکون للوضع فی القفص رجحان فلا ینعقد النذر وأمّا النذر المطلق لمن ذکر فمصرفه الإنفاق علی حرمه أو علی زوّاره الفقراء ونحو ذلک. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: به‌مصرف زوار محتاج برسانند و نذر ضرایح مقدسه را هم اگر نمی‌توانند به نحو مطلوب عمل نمایند به زائرینی که محتاج هستند برسانند. (۲)

السید الشبیری: محصل جواب: اگر در زمانی که تولیت اماکن مقدسه به نحو شرعی باشد جایز است تحت اختیار آنان قرار دهد والّا برحسب عرف محل اگر قصد ناذر روشن نشود به مصرف زواری که محتاجند برسانند مطابق احتیاط است. (۳)

*** الشیخ البهجت: اگر برای حرم امامان علیهم السلام ویا امامزادگان نذر کرده باید به مصرف تعمیر و روشنایی و فرش حرم و مانند اینها برسد و اگر برای خود امامان نذر کرده و مصرف معینی ذکر نکرده باید به فقرا و زوار بدهند یا به مصرف مسجد و مانند آن برسانند و ثواب آن‌را برای امام علیه السلام هدیه کنند. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: به مصرف فقرا و زوّار مؤمنین برسانند. (۵)

ملحقات احرام

متفرقات احرام

۱- صراط النجاة، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲- شفاهی.

۳- کتبی.

۴- توضیح ص ۴۲.

۵- ص ۳۷۸ صغیر.

ص:۶۳

ص:۶۴

ص:۶۵

فی العروة: الأقوی جواز الإحرام من خارج المسجد إختیاراً.

الإمام الخمینی قدس سره: احتیاط واجب احرام از داخل مسجد است.

السید السیستانی: احوط آن است که احرام در داخل مسجد بسته شود و احرام در خارج مسجد برای غیر زن حائض و کسی که حکم او را دارد کافی نیست.

السید الخامنئی: لا یجزی الإحرام من خارج مسجد الشجرة (۱) وأمّا المرأة ذات العذر فعلیها الإحرام من الجحفة أو محاذاتها ویجوز الإحرام بالنذر من منزلها فی المدینة المنورة (۲) و در ص ۱۲: احرام از مسجد فعلی کافی است.

السید الشبیری: بنابر احتیاط لازم باید نیت احرام و نماز احرام را در داخل مسجد به‌جا آورد. (۳) و باید احرام بعد از نماز باشد و فرقی بین نماز واجب و مستحب نیست. و زن حائض می‌تواند خارج مسجد محرم شود و

۱- ص ۱۹

۲- ص ۲۰

۳- ص ۴۲

ص: ۶۶

می‌توانـد هم در حال عبور در مسـجد محرم شود. و بنابر احتیاط، غسل احرام هم لازم است و بعـد از غسل مردها از لباس و زن‌ها از روبند اجتناب کنند والّا باید مجدداً غسل کنند.

*** الشیخ البهجت: در حال اختیار باید از مسمّی به مسجد الشجرهٔ محرم شود.

والأحوط الإحرام من المسجد القدیم مع الإمکان.

الشیـخ التبریزی قـدس سره: ویجوز الإحرام من خـارج المسـجد محاذیـاً له من الیمین أو الیسـار. (۱) وفی الضـمیمهٔ: لاـ یلزم دخول المسجد.

الشیخ الصافی: بهتر بلکه احوط احرام از داخل مسجد است (۲) و از بیرون مسجد هم کافی است. (۳)

الشیـخ الفاضل: اگر امکان نداشـته باشـد یعنی مسـجد دو درب نداشـته باشـد یا امکان عبور از مسـجد به‌جهت ازدحام و موانع دیگر نباشد، کنار مسجد محرم شوند و در این فرض تجدید احرام در جحفه یا محاذات آن لازم نیست. (۴)

الشیخ المکارم: در کنار مسجد هم می‌توان محرم شد و تفاوتی بین مسجد قدیم و جدید نیست. (۵)

الشیخ النوری: احتیاط واجب احرام از داخل مسجد است. (۶)

الشیخ الوحید: والأحوط الأفضل الإحرام من مسجدها المعروف بمسجد الشجرهٔ. (۷)

أقول: وافق متن العروهٔ، السید الخوئی والسید الگلپایگانی طاب ثراهما.

لأحوط لزوم الغسل للإحرام

۱- ص ۸۰

۲- ص ۲۲

۳- کتبی.

۴- مناسک محشّی، م ۲۴۷

۵- ص ۳۴

۶- ص ۸۹

۷- ص ۶۱

ص: ۶۷

فی العروة: یستحب قبل الشروع فی الإحرام أمور: ... الثالث: الغسل.

السید الشبیری: به‌نظر این‌جانب غسل برای احرام وجوب شرطی دارد و اگر غسل نکنند احرام محقق نمی‌شود.

صلاة الإحرام

فی العروة: الرابع: أن یکون الإحرام عقیب صلاة فریضة أو نافلة وقیل بوجوب ذلک.

مؤلّف: کان السید الشبیری دام ظلّه قائلًا بوجوب الشرطی للغسل والصلاة للإحرام وأنّ الإحرام لا یتحقق بدونهما ولکنه دام ظله رجع عن الفتوی إلی الإحتیاط وقال بجواز الرجوع إلی الغیر (المناسک الأخیر).

الإحرام فی الطیارة

س: شخصی از لبنان با هواپیما وارد جده شده ودر طیاره مقابل جحفه یا شجره احرام بسته کافی است یا نه و اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده محکوم به صحت است یا نه؟

السید الشبیری: ظاهراً کافی نیست و عمره تمتع وی صحیح نمی‌باشد. (۱)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: احرام از محاذات فضایی اشکال دارد، هرچند قریب باشد. (۲)

۱- کتبی.

۲- کتبی.

ص: ۶۸

الشیخ البهجت: کفایت احرام از فوق مسجد شجره محل اشکال است، بلکه منع است و حکم کسی را دارد که بدون احرام اعمال را انجام داده است. (۱)

الشیخ الصافی: صحت‌احرام به‌نحو مذکور به نظر این‌جانب محل اشکال است (۲).

الشیخ المکارم: صدق محاذات مشکل است. (۳)

آیا احرام از محاذات هوایی مجزیء است؟

السید الگلپایگانی قدس سره: محاذات در فضا میسور نیست.

السید السیستانی: بنابر احتیاط واجب مجزی نیست. (۴)

السید الشبیری: احرام در مقدار هوایی که عرفاً تابع زمین است مجزی است و در غیر این فرض مجزی نیست. (۵)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: مجزی نیست. (۶)

الشیخ البهجت: مجزی نیست؛ (۷) در سؤال از معظم‌له به‌طور شفاهی: جواز بعید نیست.

الشیخ الصافی: اگر محاذات را تشخیص بدهد مجزی است. (۸)

الشیخ الفاضل: مشکل است، چون هواپیما مکث و توقف ندارد. (۹)

الشیخ المکارم: در مسأله محاذات میقات فرقی میان صحرا و دریا نیست. (۱۰)

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- شفاهی.

۴- مهر دفتر.

۵- مهر شخصی.

۶- کتبی.

۷- مهر دفتر.

۸- کتبی.

۹- شفاهی.

۱۰- ص ۱۰۲، م ۲۵۶.

ص: ۶۹

و فی مناسک العربی ص ۴۱: لا فرق فی مسألة المحاذات بین الصحرا والبحر والهواء، فإذا عبر بالطائر ...

احرام در ماهی و احلال در ماه دیگر

س: شخصی قبل از غروب آفتاب شب اول ماه، محرم شد به احرام عمره مفرده و اعمال مکه را در ساعات اولیه ماه جدید انجام داد، این عمره به‌حساب کدام‌یک از دو ماه محسوب می‌شود و اگر بعد از غروب محرم شد چه نحو خواهد بود؟

السید السیستانی: به‌حساب ماهی که در آن محرم شده. (۱)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: در فرض اول که قبل از غروب شب اول ماه، محرم شده، عمره از ماه قبل محسوب می‌شود و در فرض دوم که بعد از غروب آفتاب محرم شده از ماه جدید محسوب می‌شود. (۲)

الشیخ الصافی: اگر قبل از غروب شرعی (مغرب) محرم شده عمره ماهی است که هنوز آفتاب آن غروب نکرده و اگر بعد از غروب شرعی محرم شده، عمره ماه بعد محسوب می‌شود. (۳)

الشیخ الفاضل: ظاهراً در هردو فرض اعمال عمره مربوط به ماه جدید است و تا ماه آینده نمی‌تواند مجدداً عمره به‌جا آورد. (۴)

الشیخ المکارم: بعید نیست که معیار همان ماهی بوده که احرام در آن بسته شده است، هرچند احتیاط آن است که عمره ماه بعد را رجاءً به‌جا آورد. (۵)

الشیخ النوری: به‌حساب ماهی‌محسوب می‌شود که در آن احرام بسته است. (۶)

أقول: به‌نظر حقیر باید ببینیم از نصوص چه استفاده می‌شود؛ آیا میزان را احرام در شهر قرار داده یا احلال از آن؟

الجنون بعد الإحرام

۱- مهر دفتر.

۲- مهر خاص.

۳- مهر خاص.

۴- مهر دفتر.

۵- مهر خاص.

۶- مهر خاص.

ص: ۷۰

السيد السيستانى: س: امرأة جنيت فى عرفات، ما هى وظيفة زوجها وهو معها؟ ج: إذا كان جنونها بعد إدراك مسمّى الوقوف أو أنّها أفاقت فيها بحيث أدركت الوقوف لزم على الزوج بأخذها إلى المزدلفة فإن أفاقت هناك وأدركت إختيارى المشعر أو إضطراريه فقد أدركت الحجّ فإن أفاقت من جنونها وتمكّنت من الإتيان ببقيّة المناسك فهو وإن عادت إلى الجنون فحينئذٍ يستنيب لها من يأتى عنها ببقية المناسك ويتمّ حجّها. (۱)

السيد الشبيرى: حكم مغمى عليه را دارد براى او استنابه كنند. (۲)

*** الشيخ البهجت: بعيد نيست كه بر طبق قاعده بگوييم اين احرام منعقد نشده، چه عمره مفرده و چه عمره تمتع ولكن احوط استنابه است براى عمره. (۳)

الشيخ التبريزى قدس سره: با فرض اين‌كه زن بعد از احرام جنون پيدا كرده و مستمر است خود زن تكليفى ندارد و شوهر هم فعلًا تكليفى درباره زوجه ندارد و اصل احرام او باطل است براى اين‌كه احرام‌بستن براى انجام عمره است و اين واجب ارتباطى است و مركب است و در صورتى‌كه متمكن نباشد اين احرام (وقع غير صحيح) و اگر زوج بخواهد مباشرت كند مانع ندارد. (۴)

الشيخ الفاضل: بعيد نيست كه بگوييم اين جنون بعد از احرام كشف از بطلان احرام مى‌كند، پس نه زن تكليفى دارد و نه زوج و مباشرت زوج هم مانع ندارد. (۵)

محاذات الميقات (در زمين و دريا و فضا)

۱- الملحق الثانى، ص ۱۴۰.

۲- شفاهى.

۳- شفاهى.

۴- شفاهى.

۵- شفاهى.

ص:۷۱

السید الگلپایگانی قدس سره: یافتن محاذات میقات در هواپیما میسور نیست تا بتوان از آن‌جا محرم شد. (۱)

السید السیستانی: محاذاة أحد المواقیت، فإن من سلک طریقاً لا یمرّ بشیء من المواقیت السابقة إذا وصل إلی موضع یحاذی أحدها أحرم من ذلک الموضع. (۲) وفی الملحق الثانی ص ۲۲: یمکن تصویر المحاذاة من جهة الفوق کما إذا مرّ بالطائرة علی سماء المیقات وأمکن التوقف هناک بمقدار أداء التلبیة لکن فی کفایتها إشکال.

السید الشبیری: کسی که از میقات و یا نزدیک میقات عبور نمی‌کند، قبل از رسیدن به حرم محرم شود و لازم نیست محاذات میقات باشد، چه قبل و چه بعد. (۳)

*** الشیخ البهجت: باید از محاذات اولین میقات نزدیک به خود محرم شود. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس العبارة إلّاانّه فی آخر الفرع ... ولکنّه غیر بعید إذا لم یکن الفصل کثیراً (۵).

منه أیضاً: احرام از محاذات میقات در فضا کافی نیست. (۶)

الشیخ الفاضل: من لم یمرّ علی أحد المواقیت جاز له الإحرام من محاذاة أحدها. (۷)

الشیخ‌المکارم: کسانی که از میقات عبور نمی‌کنند در محاذی اولین میقات

۱- ص ۱۲۶، م ۲۹۰ اخیر

۲- ص ۸۲

۳- م ۱۱۶

۴- ص ۶۶

۵- ص ۱۸۳

۶- ص ۳۴۱ صغیر.

۷- ص ۷۱

ص: ۷۲

باید محرم شوند و فرقی در محاذات میان صحرا و دریا و هوا نیست. (۱)

الشیخ النوری: اگر به هیچ یک از مواقیت عبور نکند باید از محاذات میقات احرام بندد. (۲)

الشیخ الوحید: نفس العبارهٔ. (۳)

احرام از خارج مسجد شجره

س: خانمی به‌خیال این‌که حائض است خارج مسجد شجره محرم شده و عمره تمتع را انجام داده، فعلًا فهمیده که حائض نبوده و وظیفه او احرام از داخل مسجد بوده، تکلیف چیست؟

السید السیستانی: الأحوط الإحرام من مسجد الشجرهٔ وعدم کفایهٔ الإحرام من خارج المسجد لغیر الحائض ومن بحکمها. (۴)

السید الشبیری: احرام او باطل است و اگر ممکن باشد به مسجد شجره مراجعت کرده نماز و غسل احرام به‌جا آورد و در مسجد نیت کند و نماز بخواند و در آن‌جا یا هر جای ذوالحلیفه تلبیه بگوید و احرام بعد از هر نمازی کافی است. (۵)

*** الشیخ البهجت: حکم کسی را دارد که بدون احرام اعمال را انجام داده که در مناسک ذکر شده و اعمالش صحیح است. (۶)

منه أیضاً: در جامع المسائل ص ۲۳۲ ملخصاً: اگر عذری داشت از احرام بستن در میقات مثل فراموشی یا عذر دیگر که مسوّغ ترک باشد ظاهراً از قبیل مرض و جهل به موضوع بدون تقصیر و ظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر پس بعد از زوال عذر اگر رجوع به میقات ممکن باشد برمی‌گردد والّا از همان جای خود می‌بندد و اگر متذکر نشد مگر بعد از تمام اعمال صحت بعید

۱- ص ۳۸ و ۳۹

۲- ص ۸۵

۳- ص ۷۱

۴- ص ۸۰

۵- کتبی.

۶- کتبی.

ص: ۷۳

نیست در خصوص حج و در غیر حج محل تأمل است. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: در حال اختیار هم احرام از داخل مسجد لازم نیست. (۲)

الشیخ الصافی: به‌نظر این‌جانب احرام از خارج مسجد شجره یعنی پشت مسجد کافی است. (۳)

الشیخ الفاضل: احتیاط واجب آن است که داخل مسجد شجره محرم شوند نه خارج آن. (۴) احرام از قسمت توسعه‌یافته مسجد شجره هم صحیح است. (۵) حائض و نفساء می‌توانند در حال عبور محرم شوند و اگر نتوانند در حال عبور محرم شوند باید کنار مسجد محرم شوند. (۶)

جواز الإحرام مع العلم بإرتكاب المحرّم

السید الخوئی قدس سره: یجوز أن یحرم للعمرهٔ المفردهٔ أو التمتّع مع العلم بأنّه سیضطرّ إلی التظلیل المحرّم بعد الإحرام ولا تضرّ ذلک بصحهٔ إحرامه سواء کان فی الحج الواجب أو المستحب. (۷)

الشیخ التبریزی قدس سره: در متن مذکور با السید الخوئی قدس سره موافقت کرده‌اند.

تلبیهٔ الإحرام مع الریبهٔ

السید الشبیری: اگر زن اظهار تلبیه کند و در معرض ریبه و تلذذ باشد بنابر احتیاط حرام و باطل است. (۸)

اعزام به ایران بعد از انعقاد احرام

۱- حاشیه ملاحظه شود. معظم‌له بعد متعرض ترک عمدی شده است، به مدرک مذکور مراجعه شود.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- م ۲۴۴

۵- م ۲۴۵

۶- م ۲۵۰

۷- الصراط، ج ۲، ص ۲۳۰

۸- ص ۵۶

ص:۷۴

س: شخصی در جحفه حالش به‌هم خورد و از ادامه برنامه احرام مأیوس شد، فقط این مقدار شد که به زید وکالت بدهد برای نیابت حج- نائب برای آن مریض به مکه آمد و عمره تمتع را تمام کرده مریض پس از چند روز که در مکه معالجه شد بهتر شد، خود آن مریض را مجدداً به جحفه بردند و محرم شد و آمد مکه متأسفانه مجدداً قبل از شروع به عمره حالش به‌هم خورد و او را که محرم شده بود به ایران برگرداندند؛ مریض مزبور چه تکلیفی دارد؟ و نائب چه تکلیفی دارد؟ باقی اعمال را انجام بدهد یا نه؟ اجرت دارد یا نه؟

السید الشبیری: عمل نائب صحیح است و مریض نیز اگر قربانی یا پول قربانی به مکه یا منی بفرستد از احرام خارج می‌شود و به‌نظر این‌جانب قربانی در محل خود در ایران نیز می‌تواند ذبح کند و درنتیجه از احرام بیرون شود، ولی در این‌صورت برای حلال شدن زن باید بعداً خود مناسک را به‌جا آورد، به‌خلاف صورت اول که زن نیز به عقیده حقیر حلال می‌شود. (۱)

*** الشیخ البهجت: راه احتیاط این است که نائب حج را تمام نماید و نسبت به اجرت مصالحه کنند و مریض به وظیفه محصور عمل کند و کسی را نائب کند که برای او به نیت عمره مفرده اعمال آن را بدون احرام به‌جا آورد و پس از سعی و قبل از تقصیر به مریض اطلاع دهند که خودش تقصیر نماید. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: نیابت صحیح است و نائب مستحق اجرت است و در فرض مزبور که وقت عمره تمتع گذشته بر مریض چیزی نیست و چنان‌چه بعداً

۱- کتبی.

۲- کتبی.

ص: ۷۵

خوب شود، بنابر احتیاط خودش حجة الإسلام را به‌جا آورد. (۱)

الشیخ الصافی: در فرض سؤال نایب بایـد حـج تمتع را به نیابت از منوب‌عنه انجام دهـد و مسـتحق اجرت است و بر منوب‌عنه حکم محصور مترتب است و احتیـاط این است که منوب‌عنه علاوه بر انجـام وظیفه محصور کسـی را نـائب بگیرد که به نیابت از او اعمال عمره، یعنی طواف و نماز و سعی را انجام دهد و بعد منوب‌عنه را اعلام کنند تا تقصـیر کند برای خروج از احرام و بعد نائب طواف نساء را نیز احتیاطاً به نیابت از او انجام دهد. (۲)

نسک مستحبی بدون اذن زوج

س: زنی بدون اذن شوهر برای انجام حج مستحبی به مدینه آمده و شوهر می‌گوید راضی نیستم عمره یا حج به‌جا آوری؛ آیا این زن می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود یا نه؟ و از جانبی نمی‌تواند از کاروان جدا بماند، باید با کاروان باشد.

السـید الشـبیری: اگر زن تـوبه کرده باشـد، بـا احرام وارد مکه شود و عمره یـا حـج به‌جـا آورد و اگر از کـار خود توبه نکرده باشـد بی‌احرام وارد شود. (۳)

*** الشیخ البهجت: نمی‌تواند. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: باید در فرض مزبور محرم شود. (۵)

الشیـخ الصافی: در فرض سؤال که زن برای عبور از میقات مضـطرّ است بایـد محرم شود به عمره مفرده و چون عبور از میقات بدون احرام جائز نیست، شوهر حق نهی از محرم شدن زوجه‌اش را که مضطرّ برای عبور است ندارد. (۶)

حکم من دخل مکّة بغیر إحرام عامدا

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- کتبی.

۶- کتبی.

ص: ۷۶

السید الخوئی قدس سره: س: لو دخل مکّة بلا إحرام جهلًا منه بوجوب الإحرام ثمّ رجع إلی بلاده، هل یلزمه الرجوع إلی مکّة لأداء أعمال العمرة؟

ج: لا یجب علیه الرجوع. (۱) وفی الملحق، ص ۲۵۹: لو دخل مراراً بلا إحرام إنّه مذنب وعلیه الإستغفار فقط.

السید السیستانی: س: إذا دخل الحرم أو مکّةبغیر إحرام عمداً أو لعذرٍ فهل یکون بقاؤه فیه محرّماً لیجب علیه الخروج فوراً أم لا؟

ج: الظاهر انّ الدخول بغیر إحرام حرام حدوثاً لا بقاءً. (۲)

السید الشبیری: حرمت دخول در حرم و مکه معظمه بدون احرام برای عامد حرمت تکلیفی است و اثر وضعی ندارد. (۳)

منه أیضاً: فقط مخالفت حکم تکلیفی کرده، مثل این که بی‌وضو دست روی نوشته قرآن گذاشته؛ لازم‌نیست‌که وضو بگیرد و مجدداً با طهارت خط قرآن را مس کند. (۴)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: فقط مرتکب فعل حرام شده، ولی اثر وضعی ندارد. (۵)

الشیخ الفاضل: س: من دخل مکّة مراراً ولم یعتمر وکان هذا عن علم وعمد فهل یجب علیه أن یأتی بما فات أم انّه مذنب فقط؟

ج: لیس علیه شیء وانّما علیه الإستغفار من الذنب فحسب. (۶)

المرور فی فضاء الحرم للإحرام

۱- الصراط، ج ۳، ص ۵۶

۲- الملحق الأول، ص ۳۶

۳- شفاهی.

۴- شفاهی.

۵- شفاهی.

۶- جامع المسائل، ص ۱۱۵ و ص ۱۱۸.

ص: ۷۷

السید الخوئی قدس سره: س: هل یحرم المرور فی فضاء الحرم بالطائرهٔ بدون إحرام؟

ج: لا یحرم. (۱)

جواز الرجوع إلی المدینهٔ بعد الإحرام فی الشجرهٔ

السید الخوئی قدس سره: یجوز أن یحرم من الشجرهٔ ویعود إلی المدینهٔ ویسافر جواً من المطار. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: س: آیا جایز است که بعد از احرام در میقات به‌طرف خلاف مکه معظمه برود و بعد از چند روز بیاید برای مکه؟ ج: مانع ندارد. (۳)

السید السیستانی: س: هل یجوز لمن أحرم من مسجد الشجرهٔ أن یرجع بعد الإحرام إلی المدینهٔ المنورهٔ؟ ج: یجوز فی حد ذاته لکن یلزمه الإجتناب عن التظلیل المحرّم. (۴)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: وافق السید الخوئی قدس سره فی المتن.

نسیان احرام و تذکر قبل از افعال خمسه مکه

س: اگر احرام حج را فراموش کند و متذکر نشود، مگر بعد از اعمال منی و قبل از اعمال خمسه مکه تکلیف چیست؟ و اگر به همین نحو باقی اعمال را انجام

۱- الصراط، ج ۳، م ۴۴۱

۲- الصراط، ج ۲، ص ۲۰۲

۳- آداب و احکام، ص ۱۳۴

۴- ص ۴۴۱

ص: ۷۸

داد، حج مجزی است یا نه؟ اصیل باشد یا نائب؟

السید السیستانی: س: إذا نسی التلبیة فی إحرام الحجّ فتذکّر بعد أعمال منی وقبل الطواف فما حکمه؟

ج: یلبّی متی ما تذکّر ویأتی ببقیة المناسک ویصحّ حجّه (۱) وقال دام ظلّه فی ص ۷۳: وشمول هذا الحکم للعمرة المفردة محل إشکال، فراجع. وفی الملحق الأول، ص ۶۶، فی ذیل مسألة ۱۲۶: وکذا لو تذکّر أو علم بالحکم عند الوقوف بالمزدلفة فانّه یحرم من مکانه ...

السید الشبیری: ظاهراً به همین حال باقی را انجام دهد، حج مجزی است. (۲)

*** الشیخ البهجت: عمل را تمام کند و احتیاط آن است که به آن اکتفا نشود. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: حج مجزی است، ولی بنابر احتیاط اگر نائب اجیر باشد در اجرت به نسبت ترک احرام حج با مستأجر مصالحه کند. (۴)

الشیخ الصافی: در فرض مذکور باید به محض این‌که یادش آمد محرم شود، یعنی لبیک‌ها را بگوید و اعمال را تمام کند و در این حکم فرقی بین نائب و اصیل نیست و احتیاط این است که بعد از محرم شدن اعمال منی را (رمی و قربانی و حلق را) دوباره در حال احرام انجام دهد و از احرام خارج شود و سپس اعمال مکه را انجام دهد و اگر قبل از ظهر متوجه نشود که احرام را فراموش کرده، بعد از محرم شدن وقوف اضطراری مشعر را نیز انجام دهد. (۵)

فوت مُحرم بعد از دخول در حرم

الشیخ البهجت: اگر بعد از احرام و دخول حرم وفات نمود، مجزی از حجةالاسلام است و قضا ندارد. (۶) و احوط اقتصار بر متیقن است که وقوع موت در

۱- الملحق الثانی، ص ۷۲.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- کتبی.

۶- الجامع، ص ۱۸۳.

ص: ۷۹

حرم بعد از تلبّس به احرام باشد.

أقول: اگر بین الاحرامین بمیرد و یا محرماً خارج حرم بمیرد به‌نظر معظم‌له بایـد قضای آن به‌جا آورده شود و فرمودنـد: این حکم در عمره مفرده هم جاری است در صورتی که واجب باشد. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: إذا مات الحاج بعد دخول الحرم اجزأ عنه ویسقط وجوب القضاء ولو کان مستقراً علیه؛ فراجع. (أقول: وإن لم یکن فی حال الإحرام)

الشیخ الفاضل: مضی بعض کلامه.

الشیخ المکارم: اگر حاج بعد از احرام بمیرد، حج او قبول است، چه در حرم بمیرد و چه خارج از حرم؛ فراجع. (۲)

ملحقات طواف

الخروج عن المطاف

۱- المدرک.

۲- م ۹۸ و ۹۹.

ص: ۸۰

ص:۸۱

ص:۸۲

ص:۸۳

السيد الخوئی قدس سره: س: هل انّ الخروج إلی الرواق المحيط بالمطاف يعتبر خروجاً من المطاف ويأخذ حكمه؟

ج: لا مانع منه إذا لم يناف الموالاة. (۱)

فساد العمرة أو الحج

السيد الخوئی قدس سره: س: لو فسدت العمرة أو الحجة بمفسد ما، كما لو طاف من غير طهارة أو نسی صلاة الطواف أو ما شاكل ذلک جهلًا ولم يلتفت إلّابعد الوصول إلی وطنه فهل انّ إحرامه يفسد أو يبقی محرماً؟ وماذا يجب عليه حينئذٍ؟

ج: أمّا العمرة المتمتّع بها فيبطل إحرامها ببطلانها إذا التفت إليه فی وقت لا يتمكّن من تداركک نسكها قبل الوقوف بعرفات وأمّا إحرام الحجّ فيبطل بفساد طوافه

۱- الصراط، ج ۳، ص ۱۷۱.

ص: ۸۴

بعد تمام شهر الحجّ وأمّا إحرام العمرة المفردة فلا يبطل مادام يمكنه إعادة نسكها بنفسه وإلّا بنائبه ونسيان الصلاة لا يوجب البطلان فى حجّ أو عمرة ويصلّها أينما تذكّر. (۱)

*** الشيخ التبريزى قدس سره: يضاف إلى ذلك مقتضى بقائه على إحرامه فى العمرة المفردة- وإن رجع إلى وطنه- اجتناب محظورات الإحرام إلى أن يأتى بعمرة مفردة على الأحوط وجوباً فإن لم يكن قادراً على ذلك فيستنيب من يعتمر عنه. (۲)

الشيخ الفاضل: الإحرام باقية ويبقى هو محرماً إلى آخر الجواب الطويل. (۳)

دقّة العامة فى الوقت

فى صحيح ذريع المحاربى قال: قال لى أبوعبداللَّه عليه السلام: صلّ الجمعة بأذان هؤلاء فإنّهم أشد شىء مواظبة على الوقت. (۴)

مسّ جدار الحجر والبيت

الإمام الخمينى قدس سره: ضرر ندارد. (۵)

السيد الگلپايگانى قدس سره: احتياط استحبابى در ترک است. (۶)

السيد السيستانى: كما أنّ الأحوط الأولى أن لا يمدّ الطائف يده حال طوافه إلى جدار الكعبة وأن لا يضع يده على حائط الحجر. (۷)

۱- الصراط، ج ۳، ص ۱۷۱ وفى الملحق، ص ۲۹۴.

۲- الصراط، ج ۳، ص ۱۷۱ وفى الرابع، ص ۱۵۰.

۳- فراجع فى الجامع، م ۳۰۵.

۴- الوسايل، أبواب الأذان، باب ۳.

۵- ص ۱۱۶.

۶- شفاهى.

۷- ص ۱۵۸.

ص: ۸۵

السید الشبیری: بوسیدن خانه کعبه و دست گذاردن روی دیوار حجر و دیوار خانه کعبه از طرف شاذروان مانع ندارد. (۱)

*** الشیخ البهجت: احوط آن است که دست به جانب بیت دراز نکند و دست روی حجر نگذارد. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: گرچه احتیاط در ترک است، ولی اظهر جواز است. (۳)

الشیخ الصافی: احتیاط واجب ترك است. (این همان عبارت مناسك مرحوم السید الگلپایگانی قدس سره است) آیةاللّه صافی بر این عبارت حاشیه ندارند، ولی اصل این احتیاط وجوبی صحت ندارد به دو جهت: اول آن‌که در مناسک‌های قدیمی فقط کلمه احتیاط دارد نه وجوبی و ثانیاً در سال‌های اخیر که آن مرحوم مجدداً در این فرع بحث کردند و جواهر و نجاة العباد را ملاحظه نمودند تقویت کردند جانب جواز را و فرمودند: چون کلمه احتیاط را مرحوم شیخ در مناسک آورده‌اند همان‌طور باشد، ولی احتیاط را استحبابی قرار می‌دهیم و حقیر هم در آراء المراجع وجه مطلب را به‌طور اجمال ذکر کرده‌ام.

الشیخ الفاضل: دست به دیوار کعبه گذاشتن یا روی حجر جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند. (۴) وفی حول الحج، ص ۷۴: الأحوط إعادة ذلک المقدار ولو بعد رجوعه إلی بلده. (۵)

الشیخ المکارم: با عبارت مناسك امام موافق است. (۶)

الشیخ النوری: جایز نیست و باید آن قسمت را اعاده کند. (۷)

الشیخ الوحید: والأحوط إستحباباً أن لا یمدّ یده حال طوافه إلی جدار الکعبة

۱- ص ۶۲

۲- مناسک ص ۴۴، وفی المناسک العربی، ص ۱۲۴، فرع ۲۹۰

۳- م ۳۰۸ و ۳۰۹، مناسک جدید، ص ۱۷۸

۴- مناسک امام محشی، ص ۲۰۰

۵- ملخّص.

۶- ص ۲۰۵

۷- محشی، ص ۱۹۲

ص: ۸۶

لاستلام الأركان أو غيره. (۱) والأحوط إستحباباً أن لا يضع يده على حائط الحجر أيضاً. (۲)

تنازع زوجین در بطلان طواف

س: هر یک از زن و مرد طواف نساء خود را صحیح و طواف نساء مقابل را باطل می‌داند، مباشرت جایز است یا نه؟

السیدالشبیری: هرکدام طوافی به‌نیت طواف مشروع به‌جامی‌آورد که‌به عقیده خود طوافش طواف مستحبی است و به‌عقیده طرف طوافش طواف‌نساء می‌باشد. (۳)

*** الشیخ البهجت: اشکال ندارد. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: مباشرت بر هرکدام جایز است. (۵)

الشیخ الصافی: اشکال ندارد. (۶)

قضاء طواف در غیر موسم

الإمام الخمینی قدس سره: مانع ندارد. (۷)

السید الگلپایگانی قدس سره: طواف عمره تمتع و طواف حج به‌عنوان نیابت از غیر، واجب است در موسم حج انجام بگیرد، یعنی طواف عمره تمتع را در اشهر حج و طواف حج را در ذیحجه روز عید و بعد از آن مگر این‌که منوب‌عنه فراموش کرده باشد. (۸)

۱- م ۳۰۲.

۲- ص ۱۲۸، م ۳۰۳.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- کتبی.

۶- کتبی.

۷- م ۲۹، نیابت.

۸- شفاهی و احکام، ص ۷۸.

ص: ۸۷

السید الشبیری: می‌تواند قضاء طواف را در غیر ماه‌های حج به‌جا آورد، چه فراموش کرده باشد و چه باطل انجام داده باشد، مگر در مواردی که باید قضاء طواف عمره تمتع را قبل از طواف حج انجام دهد. (۱)

السید السیستانی: س: إذا نسی الطواف أو أتی به باطلًا عن نسیان لبعض شروطه فهل یجوز تدارکه فی غیر أشهر الحج؟

ج: إن کان طواف عمرهٔ التمتّع فإن تذکّره بعد مضی وقته جاز له قضاؤه فی أی وقت شاء وإن کان الأحوط أن یأتی به قبل مضی شهر ذی‌الحجّهٔ وإن کان طواف الحجّ فإن تذکّره قبل مضی ذی‌الحجّه تدارکه فیه وإن لم یتذکّر حتی انقضی الشهر قضاه فی أی وقت شاء. (۲)

*** الشیخ البهجت: س: إذا تبیّن له بعد إتمام أعمال الحج بطلان طوافه وسعیه للعمرهٔ فما وظیفته؟

ج: یعید الطواف والسعی والأحوط وجوباً فی صورهٔ الإمکان أن یعتمر عمرهٔ مفردهٔ. (۳) وفی ص ۲۱۰: یتدارک النقص بعد رجوعه إلی وطنه. ما دلّ الدلیل علی توقیته لابدّ وأن یتدارک فی وقته. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: لا یجوز أن یطوف قضاءه فی المحرّم إذا أخّر عمداً وإن کان ناسیاً لا بأس به.(۵)

الشیخ الصافی: با نظر حضرت السید الگلپایگانی قدس سره موافق است و حاشیه ندارد. (۶)

۱- ص ۱۲۵.

۲- ص ۱۰۵.

۳- مناسک عربی ص ۲۰۹ م ۷۵.

۴- شفاهی.

۵- الصراط الرابع، ص ۱۵۶.

۶- کتبی.

ص: ۸۸

الشیخ الفاضل: مانع ندارد.

الشیخ المکارم: طواف حج تمتع را بایـد تا آخر ذی‌حجه به‌جا آورد و طواف عمره تمتع را بایـد در ماه‌های حج قبل از عرفات به‌جا آورد. (۱)

الشیخ النوری: مانع ندارد. (۲)

مؤلّف: نظر آیةاللّه گلپایگانی قدس سره مطابق با احتیاط است.

عدم جواز قِران بین طوافین

الإمام الخمینی قدس سره: در قران بین طوافین اگر از اول یا در اثناء طواف اول قصد قران داشته احتیاط اعاده طواف است. (۳)

السـید الخوئی قـدس سـره: لا یجوز القران بین الطوافین فی الفریضـة ولکن لا یعدّ الإتیان به إحتیاطاً قراناً. (۴) وفی المناسک: الأظهر البطلان وذلک من جهة القران بین الطوافین فی الفریضة.

السـید السیسـتانی: نعم قـد یبطل من جهة القران أی التتابع بین طوافین بلا فصل بینهما بصـلاة الطواف، لأنّه غیر جائز بین فریضتین. بل وکذا بین فریضة ونافلة وأمّا القران بین نافلتین فلا بأس به. (۵)

السید الشبیری: در طواف واجب قران جایز نیست ... و اگر قِران کرد، هردو طواف باطل است مطلقاً. (۶)

*** الشیخ البهجت: وافَقَ السید الخوئی قدس سره. (۷)

الشیخ الصافی: قران بین طوافین حرام است در طواف واجب بلکه بنابر

۱- حاشیه م ۲۹

۲- محشی، ص ۶۲، م ۲۸

۳- م ۱۰۸، تلخیص دو مسأله، ص ۱۸۵

۴- المنیة، ص ۸۵

۵- ص ۱۶۲

۶- ص ۱۲۰

۷- ص ۱۲۸

ص: ۸۹

احتیاط لازم، سبب بطلان طواف می‌شود. (۱)

الشیخ الفاضل: نفس عبارة السید الخوئی قدس سره: لا یجوز القران بین الطوافین فی الفریضة ولکن لا یعدّ الإتیان به إحتیاطاً قراناً. (۲)

الشیخ الوحید: لا یجوز القران بین الطوافین بأن لا یفصل بینهما بصلاة الطواف فی الفریضتین ولا فی الفریضة والنافلة ویوجب بطلان الطواف الأوّل علی الأحوط والطواف الثانی علی الأقوی. (۳)

قران بین طوافین

س: قران بین طوافین فقط حرمت تکلیفی دارد و یا حرمت وضعی هم دارد؟

السید السیستانی: قران بین دو طواف که یکی فریضه است مبطل طواف می‌باشد. (۴)

السید الشبیری: قران موجب حرمت وضعی است و طوافین هر دو باطل است و فرقی در بطلان بین عالم و جاهل نیست. (۵)

*** الشیخ البهجت: اگر به نحو تعدد مطلوب باشد جایز است و الا جایز نیست. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: قرآن بین طوافین موجب بطلان طواف است. (۷)

الشیخ الصافی: بنابر احتیاط لازم سبب باطل شدن طواف هم می‌شود و تفصیل آن در مسئله ۱۰۱ مناسک ذکر شده است. (۸)

الشیخ الفاضل: قران در طواف واجب جایز نیست و اگر از ابتدای طواف

۱- فرع ۴۷۵.

۲- حول الحج، ص ۷۱.

۳- ص ۱۳۲.

۴- مهر دفتر.

۵- الخاتم.

۶- مهر دفتر.

۷- کتبی.

۸- کتبی.

ص: ۹۰

قصد قران داشته باشد احتیاط در اعاده طواف است، اما اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کند طواف او صحیح است. (۱)

الشیخ الوحید: للزیادهٔ فی الطواف خمس صور، إلی قوله دام ظله: إلاـ أنه لاـ یجوز القران بین الطوافین بـأن لاـ یفصل بینهما بصلاهٔ الطواف فی الفریضتین ولا فی الفریضهٔ والنافلهٔ ویوجب بطلان الطواف الأول علی الأحوط و الطواف الثانی علی الأقوی. (۲)

قدیم طواف بر وقوف بدون إحرام

س: شخصی از ذوی‌الأعذار طواف حج و نماز و طواف نساء را بر وقوفین مقدم داشته، ولی جاهل به مسأله بوده که باید با احرام طواف را انجام دهد، ولی بعد از طواف‌ها برای حج محرم شده و اعمال حج را انجام داده، ولی دیگر طواف‌ها را به‌جا نیاورده. چه تکلیفی دارد؟

السید الشبیری: همان طواف‌ها را اعاده کند کافی است و اگر برای خودش میسر نیست، استنابه کند. (۳)

*** الشیخ البهجت: اگر می‌تواند خودش والّا نائبش طواف‌ها را اعاده کند و کفایت آن بعید نیست. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر در مکه هست احتیاط کند به بستن احرام و طواف‌ها را انجام دهد و اگر به محل برگشته و نمی‌تواند مباشرت کند، استنابه کند تا طواف‌ها را انجام دهند و حج او محکوم به صحت است. (۵)

۱- ۵۶۷ م و ۵۶۸ م

۲- ص ۱۳۲

۳- شفاهی.

۴- شفاهی.

۵- شفاهی.

ص: ۹۱

الشيخ المكارم: طواف‌ها را خودش و اگر میسّر نیست استنابه کند و کفایت می کند. (۱)

ابطال الطواف عن جهل والتذكّر بعد الموسم

س: شخصی پس از رجوع از حج فهمید و یقین کرد که یک طواف او باطل بوده و نمی‌داند که طواف عمره تمتع بوده یا طواف حج، تکلیف او چیست؟

السید الشبیری: حج او محکوم به صحت است، ولی باید طواف باطل را تدارک کند به این‌که یک طواف به قصد مافی‌الذمة به‌جا آورد. (۲)

*** الشیخ البهجت: یک طواف به‌قصد مافی‌الذمة به‌جا آورد و بنابر احتیاط وجوبی بعد از حج یک عمره مفرده به‌جا آورد. ممکن است که طواف باطل مرتبط با عمره تمتع بوده و حج به‌حسب واقع مبدل به حج افراد شده باشد. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: باید حج را اعاده کند. (۴)

الشیخ المکارم: یک طواف به‌قصد مافی‌الذمّة کافی است. (۵)

الشیخ وحید: دو قاعده فراغ در طواف عمره و حج با یکدیگر تعارض دارند و ساقط می‌شوند و اصل فساد به‌معنای عدم کفایت برقرار است. هذا بحسب القواعد وأمّا بحسب النصّ والفتوی یحتاج إلی التأمّل. (۶)

اگر با لزوم استنابه خود مباشرت کرد

۱- شفاهی.

۲- شفاهی.

۳- شفاهی.

۴- شفاهی.

۵- شفاهی.

۶- شفاهی.

ص: ۹۲

س: اگر برحسب ظاهر وظیفه او برای طواف و سعی و رمی استنابه بود، ولی با عسر و حرج خودش انجام داد، آیا عمل او صحیح و مجزی است یا نه؟

السید الشبیری: عمل او صحیح و مجزی است. (۱)

*** الشیخ البهجت: صحیح است. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: حجش صحیح است، ولی إجزاء آن از حجۀالاسلام اشکال دارد. (۳)

منه أیضاً: اصل حج را اگر با مشقت و زحمت انجام داد فرموده‌اند: بعید نیست مجزی از حجۀالاسلام باشد. (۴)

الشیخ الصافی: در فرض سؤال عمل صحیح و مجزی است. (۵)

یک طواف به‌قصد تکمیل طواف – طواف از داخل حجر

س: شخصی دور ششم طواف را از داخل حجر اسماعیل علیه السلام به‌جا آورده و نماز و سعی و تقصیر را هم انجام داده و پس از فراغ عمره فهمیده که طواف ناقص بوده، یک طواف هفت شوط کامل به‌جا آورده، کافی است یا وظیفه دیگری دارد؟

السید الشبیری: احتیاطاً یک شوط طواف به‌جا آورد. (۶)

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- ص ۳۲۸ مناسک کوچک.

۵- کتبی.

۶- کتبی.

ص: ۹۳

*** الشیخ البهجت: در فرض مذکور، احوط اتمام طواف اول است به اتیان یک دور و خواندن نماز طواف و سپس اعاده کند طواف و نماز و سعی را علی‌الاحوط. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: گرچه وظیفه اعاده یک شوط است، ولی چون طواف کامل به نیت انجام وظیفه بوده مجزی است، ولی چون‌که احتیاط این‌است که سعی و تقصیر را اعاده کند، در فرض ترک آن بنابر احتیاط حج را اعاده نماید. (۲)

الشیخ الصافی: در فرض سؤال بنابر احتیاط یک شوط به‌قصد اتمام طواف ناقص انجام دهد و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند. (۳)

علم به بطلان طواف بعد از حج

الإمام الخمینی قدس سره: اگر کسی پس از انجام اعمال حج فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از داخل حجر دور زده، حج او صحیح است ولی باید طواف را اعاده کند. (۴)

السید الخوئی قدس سره: إن بدأ طواف عمرته من باب الکعبة أو حجر إسماعیل جاهلًا بالحکم ولم یعلم بذلک إلّافی منی بطلت عمرته ویتمّ عمله بقصد الأعم من الحجّ الإفراد والعمرة المفردة ویعید الحج من قابل. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: در صورتی‌که بعد از حج متوجه شود که طواف عمره تمتع او باطل بوده، حج او مبدل به حج افراد شده و باید عمره مفرده به‌جا آورد و در سال بعد هم حج تمتع را انجام دهد. (۶)

السید السیستانی: إذا علم ببطلان طواف العمرة فیما إذا ضاق الوقت بحیث لا یمکنه إعادة الأعمال قبل زوال الشمس من یوم عرفة بطلت عمرته وعلیه کفارة

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- ص ۱۲۲.

۵- الصراط، ج ۲، ص ۲۳۶.

۶- مجمع، ص ۴۷۹.

ص: ۹۴

بدنة علی الأحوط وهکذا الحکم فیما علم البطلان عند الوقوف بعرفات. (۱)

مؤلف: آیةاللّه سیستانی شش‌صورت تصویرکرده که به دو صورت اشاره شد.

السید الشبیری: اگر مقداری از طواف را سهواً ترک کند یا به شکل غیر صحیح به‌جا آورد صور مختلف دارد چنان‌چه در ترک اصل طواف ذکر شد و ملخصاً اگر در وطن یادش آمد باید در صورت امکان خودش والّا با استنابه کسری را به‌عمل آورد. (۲)

منه أیضاً: کسی که از داخل حجر دور زده، همان را تکمیل کند کافی است و لازم نیست استیناف کند. (۳)

*** الشیخ البهجت: همان طواف و سعی را انجام دهد و به احتیاط وجوبی عمره مفرده هم به‌جا آورد (ورقه ویژه).

الشیخ التبریزی قدس سره: س: ما حکم من علم ببطلان طوافه أو سعیه لعمرة التمتع بعد زوال یوم التاسع وهو فی عرفة؟ ج: فی مفروض السؤال بطلت عمرته وعلیه إعادة الحج من قابل ولکن الأحوط أن یعدل إلی حج الإفراد ویتمّه بقصد الأعم من الحج والعمرة المفردة. (۴)

الشیخ الفاضل: مثل قول السید الگلپایگانی قدس سره. (۵)

الشیخ الوحید: أقول: صورت ترک طواف را متعرض است، ولی صورتی که بعد بفهمد باطل بوده، چه در عمره و چه در حج، متعرض نشده‌اند. (۶)

الشیخ النوری: بعد از حج فهمید که چند دور از طواف را در عمره از داخل حجر انجام داده است حج او صحیح است و باید طواف را اعاده کند. (۷)

تبدّل شک به یقین در طواف و سعی

۱- ص ۱۰۷

۲- ص ۹۵، م ۳۷۶

۳- ۴۲۲

۴- الصراط، ج ۲، ص ۵۰۵؛ وکذا فی ج ۳، ص ۱۷۱

۵- ص ۸۳ حول الحج.

۶- ص ۱۳۵

۷- ص ۱۸۶

ص:۹۵

الإمام الخمینی قدس سره: اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد و طواف و سعی صحیح است. (۱)

السید الخوئی قدس سره: در فرض مسأله وظیفه‌اش از سر گرفتن سعی است و سعی در حال شک و ادامه آن صحیح و مجزی نیست. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: در صورتی که در سعی شک او مبدّل به یقین بشود و احراز عدد اشواط نماید و سعی را به رجاء کشف حال ادامه داده است، سعی او صحیح است و اما راجع به طواف اگر از دلیل طواف لزوم حفظ هر شوط استفاده شود، حکم به صحت مشکل است والّا صحّت بعید نیست. (۳)

السید السیستانی: س: إذا أکمل سعیه متردداً فی صحّته أو شاکاً فی عدد الأشواط ثمّ تیقّن بصحّته وعدم نقصان فیه ولا زیادة فهل یصحّ عمله؟

ج: الظاهر صحّته. (۴) وفی آخر مناسکه ص ۳۷۷: إذا أتی بمقدار من شوط فی الطواف أو السعی وهو فی حال الشک فی العدد فلا مانع من الإستمرار مع وجود الشک فیما لو ارتفع الشک بعد ذلک.

السید الشبیری: صحیح است طواف و سعی. (۵) یقین به عدد اشواط در اثناء بعد از تردید و شک و یا یقین به عدد بعد از طواف محکوم به صحت است.

*** الشیخ البهجت: با فرض تبدّل به یقین محکوم به صحت است. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: الأحوط إعادته بعد صلاة الطواف. (۷) و در مورد سعی هم فرموده: در صورت شک در اشواط یستأنف علی الأحوط ولو تیقّن بعد بعدم

۱- ص ۱۲۵.

۲- کتبی.

۳- شفاهی.

۴- ص ۱۱۸.

۵- م ۴۶۶.

۶- کتبی؛ وفی المناسک متفرقات، ص ۱۵.

۷- م ۱۴۷ فی الملحق.

ص: ۹۶

النقصان والزيادة. (۱)

الشيخ الفاضل: نباید در حال شک به طواف ادامه دهد، بلکه باید تروّی کند اگر اطمینان به یک طرف حاصل شد والّا باید طواف را از سر بگیرد. (۲)

الشيخ الوحيد: متعرض فرع نيست.

المعذور من الطهارة المائية

الإمام الخمينى قدس سره: واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل. (۳)

السيد الخوئى قدس سره: با عدم تمکن از وضو باید تیمم کند. (۴)

السيد الگلپايگانى قدس سره: احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش برطرف شود و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشد، باید بدل از وضو یا غسل تیمم کند و کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده، بعد از آن که خودش طواف را به‌جا آورد، احتیاطاً نائب هم بگیرد. (۵)

السيد السيستانى: وإذا لم يتمكّن المكلّف من الوضوء لعذر فمع اليأس من زواله يتيمّم ويأتى بالطواف. (۶) وعلى المجنب الإغتسال للطواف ومع تعذر الإغتسال واليأس من التمكّن منه يجب الطواف مع التيمّم والأحوط الأولى الإستنابة أيضاً. (۷)

السيد الشبيرى: کسی که از وضو و غسل معذور است، اگر امید دارد که عذرش برطرف شود، بنابر احتیاط باید صبر کند تا وقتی که امیدش قطع شد آن‌وقت به‌جای وضو و یا غسل تیمم کند. (۸)

*** الشيخ البهجت: بر حائض و نفساء بعد از انقضاء عادت و همچنین جنب باید

۱- م ۹۵۰

۲- م ۶۰۰

۳- ص ۱۱۰

۴- م ۲۹۱

۵- ص ۶۳

۶- ص ۱۴۶

۷- ص ۱۴۷

۸- م ۳۷۹

ص: ۹۷

برای طواف غسل کنند و چنان‌چه توانایی بر غسل نباشد، با تیمم طواف کند و اگر مکلّف نتواند وضو بگیرد، باید تیمم کند. (۱)

منه أیضاً: المعذور یکتفی بطهارته العذریة کالمجبور والمسلوس والمستحاضة ویتطهّر للطواف کما یتطهّر للصلاة أما المبطون فعلیه الإستنابة فی الطواف. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: المعذور یکتفی بطهارته العذریة کالمجبور والمسلوس. (۳)

الشیخ الصافی: واجب است صبر کند تا عذرش برطرف شود و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشد، باید تیمم کند بدل از غسل یا وضو به‌طوری که در نماز عمل می‌کند و کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده بعد از آن‌که خودش طواف کرد، احتیاطاً نائب بگیرد. (۴)

الشیخ الفاضل: نفس العبارة للإمام قدس سره ولکن با تعلیق جمله (و وقت طواف تنگ شود).

اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.

الشیخ المکارم: نفس العبارة مع إضافة (ونتواند صبر کند تاعذربرطرف شود).

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

طروّ الحدث أثناء الطواف

الإمام الخمینی قدس سره: اگر در اثناء طواف حدث اصغر عارض شود، اگر بعد از چهار باشد، طواف را قطع و پس از طهارت باقی را تکمیل می‌کند و اگر پیش از چهار باشد، احتیاط واجب آن است که بعد از اتمام اعاده کند. (۵)

۱- ص ۱۰۳

۲- ص ۱۱۸

۳- ص ۱۴۴

۴- ص ۷۸

۵- ص ۱۰۹، طبع پنجم.

ص: ۹۸

السید الخوئی قدس سره: محصل صور: قبل از نصف باطل و بعد از چهار و بدون اختیار صحیح و باقی را بیاورد.

صورت دیگر: بعد از نصف و قبل از تکمیل چهار یا بعد از تمامی چهار و با حال اختیار که در این دو صورت احتیاط تکمیل است و بعد اعاده اصل طواف؛ یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر در اثناء، بی‌اختیار غسل یا وضوی او باطل شود یا عذر دیگری پیش آید اگر بعد از شوط چهارم باشد، بعد از رفع عذر همان را تکمیل کند از محل قطع و اگر پیش از چهار باشد، اگر به نصف نرسیده باطل است و باید از سر بگیرد و اگر به سه شوط و نیم رسیده و به چهار نرسیده احتیاط اتمام و دو رکعت نماز و اعاده اصل طواف و نماز است. (۲)

السید السیستانی: ۱- قبل از شوط رابع باطل است ولو این‌که حدث بعد از بلوغ نصف عارض شود. ۲- بعد از شوط رابع و بدون اختیار عارض شود که تکمیل کافی است. ۳- بعد از شوط رابع و با اختیار که احتیاط اتمام است و بعد اعاده. (۳)

السید الشبیری: اگر در اثناء طواف محدث به حدث اصغر و یا اکبر شود اگر قبل سه و نیم باشد، پس از قطع و تحصیل طهارت طواف را استیناف می‌کند و اگر بین سه و نیم و چهار باشد اتمام و اعاده است بنابر احتیاط واجب، و اگر بعد از چهار باشد اتمام می‌کند. (۴)

*** الشیخ البهجت: صور مختلف: ۱- پیش از نصف باطل. ۲- بعد از نصف و از روی سهو و غفلت، همان را تکمیل کند. ۳- بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد

۱- ص ۵۱

۲- ص ۶۲

۳- ص ۱۴۵

۴- م ۴۴۵

ص: ۹۹

باشد که ادامه محل تأمل است، باید از سر بگیرد. (۱)

الشيخ التبريزى قدس سره: المشهور إذا كان قبل تمام أربعة أشواط بطل طوافها و إذا كان بعده صح ما أتت به ووجب عليها إتمامه بعد الطهر والإغتسال، والأحوط فى كلتا الصورتين أن تأتى بطواف كامل تنوى به الأعم من التمام والإتمام إذا وسع الوقت وإلا سعت وقصرت وأحرمت للحج ثم تقضى بعد الرجوع من منى قبل طواف الحج. (۲)

الشيخ الوحيد: صور اربع: ۱- قبل از نصف باطل. ۲- بعد از چهار و بدون اختيار همان را تكميل مى‌كند. ۳- بعد از نصف و قبل از چهار بدون اختيار احوط تكميل همان و اعاده است و يك طواف بقصد اعم از تمام و اتمام كافى است. ۴- بعد از نصف و قبل از چهار مع الاختيار، الأقوى البطلان. (۳)

أقول: مرحوم آقاى خوئى درباره مبطون احتياط كرده‌اند كه علاوه بر انجام خود مبطون، استنابه هم بكند براى طواف و نماز.

وظيفه مستحاضه

الإمام الخمينى قدس سره: بايد بر طبق وظيفه فرائض يوميه عمل كند. (۴)

السيد الخوئى قدس سره: وظيفه او در طواف همان وظيفه او در نماز. (۵)

السيد الگلپايگانى قدس سره: به نحوى كه در نماز عمل مى‌كند در طواف نيز عمل نمايد. (۶)

السيد السيستانى: أمّا المستحاضة فالأحوط لها أن تتوضّأ لكلّ من الطواف وصلاته إن كانت قليلة، وأن تغتسل غسلًا واحداً لهما وتتوضأ لكلّ منهما إن كانت

۱- ص ۱۰۳

۲- ص ۱۴۲

۳- ص ۱۱۸

۴- كتبى

۵- كتبى

۶- شفاهى

ص: ۱۰۰

الإستحاضة متوسطة وأمّا الكثيرة فتغتسل لكلّ منهما من دون حاجة إلى الوضوء إن لم تكن محدثة بالأصغر وإلّا فالأحوط الأولى ضم الوضوء إلى الغسل. (۱)

منه أيضاً: مضطربه بايد به عادت خويشان خود مراجعه كند و اگر ممكن نباشد عددى بين سه و ده روز را براى خود حيض قرار دهد. (۲)

السيد الشبيرى: مستحاضه اگر وظايف خود را نسبت به نمازهاى يوميه انجام داد و نماز خواند و بدون فاصله مشغول طواف شد، اگر مطمئن باشد كه پس از نماز تا پايان طواف خون از او خارج نشده، لازم نيست وظايف خود را تجديد كند. (۳) و در مسأله ۳۹۹ فرموده: اگر مستحاضه بين طواف و نماز او فاصله نيفتد، مى‌تواند نماز طواف را با همان حال بخواند، در صورتى كه مطمئن باشد كه پس از طواف تا پايان نماز خونى نيامده.

منه أيضاً: زنى كه چند ماه خون ديده ولى عادت معنى پيدا نكرده يا عادتش از بين رفته اگر بيشتر از ده روز خون يك رنگ ببيند اگر تمام خون‌ها زرد رنگ يا قرمز روشن بود همه استحاضه است و اگر همه سياه و يا قرمز تيره بود بايد به مقدار عادت بعضى از خويشان حيض قرار دهد و بنابر احتياط مقدار عادت را از اول خونى كه مى‌بيند قرار دهد و اگر خويشان عادت معيّنى نداشته عادت خود را شش روز يا هفت روز قرار دهد. (۴)

*** الشيخ البهجت: المعذور يكتفى بطهارته العذرية كالمجبور والمسلوس والمستحاضة ويتطهّر للطواف كما يتطهر للصلاة أمّا المبطون فعليه الإستنابة فى الطواف. (۵)

۱- ص ۱۵۰، م ۲۹۶

۲- توضيح ص ۱۰۷

۳- م ۳۹۷

۴- توضيح ص ۱۲۴

۵- ص ۱۱۸

ص: ۱۰۱

الشیخ التبریزی قدس سره: وأمّا المستحاضة فالأحوط لها أن تتوضأ لکلّ من الطواف وصلاته إن کانت قلیلة وأن تغتسل غسلًا واحداً لهما وتتوضّأ لکلّ منهما إن کانت متوسّطة وأمّا الکثیرة فتغتسل لکلّ منهما والأحوط ضمّ الوضوء إلی الغسل. (۱)

الشیخ الفاضل: عبارت مناسک مرحوم امام قدس سره: آیا نماز و طواف برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هرکدام از طواف و نماز جدا و مستقل هستند؟

جامام قدس سره: مستقل هستند؛ و الشیخ الفاضل حاشیه ندارند. (۲)

الشیخ المکارم: ارجاع داده‌اند به فرع ۸۹ و در آن فرع فرموده‌اند: مستحاضه کثیره هنگامی که غسل‌های نماز خود را به موقع به‌جا آورد غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو می گیرد بنابر احتیاط. (۳)

الشیخ النوری: با نظر امام قدس سره موافق است. (۴)

الشیخ الوحید: أمّا المستحاضة فإن کانت قلیلة یجب علیها الوضوء لکلّ من الطواف والصلاة، وإن کانت متوسّطة یجب علیها الغسل والوضوء والأحوط وجوباً الوضوء لکلّ منهما وإن کانت کثیرة فعلیها الغسل والأحوط وجوباً أن تغتسل لکلّ منهما من دون حاجة إلی الوضوء وإن کانت محدثة بالأصغر. (۵)

وظیفه حائض با قرص جلوگیری

الإمام الخمینی قدس سره: اگر سه روز ولو در باطن مستمر نباشد به احکام استحاضه عمل کند و طواف و نماز او صحیح است. (۶)

السید الگلپایگانی قدس سره: س: زنی که به واسطه خوردن قرص یا تزریق آمپول

۱- ص ۱۴۵، م ۲۹۶

۲- محشی، ص ۲۳۹

۳- محشی، ص ۲۴۴

۴- محشی، ص ۲۳۲

۵- ص ۱۲۲

۶- مجمع، ص ۴۷۲

ص: ۱۰۲

جلو عادت زنانه را گرفته، لکن در ایام عادت روزی یک لحظه خون می‌بیند وظیفه‌اش چیست؟ ج: با انجام اعمال مستحاضه، طواف و نماز او صحیح است.

السید السیستانی: لا ـ یجری علی الـدم المتقطّع فی مفروض السؤال (دواء استعمال کرده) حکم دم الحیض بل یجری علیه دم الإستحاضة بلا فرق بین کونه بصفة الحیض أو لا. (۱)

السید الشبیری: خونی که در ایام عادت می‌بیند هرچند سه روز مستمر نباشد و صفات حیض را نیز نداشته باشد، حکم حیض دارد (مثلًا به وسیله قرص جلوگیری کرده باشد). (۲)

*** الشیخ البهجت: إذا انقطع الدم بالعلاج المذکور فلیس بحائض. (۳)

الشیخ الفاضل: عبارت امام قدس سره در مناسک: بعضی خانم‌ها به‌جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه‌شان به‌هم می‌خورد و در مدت طولانی خون و لک می‌بینند؛ وظیفه آنان چیست؟ فرموده: اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو این‌که در باطن باشد و شرایط حیض را داشته باشد، محکوم به حیض است والّا محکوم به استحاضه است.(۴)

... اگر سه‌روز متوالی خون نبینـد حکم حیض نـدارد اگرچه در ایام عادت باشـد و روزه‌اش صحیح و اعمال حج را می‌توانـد انجام دهد و این خون احکام استحاضه را دارد. (۵)

الشیخ المکارم: با نظر امام موافق است که اگر در باطن فرج هم سه روز به‌طور مستمر آلوده باشد، محکوم به حیض است. (۶)

الشیخ النوری: با نظر امام موافق است. (۷)

طواف زن مضطربه

۱- ملحق، ص ۹۲

۲- ص ۱۰۲ و ۱۰۳

۳- م ۱۷۱

۴- محشی، ص ۲۳۷

۵- الجامع، ص ۶۳

۶- محشی، ص ۲۴۳

۷- محشی، ص ۲۳۰

ص: ۱۰۳

سئوال از آیـﺔاللّه خوئی قـدس سـره: زنی که پنجاه سال یا شـصت سال قمری را به پایان رسانده و باز خون می‌بیند به اوصاف حیض در غیر ایام عادت تکلیف او در نماز و طواف چیست؟

جواب: از پنجـاه سـال تـا تمـام شـدن شـصت سال در فرض مزبور لازم است احتیاط یعنی جمع کنـد بین اعمال مسـتحاضه و تروک حـائض یعنی نمازهـای یومیه و روزه مـاه مبارک رمضان را با اعمال مسـتحاضه بجا آورد و فقط بعـداً روزه را قضا کنـد به قـدر ایام اوصاف حیض که دیـده و اما طواف پس اگر ممکن است تا پاک شـدن صبر کنـد صبر کنـد و اگر ممکن نشد آن را هم در طواف واجب با اعمال مستحاضه بجا آورد و نائب هم برای طواف بگیرد. (۱)

*** الشـیخ البهجت: مضـطربه زنی که چنـد ماه خون دیـده ولی عادت معیّنی پیدا نکرده اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه یک جور باشد به عادت خویشان که عادت مشخص دارند مراجعه کند و اگر فقط چند روز نشانه حیض و چند روز نشانه استحاضه دارد در یک صورت تمام آن حکم حیض و در صورت دیگر بایـد بنابر احتیاط تا هفت روز را حیض قرار دهـد و فی الجامع: اگر اقارب اختلاف داشتند احوط در غیر مستقرّﺓ و ناسیه و متحیّره اختیار هفت روز است. (۲)

الشـیخ التبریزی قدس سـره: اگر بیش از ده روز خون ببیند و تمام دارای نشانه‌های حیض باشد شـش روز یا هفت روز را حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه و در فرض مزبور اگر چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد

۱- کتبی ۱۴۰۳

۲- توضیح ص ۸۶ مسأله الفرع

ص: ۱۰۴

اگر آنچه نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد تمام آن حیض است. (۱)

الشیخ الصافی: در فرض که بیشتر از ده روز خون ببیند و عادتش بهم خورده به عادت خویشان مراجعه کند چه عادت آنها هفت روز باشد یا کمتر یا بیشتر و اگر خویشان عادتی ندارند یا مختلف باشند سه روز یا ۶ روز یا هفت روز را عادت و بقیه را استحاضه قرار دهند. (۲)

الشیخ الفاضل: المضطربة تعیّن أیام حیضها بما ذکرناه فی الرسالة العملیة فی أحکام الحائض فتحیض فی تلک الأیام وتطوف فی غیر تلک الأیام مع مراعاة أحکام الاستحاضة. (۳)

الشیخ الوحید: زنی که عادتش بهم خورده اگر بیش از ده روز خون ببیند و همه دارای نشانه حیض باشد به عادت خویشان خود از شش روز یا هفت رجوع نماید و باقی را استحاضه و اگر عادت خویشان کمتر از این باشد مثلًا پنج روز باشد همان پنج روز را عادت حیض قرار دهد و تفاوت مابین پنج روز تا ۶ و ۷ را احتیاط کند به جمع بین تروک حائض و افعال مستحاضه. (۴)

احتیاط یائسه بعد از پنجاه سال

س: آیا قرشیه و غیر قرشیه بعد از پنجاه سال تا شصت سال احتیاط کند به جمع بین تروک حائض و اعمال مستحاضه؟ در طواف چکار کند؟

السید السیستانی: فی تعلیقه علی العروة قال السید رحمه الله: والیائس ببلوغ ستّین سنة فی القرشیة. قال دام ظله: بل مطلقاً علی الأقوی و إن کان الأحوط فی غیر القرشیة الجمع بین تروک الحائض و أفعال المستحاضة بعد بلوغها خمسین. (۵)

۱- الفرع، توضیح ۹۰

۲- توضیح ص ۱۰۰

۳- جامع المسائل ۷۵۸ م

۴- توضیح ص ۲۶۴

۵- الجزء الاول ص ۲۳۵

ص: ۱۰۵

السید الشبیری: به نظر اینجانب قرشیه در شصت سال و غیر قرشیه در پنجاه سال یائسه می‌شود و احتیاط مزبور مشروع نیست. (۱)

*** الشیخ البهجت: فرقی نیست. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: به مقدار لازم برای طواف و نماز داخل مسجد شود و برای آن نائب هم بگیرد و در فرض امکان تأخیر باید اعمال را تأخیر بیاندازد و اگر در طواف عمره تمتع باشد چنانچه در هنگام احرام بستن اینگونه باشد و تا آخر وقت ادامه پیدا کند طواف و نماز و سعی و تقصیر را رجاء بجا آورد و به نیت حج تمتع رجاء محرم شود و اعمال حج را به نیت ما فی‌الذمه بجا آورد و قبل از طواف حج احتیاطاً طواف و نماز عمره را اعاده کند و پس از اعمال حج احتیاطاً عمره مفرده بجا آورد و اگر پس از احرام خون دیده طواف و نماز عمره را رجاءاً بجا آورد و قبل از طواف حج تمتع طواف و نماز آن را احتیاطاً اعاده کند. (۳)

الشیخ الصافی: در مورد قرشیه به نظر حقیر جای احتیاط نیست و به طور کلی در هر موردی که قائل باحتیاط شدیم وظیفه مردد است بین اتمام عمره تمتع به ورود در مسجدالحرام و انجام طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر و سپس احرام برای حج تمتع و یا بقا بر همان احرام که به عنوان عمره انجام داده و قصد حج افراد و رفتن به عرفات و انجام سایر مناسک تا طواف نساء و نماز آن و سپس انجام عمره مفرده با طواف نساء و نماز آن و چون اکتفا به یکی از این دو صورت اکتفا بامتثال احتمالی است و هر چند در صورت اولی مخالفت احتمالی نیز هست مع ذلک به نظر می‌رسد چون عمل باحتیاط و یقین بامتثال واجب با ارتکاب مخالفت احتمالی بلحاظ ورود در مسجدالحرام ممکن است و تعین

۱- کتبی

۲- کتبی

۳- کتبی

ص: ۱۰۶

صورت ثانیه تحرّزاً عن الوقوع فی مخالفهٔ الحرام الاحتمالی معلوم نیست و تحصیل قطع بامتثال واجب بارتکاب حرام احتمالی مقدم بر اکتفا بامتثال احتمالی است باین ملاحظه وظیفه این است که عمره را با دخول در مسجدالحرام و طواف و نماز بقصد احتیاط تمام کند و بقصد حج تمتع احتیاط محرم شود و اعمال حج را بقصد ما فی الذمه اعم از حج تمتع یا افراد تمام کند و قربانی نماید و سپس احتیاطاً عمره مفرده بقصد ما فی‌الذمه بجا آورد. (۱)

الشیخ الفاضل: ملحض دو مسأله توضیح المسائل:

زن‌های سیده در شصت سالگی و زن‌های غیرسید در پنجاه سالگی یائسه می‌شوند یعنی خونی که بعد از این سن می‌بینند خون حیض نیست.

و در مسأله ۴۴۰: زنی که شک دارد یائسه شده یا نه اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه بنا گذارد که یائسه نشده. (۲)

الشیخ الوحید: زن بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می‌شود و چنانچه خونی ببیند حیض نیست و احتیاط واجب آن است بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال جمع کند بین احکام یائسه و غیریائسه چه قرشیه باشد و چه غیرقرشیه. (۳)

حیض در اثناء طواف

الإمام الخمینی قدس سره: اگر پیش از شوط چهارم باشد باید بعد از غسل طواف را اعاده کند با وسعت وقت و با ضیق وقت قبل از چهار جای عدول به حج افراد است و بعد از چهار عمره صحیح است، باقی را بعد از اعمال منی قبل از طواف حج یا بعد از آن بجا آورد. (۴)

۱- کتبی

۲- ص ۷۲ ۴۳۶ م

۳- توضیح ص ۲۵۰

۴- ص ۱۳۷ طبع پنجم

ص: ۱۰۷

السید الخوئی قدس سره: مشهور آن است که پیش از نصف باطل و بعد از نصف مأتی به صحیح است و باقی را بعد از غسل تدارک نماید ولی احوط این است که بعد از پاکی‌در هر دو صورت یک‌طواف بقصد اعم از تمام واتمام بجاآورد، این‌در صورت وسعت وقت است و اگر وقت ضیق باشد سعی و تقصیر نموده و پس از اعمال منی قبل از طواف حج یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام برای عمره بجا آورد. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر حیض بعد از شوط چهارم باشد عمره او صحیح است پس سعی و تقصیر می‌نماید و پس از اعمال منی و رجوع به مکه و انجام طواف حج، باقیمانده طواف عمره را بجا آورد.

السید السیستانی: إن کان قبل إتمام الشوط الرابع بطل، وحکمها العدول إلی الأفراد أو الإتیان بالسعی والتقصیر وقضاء الطواف بعد الحج مع ضیق الوقت- وإذا کان بعد الشوط الرابع صح ما اتتْ به وجب علیها إتمامه مع سعهٔ الوقت و مع الضیق سَعت وقصرت وأحرمت للحج ولزمها الإتیان بقضاء ما بقی من طوافها بعد الرجوع من منی و قبل طواف الحج (۲).

السید الشبیری: تلخیص از مسأله ۱۰۴ اگر احرام عمره تمتع بسته و در اثناء حیض عارض شد سعی را بر طواف مقدم می‌دارد و تقصیر می کند و لازم نیست مأیوس باشد از طهارت تا آخر وقت پس اگر قبل از فوت وقت عمره پاک شد طواف و نماز عمره تمتع را بجا آورد و اگر پاک نشد پس از مراجعت از منی قبل از طواف حج طواف عمره و نماز آن را بجا می‌آورد. (۳)

(علی الظاهر) این عمل به عنوان عمره تمتع صحیح و مجزی است، نه از باب تبدل به حج افراد. (۴)

***

۱- مسأله ۲۹۴

۲- ص ۱۴۸

۳- ص ۳۵

۴- مراجعه شود.

ص: ۱۰۸

الشیخ البهجت: پیش از نصف باطل و بعد از نصف (مأتی به) صحیح است باقی را بعد از غسل بجا آورد با وسعت وقت و احوط یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام، و اگر وقت ضیق است سعی و تقصیر نموده و برای حج محرم شود و کسری طواف را بعد از رجوع از منی قبل از طواف حج بجا آورد. (۱)

الشیخ الوحید: إن کان قبل إتمام الشوط الرابع، بطل طوافها و حکمها علی الأحوط الوجوبی إنقلاب حجها إلی الإفراد وبعد الشوط الرابع وسعة الوقت فالأقوی عدم صحة ما أتت به وعلیها الإستیناف وإن لم یسع الوقت فالأحوط أن تسعی و تقصر و تحرم للحج بقصد ما فی ذمتها من الإفراد و التمتع فتأتی بما یجب علی المتمتع وبعد الرجوع من منی تقضی ما بقی من طوافها قبل طواف الحج و بعد إتمام حجها تأتی بعمرة مفردة. (۲)

أقول: در فرضی که باید طواف را بعد از اعمال منی بجا آورد نظرها مختلف است مرحوم امام می‌فرماید: قبل از طواف حج یا بعد از طواف حج بجا آورد و ظاهراً تخییر است مرحوم السید الخوئی می‌فرماید: قبل از طواف حج، الشیخ البهجت می‌فرماید: قبل از طواف حج، ظاهراً آیةاللَّه گلپایگانی: بعد از طواف حج، آیةاللَّه تبریزی قدس سره: قبل از طواف حج، آیةاللَّه سیستانی: قبل از طواف حج، آیةاللَّه وحید: قبل از طواف حج. (۳)

حکم الدم بعد اليأس

فی العروة: و یشترط أن یکون بعد البلوغ و قبل الیأس فما کان قبل البلوغ أو بعد الیأس لیس بحیض وإن کان بصفاته والبلوغ یحصل بإکمال تسع سنین والیأس ستین سنة فی القرشیه و خمسین فی غیرها. (۴)

۱- ص ۱۰۴.

۲- ص ۱۲۰.

۳- مراجعه نمایید.

۴- فصل الحیض، محشی.

ص: ۱۰۹

السيّد الخوئی: (فيه إشكال) والأحوط لها الجمع بين تروك الحائض وأفعال المستحاضة فيما بين الحدين.

السيد السيستانی: خونی که پس از تمام شدن شصت سال می‌بینند حکم حيض ندارد و احتياط مستحب برای زن‌های غيرقرشيه بعد از پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال احتياط به جمع بين تروک حائض و افعال مستحاضه است. (۱)

السيد الشبيری: زن‌های قرشيه بعد از تمام شدن شصت سال و غيرقرشيه بعد از پنجاه سال يائسه می‌شوند. (۲) و در ص ۱۰۳ زنی که شک دارد يائسه شده يا نه بايد بنا بگذارد که يائسه نشده و زنی که بين پنجاه و شصت است و نمی‌داند قرشی است يا غيرقرشی حکم زنی را دارد که از پنجاه نگذشته است. (۳)

*** الشيخ البهجت: زن‌های سيده بعد از تمام شدن شصت سال قمری شرعی و زن‌های غيرسيده بعد از تمام شدن پنجاه سال يائسه می‌شوند يعنی خون حيض نمی‌بينند. خونی که زن بعد از يائسه شدن می‌بيند حيض نيست. (۴)

الشيخ التبريزی قدس سره: خونی که دختر قبل از تمام شدن نه سال و زن بعد از يائسه شدن می‌بيند حيض نيست و ... زنانی که سيده نيستند بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال و نيز زن‌های سيده تا شصت سال اگر با نشانه‌های حيض يا روزهای عادت خود خون ببينند احتياط کنند. (۵)

الشيخ الصافی: زنان سيده بعد از تمام شدن شصت سال يائسه می‌شوند يعنی خون حيض نمی‌بينند و زنانيکه سيده نيستند بعد از تمام شدن پنجاه سال يائسه می‌شوند. (۶)

۱- ص ۹۱.

۲- توضيح ص ۱۰۲.

۳- مسأله ۴۴۵.

۴- ص ۶۴ هر چند صفات حيض می باشد شفاهی.

۵- توضيح ص ۷۸.

۶- ص ۸۵.

ص: ۱۱۰

الشيخ الفاضل: نظر ايشان مانند آقای بهجت و آقای سيستانی بدون احتياط در بين ۵۰ و ۶۰. (۱)

الشيخ المكارم: زنان سيده و غيرسيده هر دو بعد از تمام شدن پنجاه سال يائسه می‌شوند يعنی اگر خونی ببينند خون حيض نيست مگر زنانی که از قبيله قريش باشند که آنها بعد از تمام شدن شصت سال يائسه می‌شوند. (۲)

الشيخ الوحيد: محتاج به مراجعه است.

حج بدون طهارت مع النسيان

الإمام الخمينی قدس سره: در فرض نسيان حج او صحيح و طواف بر عهده او است و اگر خود قادر نيست نايب بگيرد و تا طواف ولو بواسطه نائب انجام نشده در احرام باقی است مگر اينکه عمره مفرده‌ای انجام دهد که مشتمل بر طواف نساء است. (۳)

السيد الگلپايگانی قدس سره: در فرض مسأله که صورت نسيان غسل است حج او صحيح است ولی بايد طواف عمره و نماز آن و طواف حج و نماز آن را قضا کند هر چند در ماه ذيحجّه نباشد و اگر متمکّن نيست نايب بگيرد و احتياطاً سعی را هم بعد از هر طواف بجا آورد و بايد از زن خودداری کند تا اتمام طوافها و چون طواف نساء وقت موسع دارد اگر ممکن است خودش برود به مکه و اگر ممکن نيست نايب بگيرد. (۴)

السيد السيستانی: فی الفرض طوافه و صلاته للنسکين باطلهٔ و حکمه حکم ناسی الطواف فإن تيسّر له القضاء بنفسه قضاها وإلّا استناب. (۵)

السيد الخامنئی: يجب عليه إعادهٔ الأعمال المشروطهٔ بالطهارهٔ أی

۱- ص ۷۲

۲- ۸۳

۳- کتبی

۴- الرساله ص ۵۶

۵- ص ۹۶، ملحق

ص: ۱۱۱

الطوافان وصلاتهما. (۱)

السید الشبیری: اگر اصل طواف را فراموش کرد یا به نحو غیرصحیح انجام داد جهلًا و به وطن آمده اگر ممکن است خودش طواف و نماز را تدارک کند و الا نایب بگیرد برای طواف نماز. (۲)

*** الشیخ البهجت: شفاهی فرمودند: تدارک طواف و نماز کافی است.

الشیخ الصافی: فرع ۳۷۸ و ۳۹۵ ملاحظه شود.

الشیخ الوحید: تدارک طواف و نماز در صورت نسیان کافی است. (۳)

طواف مستحبی با اصطکاک با نامحرم

السید الخوئی قدس سره: لا یجوز للمرأة والرجل الطواف المستحب وتقبیل الحجر مع إستلزامه اللمس الحرام (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: وافق المتن.

شخصی به قصد عمره مفرده مستحبی به نیت معصومین علیهم السلام احرام بست و محرم گردید بعد مردد شد که شاید احرام برای چند نفر صحیح نباشد مجدداً محرم شد به نیابت حضرت امام عسکری علیه السلام و اعمال را به قصد حضرت عسکری بجا آورد آیا این عمل صحیح است یا نه؟

السید الشبیری: صحیح است.

***

۱- ص ۵۰

۲- ص ۹۹ و ۹۵ و ص ۴۷

۳- شفاهی

۴- الصراط ج ۳ ص ۱۶۸

ص: ۱۱۲

الشیخ التبریزی قدس سره: صحیح است احرام دوم باطل است و احرام اول او صحیح بوده وافعال را به‌قصد وظیفه انجام داده از قبیل خطا درتطبیق بوده و اشکالی ندارد.

آقای نیّری: الشیخ الصافی اشکال کرده است و فرموده است برای خروج از احرام اعمال را انجام دهد.

الشیخ المکارم: صحیح است.

فرع

س: صداق زنی در عقد نکاح یک حج قرار داده شده و زن قبل از اینکه موفق به حج بشود فوت نموده است آیا حج برای زوجه متوفی لازم است یا نه؟ و در صورتی که حج واجب نباشد هزینه حج ملک ورثه زوجه است یا تفصیل است بین صورتی که می‌توانسته حج بجا آورد و اهمال ورزیده و صورتی که برای او این فرصت بدست نیامده؟

الشیخ البهجت: هزینه حج در ذمّه زوج ثابت شده اگر حج مستقر شده باید برای او حج بجا آورند والاّ منتقل می‌شود به ورثه زن. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: تمام تعهدات مالی مبدل می‌شود بذمه و علی فرض تمکن و تسویف حج مستقر شده و باید حج برای او بجا آورند حج میقاتی و علی فرض عدم تمکن ملک ورثه است و حج لازم نیست. (۲)

اگر رعایت ستر نشد طواف چه حکمی دارد

الإمام الخمینی قدس سره: اگر عمدی باشد طواف صحیح نیست علی الأحوط و در غیر مورد عمد صحیح است مگر در جاهل مقصّر علی الأحوط (۳).

۱- شفاهی

۲- شفاهی

۳- ص ۱۴۳

ص: ۱۱۳

السید الخوئی قدس سره: حالت مزبور باعث عدم صحت طواف نیست. (۱) وفی الصراط: الإحتیاط اللازم الستر.

السید الگلپایگانی قدس سره: س: اگر موی سر یا بعضی مواضع گردن نمایان باشد طواف او چه حکمی دارد؟

ج: اگر تعمد نباشد اشکال ندارد و در صورت تعمد فعل حرام بجا آورده ولی موجب بطلان طواف نمی‌شود. (۲)

السید السیستانی: الإخلال بشیء من الشعر أو الفصد أو الساق لا ـ یخلّ بصحة طوافها علی الأظهر وإن کان الأحوط لها أن تراعی حدود الستر الصلاتی جمیعاً. (۳)

السید الخامنئی: لا إشکال فی طوافها وإن فعلت حراماً. (۴)

السید الشبیری: برای بانوان پوشاندن مو از نامحرم واجب است ولی شرط صحت طواف نیست پس اگر بدون عذر نپوشانند مرتکب گناه بزرگی شده‌اند ولی طوافشان صحیح است. (۵)و در فرع بعدی داشتن حجاب شرط صحت طواف نیست.

*** الشیخ البهجت: یعتبر ستر العورة حال الطواف علی الأحوط بل الأقوی. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر اختیاراً طواف را در حال آشکار بودن مو انجام دهد باحتیاط واجب اعاده کند. (۷)

الشیخ الفاضل: حکم عورة المرأة فی الطواف حکمها فی الصلاة. (۸)

الشیخ الوحید: علی الظاهر موافق است با نظر آیة‌اللّه خوئی قدس سره. (۹)

وظیفه مسلوس و مبطون

۱- کتبی و فی الصراط ج ۳ ص ۱۶۷.

۲- شفاهی.

۳- ص ۱۰۳ ملحق.

۴- ص ۳۰.

۵- فرع ص ۴۶۴.

۶- ص ۱۲۱.

۷- ص ۴۹.

۸- حول الحج ص ۷۹.

۹- شفاهی.

ص:۱۱۴

الإمام الخمینی قدس سره: اگر در طواف و نماز طواف رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارید بنمایید حج شما صحیح است. (۱)

منه أیضاً: درباره مبطون احوط آن است که در صورت تمکن هم شخصاً طواف کند و هم برای طواف نائب بگیرد. (۲)

السید الخوئی قدس سره: مسلوس به دستور نماز عمل می‌کند و احوط برای مبطون در صورت تمکن خود طواف کند و نائب هم بگیرد. (۳)

السید الگلپایگانی قدس سره: حکم مسلوس در طواف حکم نماز است ولی برای مبطون احتیاط آن است که خودش طواف کند و نایب هم بگیرد. (۴)

السید السیستانی: المعذور یکتفی بطهارته العذریة کالمجبور والمسلوس والمبطون وإن کان الأحوط للمبطون أن یجمع مع التمکن بین الإتیان بالطواف ورکعتیه بنفسه و بین الإستنابة لهما. (۵)

السید الشبیری: شفاهی فرمودند: نظر من با نظر آیةاللَّه خوئی یکی است به نحوی که در عبارت بالا مرقوم شد.

*** الشیخ البهجت: کسی که سلس دارد به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد برای طواف نیز کافی است و اما مبطون باید برای طواف نایب بگیرد. (۶)

۱- ص ۱۴۰

۲- م ۲۹۹

۳- مسأله ۲۲۹

۴- مجمع ج ص ۴۶۹

۵- ص ۱۵۰

۶- ص ۱۰۶، م ۲۹۹

ص: ۱۱۵

الشيخ التبريزی قدس سره: المعذور يكتفی بطهارته العذريّه كالمجبور والمسلوس أما المبطون فالأحوط أن يجمع مع التمكن بين الطواف بنفسه والإستنابهٔ. (۱)

الشيخ الفاضل: با امكان پس از هر حدث طهارت را تجديد كند و بنابر احتياط واجب نايب هم بگيرد. (۲)

منه أيضاً: مبطون بايد علاوه بر طواف خود نايب هم بگيرد. (۳)

الشيخ الصافی: بنابر احتياط مبطون و مسلوس بايد خود را از تعدّی نجاست حفظ كرده طواف نمايد و پس از طواف خود نائب هم بگيرد. عبارت فرموده مربوط به مناسك السيد الگلپايگانی است و معظم له حاشيه ندارد. (۴)

الشيخ المكارم: اين احتياط برای مسلوس و مبتلا به خروج ريح واجب نيست. (۵)

الشيخ النوری: با نظر امام موافق است و حاشيه ندارد. (۶) مبطون بايد نايب هم بگيرد.

الشيخ الوحيد: إذا لم يتمكن المكلف من الوضوء وكان آيساً من حصول التمكن فيما بعد يتيمّم وأتی بالطواف وإذا لم يتمكن من التيمم أيضاً ولو فيما بعد لزمته‌الاستنابهٔ للطواف والأحوط الأولی أن يأتی هو أيضاً بالطواف من غير طهارهٔ. (۷)

منه أيضاً: نفس العبارهٔ مع إضافهٔ انّه مع التمكن يجمع بين الطواف وصلاته بنفسه وبين الإستنابهٔ لهما وإن كان لا يبعد كفايهٔ الإستنابهٔ. (۸)

الطواف مع النجاسة المنسية

الإمام الخمينی قدس سره: احتياط واجب اعاده است. (۹)

السيد الخوئی قدس سره: اگر نجاست بدن يا لباس را فراموش كرد و طواف نمود بنا

۱- ص ۱۴۴ م ۲۹۶

۲- فرع ۵۲۹

۳- محشی، ص ۲۴۳

۴- ص ۱۹۴، اخير.

۵- محشی ص ۲۴۹

۶- ص ۲۳۶

۷- ص ۱۱۸

۸- ص ۱۲۲ م ۲۹۳

۹- ص ۱۱۲

ص: ۱۱۶

بر اطهر طواف او صحیح است اگر چه اعاده آن احوط است و اگر بعد از نماز متذکر شد حتماً باید اعاده کند. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: احتیاط لازم است که طواف را دوباره بجا آورد. (۲)

السید السیستانی: إذا تذکرها بعد طوافه صح طوافه علی الأظهر و إن کانت إعادته أحوط وإذا تذکرها بعد صلاة الطواف أعادها علی الأحوط إذا کان نسیانه ناشئاً عن إهماله وإلا فلا حاجة إلی الإعادة علی الأظهر. (۳)

السید الشبیری: اگر در اثناء طواف ببیند که لباس یا بدنش نجس است طواف را قطع می کند و پس از تطهیر از همان محل قطع تمام می کند و هر چند قبل از شوط چهار باشد و هر چند موالات بهم خورده باشد و فرقی نیست که قبلًا دیده و فراموش کرده یا هیچ اطلاعی نداشته. (۴)

*** الشیخ البهجت: صحت طواف خالی از وجه نیست. (۵)

الشیخ التبریزی قدس سره: صح طوافه علی الأظهر وإن کانت إعادته أحوط وإذا تذکرها بعد صلوة الطواف أعادها. (۶)

الشیخ الصافی: و اگر فراموش کرد و با بدن یا لباس نجس طواف کرد احتیاط لازم آن است که طواف را دوباره بجا آورد. (۷)

الشیخ النوری: اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند احتیاط واجب اعاده است. (۸)

الشیخ الوحید: إذا تذکرها بعد طوافه صح طوافه و إن کانت إعادته أولی و إن تذکرها بعد صلاة الطواف فإن کان نسیانه عن عدم الإهتمام یعد صلاته عقوبة لنسیانه وإلا فعلیه الإعادة علی الأحوط. (۹)

محمول متنجّس

۱- مسأله ۳۰۲

۲- ص ۶۴

۳- ص ۱۵۲

۴- مسأله ۴۰۹

۵- ص ۱۰۷

۶- ص ۱۴۶

۷- ص ۸۰

۸- ص ۱۷۱

۹- ص ۱۲۳

ص: ۱۱۷

الإمام الخمینی قدس سره: احتیاط واجب آن است که از جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب و انگشتر نجس اجتناب شود. (۱)

السید الخوئی قدس سره: بودن چیز نجس همراه انسان در طواف عیبی ندارد و همچنین است چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی‌شود مانند همیان و کلاه و جوراب. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر ساتر نباشد مانند تسبیح و چاقو اشکالی ندارد. (۳)

السید السیستانی: لا مانع منه إذا لم یکن لابساً لها. (۴)

السید الخامنئی: الأحوط عدم حمل المتنجس حال الطواف وإن کان الأظهر جوازه فی غیر اللباس خصوصاً إذا کان المتنجس بغیر الدم. (۵)

السید الشبیری: احتیاط استحبابی آن است که از جامه‌ای که نمی‌تواند ستر عورت کند اجتناب کند. (۶)

*** الشیخ البهجت: بودن چیز نجس همراه انسان در طواف عیبی ندارد و همچنین است نجس بودن چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی‌شود مانند همیان و جوراب و کلاه. (۷)

الشیخ التبریزی قدس سره: کما لا بأس بالمحمول المتنجس وکذلک نجاسة ما لا تتم الصلاة فیه. (۸)

الشیخ الصافی: اگر ساتر نباشد اشکال ندارد. (۹)

۱- ص ۱۱۱.

۲- ص ۱۶۲.

۳- شفاهی و مجمع ص ۴۷۳.

۴- ص ۱۰۶ ملحق.

۵- ص ۳۰.

۶- ص ۱۰۳.

۷- ص ۱۰۷.

۸- ص ۱۴۵.

۹- فرع ۳۹۲.

ص: ۱۱۸

الشیخ المکارم: لباس‌های کوچک مانند جوراب و شب‌کلاه و همیان که به‌تنهایی با آنها نمی‌توان ستر عورت کرد اگر نجس باشد عیبی ندارد. (۱)

الشیخ النوری: احتیاط واجب اجتناب است. (۲)

الشیخ الوحید: کما لا بأس بالمحمول المتنجس والأحوط الاجتناب عن نجاسهٔ ما لا تتم الصلاهٔ فیه. (۳)

جواز مبادرت و عدم جواز

الإمام الخمینی قدس سره: احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش مرتفع شود صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.

السید الخوئی قدس سره: س- کسی که وظیفه فعلی او تیمم است یا وضوی جبیره آیا می‌تواند به طواف و نماز مبادرت کند یا باید صبر کند تا آخر وقت؟

ج- بله می‌تواند مبادرت کند ولی اگر تا آخر وقت عذرش برطرف شد عمل را اعاده کند. (۴)

السید الگلپایگانی قدس سره: احتیاط واجب آن است که صبر کند تا آخر وقت. (۵)

السید السیستانی: أقول: یظهر من السید فی توضیحه فرع ۷۲۳: إذا کان صاحب العذر عالماً ببقاء العذر إلی آخر الوقت أو کان مأیوساً من ارتفاعه یجوز له المبادرهٔ إلی الصلاهٔ فی سعهٔ الوقت مع التیمم فراجع.

السید الشبیری: معذور از غسل یا وضو اگر امید رفع عذر را دارد بنابر احتیاط باید صبر کند تا وقتی که امیدش قطع شد پس از قطع امید تیمم می‌کند. (۶)

***

۱- ص ۸۹

۲- ص ۱۷۰

۳- ص ۱۲۳

۴- کتبی

۵- ص ۶۳

۶- ۳۸۹

ص: ۱۱۹

الشیخ البهجت: هرگاه مکلف نتواند وضو بگیرد تیمم نموده و طواف را بجا آورد. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر نتواند وضو بگیرد تیمم نموده و طواف را به‌جا آورد. (۲)

الشیخ الصافی: احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش برطرف شود و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشود باید تیمم کند. (۳)

الشیخ الفاضل: در مسأله ۱۰ ص ۱۸۸ مناسک محشی با عبارت امام موافق است. (احتیاط واجب صبر است)

الشیخ المکارم: اگر معذور از غسل و وضو باشد می‌تواند بجای آن تیمم کند و طواف را بجا آورد. (۴)

و در مسأله ۱۰ ص ۱۹۲ مناسک محشی با نظر امام موافق است. (احتیاط صبر است)

الشیخ الوحید: إذا لم یتمکن المکف من الوضوء و کان آیساً من حصول التمکن فیما بعد یتیمم وأتی بالطواف. (۵)

حج بدون طهارت مع الجهل

الإمام الخمینی قدس سره: تلخیص سئوال و جواب- دختری که در کودکی جنب شد و در سن بلوغ هم غسل جنابت نکرده و حج انجام داده؟

ج- با فرض آن که جنب بوده و بدون غسل حج انجام داده طواف و نماز او صحیح نیست و غسل‌های دیگر کفایت از غسل جنابت نمی‌کند ولی حج او صحیح است لکن باید طواف عمره و حج و طواف نساء و نماز آنها را خودش

۱- ص ۱۰۳، و عربی، ص ۱۱۵

۲- مسأله ۲۹۱

۳- ص ۷۸

۴- مسأله ۱۷۳

۵- ص ۱۱۸

ص: ۱۲۰

بجا آورد و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد و تا طواف‌ها را به نحو مذکور انجام نداده از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال می‌شود اجتناب نماید. (۱)

السید الخوئی قدس سره: س: لوطاف طواف الحج أو العمرة وبعد الإنتهاء من الحج أو العمرة علم ان وضوئه کان باطلًا بوجود حائل فما الحکم؟

ج- إن کان فی مکة والوقت باق یعید وإن خرج الوقت أعنی شهر ذی‌الحجة بطل حجه. (۲) إن کان ذلک فی وضوئه لطوافه الواجب فهو محرم فلا بد أن یعود فیتمّ العمرة. (۳)

السید الگلپایگانی قدس سره: فی الفرض اگر در ذی‌حجه متوجه شود بعد از ازاله حائل و انجام غسل یا وضو طواف حج و سعی و طواف نساء را بجا آورد و عمره مفرده نیز بجا آورد و در سال بعد حج واجب را بجا آورد. و اگر بعد از ذی‌حجه متوجه بطلان طواف شود عمره مفرده بجا آورد تا از احرام خارج شود و در سال بعد حج واجب خود را بجا آورد. (۴)

السید السیستانی: فی الفرض- یبطل حجها و علیها کفارة بدنة علی الأحوط. (۵)

السید الخامنئی: یجب علیه إعادة الأعمال المشروطة بالطهارة (أی الطوافان وصلاتهما) (۶).

السید الشبیری: تدارک طواف و نماز کافی است چه نسیان باشد و چه جهل ولی اگر اصل طواف را ترک کرده از روی عمد تا وقت آن بگذرد عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل. (۷)

***

۱- ص ۱۲۹ طبع پنجم

۲- کتبی وفی الصراط ج ۱ ص ۲۲۰

۳- الصراط، ج ۱، ص ۲۲۰

۴- مجمع ص ۴۷۸

۵- ص ۹۲، ملحق.

۶- ص ۵۰

۷- مسأله ۳۷۳

ص: ۱۲۱

الشیخ البهجت: شفاهی‌فرمودند: همان‌طواف ونماز را تدارک کند کافی است.

الشیخ التبریزی قدس سره: فی الصراط ج ۱ ص ۲۲۰ وافق السید الخوئی فی العمرهٔ المفردهٔ وقد تقدم نظر السید الخوئی.

الشیخ الصافی: اگر در طواف عمره بوده حج او مبدل به افراد شده باید یک عمره به‌جا آورد و احتیاطاً حج را اعاده کند. (۱)

الشیخ الفاضل: نفس عبارهٔ السید الخوئی فی العربی الجدید ص ۶۹ حول الحج إن خرج الوقت بطل حجه و أما فی العمرهٔ المفرده فلا تبطل ویلزمه التدارک. (۲)

منه أیضاً: أفتی ببطلان الحج إذا طاف من مقابل الباب أو الحجر (حجر إسـماعیل علیه السلام (۳)) و ببطلان إحرام العمرهٔ أو الحج إذا فات وقت التدارک. (۴)

الشیخ النوری: بعد از حج فهمید که وضویش باطل بوده- با تدارک طواف‌ها و نماز حج او صحیح است. (۵)

الشیخ الوحید: محتاج به مراجعه است.

نسیان اصل طواف

السـید الخوئی قـدس سـره: إذا نسـی الطواف حتی رجع إلی بلده و واقع أهله لزمه بعث هدی‌إلی منی إن کان المنسـی طواف الحج و إلی مکهٔ إن کان المنسی طواف العمرهٔ. (۶)

نسیان غسل مسّ المیت

السـید الخوئی قـدس سـره: ملخص السؤال و الجواب- س: لو کـان علیه غسل مسّ المیت ونسـی الغسل وأتی بأفعال الحـج فهل حجه صحیح أم لا؟

۱- فرع ۳۷۸ و ۳۹۵ ملاحظه شود.

۲- ص ۷۳

۳- ص ۸۰ حول الحج

۴- مصدر ص ۸۶

۵- ص ۳۹۷

۶- الصراط ج ۲ ص ۵۰۳

ص: ۱۲۲

ج: فی مفروض السؤال إن کان قد أتی بالغسل المستحب شرعاً قبل طواف العمرة صح حجه ولا بأس به- وإن کان الإتیان به بعده بطل حجه (۱) و وافقه التبریزی.

*** و فی ص ۲۳۴: إذا طاف وصلی بدون طهارة من الحدث جاهلًا بالحکم حکمه حکم تارک الطواف عمداً ووافقه التبریزی.

الشیخ الفاضل: فی مفروض السؤال إذا أتی بغسل واجب قبل طواف العمرة صحّ حجه وإلا بطل حجه. (۲)

أقول: هذا فی الحج و قال أیضاً فی ص ۳۲: اعتمر عمرة مفردة ثم تبیّن له أن وضوئه کان باطلًا بعد رجوعه إلی بلده.

ثم قال فی الجواب: إن کان ذلک فی وضوئه الواجب لطوافه وصلاته فهو محرم لابدّ أن یعود فیتمّ العمرة و یتحلّل.

خون قروح و جروح

الإمام الخمینی قدس سره: اگر تطهیر آن مشقت دارد لازم نیست ولی تا اندازه امکان باید تطهیر شود و اگر با تأخیر طواف می‌شود بی مشقت تطهیر کرد، احتیاط در تأخیر است. (۳)

السید الخوئی قدس سره: اگر اجتناب از آن سخت باشد برطرف کردنش لازم نیست. (۴)

السید الگلپایگانی قدس سره: احتیاط واجب آن است که با خون زخم و جراحت که

۱- الصراط ج ۲ ص ۱۹۹

۲- حول الحج ص ۹

۳- ص ۱۱۱ خلاصه سه فرع

۴- مسأله ۳۰۰

ص: ۱۲۳

در نماز عفو است طواف نکند و اگر بر طرف کردن و تطهیر آن ممکن نیست احتیاط واجب آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نائب بگیرد. (۱)

السید السیستانی: لا بأس بنجاسة البدن أو اللباس بدم القروح أو الجروح قبل البرء إذا کان التطهیر أو التبدیل حرجیاً وإلّا وجبت إزالتها علی الأحوط. (۲)

السید الشبیری: احتیاط مستحب آن است که از خون قروح و جروح و خون کمتر از درهم اجتناب کند. (۳)

*** الشیخ البهجت: نجاستی که در نماز بخشوده بود مانند خون کمتر از درهم و دم جروح و قروح در طواف بخشوده نیست. (۴)

و فی العربی ص ۱۱۹: لا بأس بدم القروح والجروح فیما یشق الإجتناب عنه ولا تجب إزالته عن الثوب والبدن فی الطواف.

الشیخ التبریزی قدس سره: لا بأس بدم القروح والجروح فیما یشق الإجتناب عنه. (۵)

الشیخ الصافی: احتیاط واجب آن است که با خون کمتر از درهم و خون زخم و جراحت که در نماز عفو است طواف نکند. (۶)

الشیخ المکارم: در مورد خون زخم‌ها اگر شستن آن باعث مشقت و عسر و حرج باشد ضرری برای طواف ندارد. (۷)

الشیخ النوری: اگر تطهیر مشقت دارد تطهیر لازم نیست. (۸)

الشیخ الوحید: لا بأس بدم القروح والجروح فیما یکون الإجتناب عنه حرجیاً والأحوط الإجتناب عن نجاسة ما لا تتم الصلاۀ فیه. (۹)

قطع طواف برای نظافت مسجد

۱- ص ۶۴

۲- ص ۱۵۱

۳- ص ۱۰۳

۴- ص ۱۰۶

۵- ص ۱۴۵

۶- ص ۷۹

۷- ص ۸۹

۸- ص ۱۷۰

۹- ص ۱۲۳

ص: ۱۲۴

الإمام الخمینی قدس سره: اگر موالات بهم نخورده استیناف محل اشکال است. (۱)

السید الخوئی قدس سره: قبلًا راجع به قطع مع العذر گفته شد. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: بعد از شوط چهار وظیفه اتمام است و قبل از نصف استیناف و بعد از نصف و قبل از اکمال چهار احوط اتمام و اعاده است.

السید السیستانی: أقول: یستفاد من الحواشی المختلفهٔ أنّه یجوز القطع لحاجهٔ أو ضرورهٔ وإذا کان القطع قبل الأربع یستأنف الطواف وإذا کان بعد إکمال الأربع یتمّه إذا لم تفته الموالاهٔ العرفیهٔ وهذا فی غیر القطع لدرک الجماعهٔ فإنّ فیها یتمّ ما بقی من الطواف مطلقاً. (۳)

السید الشبیری: اگر برای خاطر موانع خارجی مثل نظافت مسجد و مطاف طواف را قطع کند اگر بعد از شوط چهارم باشد طواف قبلی را اتمام می کند (مگر اینکه فاصله زیاد باشد) و اگر قبل از اتمام شوط چهارم بوده (اگر فاصله مختصر باشد) همان را اتمام و الا استیناف می کند.

*** الشیخ البهجت: می تواند در کناری قرار گیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها از آنجا که طوافش را قطع کرده ادامه دهد و صحیح است. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: در فصل طواف چه اصل و چه متفرقه متعرض این فرع

۱- ص ۱۲۷ طبع پنجم.

۲- ص ۱۴۴ مناسک.

۳- الملحق مسأله ۲۳۶ و مسأله ۲۰۰ و مسأله ۳۱۰ مناسک و مسأله ۳۱۲ مسأله ۳۱۲ مخصوص درک جماعت و درک وقت فضیلت است.

۴- ص ۱۸۴.

ص: ۱۲۵

نشده‌اند.

الشیخ الوحید: بعید نیست بناگذاری بر تکمیل اشواط بعمل آمده از دو مسأله ۳۰۴ و ۳۰۶ ملاحظه فرمایید. خصوص فرع را متعرض نیستند. (۱)

قطع طواف واجب

الإمام الخمینی قدس سره: قطع طواف مستحب جائز است بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و احوط قطع نکردن است. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: قطع طواف واجب بدون عذر جائز نیست. (۳)

السید السیستانی: بلکه بنا بر اظهر قطع آن مطلقاً (طواف الفریضة) گرچه برای کاری یا ضرورتی نباشد جائز است. (۴)

السید الخامنئی: قطع طواف واجب جایز است اگرچه احوط عدم قطع است به‌نحوی که موالات عرفیه به هم بخورد.

السید الشبیری: قطع کردن طواف واجب به نحویکه موالات عرفی طواف از بین برود و مجموعه طواف از صورت یک عمل خارج شود به مجرّد خواهش نفسانی جائز نیست ولی قطع طواف مستحب اشکال ندارد. (۵)

*** الشیخ البهجت: احوط عدم قطع طواف واجب است به نحوی که موالات عرفیه بهم بخورد پس اگر مرتکب قطع شد اقوی استیناف آن است. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: إذا خرج الطائف من المطاف إلی الخارج قبل تجاوزه النصف من دون عذر فإن فاتته الموالاة العرفیة بطل طوافه. (۷)

۱- ص ۱۲۹

۲- ط باقری ص ۱۵۴ مسأله ۱۵

۳- احکام عمره ص ۶۲ و مجمع مسأله ۳۱

۴- فی الملحق ص ۹۴

۵- مسأله ۴۴۰

۶- رساله شیخ ص ۴۴

۷- ص ۱۵۲

ص: ۱۲۶

س: هل یجوز قطع الطواف أو السعی إختیاراً ثمّ الإبتداء من أول العمل؟ ج: لا یجوز القطع علی الأحوط الأولی. (۱)

الشیخ الصافی: طواف واجب را بدون عذر نباید قطع کرد و قطع طواف استحبابی بدون عذر جایز است. (۲)

الشیخ الفاضل: وکذا المفروض علی الأقوی ویجوز الإستیناف قبل فوات الموالات العرفیهٔ ... ولا فرق فی ذلک بین قطعه قبل الشوط الرابع أو بعده حتی لو قطعه فی إثناء الشوط السابع واستأنفه من رأس فانّ الطواف الثانی صحیح علی الأقوی نعم قطع الطواف المفروض مکروه. (۳)

الشیخ المکارم: بنا بر احتیاط واجب قطع نکند. (۴)

الشیخ النوری: جائز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس. (۵)

الشیخ الوحید: إذا خرج الطائف من المطاف فی طواف الفریضه قبل تجاوزه الشوط الرابع من دون عذر فإن فاتته الموالاهٔ العرفیهٔ بطل طوافه. (۶)

ترک طواف پس از چهار دور

س: پس از سه دور یا چهار دور طواف را رها می‌کند و از سر می‌گیرد بدون قصد زیاده فقط برای اینکه دل چسب‌تر باشد آیا این طواف صحیح است یا نه؟

السید السیستانی: چنانچه جاهل قاصر بوده صحیح است و در جهل تقصیری محل اشکال است. بلی اگر قبل از چهار شوط از مطاف خارج شد و مشغول عمل

۱- الصراط الرابع، ص ۱۶۳.

۲- فرع ۴۸۰.

۳- الجامع ص ۸۰.

۴- محشی ص ۲۰۹.

۵- ص ۱۹۶- م ۱۵ واجبات طواف.

۶- ص ۱۲۹ م ۳۰۴.

ص: ۱۲۷

آخری شد که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده و یا قبل از چهار شوط و یا بعد از آن آنقدر صبر کرد که فوت موالاة عرفیه شد طواف دوم صحیح است. (۱)

السید الشبیری: در فرض جهل صحیح و در فرض علم بعد از فوت موالات صحیح است. (۲)

*** الشیخ البهجت: صحیح است. (۳)

الشیخ الصافی: اگر چهار دور را تکمیل کرده باشد محل اشکال است و مقتضای احتیاط این است که آن را تمام کند و نماز طواف را بخواند و بعد طواف را استیناف کند. (۴)

الشیخ الفاضل: بلی طواف دوم صحیح است. (۵)

عجز از اتمام طواف و استنابه

الإمام الخمینی قدس سره: شخصی که با عجز طواف را قطع کرده و وقت تنگ شد و حمل بر دوش هم ممکن نبود برای او نائب بگیرند. (۶)

السید الخوئی قدس سره: احتیاط آنکه برای باقیمانده نائب بگیرند و شخصاً بعد از زوال عجز احتیاطاً باقیمانده را بجا آورد و اصل طواف را اعاده کند. (۷) و در جواب کتبی فرموده‌اند: مجالی برای تبعیص در اشواط نیست و باید برای تمام عمل نائب بگیرد.

السید الگلپایگانی قدس سره: بعید نیست گفته شود که طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج بدلیل است. (۸)

۱- مهردفتر

۲- الخاتم.

۳- مهر دفتر

۴- کتبی

۵- کتبی

۶- ص ۱۹

۷- ص ۱۷۱

۸- شفاهی

ص: ۱۲۸

السید السیستانی: إذا علم مسبقاً عجزه عن إتمام الطواف إستناب للتمام و کذا إذا طرءَ علیه العجز قبل إتمام الشوط الرابع وأما إذا طرء علیه العجز بعد إتمامه فالأقرب جواز الإستنابة للباقی. (۱)

السید الشبیری: اگر در اثناء مریض شد و قطع کرد اگر قبل از ۳/۵ باشد بعد از بهبودی یک طواف کامل به‌جا آورد و اگر خوب نشد برای طواف کامل نائب بگیرد و اگر بعد از ۴ شوط بود برای تکمیل نائب بگیرد و کافی است و اگر بین ۳/۵ و ۴ بود برای اتمام نائب بگیرد و اگر خودش بهبودی یافت طواف را اعاده کند. (۲)

و در ص ۶۹: اگر می‌توانند با وسیله‌ای مانند چرخ خودشان طواف کنند در مطاف و خودشان چرخ را راه ببرند، و الا بر روی دوش دیگران یا چرخ در داخل مطاف و الا نائب بگیرند تا در مطاف طواف کند.

*** الشیخ البهجت: اگر نتوانست طواف را تمام کند در آخر وقت نائب بگیرد وقد سبقه فی هذا الرأی السید الخوئی والإمام الخمینی والشیخ الأراکی. (۳)

اگر قادر بر اتمام نباشد تا تنگی وقت صبر کند، اگر به هیچ نحو نشد برای او نائب بگیرند در اتمام... عاجز طواف در چند مرحله انجام دهد، قبل از ۴ مع عدم فوت الموالات، و بعد از ۴ مطلقاً. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: وإن کان بعد الرابع فالأحوط أن یستنیب للمقدار الباقی و یحتاط بالإتمام والإعادهٔ بعد زوال العذر. (۵)

الشیخ الفاضل: اگر با عذر قطع کرد و نتوانست بجا آورد تا وقت تنگ شد و

۱- ص ۱۰۶ ملحق

۲- ص ۶۷

۳- آراء المراجع، قدیمی.

۴- مناسک، ص ۱۱۲ و ۱۶۱

۵- ص ۱۵۳

ص: ۱۲۹

حمل هم ممکن نبود برای او نائب بگیرند و در فرع دیگر در عجز بعض، نائب برای کل طواف بگیرد. (۱)

الشیخ المکارم: در مناسک متعرض نیابت در فرع مزبور نشده.

الشیخ الوحید: إذ التجأ الطائف إلی قطع طوافه لمرض کصداع أو وجع فی البطن فإن کان ذلک قبل إکمال الشوط الرابع لزمته الإعادهٔ و إن کان بعده فالأحوط أن یستنیب للمقدار الباقی و یأتی بطواف کامل بقصد الأعم من الإتمام والتمام. (۲)

أقول: ظاهر این است که برای کل طواف نائب بگیرند یا لا اقل مطلق است.

قطع طواف برای درک جماعت

الإمام الخمینی قدس سره: جائز است قطع و از هر جا قطع کرد از همانجا اتمام کند و احوط اتمام و اعاده است و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

السید الخوئی قدس سره: قطع جائز است و بعد از نماز از هر کجا قطع نمود شروع و اتمام نماید. (۳)

السید الگلپایگانی قدس سره: جائز است قطع بلکه مستحب است و از هر کجا قطع کرد بعد از نماز تمام کند. و احوط آنکه اگر قبل از چهار باشد اتمام و اعاده نماید. (۴)

و فی المجمع ۴۸۰: اگر قبل از اکمال چهار استیناف کند طواف و عمره او صحیح است لکن باید طواف ناقص را خودش یا نائب او تکمیل کند.

السید السیستانی: إذا قطع الطواف لدرک الصلاهٔ الجماعهٔ أتمه بعد الفراغ من صلاته من موضع القطع مطلقاً وإن کان الأحوط إعادته بعد الإتمام أیضاً إذا کان القطع قبل تمام الشوط الرابع. (۵)

۱- ص ۲۰۵ محشی.

۲- ص ۱۲۹.

۳- کتبی و منیهٔ المسائل ص ۸۹، صراط النجاهٔ، ج ۲، ص ۲۳۲.

۴- احکام عمره.

۵- ص ۱۶۰.

ص: ۱۳۰

السید الشبیری: قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت جائز است و بعد از نماز طواف را تمام می‌کند. (۱)

*** الشیخ البهجت: در طواف اگر موالات عرفیه بهم نخورد اشکال ندارد و اگر بهم خورد و قبل از چهار بود احتیاط با اکمال آن و اعاده است ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر که مورد سئوال است مانع ندارد. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: در مناسک متعرض فرع مزبور نشده و فی الضمیمه ص ۳۲: از جایی که قطع کرده بعد از نماز را ادامه دهد.

الشیخ الفاضل: جائز است بلکه مستحب است قطع کند برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند و احتیاط اتمام و اعاده است. بلی اگر بعد از چهارم بوده است اتمام کافی است. (۳)

وفی الجدید: تخلل الجماعة لا تضرّ بالطواف قبل الأربعة أو بعدها إذا اشتغل به بعد الصلاة. (۴)

الشیخ المکارم: در مناسک متعرض فرع نشده.

الشیخ الوحید: و یستحب قطع الطواف و إن کان فریضة لإدراک صلاة الفریضة ثم یعود فیتم ما بقی من طوافه. (۵)

لک در ایام عادت

الإمام الخمینی قدس سره: در فرض مزبور در ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه

۱- حاصل مسأله ص ۶۵

۲- ص ۱۶۱

۳- حاصل دو مسأله ص ۲۰۶

۴- ص ۷۰

۵- ص ۱۳۰

ص: ۱۳۱

کم‌رنگ ببیند این خون چه حکمی دارد؟

ج: حکم استحاضه دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کند. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: س: به واسطه خوردن قرص و یا تزریق آمپول جلو عادت را گرفته لکن در ایام عادت روزی یک لحظه خون می‌بیند با وصف مذکور طواف و نماز او چگونه است؟

ج: با انجام اعمال مستحاضه طواف و نماز او صحیح است. (۲)

السید السیستانی: لا یجری علی الدم المتقطع فی مفروض السؤال حکم دم الحیض بل یجری علیه حکم الإستحاضة بلا فرق بین کونه بصفة الحیض أو لا. (۳)

السید الشبیری: در فرض مسأله- خونی که در ایام عادت می‌بیند هر چند سه روز مستمر نباشد و صفات حیض نیز نداشته باشد حکم حیض را دارد. (۴)

و در مسأله ۴۰۲: اگر صاحب وقتیه و عددیه در وسط پاک شد و طواف نماز را در پاکی انجام داد و بعد لک دید اعمالش صحیح است. (۵)

و در مسأله ۶۴۴: اگر زنی در اثناء حیض مدتی پاک باشد حتی در باطن فرج حکم حیض ندارد. پس اگر در عرفات یا مشعر لک دید و یقین کرد که خون حیض است و قبلًا پاک نبوده گرچه به‌حسب عادت پاک بوده اعمال قبلی او صحیح است و باید حج تمتع را تمام کند.

*** الشیخ البهجت: تعمل عمل المستحاضة إلا إذا علمت أن فی باطن الفرج دماً. (۶)

منه أیضاً: س: رؤیة الدم فی أیام العادة فهل یجوز المنع بالعلاج؟

ج: إذا انقطع الدم بالعلاج فلیست بحائض. (۷)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر استمرار تا سه روز نداشته باشد استحاضه است و

۱- ص ۱۳۹ طبع پنجم مع التلخیص.

۲- مجمع ص ۴۷۲

۳- ملحق ص ۹۲ س ۱۹۴

۴- مسأله ۴۰۰

۵- ۴۴۴ و ۶۴۴

۶- مسأله ۱۷۴

۷- ص ۲۴۰

ص: ۱۳۲

اعمال مستحاضه را باید انجام داد. (۱)

و فی الصراط ج ۳ ص ۱۸۸ نظر السید الخوئی و الشیخ التبریزی: لا بأس بالطواف والصلوة فی الفرض.

ملحقات نماز طواف

الصلاة خلف المقام

۱– بانوان ص ۲۱.

ص: ۱۳۳

ص: ۱۳۴

ص: ۱۳۵

الإمام الخمینی قدس سره: اگر صدق خلف مقام نشد در یکی از دو جانب بجا آورد به‌طوری که گفته شود نزد مقام است و اگر ممکن نشد در دو جانب بجا آورد با ملاحظه نزدیکتر به مقام از دو جانب و خلف و اگر سه طرف مساوی باشد در خلف بخواند و دو طرف کافی نیست و اگر دو طرف صدق نزد مقام نکند اکتفا به پشت بعید نیست لکن احتیاط آن است که یک نماز پشت مقام و یک نماز در یکی از دو طرف با ملاحظه اقربیّت و احوط اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی وقت سعی تنگ نشده. (۱)

السید الخوئی قدس سره: و در صورت عدم تمکن با مراعات نزدیکی به مقام بنا بر احتیاط واجب در هر جای مسجد می‌تواند بجا آورد. (۲)

منه أیضاً: إذا صلّی خلف المقام بعیداً ثم تمکّن قبل السعی قریباً من المقام لا تجب الاعادة. (۳)

۱- س ۱۵۰ طبع پنجم

۲- ص ۱۸۰

۳- الصراط ج ۲ ص ۲۳۹

ص: ۱۳۶

منه أيضاً: س: بعد الطواف لو انتظر خمسهٔ دقائق، لوجد مكاناً خلف المقام؛ فهل يجب الإنتظار أم يصلى خلفه بعشرهٔ أمتار؟

ج: لا يجب الإنتظار. (۱)

السيد الگلپايگانى قدس سره: اگر پشت مقام ممكن نشد در يكى از دو جانب مقام بايستد و اگر نشد در هر جايى از مسجد كه پشت مقام و دو طرف آن نزديكتر به مقام باشد. (۲)

السيد السيستانى: فإن لم يتمكن من الخلف فالأحوط أن يجمع بين الصلاهٔ عنده فى أحد جانبيه وبين الصلاهٔ خلفه بعيداً عنه ومع تعذر الجمع يكتفى بالممكن منهما ومع تعذرهما يصلّى فى أى مكان من المسجد مراعياً الأقرب فالأقرب إلى المقام على الأحوط الأولى. (۳)

السيد الشبيرى: بايد نماز طواف را پشت مقام ابراهيم عليه السلام بجا آورد و به قدرى نزديك باشد كه بگويند (نزد مقام) و اگر موجب مزاحمت بود در نقطه دورتر پشت مقام با رعايت الاقرب فالأقرب، و در يمين و يسار كافى نيست. (۴)

*** الشيخ البهجت: احوط آن است كه پشت مقام باشد به طورى كه نزد مقام صدق كند و با عدم تمكن، در يكى از دو جانب، و اگر آن هم ممكن نشد با مراعات الأقرب فالأقرب به سوى خلف و دو جانب آن و در صورت دوران بين بعضى مراتب خلف واحد جانبين جمع كند بين دو نماز بلكه اعاده پس از تمكن از خلف تا آخر وقت امكان.

الشيخ التبريزى قدس سره: فإن لم يتمكن فيصلى فى أىّ مكان من المسجد مراعياً الأقرب فالأقرب إلى المقام على الأحوط.

۱- الصراط، ج ۳، ص ۱۷۳

۲- ص ۱۱۰

۳- ص ۱۶۸

۴- ص ۸۲

ص: ۱۳۷

الشیخ الفاضل: باید خلف مقام باشد با رعایت الأقرب فالأقرب والا در دوجانب با صدق اقرب به مقام. (۱)

الشیخ المکارم: بهمین اندازه که بگویند پشت مقام ابراهیم بجا آورده کافی است. (۲)

الشیخ النوری: باید نماز خلف مقام باشد اگر خلف مقام احراز نشود نماز خوانده صحیح نیست. (۳) و در صورت ازدحام هر کجای مسجد بخواند کفایت می‌کند. (۴)

الشیخ الوحید: ومع عدم التمکن من الإتیان بها قریباً من المقام یجوز الإتیان بها خلف المقام إلی ما یقرب من ظلال المسجد وإن لم یتمکن من ذلک صلی قریباً منه فی أحد جانبیه. (۵)

اگر تصحیح نماز ممکن نشد

الإمام الخمینی قدس سره: اگر نتوانست قرائت نماز را یاد بگیرد باید نماز را بهر ترتیبی که می‌تواند خودش بجا آورد و کافی است و به اقتداء به شخص عادل و استنابه هم اکتفا نکند اگر احتیاط کرد. (۶)

السید الخوئی قدس سره: هرگاه قرائت نمازگزار غلطی داشته باشد و نتواند درست کند اشکالی در اکتفا به آنچه می‌تواند در نماز طواف و غیر آن نیست و همان اندازه کافی است و در صورت سهل‌انگاری در تصحیح احوط آن است که بجماعت بخواند و نایب هم بگیرد. (۷)

السید الگلپایگانی قدس سره: و اگر تصحیح ممکن نشود نماز طواف را به جماعت

۱- محشی

۲- ص ۱۰۴

۳- ص ۲۳۵

۴- ص ۲۳۶

۵- ص ۱۳۷

۶- ص ۱۵۱

۷- ص ۳۳۵

ص: ۱۳۸

بخواند ولی به آن اکتفا نکند و واجب است به طور فردی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد بهتر است. (۱)

السید السیستانی: إن لم یتمکن من التصحیح أجزاه قرائة الحمد علی الوجه الملحون إذا کان یحسن منها مقداراً معتداً به. (۲)

السید الشبیری: محرمی که قرائتش درست نیست باید طواف را تا آخرین وقت ممکن تأخیر بیاندازد و الا ـ نماز او باطل است و با عمد اگر تعجیل کرد طواف و نماز و اعمال بعدی باطل است. (۳) و اگر تا آخر وقت نتوانست تصحیح کند در آخر بهر شکل کافی است و کسی که تا آخر وقت هم قادر نیست تأخیر لازم نیست. (۴)

منه أیضاً: کسی که توان تصحیح دارد و بنابر تصحیح ندارد احرام او منعقد نمی‌شود و کسی که در تصحیح سهل‌انگاری کرده و قرائت را تصحیح نکرده باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را تا آخر وقت عمره تأخیر بیاندازد. (۵) و در آخر وقت به قدر میسور بجا آورد ولو با تلقین دیگری و احتیاط استحبابی هم استنابه است.

*** الشیخ البهجت: عمل به وظیفه یومیه لازم و کافی است بنا بر صحت جماعت در طواف و استنابه در یومیه نیست. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: باید خودش نماز را به نحو میسور بخواند و احتیاطاً بجماعت بخواند اگر ممکن شود و استنابه هم بکند. (۷) و این در صورتی است که اهمال در تصحیح کرده باشد و اگر فی نفسه قاصر است میسور خود او کافی است.

۱- ص ۸۱

۲- ص ۱۷۰

۳- ص ۱۳۴

۴- ص ۱۳۴

۵- ص ۸۵

۶- ص ۱۶۲

۷- ص ۱۶۴

ص: ۱۳۹

الشیخ الصافی: اگر در تصحیح قرائت مقصر باشد، خود بخواند و احتیاطاً در صورت امکان نماز به جماعت و نائب هم بگیرد. (۱)

الشیخ الفاضل: به هر نحو قدرت دارد بخواند و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان هم واجب نیست. (۲)

الشیخ المکارم: باید بهمان مقدار که توانایی دارد نماز طواف را بخواند و نائب گرفتن لازم نیست و خواندن نماز به جماعت اشکال دارد. (۳)

الشیخ الوحید: فإن لم یتمکن منها حتی ضاق الوقت عن التصحیح فعلیه أن یأتی بقرائته الملحونة والأحوط وجوباً أن یصلیها جماعة ویستنیب أیضاً.

نماز طواف با یومیه

الإمام الخمینی قدس سره: احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می‌شود. اما موارد سؤال: ۱- نماز طواف حج به نماز طواف نساء و بالعکس ۲- نائب بکسیکه نائب نیست ۳- نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس (۴) (یومیه ذکر نشده)

السید الخوئی قدس سره: س: هل یجوز له أن یأتم بمن یصلی فریضة یومیه ادائیة أو قضائیه؟ ج- الأحوط ترک ذلک. (و قال التبریزی: لا بأس بذلک و هذا لمن کان متمکّناً من التعلم وأما العاجز عن ذلک فیجزیه صلاته من غیر حاجة للإستنابة. (۵)).

السید الگلپایگانی قدس سره: الأحوط الإقتداء بمن یصلی صلاة الطواف إن أمکنه ذلک وإلّا فیقتدی بمن یصلی الیومیة برجاء المطلوبیة. (۶)

السید السیستانی: در نماز یومیه به احتیاط واجب اقتداء جایز نیست. (۷)

السید الشبیری: بنا بر احتیاط واجب در نماز طواف نمی‌توان به نمازهای

۱- کتبی.

۲- محشی ۲۶۰.

۳- ص ۱۰۷.

۴- ص ۱۵۳.

۵- الصراط ج ۳، ص ۱۷۳.

۶- ص ۱۱۸.

۷- کتبی.

ص: ۱۴۰

یومیه اقتدا کرد. (۱)

و در ص ۸۷: اقتدا کردن در نماز طواف واجب به نماز طواف مستحب و بالعکس صحیح نیست.

*** الشیخ البهجت: اگر نماز طواف واجب نبود با نماز یومیه و احتیاطی و نماز طواف مستحبی بقصد رجاء مطلوبیت احتیاط بعمل می‌آید. (۲) و در ذخیره اشکال کرده‌اند.

الشیخ التبریزی قدس سره: فی الضمیمة: احوط اقتدا به نماز طواف واجب است.

الشیخ الفاضل: س: آیا نماز طواف واجب را می‌توان با نماز جماعت یومیه بجا آورد؟

ج: صحت آن محل اشکال است. (۳)

الشیخ الوحید: متعرض فرع نیست.

نسیان الصلاة و ترکها عن جهل أو عمد

الإمام الخمینی قدس سره: فوریت عرفیه لازم است و در هر حال اگر تأخیر انداخت باید بجا آورد و مبطل طواف نیست.

السید السیستانی: من ترک صلاة الطواف عالماً عامداً بطل حجه علی الأحوط (۴) وحکم التارک لصلاة الطواف جهلًا حکم الناسی ولا فرق فی الجاهل بین القاصر والمقصر. (۵)

السید الشبیری: مبطل طواف نیست و اعاده طواف لازم نیست.

۱- ص ۱۶

۲- شفاهی

۳- محشی ص ۲۶۶

۴- ص ۱۶۸

۵- ص ۱۶۹

ص: ۱۴۱

الشیخ البهجت: ترک نماز طواف از روی علم و عمد موجب بطلان حج است. زیرا بدون این نماز سعی باطل است. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر نماز طواف را فراموش کند و پس از خروج از مکه متذکر شود اگر بتواند باید برگردد به مکه و الا در هر جا یادش آمد بجا آورد و حکم کسی که نماز طواف را به جهت نادانی ترک کرده حکم کسی است که فراموش کرده و فرقی بین جاهل قاصر و مقصر نیست. (۲)

منه أیضاً: من ترک صلاة الطواف عالماً عامداً بطل حجّه لاستلزامه فساد السعی المترتب علیه. (۳)

الشیخ المکارم: کسی که عمداً نماز طواف را ترک کند حج او باطل نیست فقط گناه کرده و باید تدارک کند. (۴)

الشیخ الوحید: فی صورة العلم والعمد بطل حجّه علی الأقوی (۵) وحکم التارک جهلًا حکم الناسی قصوراً أو تقصیراً.

محاذات زن و مرد در نماز

الإمام الخمینی قدس سره: بنا بر احتیاط مستحب باید زن عقب‌تر از مرد بایستد و اگر برابر یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند بهتر اعاده است. (۶)

السید الگلپایگانی قدس سره: مکروه است در نماز زن جلوتر از مرد یا محاذی با او بایستد. (۷)

السید الشبیری: یکی از احکام مخصوصه مکه مکرمه آن است که مرد و زن می‌توانند در کنار یکدیگر نماز بخوانند و بلکه زن می‌تواند جلوتر از مرد نماز

۱- ص ۱۱۹

۲- ص ۱۳۹

۳- ص ۱۶۲

۴- ص ۱۰۵

۵- ص ۱۳۸

۶- ۷ و ۸۸۶

۷- توضیح ۸۹۵

ص: ۱۴۲

بخواند هر چند فاصله نباشد و هیچ گونه کراهتی ندارد. (۱)

*** الشیخ البهجت: در مسجدالحرام اشکال ندارد. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: نماز آنها صحیح است. (۳)

الشیخ الصافی: تساوی و تقدم زن کراهت دارد. (۴)

الشیخ الوحید: در غیر مکه مکروه است. توضیح: در صورتی که زن مقدم باشد و با هم وارد نماز شوند باید نماز را اعاده کنند نظیر مرحوم السید الخوئی.

تقدم النساء فی الصلاهٔ فی مکهٔ

السید الخوئی قدس سره: س: إذا کان الرجل یُصلّی صلاهٔ الطواف أو أیّ صلاهٔ أخری فجاءت امرأهٔ أخری وصلّت محاذیهٔ له أو أمامه وبینهما أقل من شبر فما حکم صلاتهما؟

ج: فی الفرض تبطل صلاهٔ المتأخر فقط. (۵) (والفاضل: فی الجامع، ص ۹۴، نفس السؤال والجواب).

السید السیستانی: لا یجری فی مکهٔ المکرمهٔ (الحکم بعدم صحهٔ الصلاهٔ) فیجوز فیها التقدم والتأخر علی الأظهر. (۶)

*** الشیخ البهجت: تقدم در مسجد الحرام در نماز طواف اشکال ندارد. (۷) وفی الوسیلهٔ الأظهر صحهٔ صلاهٔ کل من الرجل والمرأهٔ مع المحاواهٔ علی کراهیهٔ. (۸)

۱- ص ۸۳

۲- ص ۱۶۱

۳- ص ۵۰

۴- ص ۱۸۳

۵- الصراط ج ۳ ص ۱۷۲

۶- الملحق ص ۱۷۰

۷- ص ۱۶۱ م ۱۳

۸- ص ۱۸۶

ص: ۱۴۳

الشیخ التبریزی قدس سره: رعایت فاصله در شهر مکه لازم نیست. (۱)

منه أیضاً: الأظهر صحة صلاة کل منهما لعدم اعتبار الفاصل بینهما فی الصلاة فی مکة. (۲)

الشیخ الصافی: اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد نماز هر دو صحیح است چه با هم وارد نماز شوند یا به‌ترتیب، بلی، ثواب نماز هر کدام که بعد مشغول شده کمتر است. (۳)

الشیخ الفاضل: نعم، الحکم بالبطلان یجری فی المسجد الحرام أیضاً إذا کان الرجل والمرأة مؤمنین لا مطلقاً إلی قوله: و مع ذلک فی خصوص صلاة الطواف إذا استلزم رعایة هذا الشرط تأخیر صلاة الطواف عن الطواف و تخلّ بالموالاة العرفیة أو توجب العسر والحرج فلا یلزم رعایته وتصحّ الصلاة مطلقاً. (۴)

الشیخ المکارم: در مکه تقدم مانع ندارد. (۵)

وضو با آب‌های شرب

السید الخوئی قدس سره: إن کان الماء لمالک سبّله للشرب فقط فلا یصح الوضوء به وکذا ماء زمزم إن فرض لمالک شخصی قصّر استعماله فی جهة خاصه غیر الوضوء. (۶)

السید السیستانی: إذا کانت مخصصة للشرب لم یجز الوضوء بها. (۷)

السید الشبیری: جایز نیست. (۸)

***

۱- توضیح ص ۱۶۰

۲- المصدر

۳- توضیح ص ۱۸۳

۴- الجامع، ص ۱۷۲

۵- شفاهی

۶- الصراط ج ۳ ص ۱۴۵

۷- ص ۱۷۵ ملحق

۸- کتبی

ص: ۱۴۴

الشیخ البهجت: اگر بدون منع وضو گرفت حکم به صحت بعید نیست. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: لا یبطل وضوءه بذلک وإن کان ترک الوضوء بذلک الماء أحوط توقیراً للماء للشرب. (۲)

الشیخ الصافی: با توجه به این‌که نوعاً حجاج از آب‌ها برمی‌دارند و به مصارف مختلف مثل شستن سر و صورت و ریختن به بدن می‌رسانند و مسؤولین منع نمی‌کنند، از سیره موجود استفاده جواز می‌شود.

الشیخ الفاضل: مسئولین دولت که برای شئون مختلف مسجدالحرام منصوبند و ضوابطی برای مسجد و متعلقات مسجد قرار داده‌اند غیر از کسی است که اصل آب را آورده و معلوم نیست که آب آورندگان چنین تضییقی برای حجاج قرار داده باشند علیهذا جواز بعید نیست. (۳)

الشیخ الوحید: محل شبهه قرار دادند. (۴)

مؤلف: مقتضی الإحتیاط ترک الوضوء بهذا المآء.

ملحقات سعی

ترک سعی جهلا

۱- شفاهی

۲- الصراط ج ۲ ص ۵۰۲

۳- شفاهی

۴- شفاهی

ص:۱۴۵

ص:۱۴۶

ص:۱۴۷

الإمام الخمینی قدس سره: حکم ترک عمدی یا سهوی آن همان است که در طواف گذشت. (۱)

أقول: در فصل فرموده: اگر کسی طواف را چه طواف حج یا عمره از روی جهل به مسئله به جا نیاورد و برگشت به محل خود باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند. (۲)

السید الخوئی قدس سره: ترک سعی خواه علم به حکم داشته یا نداشته و جاهل باشد و قبل از عرفات تدارک نشود حج باطل است و اعاده‌اش در سال بعد لازم است و اظهر این است که احرامش هم باطل خواهد شد گر چه احوط و اولی عدول به افراد است و به‌قصد اعم از حج افراد یا عمره مفرده تمام کند. (۳)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر کسی سعی را عمداً یااز جهت جهل و ندانستن مسئله ترک کرده و نتواند قبل از وقوف عرفات تدارک کند، حج او بدل به افراد می‌شود با

۱- ص ۷۲

۲- ص ۱۰۸

۳- ص ۱۸۶.

ص: ۱۴۸

انجام عمره مفرده و بايد سال بعد حج را اعاده كند هر چند مستطيع نباشد. (۱)

السيد السيستانى: فمن تركه عمداً او جاهلًا بالحكم او الموضوع و لم يتدارك قبل الوقوف بطل حجه. (۲)

و فى الملحق: اذا علم ببطلان سعيه فى عمرة التمتع أو الحج بعد انقضاء شهر ذى‌الحجّة يحكم ببطلان حجه. (۳)

*** الشيخ البهجت: سعى ركن است و ترك آن ولو با جهل اگر تدارك نشود قبل از عرفات موجب بطلان حج است و پس از انجام حج افراد اعاده حج در سال بعد لازم خواهد بود. (۴)

الشيخ التبريزى قدس سره: لو تركه عمداً بطل حجّه سواء فى ذلك العلم بالحكم والجهل به. (۵)

الشيخ الوحيد: وكذلك من كان جاهلًا بالحكم أو الموضوع على الأحوط لو لم يكن أقوى البطلان، والأحوط الأولى الإتيان بأعمال العمرة المفردة. (۶)

تأخير السعى

الإمام الخمينى قدس سره: از مسأله ۸ متفرقه استفاده مى‌شود كه اعاده ندارد هرچند تأخير عمدى بوده.

السيد الخوئى قدس سره: س: ما حكم من أخّر السعى فى العمرة أو الحجّ إلى اليوم الثانى أو الثالث لغير عذر فهل يترتّب عليه بطلان طوافه؟

ج: نعم يعيد قبله الطواف وصلاته (الصراط ج ۲ ص ۲۴۱) ووافقه التبريزى.

۱- ص ۸۶

۲- ص ۱۷۴

۳- ص ۱۱۸

۴- ص ۱۲۳

۵- ص ۱۶۴

۶- ص ۱۴۴

ص: ۱۴۹

السید الگلپایگانی قدس سره: والأقوی جواز تأخیره إلی اللیل. (۱)

السید السیستانی: لایجوز تأخیر السعی إلی الغد اختیاراً (ملحق ص ۱۱۷).

السید الشبیری: اگر تا فردای طواف تأخیر انداخت احتیاط اعاده طواف است.

*** الشیخ البهجت: س: من طاف و صلّی فی یوم و اجّل سعیه إلی یوم آخر فهل یجب علیه یوم السعی أن یعید الطواف و الصلاة؟

ج: لا یجب ذلک. (۲)

الشیخ الصافی: س: کسی که طواف کرده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد تأخیر انداخته آیا اعاده طواف و نماز لازم است؟

ج: لازم نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد. (۳)

الشیخ الفاضل: لو أخّر إلی الغد یعید الطواف قبله إذا أخّر لغیر عذر (حول الحجّ ص ۹۴).

الشیخ المکارم: اگر تأخیر انداخت به فردا گناه کرده ولی اعمال او صحیح است. (۴)

الشیخ الوحید: بل الأحوط عدم تأخیره إلی اللیل أیضاً ص ۱۴۴.

لزوم سعی عقیب طواف مستأنف

س: در مواردی که اصلاح یا تکمیل طواف لازم است آیا اعاده سعی هم لازم است یا نه؟

السید الشبیری: اگر طواف را ناقص به جا آورده باشد اعاده سعی لازم نیست

۱- ص ۱۲۱

۲- ص ۲۰۹

۳- ص ۱۸۳

۴- حاشیه ۲۸۵

ص: ۱۵۰

و اگر طواف را باطل به‌جا آورده باشد در اعاده سعی تفصیلی است که در مناسک ذکر شده. (۱)

*** الشیخ البهجت: احتیاط در اعاده سعی است. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: بنابر احتیاط سعی هم اعاده شود. (۳)

الشیخ الصافی: بنابر احتیاط در مورد اعاده طواف بایـد سـعی را هم اعاده کنـد ولی اگر تکمیل طواف مربوط به اشواط بعد از شوط چهارم باشد اعاده سعی لازم نیست. (۴) الشیخ الفاضل: س: شخصی طواف عمره مفرده یا عمره تمتع یا طواف حج را از جهت جهل به شرایط یا فراموشی آن، باطل انجام داده وظیفه او چیست؟

ج: اگر با اعتقاد به صـحت انجام داده عمره و حـج او صـحیح است ولی بایـد طواف و نماز آن را اعاده کنـد و احتیاط مسـتحب آن است که اعمال بعدی را نیز اعاده کند که یکی از اعمال بعدی سعی است. (۵)

سعی رکوعی

۶- مقداری از سعی را در حال خمیدگی (حال رکوعی) انجام داده، صحیح است یا نه؟

السید الشبیری: سعی مزبور مانع ندارد. (۶)

***

۱- کتبی؛ به مسئله ۳۶۴ مراجعه شود.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- تلخیص، مسأله ۲۴۲، حج و عمره.

۶- کتبی.

ص: ۱۵۱

الشیخ البهجت: اشکال ندارد و لازم نیست مستقیم باشد. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: سعی مزبور صحیح است. (۲)

الشیخ الصافی: ظاهراً کافی است اگر چه مراعات احتیاط خوب است. (۳)

شروع سعی از مروه خطأ

السید السیستانی: لو بدأ بالمروة قبل الصفا ولو سهواً ألغی ما أتی به واستأنف السعی من الأول. (۴)

السید الشبیری: باید هر وقت فهمید مجدداً از صفا سعی نماید و اگر بعد از تقصیر متوجه شود سعی می کند و بنا بر احتیاط واجب باید تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند. (۵)

*** الشیخ البهجت: لو بدء بالمروةقبل الصفا ألغی مابیده واستأنف السعی من الأول. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر از مروه شروع کرد و به مروه ختم کرد سعی او صحیح است، فی الصور الخمسة. (۷)

الشیخ الصافی: اگر بعد از هفت شوط ملتفت به اشتباه شد و یک مرتبه دیگر سعی نمود اقوی صحت سعی است هر چند احوط اعاده سعی است. (۸)

الشیخ النوری: باید سعی را اعاده کند. (۹)

الشیخ الوحید: اگر سعی را از مروه شروع کند در هر شوطی که باشد چه در شوط اول و چه پس از آن باید سعی را از سر بگیرد. (۱۰)

بعض اشواط سعی در حال خواب

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- ص ۱۷۲

۵- مسأله ۵۴۹

۶- ص ۱۳۶

۷- فرع ۹۵۴

۸- ص ۱۹۶

۹- ص ۱۲۹

۱۰- ص ۱۷۴

ص:۱۵۲

السید الخوئی قدس سره: سعی در حال خواب مجزی نیست. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر مقداری را که خواب بوده و باقی را به التفات به‌جا آورد صحیح است. (۲)

السید السیستانی: س: من جاز له السعی محمولًا علی متن إنسان أو علی عربهٔ وسعی به وقد غلبه النوم أثناء السعی فهل یصح سعیه؟

ج: الظاهر بطلانه. (۳)

السید الشبیری: اگر با التفات در عربانه نشسته و قصد قربت داشته و بعد خوابش برده اشکال ندارد نظیر وقوف در عرفات و روزه. (۴)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: الأحوط إعادهٔ السعی بقصد الأعم من التمام والإتمام. (۵)

الشیخ الصافی: صحت سعی در حال خواب معلوم نیست، بنابراین اگر بعد از نصف خواب رفته چنانچه سعی را از جایی که به خواب رفته به‌جا آورد کافی است و احتیاطاً اصل سعی را اعاده نماید و در غیر این صورت باید سعی را از سر بگیرد. (۶)

الشیخ الفاضل: سعی در حال خواب محل اشکال است. (۷) و اگر خواب بعد از شوط چهارم بوده و بعد بیدار شده باید از محلی که خواب رفته سعی را ادامه

۱- کتبی.

۲- الآراء و مجمع المسائل.

۳- الملحق الأول، ص ۱۲۰.

۴- ص ۱۶۰۹.

۵- م ۹۵۶.

۶- الألف، ص ۱۸۲.

۷- فرع ۶۹۳.

ص: ۱۵۳

دهد. (۱) الشیخ المکارم: دلیلی بر عدم صحت نداریم. (۲)

الشیخ الوحید: صحیح نیست. وقوف بعرفات مورد نص است- علاوه، وقوف که عبارت از بودن است غیر از امر به سعی و حرکت است با التفات.

سعی با عربانه و چرخ

الإمام الخمینی قدس سره: جایز است سواره و بر روی عمل چه در حال اختیار و چه با عذر، لکن راه رفتن افضل است.

السید الشبیری: در حال اختیار بنابر احتیاط واجب بایـد خودش چرخ را راه ببرد و اگر دیگری او را سعی دهد صحیح نیست بنابر احتیاط واجب. (۳)

السید السیستانی: جایز است سوار بر حیوان یا غیر آن انجام دهد. (۴)

و فی الملحق ص ۱۱۵ ملخصاً: س: هل یجوز السعی راکباً فی حال الإختیار إذا کان المتولّی للتحریک شخص آخر وإنما هو یجلس فقط؟ ج: لا یجوز هذا فی حال الإختیار فانّه من السعی به لا السعی بنفسه.

*** الشیخ البهجت: نظیر عبارت الشیخ الوحید. (۵)

الشیخ التبریزی قدس سره: لازم نیست در سعی پیاده باشد و سعی سواره بر حیوان یا چرخهای متداول جایز است. (۶)

منه أیضاً: نعم یجوز إذا جلس باختیاره (۷) و در فرع ۹۷۳ فرموده: فالسعی فیها محل إشکال و کذلک الطواف. (۸)

الشیخ الفاضل: فی السؤال ۲۰۶: هل یجوز السعی فی العربات الموجودهٔ فی

۱- ۶۹۴

۲- شفاهی.

۳- ص ۱۴۱

۴- ص ۲۵۲

۵- ص ۱۳۶ و ۱۳۸

۶- ص ۱۹۴

۷- فرع ۳۱۲

۸- و فرع ۹۷۵ و ۹۸۱

ص: ۱۵۴

السعی اختیاراً مع العلم بأنّ الذی یتولّی تحریک هذه العربات شخص آخر والساعی جالس فقط؟ ج: نعم إذا جلس باختیاره. (۱)

أقول: هذا نص عبارة السید الخوئی قدس سره فی منیهٔ السائل سؤالًا وجواباً.

الشیخ المکارم: جایز است سواره و بر روی محمل چه در حال اختیار و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است. (۲)

الشیخ الوحید: لا یعتبر فی السعی المشی فلا بأس بالسعی راکباً. (۳) و ص ۱۴۴: من لم یتمکن من السعی بنفسه و لو بمساعدهٔ غیره لأن یسعی به علی متن إنسان أو وسیلهٔ أخری.

اعتبار الموالاهٔ فی السعی

الإمام الخمینی قدس سره: در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد که در صورت فوت موالات احتیاطاً از سر بگیرد. (۴)

السید الگلپایگانی قدس سره: در سعی موالاهٔ معتبر نیست. (۵)

السید السیستانی: إعتبار الموالاهٔ بین أشواط السعی مبنی علی الإحتیاط اللزومی والعبرهٔ فیها بالصدق العرفی. (۶)

السید الخامنئی: یجوز الجلوس والنوم علی الصفا والمروهٔ أو بینهما للإستراحهٔ أثناء السعی بل یجوز ذلک بلا عذر أیضاً.

السید الشبیری: مما یعتبر فی السعی الموالاهٔ العرفیهٔ فی أشواطه (۷) (وقال: یعتبر فی السعی رعایهٔ حصول الترتیب بین أجزاء السعی) (۸)

***

۱- حول الحج ص ۹۴؛ در مناسک فرع ۶۸۶ فرموده: خلاف احتیاط وجوبی است.

۲- ص ۲۹۷

۳- ص ۱۴۳

۴- محشی مکارم، ص ۲۹۱.

۵- ص ۲۷۴.

۶- ص ۱۲۲ ملحق.

۷- ص ۱۲۴.

۸- فرع ۵۶۶، ص ۱۳۱.

ص: ۱۵۵

الشيخ البهجت: لزوم موالاة در غير شوط اول معلوم نيست. (۱)

الشيخ التبريزى قدس سره: و احتياط لازم موالات عرفيه است به‌طورى كه فصل معتد به در بين اشواط حاصل نشود. (۲)

الشيخ الصافى: موالات در تمام اشواط سعى رعايت شود. (۳)

الشيخ الفاضل: س: هل يجب الموالاة فى السعى وما مقدار وجوبها؟

ج: نعم بمقدار الصدق العرفى المتوالى ومثله فى الطواف. (۴)

الشيخ المكارم: احتياط واجب مراعات موالات عرفيه است. (۵)

الشيخ النورى: جايز است نشستن يا خوابيدن بين آنها براى رفع خستگى و لازم نيست عذرى داشته باشد بنابر اقوى. (۶)

الشيخ الوحيد: والأقوى إعتبار الموالاة العرفية فى‌السعى بين الأشواط وأبعاضها. (۷)

تکرار سعی برای استحباب هروله

الإمام الخمينى قدس سره: اشكال دارد. (۸)

السيد الخوئى قدس سره: بنابر اظهر اشكال ندارد اگرچه احوط اعاده سعى است. (۹)

السيد السيستانى: يشكل صحة سعيه إلّاإذا كان جاهلًا قاصراً. (۱۰)

السيد الخامنئى: لا يجوز أن يفعل ذلك اختياراً ولكن سعيه صحيح فى الفرض المذكور (نسيان الهرولة) وإن كان الأحوط إتمام السعى ثمّ إعادته.

السيد الشبيرى: زائد است ولى مبطل سعى نيست. (۱۱)

***

۱- آداب ص ۱۴۲

۲- ص ۱۹۳

۳- الألف ۱۸۳

۴- الحول ص ۹۷

۵- المصدر.

۶- ص ۲۴۱

۷- ص ۱۴۲

۸- ص ۱۶۴

۹- م ۳۳۴

۱۰- الملحق ص ۱۲۱.

۱۱- شفاهى.

ص: ۱۵۶

الشیخ البهجت: اشکال ندارد. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: لا یضرّ بسعیه. (۲)

الشیخ الصافی: اشکال ندارد. (۳)

الشیخ الفاضل: اگر از جهل به مسأله تکرار شده احتیاطاً اعاده کند. (۴)

الشیخ المکارم: هرگاه از روی ندانستن مسأله چیزی بر هفت دور اضافه کند حکمش حکم عمد است یعنی باید سعی را از نو به‌جا آورد. (۵) و در ص ۱۱۶:

احتیاط آن است که برنگردد.

الشیخ الوحید: ولو زاد فی سعیه عالماً عامداً بطل سعیه ولا یبطل بالزیادة سهواً وکذلک جهلًا بالحکم وقال: إذا زاد فی سعیه خطأً صح سعیه. (۶)

چهارده مرتبه سعی

س: چهارده مرتبه سعی به جای هفت مرتبه در چه صورت صحیح است؟

السید السیستانی: چنانچه از روی جهل و یا نسیان بوده صحیح است. (۷)

وفی الملحق ص ۱۱۴: س: شخص سعی عشرة أشواط نسیاناً ثم التفت إلی الزیادة فقطع سعیه و قصر ما ذا حکمُهُ؟

ج: یصح سعیه و لا شیء علیه.

السید الشبیری: در فرض جهل و سهو صحیح است. (۸)

منه أیضاً: لو نوی أن یسعی أکثر من سبعة أشواط متعمداً بطل ما سعی مع هذا القصد وأما ولو زاد ساهیاً فللمسألة صور، الخامس: أن یلتفت بعد إکمال السبعة

۱- کتبی.

۲- الصراط ج ۴ ص ۱۸۳.

۳- الألف م ۶۱۵.

۴- فرع ۷۲۴ مع التحقیق.

۵- ص ۱۱۰.

۶- ص ۱۴۵.

۷- مهر دفتر.

۸- الخاتم.

ص: ۱۵۷

الثانیة ففی هذه الصورة صح سعیه بلا اشکال. (۱)

*** الشیخ البهجت: در صورت جهل و نسیان مانع ندارد و در مناسک موجود است. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: چنانچه از روی اشتباه این کار را انجام داده و از روی علم و عمد نبوده سعی صحیح است. (۳)

الشیخ الصافی: در صورت جهل به مسئله و تصور اینکه منظور از هفت مرتبه سعی نمودن این است که در هر مرتبه برود و برگردد صحیح است. (۴)

الشیخ الفاضل: کسی که می‌دانسته هفت شوط سعی کند منتهی فکر می‌کرده که هر رفت و آمد یک شوط است لذا چهارده شوط به‌جا آورده، اقوی این است که همین سعی کافی است هر چند احتیاط در اعاده است. (۵)

منه أیضاً: اگر سعی را به قصد چهارده دور به جا آورد، سعی او باطل است. (۶)

مؤلّف: اگر از باب خطاء و تطبیق مبدء و مختم سعی را صفا بصفا خیال کرده و مقصود هفت شوط بوده سعی صحیح است و الا صحت در غیر این صورت محل اشکال است و مقتضای احتیاط اعاده است.

ترک سعی نسیانا

السید الخوئی قدس سره: فی الموارد التی یجب فیها إعادة الطواف یعید فیها السعی و طواف النساء فی طواف الحج، و یعید السعی و التقصیر فی طواف العمرة. الصراط ج ۳ ص ۱۶۷.

۱- فرع ۵۴۶.

۲- مهر دفتر.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- م ۷۲۱.

۶- احکام عمره، فرع ۵۷۵.

ص: ۱۵۸

السید الشبیری: و ترک سعی از روی عمد موجب بطلان حج و عمره می‌شود ولی جاهل به احکام فرعی سعی حکم دیگر دارد. ص ۱۳۶

و در ص ۱۴۴: اگر از روی فراموشی یا نشناختن خصوصیات سعی را ترک کرده یا آن را باطل انجام داده، هر وقت متوجه شود آن را اعاده می‌کند.

*** الشیخ التبریزی قدس سره: لو ترک السعی نسیاناً أتی به حیث ما ذکره و إن لم یتمکن مباشرة لزمته الاستنابة ص ۱۶۸.

الشیخ الوحید: لو ترک السعی نسیاناً أتی به حیث ما ذکره بالمباشرة و إن لم یتمکن بالاستنابة. ص ۱۴۴

قطع السعی اختیارا

السید الشبیری: قطع سعی به مجرد خواهش نفسانی جایز نیست و رعایت موالات عرفی در اشواط واجب است و اگر قطع کرد باید استیناف کند و مجوّزات قطع طواف مجوز قطع سعی هم می‌باشد. (۱)

السید السیستانی: نعم یجوز قطعه اختیاراً علی الأظهر لکن استانفه بعد فوات الموالاة العرفیة. (۲)

انجام شوط ششم سعی و اعزام به‌ایران

س: زنی در شوط ششم سعی، حالش به هم خورده در عمره تمتع او را به ایران فرستادند، تکلیف او در فرض مزبور چیست؟

۱- ص ۱۴۲

۲- ملحق ص ۱۱۶

ص: ۱۵۹

الشیخ البهجت: اگر از جهت مرض رفع حصر او شده برای خروج از احرام باید خودش و اگر نمی‌تواند نائبش اعمال عمره مفرده را به غیر از احرام به جا آورد ولی تقصیر را باید خودش به جا آورد با مراعات ترتیب و اگر از جهت مرض نمی‌تواند برود احتیاط آن است که به وظیفه محصور عمل نماید. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: با فرض انقضاء وقت عمره تمتع عمره‌اش باطل است و بنابر اظهر از احرام خارج شده. (۲)

الشیخ الصافی: در فرض سؤال چنانچه برگشتن و تتمیم عمره برایش ممکن نیست باید شخصی را نائب بگیرد که باقی سعی را به نیابت او انجام دهد و بعد از آن به منوب‌عنه خبر دهند تا منوب عنه خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود و تا این اعمال انجام نشده به حال احرام باقی است و چون عمره مذکوره مبدّل به عمره مفرده شده لازم است، منوب عنه بعد از تقصیر کسی را نائب کند که از طرف او طواف نساء و نماز آن را هم به جا آورد. (۳)

ملحقات تقصیر

اکتفا به ناخن گرفتن در تقصیر

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

ص:۱۶۰

ص: ۱۶۱

ص: ۱۶۲

ص: ۱۶۳

السید الخوئی قدس سره: إذا قلم المحرم أظافره فأدمی اعتماداً علی فتوی من جوزه وجب الکفارة علی المفتی علی الأحوط. (۱)

السید السیستانی: المشهور تحقق التقصیر بأخذ شیء من ظفر الید أو الرجل و لکن الأحوط عدم الاکتفاء به و تأخیر الإتیان به عن الأخذ من الشعر. (۲)

منه أیضاً: یجوز حلق الرأس للمتمتع بعد خروجه من الإحرام و قبل الحج و ان کان الأحوط ترکه. (۳)

منه أیضاً: وجب الکفارة علی المفتی علی الأحوط. (۴)

السید الشبیری: وجب التکفیر علی المجیز فی صورة و علی المفتی فی صورة أخری. (۵)

***

۱- ۲۷۵ م

۲- ص ۱۷۸

۳- ص ۱۲۴

۴- ۲۷۵ م

۵- ۳۳۳ م

ص: ۱۶۴

الشیخ البهجت: وجبت الکفارة علی المفتی. (۱)

الشیخ الفاضل: ظاهراً تراشیدن سر بین عمره تمتع و حج تمتع اشکالی ندارد، ولی رعایت احتیاط خوب است. (۲)

الشیخ المکارم: ولی احتیاط آن است که به کوتاه کردن ناخن به تنهایی اکتفا نکند. (۳)

الشیخ الوحید: لزم المفتی شاة عند المشهور و هو أحوط. (۴)

أقول: مراجع عظام دامت برکاتهم اکتفا به ناخن گرفتن را کافی می‌دانند هر چند احوط استحبابی آن است که قدری از موی سر یا محاسن بچیند.

تقصیر با موی عانه و زیر بغل

الإمام الخمینی قدس سره: اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه محل اشکال است. (۵)

السید السیستانی: نظر معظم له در مناسک و دو ملحق مناسک به دست نیامد.

السید الشبیری: کوتاه کردن موی بدن و زیر بغل و عانه و ابرو برای تقصیر ظاهراً کفایت نمی‌کند. (۶)

*** الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: حاشیه ندارد.

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

مؤلّف: مقتضای احتیاط آن است که با سر و ریش و شارب تقصیر کند.

ترک التقصیر مع الجهل

۱- ۲۶۲ م

۲- ص ۲۵۳

۳- ص ۱۲۵ مع التلخیص.

۴- ۲۷۲ م

۵- واجبات منی م ۱۱۲۹.

۶- ص ۲۰۸

ص: ۱۶۵

الإمام الخمینی قدس سره: در این مسئله جهل حکم عمد را دارد. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: وإن کان عمداً أو جهلًا منه بذلک مع التفات الجاهل تبطل متعته وینقلب حجه إلی الإفراد فیأتی ببقیة المناسک علی الترتیب ویقضی حجه فی العام القابل علی الأحوط. (۲)

السید السیستانی: إذا ترک التقصیر عمداً فاحرم للحج فالظاهر بطلان عمرته و انقلاب حجه إلی الإفراد و الأحوط إعادة الحج فی سنة أخری أیضا. (۳)

السید الشبیری: عمره تمتع او باطل می‌شود و حج مبدل به افراد می‌شود.

عالم به مسئله باشد یا جاهل به اصل حکم یا فروع احکام تقصیر و باید پس از حج، عمره مفرده به جا آورد و کفایت از حج می کند و اعاده در سال بعد لازم نیست. (۴)

*** الشیخ البهجت: عمره‌اش فاسد و باطل و حج مبدل به افراد و احتیاط اعاده حج است در سال بعد، اگر عمداً ترک کرده باشد. (۵)

الشیخ الصافی: اگر عمداً ترک کرد حج مبدل به حج افراد و بنابر احتیاط واجب سال دیگر اعاده کند. (۶)

الشیخ الفاضل: بطلت عمرته و الأحوط ان یاتی بالحج الافراد والحج من قابل. (۷)

الشیخ المکارم: کسی که از روی ندانستن تقصیر را ترک کند حکمش حکم عمد است که باید حج افراد به جا آورد و احتیاط واجب آنکه بعد عمره مفرده به

۱- ص ۱۷۶ طبع پنجم.

۲- ص ۱۵۴

۳- ص ۱۷۹

۴- ص ۱۰۰

۵- ص ۱۱۴

۶- ص ۱۱۳

۷- ص ۱۲۵

ص: ۱۶۶

جا آورد و حج صحیح است و احتیاط مستحب اعاده حج است در سال بعد. (۱)

الشیخ الوحید: نفس عبارة السید السیستانی و لم یتعرض للجهل بالخصوص و الظاهر أنه ألحقه بالعمد. (۲)

ملحقات کفاره

کفاره مخصوص صورت عمد است

۱- ص ۱۲۰

۲- ص ۱۴۹

ص: ۱۶۷

ص: ۱۶۸

السید الخوئی قدس سره: هر عملی که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:

۱- طواف حج را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید.

یا مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش کند و با عیال خود نزدیکی کند.

یا ناخنهای خود را بگیرد بخیال اینکه احرامش تمام شده

یا اینکه بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

۲- کسی که بی دلیل دست بر سر و ریش بکشد و یک یا دو مو از آن بیفتد.

۳- آنکه بدن خود را روغن مالی کند از روی نادانی. (۱)

السید السیستانی: بمعنی أن ارتکاب المحرم أیعمل منها لا یوجب الکفارة

۱- مسئله ۲۲۵

ص: ۱۶۹

علیه إذا کان صدوره منه ناشئاً عن جهل أو نسیان و یستثنی موارد: ۱- ما إذا نسی الطواف فی الحج أو العمرهٔ و واقع اهله؛ ۲- ما إذا نسی شیئاً من السعی فی عمرهٔ التمتع فأحل باعتقاد الفراغ؛ ۳- من أمرّ علی رأسه أو لحیته عبثاً فسقطت شعرهٔ أو شعرات؛ ۴- ما إذا ادّهن. (۱)

السید الشبیری: تمام کفارات تنها در صورت عمد لازم می‌شود مگر در کفاره صید. (۲)

*** الشیخ البهجت: هر عملی که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزند کفاره ندارد مگر چند مورد. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: و لا تجب علیه الکفارهٔ إذا کان صدوره منه ناشئاً عن جهل أو نسیان.

الشیخ الصافی: بر ناسی و جاهل در غیر صید کفاره واجب نیست. (۴)

(عبارهٔ السید الگلپایگانی قدس سره).

الشیخ الفاضل: هر یک از اموری که موجب کفاره است اگر با جهل به مسئله یا نسیان واقع شود کفاره ندارد. (۵)

الشیخ المکارم: نفس عبارهٔ الإمام قدس سره: (و حاشیه ندارد) (۶)

الشیخ النوری: در غیر صید ارتکاب از روی علم و عمد کفاره دارد. (۷)

الشیخ الوحید: ولا تجب الکفارهٔ اذا کان صدوره منه ناشئاً عن جهل أو نسیان. (۸)

شرایط کفاره

۱- ص ۱۱۲ مع التلخیص.

۲- ص ۹۲

۳- ص ۸۵

۴- اخیر ص ۱۷۲

۵- محشی ۱۳۴

۶- ص ۱۳۹ محشی

۷- ص ۳۸۵

۸- ص ۹۲

ص: ۱۷۰

الإمام الخمینی قدس سره: شرایط هدی در حیوان کفاره معتبر نیست. (۱)

السید الخوئی قدس سره: شرایط در قربانی در کفاره شرط نیست. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: لا یشترط فیه شروط الهدی. (۳)

السید السیستانی: لا یعتبر وإن کان رعایتها فیها أحوط. (۴)

السید الشبیری: باید دارای شرایطی باشد که در قربانی حج تمتع لازم است. (۵)

*** الشیخ البهجت: آنچه از شرایط در قربانی ذکر شد در کفاره شرط نیست هر چند احتیاط مراعات است. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: حیوان کفاره شرایط قربانی را ندارد. (۷)

الشیخ الصافی: احتیاط مستحب رعایت آن شرایط است. (۸)

الشیخ الفاضل: شرایط هدی در حیوان کفاره معتبر نیست. (۹)

الشیخ المکارم: هیچ یک از شرایط هدی در کفاره معتبر نیست. (۱۰)

الشیخ النوری: همان عبارت مرحوم امام قدس سره. (۱۱)

الشیخ الوحید: ما ذکرناه من الشرایط فی الهدی لا تعتبر فی ما یذبح کفارة وإن کان الأحوط مراعاتها فیه. (۱۲)

محل ذبح کفاره

۱- مسائل متفرقه ص ۲۵۹

۲- مسئله ۴۰۹

۳- ص ۱۱۷

۴- الملحق ص ۸۴

۵- ص ۹۲

۶- ص ۱۴۱

۷- ص ۳۷۰ صغیر

۸- ص ۱۹۴

۹- ص ۴۳۰ محشی م ۱۵ متفرقه.

۱۰- محشی ص ۴۴۳

۱۱- ص ۴۲۸

۱۲- ص ۱۶۸

ص: ۱۷۱

الإمام الخمینی قدس سره: و اگر در حج ترک کرد و برگشت به محل خود در محل خود بکشد و صدقه بدهد. (۱)

السید الخوئی قدس سره: در رساله ۲۸۷: اظهر این است که می‌تواند تا بازگشت به وطن تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد.

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر دسترسی به فقیر مؤمن نباشد یا تمکن مالی نداشته باشد در بلد خود بکشد و به فقیر مؤمن بدهد. (۲)

السید السیستانی: فان لم یذبح فی مکهٔ أو منی لعذر أو بدونه حتی رجع جاز له ذبحها أین شاء علی الأظهر.

السید الشبیری: حیوان کفاره باید دارای شرایط قربانی باشد. (۳)

منه أیضاً: احتیاط واجب در کفاره صید و جماع- مکه و منی است و در سایر کفارات هر کجا ذبح کند کافی است. (۴)

*** الشیخ البهجت: اظهر این است که می‌تواند ذبح را تا بازگشت به وطن تأخیر بیندازد. (۵)

الشیخ التبریزی قدس سره: الأظهر جواز تأخیرها إلی عودته من الحج فیذبح أین شاء- فی غیر صید. (۶)

الشیخ الفاضل: اگر ترک کرد و برگشت به محل خود در محل خود بکشد و صدقه بدهد. (۷)

۱- طبع پنجم.

۲- شفاهی.

۳- ص ۹۲.

۴- ص ۹۲.

۵- ص ۱۰۱.

۶- ص ۱۳۷.

۷- محشی ۴۷۸.

ص: ۱۷۲

الشيخ النوری: اگر از ذبح در مكه و منی خودداری كرد و به وطن برگشت در محل خود بكشد و صدقه دهد. (۱)

الشيخ الوحيد: الأقوی فی ما يلزم المحرم من الكفارة لغير الصيد جواز تأخيرها إلی أن يرجع إلی أهله. (۲)

مصرف الكفارة

الشيخ البهجت: و مصرفها الفقراء. (۳)

الشيخ التبريزی قدس سره: و مصرفها الفقراء و لا بأس بالأكل منها قليلًا مع الضمان. (۴)

الشيخ الصافی: اگر در مكه و منی فقيری نبود كه به او صدقه دهد و يا به هر جهت ديگر ترك شد در وطن ذبح كند و به فقير بدهد.

الشيخ الفاضل: مصرف كفارات فقراء و مساكين هستند. بنابر احتياط فقراء مؤمنين غير سيد می‌باشند. (۵)

الشيخ المكارم: نفس عبارت فوق به اضافه (احتياط آن است كه كفاره غير سادات به سادات داده نشود). (۶)

الشيخ النوری: نفس عبارة الإمام قدس سره. (۷)

الشيخ الوحيد: ومصرفها الفقراء ولا يأكل منها إلّاشيئاً قليلًا فإن أكل فعليه قيمة ما أكل ولا ضمان فی القليل علی الأقوی وإن كان أحوط. (۸)

ملحقات عمره

جواز احرام برای عمره مفرده از ادنی الحل

۱- ص ۲۸۴

۲- ص ۱۱۵

۳- مسئله ۲۶۹

۴- ص ۱۳۷ م ۲۸۴

۵- محشی ص ۴۳۰

۶- محشی ص ۴۴۴

۷- محشی ص ۴۲۹

۸- ص ۱۱۵ م ۲۸۱

ص: ۱۷۳

ص:۱۷۴

ص:۱۷۵

س: کسانی که از ایران به قصد عمره مفرده وارد جده می‌شوند آیا می‌توانند از مسجد تنعیم که ادنی الحل است محرم شوند؟

السید الشبیری: بلی، می‌تواند. (۱)

و در جواب سؤالی فرموده‌اند: در صورتی که به مواقیت دیگر برخورد نکنند.

*** الشیخ الصافی: عبور از میقات یا محاذی آن برای قاصد مکه بدون احرام جائز نیست هر چند بخواهد عمره مفرده به جا آورد و لکن اگر معصیت کرد و از ادنی الحل محرم شد عمره او صحیح است. (۲)

الشیخ الفاضل: بلی، چون تنعیم میقات عمره مفرده است و کسانی که از مواقیت معروفه عبور نکنند می‌توانند از آنجا محرم شوند.

الشیخ المکارم: میقات آنها حدیبیّه است که تقریباً ۱۷ کیلومتر تا مکه فاصله

۱- مهر خاص.

۲- مهر خاص.

ص: ۱۷۶

دارد و اگر از جاده قدیم بروند به حدیبیّه برخورد می کنند و اگر نروند از محاذات آن کفایت می کند. (۱)

عدم جواز

السید السیستانی: نمی توانند. (۲)

*** الشیخ البهجت: نمی‌توانند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: باید به حجفه یا میقات دیگر از مواقیت معروفه بروند و احرام از ادنی الحل مجزی نیست. (۴)

الشیخ النوری: باید از جحفه یا شجره محرم شوند. (۵)

جواز عمره در تمام سال حتی در اشهر حج

السید الگلپایگانی قدس سره: عمره مفرده را در تمام روزهای سال می‌شود به‌جا آورد و موقت به‌وقت مخصوص نیست. (۶)

السید السیستانی: عمره مفرده در تمام ماه‌ها صحیح است و افضل آنها ماه رجب است. (۷)

السید الشبیری: در ایام تشریق محل اشکال است. (۸)

***

۱- مهر خاص.

۲- مهر دفتر.

۳- مهر دفتر.

۴- مهر خاص.

۵- مهر خاص.

۶- احکام عمره ص ۱۵

۷- ص ۱۵

۸- المسائل المتفرقة.

ص: ۱۷۷

الشیخ البهجت: و تصح العمرهٔ المفردهٔ فی جمیع الشهور وأفضلها شهر رجب. (۱)

الشیخ الفاضل: س: هل یجوز لمن لم یحج أن یأتی بالعمرهٔ المفردهٔ فی أشهر الحج مع العلم بأنه مستطیع للحج و فی فرض عدم الجواز هل یجوز له الخروج من مکهٔ علی أمل أن لا یعود إلیها للحج أم لا؟

ج: لا مانع له من الإتیان بالعمرهٔ المفردهٔ و الخروج من مکهٔ قبل أوان الحج لکن لو بقی إلی أوانه یجب أن یأتی بالحج حسب وظیفته ... (۲)

المحرّم هو خصوص الجماع

الشیخ التبریزی قدس سره: المحرم علی من لم یطف طواف النساء عمداً أو جهلًا أو نسیاناً خصوص الجماع لا سایر الاستمتاعات. (۳)

العمرهٔ المفردهٔ قبل الحج و بعده

السید الخوئی قدس سره: یجوز له الإتیان بالعمرهٔ المفردهٔ قبل عمرهٔ التمتع و بعد أعمال الحج. (۴)

الخروج من المدینه جوا

السید الخوئی قدس سره: یجوز أن یحرم من الشجرهٔ و یعود إلی المدینهٔ و یسافر جواً من المطار. (۵)

الخروج فی أثناء عمرهٔ التمتع

۱- ص ۵۵

۲- حول الحج ص ۲۹

۳- الصراط ج ۲ ص ۵۰۵

۴- الصراط ج ۲ ص ۱۹۹ ووافقه التبریزی مد ظله.

۵- المصدر ص ۲۰۲ و وافقه التبریزی مد ظله.

ص: ۱۷۸

السید الخوئی قدس سره: لا یجوز الخروج من مکهٔ لِمن دخل مکهٔ لعمرهٔ التمتع قبل أن یقضی عمرته. (۱)

احرام از جدّه

السید الخوئی قدس سره: یجوز لأهل جدهٔ، الإحرام من جدهٔ و لا یجوز لغیرهم. (۲)

المراد الشهر الهلالی

السید الخوئی قدس سره: یستحب الإتیان بالعمرهٔ المفردهٔ مکرراً والأولی الإتیان بها فی کل شهر- والأظهر جواز الإتیان بعمرهٔ فی شهر وإن کان فی آخره و بعمرهٔ أخری فی شهر وإن کان فی أوله.

س: هل الاعتبار بنفس الشهر أو بالعدد؟

ج: الاعتبار لیس بالعدد بل بنفس الشهر الذی أتم عمرته فیه و لو کان یوم الثلاثین منه و قد خرج فی نفس الیوم فأراد أن یدخلها فی الیوم الأول من الشهر الثانی وجب أن یحرم لدخوله فیها. (۳)

السید الشبیری: مراد از ماه دیگر ماه قمری است نه گذشتن سی روز ... (۴) و در

۱- المصدر ص ۲۰۴ و وافقه التبریزی.

۲- ص ۲۰۴.

۳- الصراط ج ۲ ص ۲۱۲ و فی منیهٔ السائل ص ۹۶.

۴- ص ۸۳.

ص: ۱۷۹

بحث شفاهی، تقویت می کردند سی روز را.

أحكام العمرة المفردة

السيد السيستانی: س: من كان فی مكة المكرمة وأراد الإتيان بالعمرة المفردة هل يجوز له أن يذهب إلی جدة ويحرم منها بالنذر؟

ج: يجوز ولكن لا يجب بل يمكنه الإحرام من التنعيم و نحوه. (۱)

و فی ص ۶۳: س: الإحرام للعمرة المفردة لمن فی مكة من أدنی الحل هل يجب أن يتم من التنعيم أو الحديبية أو الجعرانة؟

ج: لا خصوصية للمواضع الثلاثة بل يكفی الإحرام من حدود الحرم المكی من أینقطة كانت. (۲)

و فی ص ۶۴: س: من أتی بعمرة مفردة فی ذی الحجة ثم خرج من مكة و عاد إليها و بداله أن يأتی بحج الإفراد ندباً فهل يحرم من مكة؟

ج: يجوز وإن كان الأولی أن يخرج إلی بعض المواقيت ويحرم منها. (۳)

و فی الملحق الثالث ص ۴۰: س: المتواجد فی مكة المكرمة إذا أراد الإتيان بحج الإفراد فمن أين يحرم له؟

ج: يجوز الإتيان من مكة نفسها. (۴)

س: من أدی العمرة المفردة فی شهر ذیالقعدة وخرج من مكة وأراد الدخول إليها فی شهر ذی الحجة فهو ملزم بالإحرام للدخول فيها فإن أراد الإحرام لعمرة مفردة أخری فمن أين يحرم من مكة أم من أدنیالحل أم من أحد المواقيت؟

ج: إذا كان فی الحرم فليحرم من الجعرانة أو الحديبية و نحوهما دون التنعيم لأنه يقع فی الوقت الحاضر فی مكة المكرمة وإن كان فی خارج الحرم، فيما دون

۱- ملحق ۲ ص ۴۱

۲- فرع ۱۱۷

۳- فرع ۱۱۹

۴- الملحق الثالث ص ۷۰ مسأله ۱۳۴

ص: ۱۸۰

المیقات فالحکم کذلک مع مراعاة عدم دخول الحرم إلّامحرماً وإن کان فیما یبلغ المیقات فلابد من الإحرام من المیقات.

الشیخ الصافی: العبرة فی الشهر فی هذا المقام بالشهر الهلالی لا بثلاثین یوماً. (۱)

فاصله بین دو عمره

فی العروة: الأقوی عدم اعتبار فصل فیجوز إتیانها کل یوم. (۲)

الإمام الخمینی قدس سره: فی التحریر: و اختلفوا فی مقدار الفصل بین العمرتین والأحوط فیما دون الشهر الإتیان بها رجاءً. (۳)

و در رساله فارسـی: اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد دومی را به قصد رجاء به جا آورد مطلقا چه برای خود و چه برای خود و دیگری. (۴)

السـید الخوئی قدس سره: و لا یجوز الإتیان بعمرتین فی شهر واحد فیما إذا کانت العمرتان عن نفس المعتمر أو عن شخص آخر وإن کان لا بأس بالإتیان بالثانیة رجاءً و لا یعتبر هذا الفصل إذا کانت إحدی العمرتین عن نفسه والأخری عن غیره. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: اقوی عدم اعتبار فاصله بین دو عمره است و حتی تکرار عمره در یک روز هم جایز است. (۶)

السید السیستانی: یجوز الإتیان بعمرة فی شهر وإن کان فی آخره وبعمرة أخری فی شهر آخر وإن کان فی أوّله ... (۷)

السید الخامنئی: در کمتر از یک ماه قصد رجاء بنماید. (۸)

السید الشبیری: می‌توان در یک روز چندین عمره مفرده انجام داد چه برای

۱- ص ۶۶

۲- فصل العمرة.

۳- ج ص ۴۰۳

۴- متفرقه عمره و حج م ۳

۵- م ۱۳۷

۶- اخیر ص ۱۰۹

۷- ص ۱۳۷

۸- ص ۳۸

ص: ۱۸۱

خود باشد یا برای دیگری. (۱)

*** الشیخ البهجت: اظهر عدم اعتبار فصل است. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس العبارة. (۳)

الشیخ الصافی: قبل از انقضاء ماه دومی را به قصد رجا به جا آورد (۴) و در فرع ۹۰۱ فرموده: در صورت تعدد فاصله معتبر نیست.

الشیخ الفاضل: اگر به نیابت از دیگری باشد رعایت فاصله لازم نیست. (۵)

الشیخ المکارم: میزان این است که در هر یک از ماه‌های قمری می‌توان یک عمره مفرده انجام داد. (۶)

الشیخ النوری: می‌تواند هر روز عمره به‌جا آورد. (۷)

الشیخ الوحید: نفس عبارة السید الخویی الا قوله دام ظله (فی شهر واحد علی الأحوط)(۸)

مؤلّف: مقتضی الإحتیاط أن یأتی بالثانیة بقصد الرجاء.

المقیمون فی جدة

السید الخوئی قدس سره: لابد أن یبقی فیها مدة یصدق أن منزله فیها. (۹)

السید السیستانی: س: المقیمون فی جدة من أین یحرمون للحج أو العمرة؟

ج: یجوز لهم الإحرام من جدة نفسها. (۱۰)

و فی الملحق الثانی ص ۶۰: یمکنه الإحرام من جدّة بلا حاجة إلی النذر و لا

۱- ورقه ص ۱۱

۲- ص ۸۹

۳- ص ۶۲ م ۱۳۷

۴- ورقه ص ۱۰

۵- محشی ص ۸۴

۶- محشی ص ۸۷

۷- مناسک.

۸- مسئله ۱۳۴

۹- الملحق ص ۲۶۵ م ۶۵

۱۰- الملحق الثانی ص ۶۹

ص: ۱۸۲

یجب علیه الذهاب إلی أحد المواقیت.

س: المقیمون فی جدّة التی تعدّ جدة مقراً لهم یعتمرون فی کل شهر فهل یجزیهم الإحرام لها من أدنی الحل؟

ج: یجزیهم الإحرام من جدة نفسها ولیس لهم الإحرام من أدنی الحل. (۱)

*** الشیخ‌التبریزی قدس سره: س: ساکن جدة هل‌یجوز له‌الإحرام منهاسواءللعمرة المفردة أو العمرة التمتع فی الحالات التالیة إذا مضی علی سکناه بها أکثر من ثلاث سنوات؟

ج: یکفی فی هذه المدة للإحرام منها وإذا لم یمض هذه المدة. لابد من الدخول فی السنة الثالثة. (۲)

وکذا النائب یحرم من جدة إذا کان من المقیمین فی جدة. (۳)

الشیخ الفاضل: س: هل یجوز للمقیمین فی جدة أن یحرموا منها إذا کانوا یریدون النیابة عن شخص آخر لحجٍ أو عمرة؟

ج: إذا کان النائب من المقیمین فی جدة کما هو ظاهر السؤال، جاز الإحرام باعتبار أن من کان منزله دون المیقات کان احرامه منه. (۴)

عمره تمتع مفرده می‌شود

س: باذل بعللی بعد از عمره تمتع از بذل برمی گردد و شخص مبذول له ...

خودش امکان مالی برای تکمیل ندارد تکلیف مبذول له چیست؟ آیا مبدل بعمره مفرده می‌شود (و یا مستأجر پشیمان می‌شود و حاضر نیست اجرت بدهد).

السید السیستانی: چنانچه اتمام حج بر او حرجی باشد می‌تواند محرم به حج

۱- الملحق الثانی ص ۶۳.

۲- مع التلخیص الصراط الرابع ص ۷۰.

۳- ص ۷۲.

۴- جامع المسائل ص ۲۳ وکذا فی ص ۳۹ فراجع.

ص: ۱۸۳

تمتع نشود و احوط این است که عمره تمتع را تبدیل به عمره مفرده کند و طواف نساء به جا آورد. (۱)

السید الشبیری: عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می‌شود و احتیاط در انجام طواف نساء می‌باشد. (۲)

و فرقی نیست بین این که مستأجر بگوید اجاره را فسخ کردم یا نگوید و امتناع از بذل داشته باشد، در هر دو صورت عمره مبذول‌له تبدیل به عمره مفرده می‌شود و احتیاط استحبابی بعد در انجام طواف نساء است. (۳)

*** الشیخ البهجت: در حج بذلی تا قبل از دخول در احرام باذل می‌تواند از بذل برگردد ولی بعد از دخول در احرام نمی‌تواند و اگر بعد از عمره تمتع از بذل برگردد ولو عصیانا عمره او مفرده می‌شود و همچنین است حکم درباره اجیر. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: بنابر احتیاط بعد از اعمال عمره طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و همچنین اجیر حکم سابق را دارد. (۵)

الشیخ الصافی: در فرض مثال بنابر احتیاط واجب بعد از اینکه مبذول له داخل در احرام شد باذل نمی‌تواند رجوع کند و مستأجر هم مطلقا (چه قبل از احرام و چه بعد از آن) حق رجوع ندارد چون اجاره از عقود لازمه است. (۶)

الجمع بین الأصلی و النیابی فی العمرهٔ المفردهٔ

السید السیستانی: س: هل یجوز الإتیان بعمرهٔ مفردهٔ إصالهٔ و نیابهٔ عن نفسه ونیابهٔ عن آخر. ج: لا یبعد جوازه. (۷)

۱- مهر دفتر.

۲- الخاتم.

۳- الخاتم.

۴- مهر دفتر.

۵- کتبی.

۶- کتبی.

۷- کتبی.

ص: ۱۸۴

السید الشبیری: مانع ندارد. (۱)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: جایز است. (۲)

الشیخ الصافی: ظاهراً مانعی نداشته باشد. (۳)

الشیخ الفاضل: ملخّص دو مسئله: در حج مستحبی و در عمره مفرده مستحبی قصد انجام آن برای خود و به نیابت پدر و مادر یا چند نفر دیگر مانع ندارد. (۴)

الشیخ المکارم: احتیاط آن است که آن را به نیت خود به جا آورد و هر مقدار از ثواب که می‌خواهد به دیگران هدیه کند. (۵)

ملحقات حج تمتع

تبدل حج آفاقی به مکّی

۱- شفاهی.

۲- شفاهی.

۳- شفاهی.

۴- استفتائات حج و عمره ص ۷۶.

۵- استفتائات ج ۲ ص ۱۹۶.

ص:۱۸۵

ص:۱۸۶

ص:۱۸۷

السید الخوئی قدس سره: إذا أقام البعید فی مکة فإن کانت استطاعته بعد إقامته فی مکة وجب علیه حج الإفراد أو القران بعد الدخول فی السنة الثالثة. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر دو سال به قصد مجاورت در مکه بماند و بعد از دو سال مستطیع شود، حکم اهل مکه را پیدا می کند. (۲)

السید السیستانی: إذا أقام البعید فی مکة انتقل فرضه إلی حج الإفراد أو القران بعد الدخول فی السنة الثالثة (و لا فرق فی صور المسئلة) (۳)

السید الشبیری: متعرض این فرع نشده.

*** الشیخ البهجت: اگر پس از اقامت در مکه و داخل شدن در سال سوم استطاعت پیدا کرده حج افراد یا قران بر او واجب می‌شود. (۴)

۱- م ۱۴۵ ص ۶۰ و له قدس سره تفصیل فی المسئلة فراجع.

۲- ص ۱۱۲ احکام ۲۷۹

۳- ص ۶۸

۴- ص ۵۳

ص: ۱۸۸

الشیخ التبریزی قدس سره: إذا کانت استطاعته بعد إقامته فی مکهٔ وجب علیه حج الإفراد أو القران بعد الدخول فی السنهٔ الثالثهٔ هذا إذا کانت إقامته بقصد المجاورهٔ. (۱)

الشیخ الصافی: موافق السید الگلپایگانی است و حاشیه ندارد.

الشیخ الفاضل: إن استطاع فی مکهٔ بعد إقامته فیها فینقلب فرضه إلی فرض المکی بعد الدخول فی السنهٔ الثالثهٔ بشرط أن تکون الإقامهٔ بقصد المجاورهٔ. (۲)

الشیخ المکارم: کسی که خارج از مسافت مزبور باشد هر گاه در مکه بیش از دو سال اقامت کند وظیفه او وظیفه اهل مکه است مطلقا. (۳)

الشیخ الوحید: وجب علیه حج الإفراد أو القران بعد الدخول فی السنهٔ الثالثهٔ سواء کانت إقامته بقصد المجاورهٔ أو التوطن. (۴)

مؤلّف: مقتضی الاحتیاط فی التبدّل ما إذا کانت الإقامهٔ بقصد المجاورهٔ.

میقات حج تمتع مکه معظمه

الإمام الخمینی قدس سره- السید الگلپایگانی قدس سره: احرام از مکه فعلی کافی است.

السید الخوئی قدس سره: لابد من الإحرام فی الموضع المتیقن أنه مکهٔ. (۵) (در جواب استفتاء کتبی: باید از مکه قدیم باشد)

منه أیضاً: س: هل ان الأحکام الخاصهٔ بمکهٔ تخصّ مکهٔ القدیمهٔ أم تشمل الجدیدهٔ؟

ج: الأحکام التی موضوعها مسمی مکهٔ فنعم. (۶)

السید السیستانی: المحلات المستحدثهٔ اذا عدت جزءاً من المدینهٔ المقدسهٔ

۱- ص ۶۷

۲- ص ۶۳

۳- ص ۲۶

۴- ص ۶۰ ۱۴۲

۵- طبع ۱۱ ص ۲۹۰

۶- الصراط ج ۳- ۴۶۶

ص: ۱۸۹

فی العصر الحاضر جاز الإحرام منها علی الأظهر. (۱)

السید الخامنئی: یصح الإحرام للحج فی أیّ مکان من مکهٔ المکرمهٔ الحالیهٔ و لکن الأحوط القدیمهٔ. (۲)

السید الشبیری: در محله‌های نوساز هم کفایت می‌کند. (۳)

*** الشیخ البهجت: احوط اقتصار بر مکه قدیم است. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: بنابر احتیاط لازم در صورتی که میسور باشد در مواضع مکه قدیم بوده باشد. در دو حد عقبه و ستین و ذی طوی. (۵)

منه أیضاً: یضاف إلی جوابه (جواب السیّد الخوئی): و لکن فی بعضها علی الأحوط وجوباً.

الشیخ الصافی: بنابر احتیاط واجب مکه قدیم. (۶)

الشیخ الفاضل: احرام از محله‌های تازه ساز هم جایز است. (۷)

الشیخ المکارم: فرقی بین مکه قدیم و جدید نیست. (۸)

الشیخ النوری: احرام صحیح است گر چه از محله‌های تازه ساز باشد. (۹)

الشیخ الوحید: الظاهر عدم الاقتصار علی مکهٔ القدیمهٔ وإن کان أحوط. (۱۰)

خروج از مکه قبل از حج

الإمام الخمینی قدس سره: در ص ۱۷۶ در جواب فرموده‌اند: در صورت حرجی بودن می‌توانند بدون احرام بروند.

السید الخوئی قدس سره: المحرم من الخروج هو الخروج إلی محل آخر و لا بأس

۱- ملحق ص ۵۸

۲- ص ۲۰

۳- ورقه ۴

۴- ص ۱۵۹

۵- ضمیمه ۲۱

۶- کتبی.

۷- محشی ۳۱۰

۸- ص ۱۲۴

۹- ص ۲۷۶

۱۰- ص ۱۵۱

ص: ۱۹۰

بـالخروج إلی أطرافها و توابعها (۱) و فی الملحـق فرع ۵۱: لاـ یجوز الخروج من مکـة بعـد الفراغ من عمرة التمتع إلّامحرمـاً فلو خرج بدون إحرام عصی إذا لم یکن معذوراً ولکن لیس علیه شیء ولا یضر بصحة أعماله. (۲)

و لا یجوز الخروج فی أثناء العمرة. (۳)

السید الگلپایگانی قدس سره: در صورت حاجت اگر با احرام، رفتن برای او حرجی باشد می‌تواند بدون احرام خارج شود. (۴)

السیـد السیستـانی: إلّاأن یکون خروجه لحاجـة وإن لم تکن ضـروریة و لم یخف فوات الحـج و فی هذه الحالة إذا علم أنه یتمکن من الرجوع إلی مکة و الإحرام منها للحج فالأظهر جواز خروجه محلًا. (۵)

السیـد الشبیری: و اگر با احرام خارج شـدن مقـدور نیست می‌توانـد بـدون احرام خارج شود و در ص ۱۰۲ فرموده: ضـرری به حج و نیابت او نمی‌زند و در صورت حاجت گناه هم مرتکب نشده.

*** الشیـخ البهجت: فی الورقة الاستفتائیة ص ۵۱: کسـی که می‌دانـد با خروج از مکه حج او فوت نمی‌شود و می‌تواند بدون احرام خارج شود و در بحث شفاهی فرمودند: حکم حطّاب و حشّاش را دارد.

الشیـخ التبریزی قدس سره: لا یجوز له الخروج من مکة لغیر الحج- إلی قوله فی مسئلة ۱۵۳: المحرّم من الخروج هو الخروج عنها إلی محـل آخر ولاـ بـأس بـالخروج إلی أطرافها وتوابعها وعلیه فلا بأس للحاج أن یکون منزله خارج البلـد فیرجع إلی منزله أثناء العمرة أو بعد الفراغ منها. (۶)

۱- م ۱۵۳

۲- ص ۲۵۸

۳- ملحق ص ۲۶۴ م ۶۳

۴- مجمع ص ۴۵۲

۵- ص ۷۲

۶- ص ۷۴

ص: ۱۹۱

و فی الضمیمهٔ ص ۱۶: قبلًا عمره مفرده به جا آورنـد و بعـد از آن تا ماه هلالی تمام نشـده می‌تواننـد به خارج تردد کنند و مجزی از عمره تمتع است.

الشیخ الصافی: اگر لباس احرام برای کار او حرجی باشد می‌توانند بدون احرام خارج شوند. (۱)

الشیخ الفاضل: اگر یقین دارد که خروج از مکه لطمه به حج او وارد نمی‌کند خروج مانع ندارد حتی بدون احرام.

الشیخ المکارم: اگر بستن احرام مایه مشقت و حرج شدید باشد می‌تواند آن را ترک کند. (۲)

الشیخ الوحیـد: ولا یجوز له الخروج من مکـهٔ لغیر الحج إلّاأن یکون خروجه لحاجهٔ و لم یخف فوات الحج فیجب ان یحرم للحج من مکهٔ و یخرج لحاجته. (۳)

و قـال فی ص ۶۵: إذا خرج من مکـهٔ بعـد العمرهٔ من دون إحرام وتجـاوز المیقات ففیه صورتان: الأولی: أن یکون رجوعه قبل مضّـی شهر عمرته فیلزمه الرجوع إلی مکهٔ بدون إحرام فیحرم منها للحج. الثّانیهٔ: أن یکون رجوعه بعد مضی شهر عمرته فتلزمه إعادهٔ عمرته.

مؤلف: مقتضی الاحتیاط عدم الخروج و مع الحاجهٔ یخرج مع إحرام الحج.

فرع

س: با توجه به عدم جواز خروج از مکه بعد از عمره تمتع گاهی خروج قهری است مثلًا منزلی که برای حجاج گرفته‌اند از مکه بلکه از حرم خارج است یا اینکه راننده از طریق خارج مکه مسافر را به مقصد می‌رساند مثلًا او را از طریق مشعر به مکه می‌آورد با توجه یا بدون توجه تکلیف چیست؟ و اگر این خروج بعد

۱- در ورقه ص ۱۰

۲- ص ۳۰

۳- ص ۶۳ مسئله ۱۴۸

ص: ۱۹۲

از مضی شهر هلالی باشد، إحرام مجدد لازم است یا نه؟

السید الشبیری: خروج از مکه به توابع آن اختیاراً جایز است و ظاهراً خروج مزبور موجب بطلان عمل نمی‌شود و در مورد سؤال احتیاج به احرام مجدد نیست. (۱)

*** الشیخ البهجت: در صورتی که حج فوت نمی‌شود خروج از مکّه مانع ندارد. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر از حرم خارج نشود احرام مجدد لازم نیست و چنانچه خروج از توابع مکه از روی ناچاری باشد مانعی ندارد و احتیاط واجب این است که بدون ضرورت در خارج حرم سکونت نکنند. (۳)

الشیخ الصافی: در فرض سؤال عمره و حجش صحیح است لکن در صورت توجه نباید خارج شود و اگر مضطر به خروج باشد و محرم شدن برای حج برایش حرجی باشد با توجه هم می‌تواند خارج شود و در این صورت اگر از عمره اولی سی روز گذشته باشد باید در صورت ممکن به میقات برود و الا ـ به هر مقداری که ممکن است به طرف میقات برود و اگر آن هم میسر نیست از ادنی الحل برای عمره تمتع محرم شود و عمره اولی مفرده می‌شود و اگر فاصله کمتر از سی روز باشد و در غیر آن ماهی که عمره اولی را به جا آورده وارد نشود به احتیاط واجب در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود و بعد از انجام عمره تمتع محرم به احرام حج تمتع شود. و کسی که بعد از عمره تمتع بدون احرام از مکه خارج شده و پس از گذشت یک ماه و یا بیشتر عصیاناً و یا جهلًا و یا نسیاناً بدون احرام وارد مکه شده همان عمره اولی که انجام داده عمره تمتع محسوب می‌شود و کافی است. (۴)

الرجوع إلى مكة بعد مضى الشهر الهلالى

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

ص: ۱۹۳

س: شخصی بیست و ششم ذی قعده از عمره تمتع فارغ شده و روز دوم ذی حجه به عرفات می‌رود و برمی گردد اختیاراً یا اضطراراً. آیا در مراجعت به مکه باید مجدداً برای عمره تمتع محرم شود یا نه؟ و علی فرض الأول باید بمواقیت معروفه برود یا نه؟

السید السیستانی: الثانیهٔ أن یکون رجوعه بعد مضی الشهر الذی اعتمر فیه ففی هذه الصورهٔ فیلزمه الإحرام بالعمرهٔ للرجوع إلیها. (۱)

و قال دام ظله فی الملحق الأول ص ۳۴: وأما إذا اراد الرجوع بعد مضی ذلک الشهر (الذی عمرته فیه) فلا یسوغ له دخولها إلّامحرماً ویجوز له الإحرام للعمرهٔ المفردهٔ من أدنی الحل إذا بداله الرجوع إلی مکهٔ (و یبقی فی مکهٔ إلی یوم الترویهٔ فیکون عمرته متعهٔ و یحج حج التمتع) وإلّا لزمه الإحرام لها من أحدها. فراجع

السید الشبیری: احتیاطاً محرم شود و احرام از هر نقطه حل کافی است. (۲)

*** الشیخ البهجت: از روایات استفاده می‌شود که تجدید احرام عمره تمتع لازم است ولی اگر به جا نیاورد ضرری به عمره و حج نمی‌زند. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: بنابر احتیاط به یکی از مواقیت رفته و از آنجا برای عمره تمتع محرم شود. (۴)

الشیخ الصافی: در فرض سؤال بنابر احتیاط واجب باید به میقات برود و برای عمره تمتع محرم شود و عمره اولی در این صورت عمره مفرده می‌شود. (۵)

۱- مناسک ص ۷۴

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- کتبی.

ص: ۱۹۴

الشیخ الفاضل: نعم إذا دخل فی شهر آخر یجب الإحرام جدیداً لعمرة التمتع. (۱)

احرام مجدد در یک ماه لازم نیست

الإمام الخمینی قدس سره: پس از انجام عمره مفرده می‌توانند از حرم خارج شوند و برای رجوع به مکه برای بار دوم و سوم و بیشتر احرام واجب نیست تا یک ماه هلالی ولی اگر مدینه رفته است باید در مسجد شجره محرم شود. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: کسی که عمره به جا آورده و از حرم خارج شده و قبل از یک ماه رجوع می‌کند احرام مجدد لازم نیست. (۳)

السید السیستانی: من خرج من مکة بعد الحج أو بعد العمرة المفردة یجوز له العود إلیها من دون إحرام قبل مضی الشهر الذی أدی فیه عمرته. ص ۶۶، ولو مر علی المیقات. (۴)

السید الشبیری: اگر خروج از احرام و خروج از مکه یک ماه نشده احرام لازم نیست و الا لازم است. (۵)

** الشیخ البهجت: می‌تواند پیش از گذشتن یک ماه بدون احرام وارد مکه شود. (۶)

الشیخ الصافی: بر فرع مذکور حاشیه ندارد.

الشیخ الفاضل: در ماهی که محرم شده تجدید احرام لازم نیست.

الشیخ المکارم: اگر در همان ماه قمری وارد شود احرام لازم نیست.

الشیخ النوری: با امام موافق است.

الشیخ الوحید: یجوز له العود إلیها من دون إحرام قبل مضی الشهر الذی أدی

۱- الجامع ص ۱۱۳؛ وله دام ظله فروع فی هذا الفصل.

۲- متفرقه میقات م ۱۰

۳- ص ۱۰۹

۴- الملحق الثانی ص ۱۶

۵- ص ۴۳۰

۶- ص ۵۰ م ۱۳۸

ص: ۱۹۵

نسکه فیه. (۱)

تبدل تمتع به حج إفراد

الإمام الخمینی قدس سره: در فصل تبدل مسئله ۱ و ۲ مسئله ۸ استفاده می‌شود که اگر احرام عمره تمتع بسته به خیال آنکه در وقت خود می‌رسد ولی معلوم شد که به وقوف عرفات نمی‌رسد باید عدول کند به افراد و بعد از حج، عمره مفرده به‌جا آورد و همچنین کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که با اتیان عمره به وقوف نمی‌رسد می‌تواند از اول محرم به حج افراد شود. (۲)

السید الشبیری: زنی که در میقات خائف است از درک عرفات در وقت خود یا شک دارد یا یقین دارد که نمی‌رسد باید حج افراد به جا آورد چه در میقات حائض باشد یا نه. (۳)

منه أیضاً: اگر با اطمینان به عدم طرو حیض احرام عمره تمتع بست و بر خلاف انتظار حائض شد سعی و تقصیر به جا آورد و اگر قبل از فوت وقت پاک شد طواف و نماز را هم به جا آورد و الا بعد از منی به‌جا آورد ویأس از پاک شدن لازم نیست. (۴)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: چنانچه حیض هنگام احرام یا پیش از احرام باشد در صورتی که وقت وسعت به جا آوردن عمره را نداشته باشد حج تمتع به حج افراد منقلب می‌شود باید بعد از حج افراد عمره مفرده به جا آورد.

و اگر حیض بعد از احرام بستن باشد در صورت عدم وسعت وقت مخیر

۱- ص ۵۸

۲- محشی، ص ۳۰۰

۳- خلاصه مسئله ۱۰۳

۴- مسئله ۱۰۴

ص: ۱۹۶

است بین اینکه حج افراد به جا آورد با عمره مفرده، یا آنکه عمره تمتع را بدون طواف و نماز به جا آورد و پس از حج تمتع قبل از طواف حج طواف و نماز عمره تمتع را قضا نماید. (۱)

موافق است با نظر مرحوم خویی. (۲)

حج إفراد مستحبی عمره مفرده ندارد

وعلى المفرد أن يأتى بعمرة مفردة ويجوز الإتيان بها فى تمام السنة هذا إذا كان حجه حجة الإسلام.

السيد الگلپايگانى قدس سره: وأما لو كان حجه مستحباً أو منذوراً وحده لا مع عمرة فيكفيه الإتيان بالحج وحده لم تلزمه العمرة المفردة. (۳)

السيد السيستانى: س: حج استحباباً حج إفراد هل يلزمه العمرة المفردة أيضاً.

ج: لا يلزم. (۴)

*** الشيخ البهجت: و در غیر واجب ترک عمره جایز است. (افراد و قران) و حج تمتع واجب با شروع در عمره تمتع اگر چه مندوب باشد. (۵)

الجمع بين الأصلى والنيابى فى المستحبات

در عمره مستحبی جمع بین اصلی و نیابی مانع ندارد- الشيخ التبريزى قدس سره والسيد الشبيرى شفاهى. و السيد السيستانى ص ۲۱۰ حديث ۷۶

قال الصادق عليه السلام: لو أشركت ألفاً فى حجتك كان لكل واحد حج من غير أن ينقص من حجتك شىء.

وروى: أنّ اللّٰه عزوجل جاعل له و لهم حجاً و له أجر الصلة إياهم.

عذر از انجام حج بعد از عمره

۱- ص ۱۷

۲- فى الصراط ج ۳ ص ۱۸۷

۳- عربى ص ۷۰

۴- ملحق دوم ص ۴۱ و ۴۲

۵- جامع المسائل ص ۲۱۴

ص: ۱۹۷

السید الگلپایگانی قدس سره: س: بعد از انجام عمره تمتع بیهوش شد و او را به ایران آوردند تکلیف چیست؟

ج: اگر سال اول استطاعت او بوده حج بر او واجب نیست در صورتی که فعلًا استطاعت نداشته باشد و اگر فعلًا استطاعت دارد باید عمره و حج را به‌جا آورد و اگر از قبل حج بر او مستقر بوده باید حج را به‌جا آورد. (۱)

السید الشبیری: عمره تمتع تبدیل به عمره مفرده گشته و به احتیاط مستحب طواف نساء را به جا آورد. (۲)

*** الشیخ الفاضل: س: إذا أتی المکلف بعمرة التمتع ثم لم یتمکن من الإتیان بالحج لعذر من الاعذار و جاء إلی بلده فما الوظیفة؟

ج: لا شیء علیه بالنسبة إلی النساء فقد حلت له النساء بالتقصیر فی عمرة التمتع وأما وظیفته فی الحج فإن کان مستقراً علیه قبل ذلک فعلیه تدارکه فی القابل وان لم یکن مستقراً أو کان قد حج حجة الإسلام قبل ذلک فلا شیء علیه. (۳)

تقدیم طواف و سعی بر عرفات و کشف خلاف

الإمام الخمینی قدس سره: زنها که ترس حیض دارند- پیرمردها یا پیرزنها که پس از مراجعت به واسطه ازدحام عاجزند. اشخاص مریض، این سه طائفه اعمال آنها کافی است اگر چه بعد خلاف آن ظاهر شود. (۴)

۱- مسئله ۱۳۱ ص ۵۶

۲- کتبی.

۳- حول الحج ص ۳۲

۴- محشی ص ۳۸۴

ص: ۱۹۸

السید الگلپایگانی قدس سره: احوط و اولی اعاده طواف و نماز و سعی است. (۱)

السید السیستانی: والأحوط الأولی إعادتها مع التمکن بعد ذلک إلی آخر ذی‌حجّهٔ. (۲)

السید الشبیری: اعاده طواف و سعی لازم نیست. (۳)

*** الشیخ البهجت: تقدیم جایز است ولی احتیاطاً بعد از برگشت اعمال را تکرار کند و در صورت عدم امکان نائب بگیرد. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر سعی را مقدم داشت احتیاط واجب آن است که در وقتش آن را اعاده کند و اولی و بهتر اعاده طواف و نماز است. (۵)

الشیخ الصافی: حاشیه ندارد.

الشیخ الفاضل: در مقدار مذکور حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: احتیاط به اعاده در صورت امکان ترک نشود. (۶)

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

الشیخ الوحید: والأحوط تقدیم السعی أیضاً وإعادته فی وقته ولو عرض لهم التمکن بعد التقدیم فلا تجب لهم الإعادهٔ. (۷)

ملحقات وقوفین

لإختلاف فی الهلال

۱- ص ۳۴۹ اخیر.

۲- ص ۲۰۸

۳- کتبی.

۴- ص ۲۰۱ جدید

۵- ص ۲۳۲ صغیر.

۶- محشی ص ۳۹۷

۷- ص ۷۴

ص: ۱۹۹

ص:۲۰۰

ص:۲۰۱

الإمام الخمینی قدس سره: ص ۴۳۸ محشی: باید تبعیت کند ولو با علم به خلاف و در ص ۴۴۱: فرقی بین یک روز اختلاف و دو روز نیست.

السید الخوئی قدس سره: در صورت عدم علم به خلاف تبعیت لازم است و مجزی است و با علم به خلاف مجزی نیست. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر احتیاط ممکن باشد بدون خوف باید عمل به وظیفه خود نماید حتی مع عدم العلم بالخلاف و اگر احتیاط ممکن نیست، تبعیت مجزی است ولو مع العلم بالخلاف. (۲)

السید السیستانی: فان تیسر للمکلف أداء الأعمال فی اوقاتها الخاصة المقررة صح حجه علی الأظهر وأما إن لم یأت بها کذلک و لو لعذر فإن ترک أیضاً اتباع رأی القاضی فی الوقوفین فلا شک فی فساد حجه وأما مع اتباعه ففی صحة حجه

۱- م ۳۷۱.

۲- کتبی و شفاهی.

ص: ۲۰۲

إشكال. (۱) وفى الملحق: نحتـاط فى ذلك احتياطاً وجوبياً فلمن يرجع إلينا فى التقليـد أن يرجع فى هـذه المسألـة إلى غيرنا مع مراعاة الأعلم.

السيد الشبيرى: در صورتى كه علم به خلاف نداشته باشند بايد به حكم قاضى اهل سنت عمل كنند. (۲)

*** الشيخ البهجت: در صورت عدم علم به خلاف بايد متابعت كنند و مجزى است. (۳)

الشيخ التبريزى قـدس سره: إذا احتملت مطابقـة الحكم للواقع وجبت المتابعـة وترتيب جميع الآثار ويصح الحج والإحتياط حينئذ غير مشروع. (۴)

الشيخ الصافى در ص ۱۲۷: نص عبارة السـيد الگلپايگانى قدس سره من انّ المعيار التقيۀ اگر تقيه باشد متابعت كافى است ولو با علم به خلاف و اگر تقيه نباشـد بايـد به وظيفه خود عمل كنـد حتى با عـدم علم به خلاف. در ورقه: احتياط واجب رعايت موازين شـيعه است به قدر امكان از اختيارى عرفات و اضطرارى ثم اختيارى مشعر.

الشيخ الفاضل: بر حسب عبارت پنج حاشيه ص ۴۳۸ موافق با مرحوم امام قدس سره است.

الشيخ النورى: بايد از حكم قاضى تبعيت كرد ولو با علم بخلاف. (۵)

الشيـخ الوحيـد: فـان احتملت مطابقـة الحكم للواقع و كـان الاحتياط مخالفاً لها أما فالأحوط الجمع بين ترتيب آثار ثبوت الهلال على حكمهم و الإتيان بوظيفته الأولية وإن كان الأقوى كفاية ترتيب الآثار على حكمهم. (۶)

۱- ص ۱۸۵

۲- مسئله ۶۴۲

۳- ص ۱۹۲ جديد.

۴- ص ۱۸۰

۵- ص ۳۹۳

۶- ص ۱۵۵

ص: ۲۰۳

مؤلف: نوعاً مراجع فتوی داده‌اند به صحت حج در صورت احتمال مطابقت حکم قاضی عامه با واقع و السید السیستانی ارجاع به غیر داده است.

وقوف با أهل سنّت

الإمام الخمینی قدس سره: بلکه در صورت‌علم به‌مخالفت‌نیز صحت‌عمل بعید نیست. (۱)

السید الخوئی قدس سره: با احتمال موافقت ترتیب آثار واجب است و احتیاط مشروع نیست. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: در صورت تقیه اقوی صحت حج و کفایت است هر چند عالم به خلاف باشد. (۳)

السید السیستانی: فی صورة الاختلاف قد یقال بحجیة حکم القاضی فی حق من یحتمل مطابقته مع الواقع و لکن هذا القول محل إشکال فإن تیسر للمکلف أداء الأعمال فی أوقاتها صح حجه وإن لم یأت بها کذلک ولو لعذر ففی حجه إشکال. (۴)

السید الخامنئی: تبعیت در تعیین موقف در روز عید صحیح و مجزی است. (۵)

السید الشبیری: اگر عالم به خلاف نیست باید به حکم قاضی اهل سنت عمل کند. (۶)

*** الشیخ البهجت: با احتمال موافقت اقوی کفایت است. (۷)

الشیخ التبریزی قدس سره: فی صورة العلم بالخلاف- بإمکان الحاج فی الفرض المذکور الخروج من منی إلی مکة یوم العید الموافق للیوم التاسع واقعاً ثم الخروج

۱- ص ۱۷۰

۲- م ۳۷۵

۳- ص ۱۰۹

۴- مع التلخیص ص ۱۸۶

۵- ص ۱۴۱

۶- ص ۱۶۴

۷- ص ۳۱

ص: ۲۰۴

من مكهٔ إلى منى عصراً فيمر فى طريقه على عرفات و يقف بها ولو لحظهٔ واحدهٔ فى السيارهٔ قبل الغروب ثم يدخل المزدلفهٔ ليقف فيها ولو لحظهٔ واحدهٔ فى السيارهٔ ثم نحى إلى منى ليقوم بأعمال اليوم العاشر. (۱)

الشيخ الفاضل: بر شيعيان تبعيت لازم است خصوصاً در صورت عدم علم به خلاف. (۲)

الشيخ المكارم: موافق است. (۳)

الشيخ النورى: بايد تبعيت كند ولو با علم به خلاف. (۴)

مؤلف: مقتضاى احتياط انجام اعمال است، در اوقات معينه و اگر ميسر نشد اعاده حج است در سال بعد مع الإمكان.

خواب در تمام وقت مشعر

س: پسر دوازده سالهای را محرم كردهاند به احرام حج و براى رعايت حال صباوت شب مشعر او را از عرفات با ماشين بانوان و ضعفا فرستادهاند و در تمام شب در حال خواب بوده و پس از منقضى شدن وقت اضطرارى مشعر متوجه مسئله شده آيا مجرد عبور از مشعر الحرام كفايت از وقوف مى كند يا نه؟

و برفرض ثانى آيا وقوف اختيارى عرفه تنها كفايت نمى كند و در هر حال حج را با اين نحو باتمام رسانده چه تكليفى بر اين صبى مميز است و آيا تكليفى بر ولى هست يا نه؟

السيد الشبيرى: مجرد عبور از مشعر كافى نيست و حج صبى تبديل به عمره مفرده مىشود. (۵)

***

۱- الصراط ج ۳ ص ۱۷۵

۲- فرع ۱۱۱۵

۳- محشى ص ۴۵۱

۴- ص ۳۹۳

۵- كتبى.

ص: ۲۰۵

الشیخ البهجت: ظاهر صحت حج و کفایت درک اختیاری عرفات است. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر قبل از خواب قصد وقوف به مشعر را داشته مجزی است و اگر نه وظیفه اتیان به‌عمره مفرده بوده و در فرض مذکور که قصد عدول به عمره مفرده نکرده و ماه ذی‌حجه گذشته چیزی بر او نیست. (۲)

الشیخ الصافی: اگر قبل از وقت وقوف قصد وقوف مشعر را نموده و به خواب رفته تا وقت وقوف تمام شده صحت وقوف بعید نیست و اگر موقعی که از مشعر عبور می‌نموده قصد وقوف نموده، همان وقوف در حال عبور کافی است و حجش صحیح است و از جهت ترک وقوف بین الطلوعین باید یک گوسفند به عنوان کفاره ذبح کند و در صورتی که از روی عذر وقوف به مشعر ترک شده و فقط وقوف اختیاری عرفه انجام شده باشد احتیاط ترک نشود به اینکه اعمال را به قصد ما فی الذمه از عمره و حج انجام دهد و پس از آن چون هنوز مکلف نیست وظیفه دیگری ندارد. (۳)

الحیاض فی المشعر

س: در حدود مشعر می‌فرماید: (من المأزمین إلی الحیاض إلی وادی محسر) حیاض کجا است و مقصود چیست؟

السید الشبیری: حد مشعر از مأزمین تا وادی محسر است مأزمین و وادی محسر از حدود خارج از مشعر است و حیاض که احتمالًا حوضهایی بوده است که در اول وادی محسر قرار داشته معرف اول وادی محسر بوده است و فعلًا اثری از حیاض وجود ندارد. (۴)

***

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

ص: ۲۰۶

الشیخ البهجت: باید از عرف محل تحقیق شود. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: فعلًا معلوم نیست و در معرفت حدود مشعر باید به عرف اهل محل رجوع شود. (۲)

الشیخ الصافی: مقصود از حیاض حوضهایی است که در وادی محسر بوده است و حد مشعر همان بین المأزمین إلی وادی محسر است و لذا در صحیحه زراره از حضرت باقر علیه السلام: وإلی الحیاض ... و در صحیحه اسحاق بن عمار: مابین المأزمین إلی وادی محسر، است. (۳)

کفایة الوقوف الإضطراری ولو بخمس دقائق

السید الخوئی قدس سره: س: هل یتحقق الوقوف الاضطراری بالوقوف ولو بخمس دقائق فی عرفات أو المشعر و کذلک وقوف من یخاف الزحام والنساء والمرضی لیلة العید فی المشعر؟

ج: نعم یتحقق بذلک وقوفهم. (۴)

قصد الوقوف قبل الوقت

السید الخوئی قدس سره: من نوی الوقوف بعرفة أو المشعر قبل الوقت ثم استوعب الوقت نائماً لا یجزیه ذلک. (۵)

ترک البیتوتة

السید الخوئی قدس سره: س: ما حکم من لم یبت بمنی بعض اللیل أو کله لاشتغاله

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- ۲۱۱ م- الملحق ص ۳۲۱.

۵- الملحق ص ۳۲۱.

ص: ۲۰۷

بتطويف بعض الحجاج؟

ج: إن عدّ ذلك عبادة له أيضاً كأن يكون يطوف لنفسه كما يطوفهم فلا شيء عليه. (۱)

س: ذكرتم انه لاكفارة على من ترك المبيت بمنى واشتغل فى مكة بالعبادة فهل مختصة بالصلاة والطواف أم تعمّ الأذكار والأدعية والصلاة على محمد و آل محمد؟

ج: نعم تشمل أىنوع من العبادة. (۲)

المشعر الحرام (كوچ قبل از طلوع)

الإمام الخمينى قدس سره: احتياط وجوبى آن كه قبل از نصف افاضه نكنند.

السيد الشبيرى: بيتوته اول شب واجب نيست مستحب است. (۳)

وقوف در تمام بين الطلوعين واجب نيست و حداقل واجب مسمّاى وقوف است ولى كسى كه بين الطلوعين را در مشعر درك كرد نمى‌تواند قبل از روشن شدن هوا بلكه قبل از طلوع آفتاب خارج شود. (۴)

وفى فرع ۶۴۷: الأحوط استحباباً مؤكداً عدم الإفاضة قبل منتصف الليل.

زنان، اشخاص بيمار و ضعيف كه وقوف اختيارى براى آنها مشقت دارد، اشخاصى كه خوف برخورد به خطر دارند، كسانى كه ارزاق عمومى را تأمين مى‌كنند كسانى كه بايد همراه يكى از گروه نامبرده باشند، كسانى كه براى تداركات حجاج لازم است قبلًا حركت كنند، بر آنها وقوف اختيارى واجب نيست. مى‌توانند بعد از نصف شب كوچ كنند.

و خدمه كاروان كه براى همراهى قبل از طلوع فجر كوچ كرده‌اند، اگر ممكن

۱- ص ۳۲۸ الملحق

۲- ص ۳۳۱

۳- ص ۱۶۷

۴- ص ۱۶۷

ص: ۲۰۸

باشد باید قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعر برسانند. (۱)

*** الشیخ الفاضل: فی التحریر، الحج ص ۱۲۹ یجوز الإفاضة من المشعر لیلة العید بعد وقوف مقدار منها للضعفاء کالنساء والأطفال والشیوخ ومن له عذر کالخوف والمرض و لمن ینفر بهم و یراقبهم ویمرضهم و الأحوط الذی لا یترک أن لا ینفروا قبل نصف اللیل.

ملحقات جمرات

رمی در شب

۱- ص ۱۷۱.

ص: ۲۰۹

ص: ۲۱۰

ص:۲۱۱

الإمام الخمینی قدس سره: کسی که از رمی روز عذر دارد می‌تواند شب رمی کند شب قبل یا شب بعد و اگر از رمی روز یازدهم هم معذور است می‌تواند شب یازدهم بعد از رمی روز عید رمی روز یازدهم را هم به جا آورد. (۱)

السید الخوئی قدس سره: کسانی که در روز نمی‌توانند رمی کنند جایز است برای آنها رمی را شب آن روز انجام دهند (۲) و در کتبی- معذوریت زنها مطلق است ولی مال هر روزی را باید شب آن روز به جا آورند. پس رمی یازدهم را باید شب یازدهم به جا آورند نه شب دوازدهم.

السید الگلپایگانی قدس سره: جایز نیست رمی جمره در شب مگر برای مریض و خائف و کسانی که از رمی در روز عذر داشته باشند و تا وقتی که خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نائب بگیرند و فرق نیست در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر که شب قبل رمی کنند یا شب بعد.

۱- محشی ص ۴۱۶.

۲- مسأله ۴۳۸.

ص: ۲۱۲

السيد السيستانى: ويجزى للنساء وساير من رخص لهم الإفاضة من المشعر فى الليل أن يرموا بالليل (ليلة العيد) (۱)

و قال فى ص ۲۱۷: يستثنى وجوب الرمى فى النهار لكل معذور من المكث فى منى نهاراً فيرمى بالليل.

السيد الشبيرى: شب قبل رمى كند. ص ۲۳۶ و اين رمى ادا است نه قضا و نه تعجيل. (۲)

*** الشيخ البهجت: اگر در روز نتواند، تأخير بياندازد به شب و اگر مى‌داند كه روز نمى‌تواند شب قبل به جا آورد. (۳)

الشيخ التبريزى قدس سره: نفس عبارة الوحيد او قريبة منها. (۴)

الشيخ الصافى: ص ۱۵۲ مسأله ۱۶۷: نفس عبارت السيد الگلپايگانى قدس سره در رساله م ۱۶۶ در ص ۱۳۱

الشيخ الفاضل: شب بعد و شب قبل فرق نمى‌كند. و مى‌توانند رمى دو روز را يك شب انجام دهند. (۵) و در ص ۳۴۳ محشى، صاحبان عذر مى‌توانند شب عمل كنند هر وقت شب باشد.

الشيخ الوحيد: يجوز للخائف على نفسه أو ماله أو عرضه و كذا الشيخ و النساء و الصبيان و الضعفاء الرمى ليلة ذلك النهار. و براى افراد استثنا شده در صورت ترس همه را در يك شب. (۶)

أقول: أضف إلى ذلك قوله دام ظله فى آخر مناسكه ص ۳۸۸ يرمى النساء والضعفاء جمرة العقبة فى ليلة العيد بأنفسهم فان لم يتمكنوا منه أيضاً استنابوا

۱- ص ۱۹۳

۲- كتبى

۳- ص ۱۹۶

۴- ص ۲۱۲

۵- م ۱۰۳۶

۶- ص ۲۲۲ اخير

ص: ۲۱۳

غیرهم للرمی نهاراً أما رمی الجمار یوم الحادی عشر و ما بعده فیستنیبون و لا یجزی منهم الرمی لیلًا. وفی مسئله ۴۳۳: و لو لم یتمکن من ذلک جاز الجمع فی لیلهٔ واحدهٔ. (۱)

رمی در طبقه فوقانی

الإمام الخمینی قدس سره: رمی در طبقه دوم جمرات جایز است و لازم نیست در طبقه اول رمی کند. (۲)

السید الخوئی قدس سره: إذا زید علی الجمرهٔ فی ارتفاعها ففی الإجتزاء برمی المقدار الزائد إشکال.

السید الگلپایگانی قدس سره: رمی در طبقه فوقانی خلاف احتیاط است.

السید السیستانی: الأحوط فی رمی الجمار المقدار الذی کان موجوداً منها فی عصر النبی و الائمهٔ علیهم السلام. (۳)

السید الخامنئی: الظاهر جواز الرمی من الطابق الثانی وإن کان الأحوط الرمی من المکان المتعارف علیه سابقاً. (۴)

السید الشبیری: رمی جمرات از طبقه فوقانی جایز و کافی است. (۵)

*** الشیخ البهجت: میزان صدق رمی جمره است ولو از طبقه دوم باشد و حتی اختیاراً کفایت می کند. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: المنقول منه عدم الجواز. و فی الضمیمه ص ۴۶: کفایت رمی از طبقه فوقانی محل اشکال است. مگر بتواند از بالا قسمت پائین جمره را

۱- ص ۳۱۳

۲- ص ۲۴۹.

۳- ص ۳۹۰

۴- ص ۴۱

۵- ورقه ص ۹ و مسئله ۶۸۱

۶- ص ۱۶۳

ص: ۲۱۴

رمی کند و اگر در تمام روز متمکن نیست شب قبل رمی کند.

الشیخ الصافی: رمی در مقدار اضافه بر جمره خلاف احتیاط است.

(مناسک: مگر اینکه از بالا به قسمت قبلی بزند). (۱)

الشیخ الفاضل: در طبقه دوم جمرات رمی جایز است و لازم نیست رمی در طبقه اول باشد. متن عبارت امام قدس سره (۲)

الشیخ المکارم: ظاهر این است که به هنگام ازدحام مانعی ندارد از طبقه دوم رمی کند. (۳)

الشیخ النوری: رمی در طبقه دوم جایز است. (۴)

الشیخ الوحید: إذا زید علی الجمرة فی ارتفاعها فالأحوط أن یرمی المقدار الذی کان سابقاً. (۵)

عجز از بعض رمی

س: برای رمی سه سنگ ریزه قادر است برای باقی نائب بگیرد یا برای کل رمی؟

السید السیستانی: بنابر احتیاط نائب، هفت سنگ ریزه بزند به قصد انجام وظیفه اعم از اتمام یا تمام.

السید الشبیری: برای کل نائب می گیرد. (۶)

*** الشیخ البهجت: برای باقی. (۷)

الشیخ التبریزی قدس سره: برای کل رمی نائب بگیرد. (۸)

۱- کتبی.

۲- ص ۴۱۶

۳- ص ۱۴۲

۴- ص ۳۶۹

۵- ص ۱۶۱

۶- الخاتم.

۷- مهر دفتر.

۸- کتبی.

ص: ۲۱۵

الشیخ الصافی: احتیاط آن است نائب چهار سنگ دیگر را بزند و بعد هم رمی را تماماً به نیابت انجام دهد. (۱)

الشیخ الفاضل: احتیاط آن است که آن مقدار که خود قادر است خودش انجام دهد و نائب بقیه عمل را تمام کند و سپس یک بار نائب تماماً اعاده نماید. (۲)

استنابه در رمی

س: کسانی که از رمی روز معذورند ولی می‌توانند شب رمی کنند آیا می‌توانند در روز نائب بگیرند؟

الإمام الخمینی قدس سره: معذور از رمی در روز جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد. (۳)

السید الخوئی قدس سره: فی الملحق ص ۳۳۹ س: إذا علمت الزحام هل یجوز لها الإستنابة؟ ج: یجب الصبر و تحری الخلوة وإذا ذهبت إلی الجمرة و رأت زحاماً شدیداً جازت الإستنابة ویجزی.

منه أیضاً: المریض الذی لا یرجی برؤه إلی المغرب یستنب لرمیه و لو اتفق برؤه قبل غروب الشمس رمی بنفسه علی الأحوط. (۴)

السید الگلپایگانی قدس سره: س: کسانی که از رمی روز معذورند ولی می‌توانند شب رمی کنند آیا می‌توانند در روز نائب بگیرند؟

ج: باید شب رمی کنند. (۵)

السید السیستانی: إن جواز الرمی لیلًا فیما عدا رمی جمرة العقبة لیلة العید

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- مع التلخیص محشی ص ۴۱۰.

۴- ص ۴۳۶.

۵- ص ۳۷۲ م ۹۶۲- اخیر.

ص: ۲۱۶

مختص بمن کان معذوراً عن المکث بمقدار الرمی فی منی نهاراً کالخائف وأما النساء والضعفاء والمرضی ونحوهم ممّن لا یتیسّر لهم الرمی فی النهار لکثرة الزحام فعلیهم الإستنابة فی ذلک وإن کان الأحوط الأولی الجمع بین الإستنابة و الرمی لیلًا. (۱)

السید الشبیری: بیمار و کودك و ناتوان که رمی روز و شب برای آن‌ها مشقت دارد و کسانی که رمی در شب و روز بر آنها حرجی است می‌توانند در روز نائب بگیرند. (۲)

*** الشیخ البهجت: کسی که نمی‌تواند در روز رمی کند مثل پیرمرد و ضعیف جایز است رمی را شب آن روز انجام دهد با علم به عدم تمکن از رمی در روز. (۳) و بیماری که امید بهبودی تا مغرب را ندارد نائب بگیرد و اگر خوب شد اعاده لازم نیست.

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس عبارة السید الخوئی قدس سره.

الشیخ الصافی: حاشیه ندارد.

الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: حاشیه ندارد.

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

الشیخ الوحید: وافق السید الخوئی قدس سره فی المقدار المذکور.

مؤلف: گفته شد که اگر از رمی روز عاجز است مقتضای احتیاط جمع بین استنابه و رمی در شب است.

رمی در یک شب یا دو شب

۱- الملحق ص ۱۶۲

۲- ص ۲۳۵

۳- م ۴۳۸

ص: ۲۱۷

س: اگر از رمی روزها عاجز باشد و رفتن هر شب در جمرات برای او مشـقت داشـته باشد اجازه می‌دهید که در یک شب مثل شـب یازدهم یا شب دوازدهم همه جمرات را رمی کند یا نه؟

السید السیستانی: در فرض مزبور که در روز نمی‌تواند یا حرجی است نائب بگیرد و تقدیم آن در شب قبل مجزی نیست. (۱)

السید الشبیری: اگر از رمی شب قبل عاجز شد در روز برای رمی نائب می‌گیرد و در یک شب رمی چند روز جایز نیست. (۲)

*** الشیخ البهجت: بر حسب نوشته آقای محفوظی دام عزه اگر تا شب دوازدهم انجام نداده و در روز متمکن نیست تمام رمی‌ها را به جا آورد با تقدیم قضاها بر ادا. (۳)

الشـیخ التبریزی قدس سـره: در فرض سؤال رمی روز اول را در شب قبل از آن به جا آورد و نسبت به رمی روزهای بعد که در شب هم برای او مشقت دارد برای رمی در آن روز نائب بگیرد. (۴)

و اما نوشته آقای قدیری: اگر از رمی در روز معذور است می‌تواند شب قبل یا شب بعد رمی کند.

بنابراین شب عیـد فقط می‌توانـد رمی روز عیـد را انجام دهد- و شب یازدهم می‌تواند رمی روز دهم و روز یازدهم و شب دوازدهم می‌تواند رمی یازدهم و دوازدهم را به جا آورد.

۱- مهر دفتر.

۲- الخاتم.

۳- مهر دفتر.

۴- کتبی.

ص: ۲۱۸

الشیخ الصافی: اگر رمی در شب مشقت زیاد که نوعاً قابل تحمل نیست نداشته باشد باید در هر شب رمی کند و اگر مشقت زیاد داشته باشد می‌تواند همه را در شب دوازدهم رمی کند. (۱)

لزوم ترتیب در جمرات مطلقا

الإمام الخمینی قدس سره: ترتیب در جمرات ثلاث واجب است و فرقی نیست که خلاف از روی عمد یا جهل یا سهو و نسیان باشد؟ (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: فلو خالف الترتیب أعاد الرمی من أوّله بالترتیب الأولی ثم الوسطی ثم جمرة العقبة. (۳)

السید السیستانی: وجب الرجوع إلی ما یحصل الترتیب و لو کانت المخالفة. (۴)

السید الشبیری: اگر به ترتیب به جا نیاورد باید دوباره به جا آورد و فرقی بین علم و عمد و سهو و نسیان و ندانستن نیست. (۵)

*** الشیخ البهجت: اگر خلاف ترتیب شد واجب است دوباره رمی کند هر چند خلاف از روی جهل و فراموشی باشد. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس عبارة السیستانی و الوحید. (۷)

الشیخ الصافی: اگر بر خلاف ترتیب رمی کند باید دوباره از سر بگیرد تا ترتیب به عمل آید. (۸)

الشیخ الفاضل و الشیخ المکارم و الشیخ النوری: حاشیه ندارند.

۱- کتبی.

۲- محشی ص ۴۱۰.

۳- ص ۱۹۵

۴- ص ۲۱۶

۵- محصل دو مسئله ص ۲۳۶

۶- ص ۱۵۱

۷- ص ۲۱۲

۸- رمی جمرات.

ص: ۲۱۹

الشیخ الوحید: وجب‌تحصیل الترتیب ولو کانت المخالفهٔ عن جهل أو نسیان. (۱)

مؤلف: نظرها در این فرع متحد است.

موالات در رمی جمره

السید الشبیری: در زدن چهار سنگ اول موالات مطلقا معتبر است و در سنگ پنجم و ششم بر ناسی و جاهل موالات لازم نیست و بر غیر اینها لازم است و در سنگ هفتم مطلقا موالات لازم نیست. ص ۱۷۹

استنابه در رمی برای مریض

الإمام الخمینی قدس سره: مریض یا علیل یا شخص بی حال یا بیهوش نائبش به جا آورد و بنابر احتیاط تا مأیوس از مباشرت نباشد نائب عمل نکند.

السید الخوئی قدس سره: بیماری که امید ندارد تا مغرب بهبودی حاصل کند برای رمی نائب می‌گیرد و چنانچه اتفاقاً بیش از غروب آفتاب بهبودی یافت بنابر احتیاط خودش نیز رمی کند. (۲)

منه أیضاً: اگر مریض یا معذور مأیوس باشد از رفع عذر واجب است نائب بگیرد.

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر مریض مأیوس باشد از اینکه بتواند در وقتی که گفته شد رمی نماید، دیگری به نیابت او رمی نماید و اگر خوب شد اعاده لازم نیست اگر چه احوط است. (۳)

و در مسئله ۱۶۶: تا وقتی که خودشان می‌توانند در شب رمی کنند نباید در

۱- ص ۱۸۱ م ۴۲۸

۲- مسأله ۴۴۱

۳- ص ۱۵۴

ص: ۲۲۰

روز نائب بگیرد.

السید السیستانی: أما النساء والضعفاء والمرضی ونحوهم ممن لا یتیسر لهم الرمی فی النهار لکثرة الزحام أو لغیرها فعلیهم الإستنابة فی ذلک وإن کان الأحوط الأولی الجمع بین الرمی لیلًا والإستنابة فی النهار. (۱)

*** الشیخ الوحید: من لا یتمکن من الرمی بنفسه إلی المغرب کالمریض الذی لا یرجی برؤه یستنیب لرمیه ولو اتفق برؤه قبل غروب الشمس رمی بنفسه أیضاً علی الأحوط. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: زنی که متمکن از رمی در شب هم نباشد نائب می گیرد. (۳)

الإستنابة فضولتاً و الرمی قضاءا

السید الشبیری: کسی که وظیفه او نائب گرفتن است اگر بدون گفتن او دیگری برایش رمی کند کافی است و احتیاط مستحب آن است که به آن اکتفا نکند. (۴)

رمی قضایی را یک ساعت حداقل قبل از رمی ادایی به‌جا آورد.

ملحقات قربانی

تأخیر قربانی عمدا

۱- ص ۳۸۸

۲- ص ۱۸۳

۳- ص ۶۱

۴- ص ۲۳۵ و ص ۲۳۷

ص: ۲۲۱

ص: ۲۲۲

ص: ۲۲۳

السید الگلپایگانی قدس سره: الرابع من واجبات الهدی الذبح یوم العید فلا یجوز تأخیره اختیاراً علی الأحوط وإن کان الأقوی الجواز. (۱)

السید السیستانی: الأحوط أن یکون الذبح أو النحر یوم العید وإن کان الأقوی جواز تأخیر إلی آخر ایام التشریق. (۲)

و فی الورقة الأخیرة: یجوز التقصیر یوم العید وإن أخّر الذبح.

السید الخامنئی: الأحوط عدم تأخیر الذبح عن یوم العید ولو أخره فالأحوط هو الذبح أیام التشریق. (۳)

السید الشبیری: و اگر ذبح را تأخیر انداخت باید حلق یا تقصیر را نیز تأخیر بیندازد و ترتیب ساقط نیست. (۴)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: إذا ترک الذبح یوم العید لعذر من الأعذار أو الجهل بالحکم

۱- ص ۱۸۱

۲- مسأله ۳۸۲

۳- ص ۴۳

۴- ص ۱۸۹

ص: ۲۲۴

لزمه التدارك إلى آخر أيام التشريق وإن استمر العذر جاز تأخيره إلى آخر ذي‌الحجة. (۱)

منه أيضاً: و في الصغير ص ۳۷۴ اگر متمکن از ذبح در منی باشد ولو مع التأخير حلق يا تقصير می‌کند و با آن از احرام خارج می‌شود و ذبح و ساير اعمال را تأخير می‌اندازد.

الشيخ المكارم: بهتر است روز عيد قربانی كند ولی تأخير آن تا روز سيزدهم نيز جايز است. (۲)

الشيخ الوحيد: لا يبعد جواز تأخير الذبح أو النحر إلى آخر أيام التشريق وإن كان الأحوط الأفضل يوم العيد. (۳)

وإذا تركه عالماً عامداً وطاف فالظاهر بطلان طوافه و يجب عليه أن يعيده بعد تدارك الذبح.

قربانی در مسلخ جدید

الإمام الخميني قدس سره: ذبح در مسلخ جديد مجزی است. (۴)

السيد الخوئی قدس سره: اگر تأخير قربانی ولو تا آخر ذی حجه موجب عسر و حرج نوعی باشد ذبح در خارج منی اشكال ندارد. (۵)

السيد الگلپايگانی قدس سره: چون تأخير انداختن قربانی برای روز سيزدهم و روزهای بعد حرج نوعی دارد و احياناً موجب گرفتاری و فساد می‌شود ذبح در مسلخ جديد مجزی است. و تأخير لازم نيست. (۶)

السيد السيستانی: أما مع تعذر الذبح بمنى من جهة منع الحكومة لا لضيق

۱- ۱۹۱ و ص ۲۱۹، مناسک کوچک.

۲- ص ۱۴۳.

۳- ص ۱۶۴.

۴- ص ۲۱۴.

۵- ص ۲۱۰.

۶- شفاهی.

ص: ۲۲۵

المکان بمنی فالأحوط الأولی الجمع بین الذبح بوادی محسر والصوم بدلًا عن الهدی. ملحق ص ۳۱۸: عدل عن الاحتیاط الوجوبی إلی الأحوط الأولی.

السید الخامنئی: الذبح فی المسلخ الجدید فی الوضع الحالی صحیح ومجزی. (۱)

السید الشبیری: اگر قربانی در منی ولو مع التأخیر امکان نداشته باشد یا با حرج همراه باشد یا باقی ماندن در احرام تا هنگام قربانی حرجی باشد لازم نیست در منی قربانی کند بلکه قربانی در مسلخ جدید که در وادی محسر است کافی است. (۲)

*** الشیخ البهجت: ذبح در مسلخهای جدید که خارج از منی است با فرض عذر مانعی ندارد. ص ۱۶۴ و فی العربی ص ۲۳۴ و شفاهی فرموده: ولو مع التأخیر در منی بکشند.

الشیخ التبریزی قدس سره: وفی الضمیمه ص ۴۴: باید ذبح در منی باشد «نه در وطن» و الا حج او اشکال دارد، بلکه بعید نیست باطل شود و اگر در خود منی ممکن نشود در اقرب اماکن به منی ذبح کند ... در صورت عدم امکان در منی در مذبح فعلی مجزی است و نباید آن را در جای دیگر انجام داد.

الشیخ الصافی: با فرض امکان ذبح را از روز عید تأخیر نیاندازند و در منی ذبح کنند و ترتیب رعایتش لازم نیست. (۳)

الشیخ الفاضل: ذبح در مسلخ جدید مجزی است. (۴)

الشیخ المکارم: قربانی در قربانگاه‌های موجود کافی است، هرچند از محدوده منی خارج باشند. (۵)

۱- ص ۴۱

۲- مسئله ۷۴۲ ورقه ص ۹

۳- کتبی الورقة.

۴- ص ۳۵۹

۵- ص ۱۴۸

ص: ۲۲۶

الشیخ الوحید: إن لم یمکن الذبح بمنی إلی آخر أیام التشریق و لو لأجل التقیة أو کان حرجاً علیه ذبح أو نحر فی وادی محسر وإن لم یمکن منه أیضاً فالأحوط أن یذبح بمکة ومع عدم التمکن أو الحرج یذبح فی أیّ موضع شآء من الحرم. (۱)

تثلیث قربانی

الإمام الخمینی قدس سره: احتیاط تثلیث است ولکن هیچ یک از این احتیاطها واجب نیست. (۲)

السید الخوئی قدس سره: احتیاط آن است که قربانی را سه قسمت نموده. (۳)

السید الگلپایگانی قدس سره: اقول: آن مرحوم تعبیر به وجوب دارند. (۴)

السید السیستانی: أما الثلث الآخر فالأحوط وجوباً أن یتصدق به علی فقراء المسلمین و لا یعتبر إیصاله إلی الفقیر نفسه بل یجوز الإعطاء إلی وکیله. (۵)

*** الشیخ البهجت: تثلیث قربانی احوط است و با فرض عدم امکان این تکلیف ساقط است. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: احتیاط لازم تثلیث است. (۷)

السید الشبیری مسئله ۷۶۹: خوردن و هدیه واجب نیست، بلی صدقه دادن واجب است و احتیاط واجب آن است که از ثلث قربانی کمتر نباشد.

الشیخ الصافی: در مسئله ۱۹۰: واجب است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه بدهد و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه دهد. (۸)

۱- ص ۱۶۳

۲- ص ۲۰۹

۳- مسأله ۴۰۴

۴- ص ۱۴۰

۵- ص ۲۰۳

۶- ص ۱۶۵

۷- ضمیمه ص ۴۴

۸- ص ۱۶۱.

ص: ۲۲۷

الشیخ الفاضل: تثلیث مستحب است. (۱)

الشیخ الوحید: الأقوی لزوم إعطاء ثلث الهدی للفقیر المؤمن صدقهٔ والأحوط إعطاء ثلثه للمؤمنین هدیهٔ والأحوط أن یأکل شیئاً من هدیه و لو قلیلًا و یجوز إعطاء سهم الفقیر إلی وکیله. (۲)

تأخیر قربانی

الإمام الخمینی قدس سره: در فرض مسئله قربانی او صحیح است ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکه مراعات شود. (۳)

السید الخوئی قدس سره: اگر از روی علم و عمد قربانی را ترک نموده و طواف کرده ظاهر این است که طوافش باطل است و واجب است بعد از تدارک قربانی، اعاده‌اش نماید.

*** الشیخ البهجت: ولی اگر از روی علم و عمد قربانی را ترک نموده و طواف کرد ظاهر این نیست که طوافش باطل است ... (۴) و فی فرع ۱۵۴: تأخیر الذبح عن یوم العید خلاف الاحتیاط تکلیفاً و ان کان مجزئاً وضعاً.

الشیخ الصافی: واجب دوم قربانی است در روز عید و اگر به علتی در روز عید قربانی نکرد، باید تا آخر ذیحجه قربانی کند و احوط آن است که هر چه زودتر قربانی نماید. (۵)

الشیخ الفاضل: بنابر اقوی باید قربانی بعد از رمی جمره عقبه باشد. (۶)

۱- پنج ص ۳۵۰.

۲- ص ۱۶۹.

۳- ص ۲۱۸.

۴- ص ۱۳۸.

۵- ص ۱۵۶.

۶- ص ۳۴۷ پنج در ص ۳۴۸.

ص: ۲۲۸

احتیاط واجب آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیاندازد.

منه أیضاً: فرع ۲۸۳ حول الحج: من لم یتمکن من الذبح فی منی یوم العاشر یکفیه الذبح فی المسالخ الفعلیة و لا مجال للتأخیر.

ذبح در شب

الإمام الخمینی قدس سره: تأخیر ذبح از روز عید جایز نیست علی الأحوط لکن اگر تأخیر شد عمداً یا جهلًا یا نسیاناً ذبح در شب کفایت می کند. (۱)

السید الخوئی قدس سره: قربانی در شب مجزی نیست و فرقی بین عالم و جاهل نیست. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: بر حسب ظاهر عبارات فقها، منع ذبح در شب مبنی بر احتیاط است اگر فقیهی فتوی بجواز بدهد، می‌شود این احتیاط را به او رجوع کرد. (۳)

السید السیستانی: و الأحوط عدم الذبح فی اللیل مطلقا حتی اللیالی المتوسطات بین أیام التشریق إلّاللخائف. (۴)

السید الشبیری: باید در روز انجام بگیرد. (۵)

*** الشیخ البهجت: س: اگر تا مغرب نتواند قربانی کند موقع اذان مغرب و بعد از آن جایز است یا نه؟

ج: جایز است. (۶)

۱- متفرقه هدی م ۴.

۲- کتبی.

۳- شفاهی.

۴- ص ۱۲۶.

۵- ص ۱۸۹.

۶- ص ۱۶۴.

ص: ۲۲۹

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس عبارهٔ الوحید. (۱)

الشیخ الصافی: ذبح در شب بر خلاف احتیاط است. (۲)

الشیخ الفاضل: ذبح در شب کفایت نمی کند. (۳)

الشیخ المکارم: ذبح در شب کفایت می کند. (۴)

الشیخ النوری: در مناسک محشی حاشیه ندارد. (۵)

الشیخ الوحید: لا یجزی الذبح فی اللیل وإن کان جاهلًا. (۶)

مؤلف: مقتضای احتیاط ذبح در روز است، هر چند روز بعد از عید باشد.

مجوز ذبح در شب: الشیخ البهجت، الشیخ المکارم.

تأخیر قربانی از روز عید و جواز حلق

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر ذبح در منی در ایام تشریق ممکن باشد تأخیر بیاندازد ولی حلق را روز عید انجام دهد. (۷)

السید الخوئی قدس سره: اگر با تأخیر ممکن باشد، ذبح در منی و لو تا آخر ذیحجه حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبح را با سایر اعمال تأخیر بیاندازد. (۸)

السید السیستانی: یجوز له تقدیم التقصیر أو الحلق علی الذبح و لکن بشرط تحصیل الهدی بمنی قبله علی الأحوط لزوماً. (۹)

السید الشبیری: اگر ذبح را تأخیر انداخت باید حلق و تقصیر را هم بتأخیر اندازد و ترتیب ساقط نیست. (۱۰)

*** الشیخ البهجت: به هر تقدیر ترتیب لازم است تکلیفاً. جدید ص ۲۸، وضعاً

۱- ص ۱۹۱.

۲- کتبی.

۳- ص ۳۵۸.

۴- ص ۳۱۹.

۵- ص ۳۵۵.

۶- ص ۱۶۳.

۷- مسائل السبعین.

۸- کتبی.

۹- الملحق ص ۱۴۰.

۱۰- ص ۱۸۹.

ص: ۲۳۰

لازم نیست. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر متمکن از تأخیر و ذبح در منی باشد اگر چه تا آخر ذیحجه باشد حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبح را تأخیر بیاندازد و همچنین طواف را. (۲)

الشیخ الفاضل: تأخیر حلق جایز نیست. (۳)

الشیخ المکارم قدس سره: تأخیر ذبح تا روز سیزدهم جایز است. (۴) و رعایت ترتیب در اینجا لازم نیست. (۵)

الشیخ النوری: تأخیر حلق از روز عید جایز نیست. (۶)

الشیخ الوحید: لا یبعد جواز تأخیر الذبح أو النحر إلی آخر أیام التشریق وإن کان الأحوط الأفضل یوم العید. (۷) و در روز عید تقصیر کند. (۸)

مجوز حلق: السید الخوئی، السید الگلپایگانی، الشیخ التبریزی، الشیخ الصافی، الشیخ الفاضل، الشیخ النوری، الشیخ المکارم.

جواز الذبح فی مطلق الحرم إذا منع الذبح فی منی

السید الخوئی فی المعتمد: و شرح عبارة العروة- یجب أن یکون الذبح أو النحر بمنی.

إن یتمکن من الذبح فی منی و لو إلی آخر ذی‌الحجة فمقتضی القاعدة هو الذبح یوم العید فی غیر منی و یسقط اشتراط وقوع الذبح بمنی.

***

۱- شفاهی.

۲- ص ۲۱۹ اخیر.

۳- محشی ص ۳۶۵.

۴- محشی ص ۳۶۸.

۵- محشی ص ۳۷۶.

۶- محشی ص ۳۶۲.

۷- ص ۱۶۳.

۸- شفاهی.

ص: ۲۳۱

الشيخ الفاضل: لا بأس بالذبح فی المجازر المعينة الفعلية. (۱)

و فی ص ۱۲۷: قد ذکرنا فی المناسک فی مثل المورد، يکفيه الذبح فی المسالخ الفعلية و لا مجال للتأخير.

الشيخ الوحيد: إن لم يمکن الذبح بمنی إلی آخر أيام التشريق نحر أو ذبح فی وادی محسر وإن لم يتمکن منه ايضاً فالأحوط أن يذبح بمکة ومع عدم التمکن يذبح فی أیموضع شاء من الحرم. (۲)

الشاة التى لا قرن لها

السيد السيستانی: و احوط و اولی اين است که در اصل خلقتش بی شاخ و دم نباشد. (۳)

السيد الشبيری: و لا بأس بذبح فاقد القرن خلقة کما لا بأس بذبح مکسور القرن الخارجی و مقطوعه. (۴)

*** الشيخ البهجت: تجزی إذا کانت کذلک فی أصل خلقتها. (۵)

الشيخ التبريزی قدس سره: احوط و اولی اين است که قربانی در اصل خلقت هم بی شاخ و دم نباشد. (۶)

الشيخ الفاضل: کفايت نمی‌کند حتی اگر اين نواقص در اصل خلقت همراه او باشد. (۷)

الشيخ الوحيد: احوط و اولی آن است که بر حسب اصل خلقتش بی شاخ و دم نباشد و معتبر است که شاخ داخلی او شکسته نباشد.

مصرف الکفارة

۱- حول الحج ص ۱۳۳

۲- ص ۱۶۳

۳- فرع ۳۸۵ ص ۲۸۶

۴- ص ۷۰۵

۵- فرع ۱۶۰ ص ۲۳۷

۶- ع ۳۳۸

۷- ع ۸۹۴

ص: ۲۳۲

السید الگلپایگانی قدس سره: مصرف کفاره فقیر غیر سید است و اگر دهنده کفاره سید باشد جایز است که کفاره خود را به سید فقیر بدهد و بنابر احتیاط واجب باید فقیر مؤمن باشد. (۱)

السید السیستانی: یجب أن یتصدق بها علی الفقراء و المساکین. (۲)

السید الخامنئی: مصرف الکفارات هو الفقراء ومحل ذبح کفارهٔ الصید فی العمرهٔ مکهٔ و فی الحج منی و الأحوط أن یعمل علی هذا النحو فی الکفارات الأخری أیضاً. (۳)

السید الشبیری: باید تمام اجزاء حیوان کفاره را به فقیر صدقه بدهد. (۴)

وکیل با پول مشترک ده قربانی می‌خرد با تعیین وقت ذبح

الإمام الخمینی قدس سره: اگر صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد. (۵)

السید الخوئی قدس سره: لا بد من التعیین لکل واحد منهم وقت اشتراء أو الذبح و لو بنحو الإجمال کعنوان الموکل الأول والثانی وهکذا. طبع ۱۱ ص ۲۹۵

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر صاحبان پول راضی باشند و ذابح وکالت از افراد داشته باشد اشکال ندارد. (۶)

السید السیستانی: لا بد حین الذبح من التعیین لکل واحد. (۷)

السید الشبیری: اگر صاحبان پول راضی باشند اشکالی ندارد. (۸)

***

۱- مجمع در ص ۵۱۱

۲- ص ۱۴۳

۳- ص ۴۲

۴- ص ۹۲

۵- متفرقات منی م ۶

۶- ص ۳۳۱ اخیر

۷- الملحق ص ۱۳۵

۸- ص ۱۹۰ م ۷۵۲

ص: ۲۳۳

الشیخ الفاضل: بهتر است که وکالت بگیرد، در مقابل وجه مورد توافق یک گوسفند به نیابت او قربانی کند و مجاز باشد که برای ذبح هم نائب بگیرد. (۱)

الشیخ المکارم: بر فرع امام حاشیه ندارد. (۲)

الشیخ النوری: حاشیه ندارد. (۳)

مؤلف: مقتضی الاحتیاط التعیین عند الذبح.

قطع سر قربانی در حال حیات

الإمام الخمینی: کار حرامی است لکن ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می‌کند. (۴)

السید الخوئی قدس سره: بنابر احتیاط لازم ذبیحه حلال نیست. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: بعد از فری اوداج اربعهٔ اگر گردن قربانی و یا رگ نخاع را در حالی که هنوز زنده است قطع نماید چه حکمی دارد؟

ج: کار حرامی است لکن ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می‌کند. (۶)

السید الشبیری: اگر هنوز زنده است گردن قربانی را قطع نکند، بنابر احتیاط و اگر قطع کرد با ذبیحه معامله حلیت نکند و در قربانی هم به آن اکتفا نکند. (۷)

*** الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: این کار حرام نیست ولی بهتر است این کار را نکنند. (۸)

۱- محشی ص ۳۵۸

۲- محشی ص ۳۶۸

۳- ص ۳۵۵ محشی.

۴- متفرقه هدی م ۳۳ محشی ص ۳۶۵

۵- منهاج م ۱۶۵۸

۶- ص ۳۲۹

۷- ص ۲۰۴ م ۸۱۰

۸- محشی ص ۳۷۶

ص: ۲۳۴

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

مؤلف: مقتضای احتیاط عدم اکتفا به این ذبیحه است.

ذبح با استیل

السید الخوئی قدس سره: یجوز الذبح بسکین الإستیل أنه معدود من الحدید و لا مانع من الذبح به. (۱)

السید السیستانی: جواز الذبح بها لا یخلو عن شائبة إشکال، والإحتیاط فی محله. (۲)

السید الخامنئی: الإستیل أیالفولاد المطلی بمادة مضادة للصداء من الحدید ولا یضر طلیه بمادة المضادة، لجواز الذبح به. (۳)

السید الشبیری: ذبح با چاقوی استیل اشکال ندارد، هر چند آهن نباشد و احتیاط مستحب در ترک است. (۴)

*** الشیخ البهجت: اگر برنده باشد و تا آخر هم به استحکام و دوام باقی باشد مانع ندارد. (۵)

الشیخ التبریزی قدس سره: بنابر احتیاط استحبابی ترک شود. (۶)

الشیخ الصافی: اگر کسی یقین کند که استیل حدید است برای او اشکال ندارد. (۷)

الشیخ الفاضل: اشکال ندارد. (۸)

۱- الصراط ج ۱ ص ۳۹۲.

۲- الملحق، ص ۱۲۶.

۳- ص ۴۳.

۴- ص ۲۰۳.

۵- شفاهی.

۶- ضمیمه ص ۴۲.

۷- کتبی.

۸- محشی ص ۳۶۲.

ص: ۲۳۵

الشیخ المکارم: با هر فلز برنده‌ای صحیح است. (۱)

الشیخ الوحید: به‌نظر مرحوم آقای خویی قدس سره عمل شود.

مؤلف: مقتضی الإحتیاط أن یکون السکین من الحدید.

الهدی التام و الهدی الناقص

الإمام الخمینی قدس سره: اگر غیر از خصی یافت نشود بعید نیست کفایت ذبح خصی گر چه احتیاط در جمع بین آن و سالم است در ذی الحجه همان سال، یا سال بعد یا جمع بین ناقص و روزه (واجبات منی م ۱.)

السید الخوئی قدس سره: و یعتبر فی الهدی أن یکون تام الأعضاء م ۳۸۴- و قال: إن لم یتمکن من الواجد للشرایط أجزاه الفاقد و ما تیسر له من الهدی م- ۳۸۶- و قبله ما ذکرناه من شروط الهدی إنما هو فی فرض التمکن منه.

السید السیستانی: إذا لم یجد شیئاً من الأنعام الثلاثة واجداً للشرایط فی أیام التشریق فالأحوط الجمع بین الفاقد لها و بین الصوم بدلًا عن الهدی. (۲)

السید الشبیری: شرایط صحت قربانی- مُسن، و صحیح باشد معیوب و ناقص نباشد، لاغر نباشد، در صورت امکان خصی نباشد.

*** الشیخ البهجت: اگر نتواند با شرایط تهیه کند هر چه ممکن باشد همان کافی است ولی احتیاط آن است که روزه هم بگیرد. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس عبارهٔ السید الخوئی قدس سره. (۴)

۱- محشی ص ۳۷۲.

۲- م ۳۸۶.

۳- ص ۱۳۹.

۴- ص ۱۹۴ م ۳۸۶.

ص: ۲۳۶

الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: بعید نیست کفایت خصی در فرض و احتیاط در متن واجب نیست. (۱)

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

الشیخ الوحید: إن لم یتمکن من الواجد للشرایط فی أیام التشریق فالأحوط أن یجمع بین الفاقد و البدل إلا إذا کان الفاقد خصیاً فإنّه یجزی مع عدم التمکن من غیره. (۲)

مؤلف: اگر بداند که در طول ذیحجه هدی کامل یافت می‌شود احتیاط آن است که ثمن را نزد امینی بگذارد تا به وظیفه عمل کند. و اگر عالم به این موضوع نباشد مقتضای احتیاط جمع بین ناقص و روزه است و احوط از آن قربانی سالم است در سال بعد.

قربانی در وطن کافی نیست

السید الگلپایگانی قدس سره: قربانی در مکه یا وطن مجزی نیست. (۳)

منه أیضاً: از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است. (۴)

السید السیستانی: إذا اعتقد عدم وجوب الذبح لکونه إسرافاً فإن لم یذبح حتی مضت أیام التشریق بطل حجه علی الأحوط.

السید الشبیری: ذبح در مکه یا وطن جایز نیست. (۵)

*** الشیخ البهجت: لا یکون الذبح إلّافی منی و لا یجزی فی غیرها. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: لابد فی الهدی من ذبحه فی منی ولو مع التأخیر إلی آخر

۱- ص ۳۵۶

۲- ص ۱۶۵

۳- ص ۳۲۲ اخیر.

۴- ص ۳۳۱ م ۸۴۴ اخیر.

۵- ص ۱۸۹ م ۷۴۵

۶- ص ۲۳۷

ص: ۲۳۷

ذی‌الحجة ومع عدم التمکن أو الحرج فی التأخیر فیذبح فی أقرب مکان إلی منی والعالم بالحکم إن ترک الذبح علی النحو المذکور عن عمد فحجه باطل وإن ذبح فی بلده بالتوکیل. (۱)

الشیخ الصافی: حاشیه ندارد.

الشیخ النوری: اگر جاهل بوده و فکر می‌کرده که عملش صحیح است از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است. (۲)

الشیخ الوحید: ذبح هدی در وطن جایز نیست. «لَنْ یَنالَ اللَّهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لکِنْ یَنالُهُ التَّقْوی مِنْکُمْ». (۳)

ملحقات حلق

حلق در شب

۱- الصراط ص ۵۱۱

۲- مناسک معظم له ص ۳۲۳

۳- شفاهی.

ص: ۲۳۸

ص: ۲۳۹

ص: ۲۴۰

ص:۲۴۱

الإمام الخمینی قدس سره: در هر صورت اگر شب حلق کرد صحیح است و کفایت می کند. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: س: رمی الحاج و ذبح الهدی فغربت علیه الشمس فهل یجوز أن یحلق بعد المغرب لیلهٔ الحادی عشر.

ج: لا یبعد إجزاء الحلق فی اللیل فی الفرض المذکور. (۲)

أیضاً سؤال آخر: ما حکم من نسی الرمی أو الذبح أو الحلق یوم العید ورمی أو ذبح أو حلق أو قصر لیلهٔ الحادی عشر نسیاناً أو جهلًا أو عمداً؟

فأجاب قدس سره: إن کان المنسی هو الحلق وقد حلق فی لیلهٔ الحادی عشر فالإجزاء هنا لا یخلو من قوهٔ. (۳)

السید السیستانی: إذا حلق الحاج أو قصر لیلهٔ الحادی عشر لا یبعد الاجتزاء به. (۴) و فی الملحق الثانی: نعم یجزی.

۱- کتبی.

۲- مسئله ۲۷۲ المسائل حول الحج ص ۷۷.

۳- ص ۷۷.

۴- ملحق س ۳۴۷.

ص: ۲۴۲

السید الشبیری: تأخیر حلق و تقصیر از روز عید تا آخر ذی حجه جایز است و انجام آن در شب نیز صحیح است و کفایت می کند. (۱)

*** الشیخ البهجت: احتیاط این است که در روز انجام شود. (۲) و فی المحشی: اگر خلاف ترتیب عمل کرد ولو عمداً مشهور عدم وجوب اعاده است (اظهر عدم وجوب اعاده است). هر چند ماتن فرموده در دلیل آن تأمل است. (۳)

رجع عن الاحتیاط (المحفوظی).

الشیخ النوری: حلق در شب هم صحیح است و کفایت می کند. (۴)

أقول: اضربنا عن ذکر الرمی و الذبح المنسیین لعدم الحاجة.

الأحوط للصرورة الحلق

الإمام الخمینی قدس سره: احتیاط واجب حلق است.

السید الگلپایگانی قدس سره: حلق بر او متعین است به احتیاط واجب. (۵)

السید السیستانی: الأحوط وجوباً للصرورة اختیار الحلق. (۶)

السید الشبیری: اگر حجة الإسلام انجام می‌دهد لازم است سر بتراشد هر چند سال اول حج او نباشد و اگر حجة الاسلام انجام نمی‌دهد و سال اول حج او است بنابر احتیاط مستحب سر را بتراشد. (۷)

*** الشیخ الصافی: برای کسی که حج اول او است احتیاط واجب برای او تراشیدن موی تمام سر است. (۸)

حلق قبل از قربانی

۱- ص ۲۰۸

۲- ص ۱۲۳

۳- ص ۷۸

۴- ص ۳۳۲

۵- اخیر ص ۳۳۳

۶- ملحق ص ۱۴۵

۷- ورقه ص ۷

۸- مسئله ۱۹۵ کتبی.

ص: ۲۴۳

س: قربانی در روز عید قربان بعلل و عذرهای مختلف انجام نمی‌گیرد و به روز یازدهم یا سیزدهم تأخیر می‌افتد آیا همان روز عید بعد از رمی جمره عقبه تقصیر کند تا از احرام خارج شود یا نه؟

السید الخامنئی: فإن أخلّ بالترتیب عمداً کان عاصیاً و لکن لا یجب علیه إعادة الأعمال مترتبة علی الظاهر. (۱)

السید السیستانی: تقدیم تقصیر بر تحصیل قربانی در مکانی که قربانی صحیح است، بنابر احتیاط واجب جایز نیست و به هر حال تا ذبح نکند از احرام خارج نمی‌شود. (۲)

السید الشبیری: باید خروج از احرام را به بعد تأخیر اندازد. (۳)

*** الشیخ البهجت: مانع ندارد. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: بلی، در فرض سؤال در همان روز عید حلق نماید یا تقصیر می‌کند و از احرام خارج می‌شود و قربانی را روز بعد انجام می‌دهد. (۵)

الشیخ الصافی: در صورتی که معذور از قربانی در روز دهم باشد خروج از احرام اشکال ندارد. (۶)

الشیخ الفاضل: تأخیر حلق جایز نیست. (۷)

الشیخ المکارم: رعایت ترتیب لازم نیست. (۸) الشیخ النوری: تأخیر حلق از روز عید جایز نیست. (۹)

محل حلق و تقصیر منی است

۱- ص ۱۵۰.

۲- مهر دفتر.

۳- الخاتم.

۴- مهر دفتر.

۵- کتبی.

۶- کتبی.

۷- محشی ص ۳۶۵.

۸- محشی ص ۳۷۶.

۹- محشی ص ۳۶۲.

ص: ۲۴۴

الإمام الخمینی قدس سره: محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است و جایز نیست اختیاراً در غیر منی. (۱)

و اگر عمداً یا جهلا یا نسیاناً حلق و تقصیر نکرد و از منی خارج شد باید برگردد برای انجام این وظیفه و اگر برگشت ممکن نباشد هر جا هست سر بتراشد و موی خود را به منی بفرستد در صورت امکان.

السید الخوئی قدس سره: إن کان عالماً و قصر فی غیر منی تجب علیه الکفارهٔ وإن کان جاهلًا لم تلزمه الکفارهٔ وعلی أیحال یجب علیه إعادهٔ التقصیر فی وقته بمنی. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: کسی که در غیر منی حلق نموده و اعمال مترتبه را هم به جا آورده، اگر جهلًا یا نسیاناً در غیر منی تقصیر کرده صحت آن بعید نیست گر چه احتیاط، حلق در منی و اعاده اعمال مترتبه است. (۳)

السید السیستانی: ومن حلق رأسه فی غیر منی و لو متعمداً یجتزئ به ولکن یجب علیه أن یبعث بشعر رأسه إلیها مع الإمکان.

السید الشبیری: بنابر احتیاط لازم باید حلق و تقصیر در منی انجام شود. (۴) اگر حلق یا تقصیر در منی نبوده بنابر احتیاط باید اعاده شود و اگر وظیفه حلق بوده و سر را در خارج منی تراشیده بنابر احتیاط تیغ را بر سر بکشند و اگر در خارج منی حلق کرده و اعمال بعدی را به جا آورده بنابر احتیاط از احرام خارج نشده و باید اعمال بعدی را اعاده کند. (۵)

۱- واجبات منی م ۱۱.

۲- فرع مناسک ص ۲۹۷.

۳- ص ۳۴۳ اخیر و ۳۴۲ فرع دیگر.

۴- ص ۲۰۷.

۵- ص ۲۱۱.

ص: ۲۴۵

*** الشیخ البهجت: محل حلق یا تقصیر در منی است و در غیر منی کفایت نمی‌کند. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: مگر اینکه از جهت جهل به مسأله و غفلت، در غیر منی حلق کرده باشد که در این صورت اجزاء بعید نیست، هر چند احتیاط آن است که در صورت امکان به منی برگردد و حلق کند. (۲)

الشیخ الصافی: همان.

الشیخ الفاضل: لو علم به بعد العود إلی بلده حلق و بعث بشعره ولا یحتاج إلی إعادة الطواف. (حول الحج)

الشیخ المکارم: اگر کسی در غیر منی حلق یا تقصیر نماید در صورت جهل یا نسیان عمل صحیح است و اگر می‌تواند، به منی برگردد و سرخود را بتراشد و یا کوتاه کند.

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

حلق باید در روز باشد

السید الخوئی قدس سره: حلق در شب مجزی نیست. (۳)

السید الخامنئی: الأحوط عدم تأخیر الحلق اختیاراً و فی صورة النسیان یجوز له الاتیان به بعد یوم العید. (۴)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: بنابر احتیاط باید حلق در روز باشد. ضمیمه ص ۳۷ و همچنین تقصیر. (۵)

۱- ص ۱۶۴.

۲- مناسک محشی، م ۱۱۵۰.

۳- کتبی.

۴- ص ۳۹.

۵- ضمیمه ص ۴۳.

ص: ۲۴۶

منه أیضاً: اذا تعذر علی الحاج الذبح یوم العید یجوز له الحلق أو التقصیر ولکن لا یخرج عن الإحرام إلّابعد الذبح علی الأحوط. (۱)

و فی ص ۱۹۱ فإن تمکن من التأخیر و الذبح فی منی حلق أو قصر وأحل بذلک.

الشیخ الصافی: متعرض مسئله نشده در مناسک.

الشیخ الوحید: متعرض حلق در شب نشده. (۲)

الشیخ الفاضل: س: لو لم یذبح یوم العاشر و لا یسع الوقت للذبح؟ ج: یحلق أو یقصر یوم العید و لا یؤخر. (۳)

الشیخ المکارم: در مناسک خود متعرض حلق در شب نشده.

تقصیر به جای حلق

الإمام الخمینی قدس سره: اگر جاهل به مسئله بوده کفاره ندارد و در فرض علم احوط است و در فرض مسئله بنابر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند. (۴)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر جاهل به مسئله بوده کفاره ندارد و در فرض علم پرداخت کفاره احوط است. و در فرض مسئله بنابر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند. (۵)

السید السیستانی: س: الحاج الذی یتعین علیه الحلق حسب فتوی مقلّده إذا قصر عالماً بالحکم أو جاهلًا به فما تکلیفه؟

ج: إذا کان تقصیره عن عمد فهو آثم بذلک ولا یتحلل عن احرامه بذلک

۱- ص ۱۴۶

۲- ص ۱۷۱

۳- الحول ص ۱۳۷ ملخصاً.

۴- متفرقه ۱۱.

۵- ص ۳۳۸.

ص: ۲۴۷

التقصیر عالماً کان أو جاهلًا و علیه الحلق فی منی. (۱)

السید الشبیری: در موردی که حاجی باید حلق کند اگر تقصیر کند از احرام بیرون نیامده و باید حلق کند و اگر جاهل به مسئله بوده کفاره ندارد.

*** الشیخ البهجت: حلق را واجب نمی‌داند.

الشیخ التبریزی قدس سره: حلق را واجب نمی‌دانیم بلکه او را هم مخیر بین حلق و تقصیر می‌دانیم. شفاهی و کتبی

الشیخ الصافی: حاشیه ندارد.

الشیخ الفاضل: بر فرع مذکور حاشیه ندارد. (۲)

الشیخ المکارم: سر تراشیدن واجب نیست. (۳)

مؤلف: مقتضای احتیاط حلق در منی است و اگر عامد در تقصیر بوده کفاره هم باید بدهد.

الحلق أفضل للصرورة

السید الخوئی قدس سره: من کان صرورة فالأحوط له أیضاً إختیار الحلق وإن کان تخییره بین الحلق و التقصیر لا یخلو من قوة.

*** الشیخ البهجت: برای صروره احتیاط مستحب سر تراشیدن است و تخییر بین حلق و تقصیر خالی از قوت نیست. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس عبارة الخویی قدس سره. (۵)

۱– الفرع، الملحق الثانی، ص ۱۸۰ و ص ۱۸۱.

۲– محشی ص ۳۷۷.

۳– محشی ص ۳۹۱.

۴– م ۴۰۹.

۵– ص ۲۰۰ و ص ۳۶۵ مناسک صغیر.

ص: ۲۴۸

الشيخ الفاضل: احتياط مستحب براى او سر تراشيدن است. (۱)

الشيخ المكارم: صروره نيز مخير است و سر تراشيدن متعين نيست. (۲)

الشيخ النورى: مخير است بين تراشيدن يا كوتاه كردن مو و يا چيدن ناخن. (۳)

الشيخ الوحيد: نفس عبارة الخويي قدس سره. (۴)

جواز حلق و تقصير در شب

الإمام الخمينى قدس سره: حلق در شب هم صحيح است و كفايت مى كند. (۵)

السيد السيستانى: س: إذا حلق الحاج أو قصر ليلة الحادى عشر فهل يجزيه ذلك؟ ج: لا يبعد الإجتزاء به الملحق ص ۱۴۵ و فى الملحق الثانى ص ۱۸۲:

يجزى الحلق والتقصير ليلة الحادى عشر أو الليالى اللاحقة.

السيد الشبيرى: تأخير حلق و تقصير از روز عيد تا آخر ذى حجه جايز است و انجام آن در شب نيز صحيح است و كفايت مى كند. (۶)

*** الشيخ البهجت: س: آيا حلق و تقصير در شب مجزى است؟ ج: مجزى است. (۷) الشيخ النورى: حاشيه ندارد و بر حسب ظاهر با نظر امام موافق است. (۸)

خلاف احتياط

السيد الخوئى قدس سره: حلق در شب كافى نيست و فرقى بين عالم و جاهل نيست.

۱- محشى ص ۳۶۹.

۲- محشى ص ۳۸۰.

۳- محشى ص ۳۶۵.

۴- ص ۱۷۸.

۵- متفرقه حلق م ۲.

۶- ص ۲۰۸.

۷- طبع دوم ص ۱۸۹.

۸- ص ۳۷۰ محشى.

ص: ۲۴۹

كتبى و فى الصراط ج ۳ ص ۱۸۹: الأحوط الاستحبابى إيقاعه فى يوم الحادى عشر إذا لم يقصّر فى نهار يوم العيد ولكن الأقوى جوازه فى ليلته (أى الحادى عشر) الحلق أو التقصير.

السيد الگلپايگانى قدس سره: حلق در شب خلاف احتياط است. (۱)

*** الشيخ التبريزى قدس سره: بنابر احتياط بايد حلق در روز واقع شود. (۲)

الشيخ الصافى: حاشيه ندارد.

الشيخ المكارم: احتياط در ترک است. (۳)

مؤلف: مقتضاى احتياط حلق و تقصير در روز است.

ان علم الإدماء مع الحلق

الإمام الخمينى قدس سره: بايد سر بتراشد على الأحوط. (۴)

و وافقه الفاضل اللنكرانى: حاشيه ندارد.

السيد الخوئى قدس سره: اذا علم أنه يجرح رأسه فعليه أن يقصر أولًا ثم يحلق. (۵)

السيد الگلپايگانى قدس سره: اگر حلاق ماهر پيدا نشد تقصير نمايد و بعد در ماه ذى حجه هر وقت متمكن شد حلق نمايد. (۶)

السيد السيستانى: يحلق بالماكينة الناعمة أو يقصر أولًا ثم يحلق بالموسى إن شاء إذا كان مخيراً بين الحلق و التقصير ولو خالف أجزأ وإن كان آثماً. ص ۲۰۵ وفى الملحق الثانى ص ۱۸۳: س: إذا جرح رأس الحاج أثناء حلقه فسال دمه فما حكمه؟ ج: لا شىء عليه.

السيد الشبيرى: و چنانچه تراشيدن سر مستلزم خون آمدن از سر باشد اين

۱- ص ۳۴۲ اخير.

۲- صغير ص ۳۶۵

۳- محشى ص ۳۸۵

۴- متفرقه حلق م ۲۰

۵- م ۴۰۵

۶- مجمع ج ۱ ص ۴۹۰

ص: ۲۵۰

مقدار خون بیرون آوردن نیز جایز می گردد. (۱)

*** الشیخ البهجت: بایستی اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را چیده سپس سر بتراشد. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: فعلیه أن یقصر أولًا ثم یحلق. (۳)

و در طبع صغیر م ۱۴۱۰ اگر خون به مقدار متعارف باشد می‌تواند سر بتراشد و فی الصراط ج ۲ ص ۵۱۰: لیس له أن یقصر قبل الحلق بل علیه الحلق ومن وجب علیه اختیار الحلق لو قصر قبل الحلق لو قصر قبل الحلق علیه الکفارة علی الأحوط.

الشیخ المکارم: سر تراشیدن واجب نیست ولی احوط است. (۴)

الشیخ النوری: متعرض فرع نشده است.

الشیخ الوحید: و من تعین علیه الحلق و لم یتمکن إلا من الحلق المستلزم للإدماء فلا شیء علیه. (۵)

مؤلف: با فرض آنکه حلق بر شخص متعین باشد مقتضای احتیاط حلق است با کفاره در صورت علم به إدماء و احوط از آن ضم تقصیر است به حلق.

کسی که از حلق معذور است

الإمام الخمینی قدس سره: بعید نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کند. (۶)

السید الگلپایگانی قدس سره: نفس عبارة الإمام قدس سره، بعید نیست لزوم و کفایت تقصیر

۱- ص ۲۱۷

۲- ص ۱۴۳ م ۴۱۱

۳- ص ۲۰۱ م ۴۰۵

۴- محشی ص ۳۹۱

۵- ص ۱۷۱ م ۴۰۲

۶- متفرقه م ۲۳

ص: ۲۵۱

در این مورد ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کند. (۱)

السید السیستانی: الأقرب إجزاء التقصیر عن الحلق إذا کان الحلق علیه حرجیاً. (۲)

السید الشبیری: اگر حلق‌برای او حرجی است تقصیر برای او کفایت می کند. (۳) کسی که بیماری پوستی دارد و حلق برای او خطر دارد می‌تواند تقصیر کند. (۴)

*** الشیخ البهجت: متعرض فرع نشده نظر به اینکه حلق را واجب نمی‌داند بلکه فرموده مطابق با احتیاط استحبابی است.

الشیخ التبریزی قدس سره: س: من یتعسر علیه الحلق من جهة بعض الأمور السیاسیة والإجتماعیة هل یجب علیه الحلق إذا کان صرورة؟

ج: نعم یجب إلّااذا کان فی الحلق حرجاً و مشقة فیجوز له التقصیر حینئذ. (۵)

الشیخ الفاضل: رعایت این احتیاط (رجوع به غیر) در کلام حضرت امام قدس سره لازم نیست. (۶)

الشیخ المکارم: حلق واجب نیست. (۷)

مؤلف: در این فرع نظرها متقارب است.

حلق با تیغ

السید الگلپایگانی قدس سره: بنابر احتیاط واجب در حلق باید از تیغ استفاده کرد نه ماشین ته زن و یا نوره و امثال آن. (۸)

۱- مسائل متفرقه م ۸۵۹

۲- الملحق الاول ص ۱۴۷ محصل السؤال و الجواب.

۳- ص ۲۱۴، م ۸۵۵

۴- ص ۲۱۵، م ۸۵۸

۵- ضح ص ۱۴۸

۶- محشی ص ۳۸۰

۷- ص ۳۹۱

۸- ص ۳۳۳

ص: ۲۵۲

السید السیستانی: یجوز مع الماکینة وإن کان الأحوط الأولی اختیاراً الحلق بالموسی. (۱)

السید الشبیری: تراشیدن سر با هر وسیله‌ای باشد کافی است و ظاهراً ماشینی که مثل تیغ مو را از بیخ می‌زند کافی است ولی کندن و سوزاندن و داروی نظافت کفایت نمی‌کند. (۲)

*** الشیخ البهجت: اگر ماشین مثل تیغ باشد کافی است و همچنین دواء که مو را ازاله کند. (۳)

مؤلف: مقتضای احتیاط حلق با تیغ است.

مسائل متفرقه

جواز بقا بر تقلید میت

۱- الملحق ص ۱۴۶.

۲- ص ۲۸۰.

۳- شفاهی.

ص: ۲۵۳

ص: ۲۵۴

ص: ۲۵۵

السید الخامنئی: بقاء جایز است هر چند میت اعلم باشد.

السید السیستانی: حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است. (۱)

السید الشبیری: جایز است بقا در جمیع مسائل، مگر اینکه متوفی اعلم باشد که بقا واجب است. (۲)

*** الشیخ البهجت: بقاء در مسائلی که در آنها تقلید کرد جایز است و اگر متوفی اعلم باشد بقا واجب است. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است در صورتی که فتوای او در نظر مقلد باشد و فراموش نکرده باشد. (۴)

الشیخ الصافی: اگر عمل کرده یا آنرا یاد گرفته و ملتزم به عمل شده بقاء

۱- توضیح المسائل.

۲- شفاهی.

۳- توضیح المسائل.

۴- توضیح المسائل.

ص: ۲۵۶

جایز است و اگر اعلم باشد واجب و بعید نیست جواز بقاء در سایر مسائل. (۱)

الشیخ الفاضل: بقاء جایز است و در صورت اعلمیت بقاء لازم است و فرقی بین مسائل عمل شده و عمل نشده نیست. (۲)

الشیخ المکارم: بقاء جایز است بلکه اگر اعلم باشد واجب است به شرط آنکه عمل کرده و یا برای عمل یاد گرفته باشد. (۳)

الشیخ النوری: بعد از فوت مقلد خود باید از مجتهد حی تقلید کند و کسی که به بعض مسائل مجتهدی عمل کرده و مجتهد فوت نموده می‌تواند در تمام مسائل از او تقلید کند.

منه أیضاً: در صورتی که مقداری به فتوای مجتهد متوفی عمل کرده باشد می‌تواند در تمام مسائل باقی باشد مگر آنکه حی اعلم باشد. م ۹

الشیخ الوحید: جایز است بقا حتی در مسائلی که عمل نکرده. (۴)

تغسیل عامه برای شیعه

س: تغسیل و تکفین عامه کافی است یا نه؟

السید السیستانی: اگر تغسیل میت شیعه باشد کافی نیست. (۵)

السید الشبیری: تکفین عامه کافی است و تغسیل آنها بنابر مشهور کافی نیست و اگر بر طبق نظریه شیعه امامیه نباشد به طور مسلم جایز نیست.

الخاتم ۱۴ ع ۲/ ۱۴۲

***

۱- توضیح المسائل.

۲- توضیح المسائل.

۳- توضیح المسائل.

۴- شفاهی.

۵- مهر دفتر.

ص: ۲۵۷

الشیخ البهجت: کافی نیست بنابر اعتبار ولایت در صحت عبادت پس حتی الإمکان احتیاط مراعات شود. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: در صورت وجود شیعه دوازده امامی تغسیل و تکفین میت شیعه توسط غیر شیعه محل اشکال است. (۲)

الشیخ الصافی: در حال اختیار کافی نیست. (۳)

الشیخ الفاضل: تجهیز میت شیعه آنچه عبادی است مانند غسل و نماز باید توسط شیعه دوازده امامی باشد و از غیر ۱۲ امامی کافی نیست و آنچه توصلی است مثل کفن و حنوط و دفن توسط عامه کافی است. (۴)

ماسک در حال ضرورت

الشیخ البهجت: احتیاط در ترک است ولی کفاره ندارد و برای مرد که اشکالی ندارد.

الشیخ الفاضل: استفاده از ماسک برای زن و مرد در حال ضرورت اشکال ندارد و کفاره هم ندارد، هر چند دوخته باشد. (۵)

الصلاهٔ منفرداً فی المسجد أفضل

عن الکافی: عن البزنطی عن أبی الحسن علیه السلام قال: سألته عن الرجل یصلی فی جماعهٔ فی منزله بمکهٔ أفضل أو وحده فی المسجد الحرام فقال: وحده. (۶)

الفرق بین الشک والوسواس

۱- مهر دفتر.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- فی الجدید فرع ۲۱.

۶- الوافی ج ۲، الحج ص ۱۰ الشعرانی.

ص: ۲۵۸

س: فرق بین کثیر الشک و وسواسی چیست؟

السید السیستانی: وسواسی کسی است که شکش غیر عقلایی است ولی کثیر الشک شکش عقلایی است ولی زیادتر از معمول حالت شک به او دست می‌دهد. (۱)

السید الشبیری: کثرت شک در اثر عدم اجتماع حواس است و وسوسه تضییقی است که در اثر یقین نکردن یا دیر یقین کردن پیدا می‌شود. الخاتم.

آقا زاده سید محمد: آقا قائل به احتیاط است.

*** الشیخ البهجت: منشأ در آنها فرق دارد. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: وسواسی کسی است که شک او خارج از متعارف است و نوعاً در عمل شک می‌کند، اما کثیر الشک کسی است که به حد وسواس نرسیده و کسی که به طور عادت در هر سه نماز متوالی شک کند، کثیر الشک است. (۳)

الشیخ الصافی: کثیر الشک کسی است که در نظر عرف زیاد شک می‌کند ولی به حد سواس نرسیده و مخصوصاً که فرموده‌اند اگر در سه نماز یا در یک نماز سه مرتبه شک کند کثیر الشک است و حال آنکه چنین شخصی وسواسی محسوب نمی‌شود. (۴)

الشیخ الفاضل: کثیر الشک فی الطواف لا یعتنی بشکه کما فی الصلاة و المرجع فیه هو الصدق العرفی. (۵)

الشیخ المکارم: کثیر الشک بودن یک امر عرفی است یعنی مردم بگویند او بسیار شک می‌کند. (۶)

جواب سؤال عامه

۱- مهر دفتر.

۲- مهر دفتر.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- جامع المسائل ص ۸۹.

۶- الأخیر ص ۲۱۶.

ص: ۲۵۹

س: حجاج فرق عامه مراجعه می‌کنند و تکلیف حج و عمره خودرا سؤال می‌کنند طبق فقه عامه یا خاصه جواب داده شود.

السید السیستانی: طبق مذهب سائل جواب دهد و می‌تواند در کنار آن طبق مذهب شیعه هم حکم را بیان کند.

بلی، اگر ظاهر سؤال او این نباشد که جواب را طبق مذهب خود می‌خواهد می‌تواند به جواب طبق مذهب شیعه اکتفا نمود. (۱)

السید الشبیری: بر طبق فقه خاصه جواب داده شود. (۲)

*** الشیخ البهجت: طبق مذهب حق. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر بر طبق مذهب عامه جواب داده شود مانعی ندارد و بر طبق فقه خاصه هم می‌توان جواب داد. (۴)

الشیخ الصافی: ظاهراً بر طبق نظر شیعه بگوید هم مجزی باشد. (۵)

الشیخ الفاضل: چنانچه به طور مطلق سؤال کند بر وفق مذهب خاصه جواب داده شود اما اگر از مذهب عامه سؤال کردند بر طبق عامه جواب داده شود. (۶)

بین الطلوعین

س: بین الطلوعین از نظر جواز استظلال و عدم جواز جزء شب است یا روز؟

۱- سؤال از نجف.

۲- الخاتم.

۳- مهر دفتر.

۴- کتبی.

۵- کتبی.

۶- کتبی.

ص: ۲۶۰

السید السیستانی: جزء شب است. (۱)

السید الشبیری: به نظر اینجانب سوار شدن بر مرکب سر پوشیده در شب نیز جایز نیست. (۲)

*** الشیخ البهجت: در استظلال از روز محسوب نمی‌شود. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: حرمت تظلیل بین الطلوعین مانند شب مبنی بر احتیاط است. (۴)

الشیخ الصافی: در فرض سؤال بین الطلوعین جزء شب محسوب می‌شود. (۵)

جواز الصیام للمسافر فی المدینهٔ (مخصوص بثلاثهٔ أیّام)

س: آیا مسافر در مدینه منوره می‌تواند از استحباب روزه سه روز اکتفا کند به یک روز یا دو روز؟

السید الشبیری: مخصوص سه روز است. (۶)

*** الشیخ الفاضل: سه روز است ولی اگر مشکلی پیش آید که نتواند سه روز را تمام کند مانع ندارد. (۷)

الشیخ المکارم: مخصوص سه روز است. در نذر هم حقیر اشکال دارم. (۸)

الزوج سنی و الزوجهٔ شیعیهٔ

السید الشبیری: اگر به خبری که راجع به طواف وداع است عمل کنیم و بگوئیم همان طواف وداع به جای طواف نساء است حکم به صحت بعید نیست و

۱- مناسک.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- کتبی.

۶- شفاهی.

۷- مناسک.

۸- شفاهی.

ص: ۲۶۱

الا حکم به تمکین زوجه در وطی از زوج مذکور محل تأمل است. (۱)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: اگر ممکن است که زوج را وادار کند به طواف نساء و الا حکم به وجوب تمکین برای زوج مذکور مشکل است و اگر زن مکره بر جماع شد حرجی بر او نیست. (۲)

الشیخ الوحید: اگر قاعده ألزموهم بما ألزموا علی أنفسهم اطلاق داشته باشد حتی در این مورد که زوجه شیعه است حکم به جواز تمکین بعید نیست ولی بحث در اطلاق قاعده است. (۳)

الأغسال المستحبة

السید السیستانی: القسم الأول ما یستحب لأجل إیقاع فعل کالغسل للإحرام أو لزیارة البیت والغسل لوداع قبر النبیّ صلی اللّه علیه و آله ثم قال بعد سطور: هذه الأغسال قد ثبت استحبابها بدلیل معتبر والظاهر أنها تغنی عن الوضوء. (۴)

السید الشبیری: انسان با غسلهای مستحبی که استحبابش ثابت باشد که در مسئله ۶۵۱ گفته شد می‌تواند کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد.

ص ۱۶۰ توضیح و در مسئله ۶۵۱ بیست و سه غسل ذکر کرده است.

*** الشیخ البهجت: چهارده غسل به عنوان اغسال زمانی و شش غسل به‌عنوان اغسال مکانی و چند غسل به عنوان اغسال بعد از فعل ذکر کرده‌اند ولی درباره کفایت اغسال از وضو چیزی نفرموده. (۵)

۱- شفاهی.

۲- شفاهی.

۳- شفاهی.

۴- المنهاج ص ۱۲۰.

۵- توضیح ص ۱۴۰ أنظر السطر الأخیر.

ص: ۲۶۲

منه أیضاً: تذکر داده می‌شود که هیچ یک از غسلهای مستحب کفایت از وضو نمی‌کند. (۱)

راجع به رجوع به فتوای مجتهدی که فتوی به جواز می‌دهد در احتیاط وجوبی مجتهد دیگر بعد از عمل فرمودند مانع ندارد. (۲)

آقای قدیری و آقای محفوظی هم حاضر بودند.

الشیخ التبریزی قدس سره: انسان می‌تواندبا غسلهای مستحبی که در مسئله ۶۵۱ ذکر شده کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد. (۳)

الشیخ الصافی: انسان نمی‌تواندبا غسل مستحبی کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد. (۴)

الشیخ الفاضل: غسل زیارت جای وضو را نمی‌گیرد. (۵)

الشیخ الوحید: انسان با غسلهای مستحبی که در مسئله ۶۵۰ ذکر شده می‌تواند کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد.

بعض آن اغسال که در مسئله ۶۵۰ ذکر کرده عبارت است از:

غسل جمعه و بعضی اغسال لیالی شهر رمضان، غسل عید فطر، عید قربان، غسل شب عید فطر بعد از غروب، غسل روز هشتم و نهم ذی حجه، غسل احرام، غسل دخول مکه، غسل زیارت خانه کعبه، غسل داخل شدن مدینه منوره، غسل داخل شدن حرم پیغمبر صلی الله علیه و آله، غسل وداع قبر مطهر آن حضرت، غسل زیارت حضرت سید الشهداء از نزدیک، غسل توبه از فسق و کفر و باز اغسال دیگری ذکر کرده و فرموده: و اما غسلهایی که رجاءاً به‌جا آورده می‌شود از وضو کفایت نمی‌کند. (۶)

بوی گازوئیل و بنزین

۱- توضیح طبع ۱۹ ص ۱۰۹.

۲- شفاهی.

۳- توضیح ص ۱۱۸.

۴- توضیح ص ۱۳۳.

۵- چهل مسئله.

۶- توضیح ص ۲۹۵.

ص: ۲۶۳

س: گرفتن بینی از بوی گازوئیل در حال احرام چه حکمی دارد؟

السید الشبیری: ظاهراً لازم نیست. (۱)

*** الشیخ البهجت: اگر محرز نیست که بوی بد است مانع ندارد. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: احتیاط مستحب ترک آن است. (۳)

الشیخ الصافی: ظاهراً اشکال ندارد. (۴)

احرام از تنعیم در روز و استظلال

س: مردها در مسجد تنعیم محرم می‌شوند برای عمره آیا می‌توانند روز از ماشین مسقف استفاده کنند؟

الإمام الخمینی قدس سره: مکه منزل است و استظلال در آن مانع ندارد.

السید الگلپایگانی قدس سره: با آن‌که مکه محسوب می‌شود استظلال مانع ندارد. (۵)

السید السیستانی: الحکم بالجواز مشکل جداً فالاحتیاط لا یترک

السید الشبیری: نمی‌تواند با ماشین مسقف برود تا مسجد الحرام و اگر چه در شب باشد. (۶)

***

۱- کتبی.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- شفاهی.

۶- ص ۳۶.

ص: ۲۶۴

الشیخ البهجت: احتیاط در ترک است. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: احتیاط لازم ترک استظلال در تنعیم و در حرکت از آنجا تا مسجد الحرام یا محل اقامت است. (۲)

بنابر احتیاط تظلیل در هنگام راه رفتن در منی و عرفات ترک شود. و احتیاط آن است که در شهر مکه هم تظلیل نشود- و همچنین از هتل تا مسجد الحرام احتیاط در ترک است. (۳)

ولی رفتن زیر سایبانهای ثابت مانع ندارد. (۴)

الشیخ الصافی: نسبت به عبارت مرحوم السید الگلپایگانی قدس سره (کسی که از تنعیم محرم می‌شود با فرض آنکه فعلًا داخل مکه است استظلال مانع ندارد)، حاشیه ندارد. (۵)

الشیخ الفاضل: نسبت به عبارت امام قدس سره که فرموده «چون تنعیم جزء مکه شده و مکه منزل است استظلال مانع ندارد» حاشیه ندارد. (۶)

الشیخ المکارم: حاشیه ندارد. (۷)

الشیخ النوری: حاشیه ندارد (۸)

الشیخ الوحید: لا بأس بالاستظلال بالسیارات المسقفة بعد وصوله مکة. (۹)

الظل الثابت (مثل تونل)

السید الخوئی قدس سره: در تونلهای مکه و منی تا جمرات استظلال مانع ندارد. کتبی و قال لا یحرم السیر تحت الظل الثابت. (۱۰)

السید السیستانی: بنابر اظهر در ثوابت جایز است. (۱۱) وقال: لا بأس بالتظلیل بالأجسام الثابتة. (۱۲)

۱- ص ۱۵۹ م ۳

۲- صغیر ص ۳۵۶

۳- ص ۳۵۰ صغیر.

۴- ص ۳۲۹ صغیر.

۵- مناسک اخیر ص ۱۸۸ م ۴۶۳

۶- ص ۱۷۱

۷- ص ۱۷۵

۸- ص ۱۶۲

۹- ص ۱۱۰، م ۲۶۸

۱۰- کتبی.

۱۱- ص ۱۹۵

۱۲- ص ۱۳۴

ص: ۲۶۵

السید الخامنئی: یجوز الاستظلال بمالا یکون فوق رأسه کالسیر علی جنب المحمل او فی ظل الجدار و نحوه. (۱)

السید الشبیری: عبور از سایه بان ثابت مثل پلها و تونلهای کوتاه مانع ندارد و بنابر احتیاط از تونلهای طولانی خودداری کند. (۲) حرمت سایبان اختصاص به سر قرار دادن ندارد بلکه اگر در سمت راست یا چپ باشد جایز نیست. (۳)

*** الشیخ البهجت: سیر از داخل تونل از استظلال ممنوع نیست. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: مانع ندارد. (۵)

الشیخ الصافی: در شهر مکه عبور از تونلها مانع ندارد. (۶)

الشیخ الفاضل: حرمت استظلال سایه ثابت را شامل نمی‌شود. (۷) از کشتارگاه تا جمرات از طریق مسقف رفتن مانع ندارد. (۸)

الشیخ المکارم: از کشتارگاه تاجمرات از طریق‌مشاةمسقّف رفتن مانع ندارد. (۹)

الشیخ الوحید: کما لابأس بالتظلیل بالأجسام الثابتة کالجبال والجدران والأشجار. (۱۰)

استظلال در مکه بعد از نزول

السید الگلپایگانی والإمام والأراکی قدس سرهم: جایز است هر چند در حال تردد باشد برای مسجد الحرام یا مذبح و جمرات- مناسک ثلاثة. السید السیستانی: إذا نزل المحرم فی مکان جاز الإستظلال له. (۱۱)

۱- ص ۲۵

۲- ص ۳۶

۳- فرع ۲۲۵

۴- کتبی

۵- ضمیمه ص ۲۴

۶- کتبی.

۷- محشی ص ۱۶۶

۸- ص ۱۷۵

۹- محشی ص ۱۷۹

۱۰- ص ۱۰۹

۱۱- ص ۱۳۵.

ص: ۲۶۶

السید الخامنئی: وأما بعد النزول فی منزل کمنی و عرفات و غیر هما فیجوز له ذلک. (۱)

*** الشیخ البهجت: بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند استظلال کند. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: احتیاط آن است که در شهر مکه هم تظلیل نشود. (۳)

الشیخ الصافی: اشکال ندارد، اگر چه در حال رفت و آمد برای کارهای منزل باشد. (۴) در شهر مکه و منی و عرفات بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ استظلال مانع ندارد، هر چند در رفت و آمد برای حوائج باشد. (۵)

الشیخ الفاضل: در مقدار مذکور حاشیه ندارد. (۶)

الشیخ المکارم: در محله‌های جدید مکه می‌تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه برود بعد از نزول. (۷)

الشیخ النوری: حاشیه ندارد. (۸)

الشیخ الوحید: فیجوز التظلیل فی المنزل مطلقاً و لو کان فی حال السیر ذهاباً و ایاباً سواء کان الظل ساکناً أو سائراً فلا بأس بالاستظلال بالسیارات المسقفة بعد وصوله مکة. (۹)

سیر بسوی مسجد یا عرفات یا جمرات

السید السیستانی: الحکم بالجواز مشکل جداً و الاحتیاط لا یترک. (۱۰)

۱- ص ۲۶.

۲- ص ۱۷۴ جدید.

۳- ص ۳۴۹ صغیر.

۴- ص ۵۷.

۵- ص ۲۰۱.

۶- ص ۱۶۶.

۷- محشی ص ۱۷۱، حاشیه بر عبارت امام ندارد.

۸- ص ۱۵۸.

۹- ص ۱۱۰.

۱۰- ص ۱۳۵.

ص: ۲۶۷

السید الشبیری: در حال حرکت به سوی منی و عرفات در مکه چتر بر سر گرفتن یا با ماشین مسقف سوار شوند جایز نیست. (۱)

أقول: مرحوم امام و السید الگلپایگانی جایز دانسته و مرحوم السید الخوئی فرموده در مورد مذبح که از شؤون منی و حج است مانع ندارد. (۲)

استظلال در شب

الإمام الخمینی قدس سره: جایز بودن آن به نظر بعید نیست. (۳)

السید الخوئی قدس سره: جایز نیست و کفاره دارد. (۴)

السید الگلپایگانی قدس سره: بعید نیست که بگوئیم استظلال در شب نیست. (۵)

السید السیستانی: یجوز الاستظلال فی اللیل إذا لم تکن السماء ممطرة علی الأحوط. (۶)

السید الخامنئی: الظاهر اختصاص حرمة التظلیل فی النهار وإن کان الأحوط ترکه فی اللیل أیضاً ولا یترک هذا الاحتیاط فی اللیالی الممطرة أو الباردة ما لم یصل حد الحرج. (۷)

السید الشبیری: در شب نیز جایز نیست هر چند در شب حرکت کند. (۸)

عدم الجواز: الخوئی، الشبیری، التبریزی والوحید.

*** الشیخ البهجت: مقتضای خطاب روایات واصل منع مختص به سایه انداختن از آفتاب است و در شب منعی نیست. (۹)

الشیخ التبریزی قدس سره: ترک تظلیل در شب احتیاط وجوبی است. (۱۰)

۱- ص ۳۵

۲- کتبی.

۳- ص ۹۱

۴- کتبی.

۵- کتبی و شفاهی.

۶- الملحق ص ۷۷

۷- ص ۲۶

۸- ص ۳۵

۹- کتبی.

۱۰- ضمیمه ص ۲۳.

ص: ۲۶۸

الشيخ الصافی: احتياط مستحب ترک استظلال است در شب. (۱)

الشيخ الفاضل: جواز استظلال در شب بعيد نيست. محشی و فی حول الحج در شب مانع ندارد و كفاره هم ندارد. (۲)

الشيخ المكارم: استفاده از ماشينهای سر پوشيده در حال احرام در شبها يا بين الطلوعين جايز است. (۳)

الشيخ النوری: جواز استظلال در شب بعيد نيست. (۴)

الشيخ الوحيد: عموميت حرمت استظلال برای شب محل اشكال است و الأحوط الاجتناب. (۵)

مؤلف: قائل به جواز: صافی، مكارم، فاضل، بهجت، نوری، خامنه‌ای، سيستانی، گلپايگانی و امام.

الطواف المستحب مع اللمس

السيد الخوئی قدس سره: لا يجوز للمرأة و الرجل الطواف المستحب و تقبيل الحجر مع استلزامه اللمس الحرام. (۶)

منه أيضاً: س: إذا تبين له بعد سنوات بطلان طوافه فی العمرة المفردة فماذا عليه؟

ج: الظاهر بقائه علی إحرامه فيجب عليه الاجتناب عن المحرمات إلی أن يأتی بتمام أعمال العمرة بنفسه و مع عدم التمكن فنيابة. (۷)

أقول: وافقه الشيخ التبريزی قدس سره.

نظافة المسجد

۱- مناسک.

۲- چهل مسأله ص ۱۳.

۳- ص ۱۷۵.

۴- ص ۱۳۹.

۵- شفاهی.

۶- الصراط ج ۳ ص ۱۶۸ و وافقه التبريزی.

۷- الصراط ۳ ص ۱۶۸.

ص: ۲۶۹

س: ما ذا یصنع الحاج مع ما یری من تنظیف المسجد بنحو ینتقل النجاسهٔ إلی جمیع المطاف؟

الإمام الخمینی قدس سره: علم به نجاست پیدا نمی‌شود و با فرض شک نباید اعتنا شود. (۱)

السید الخوئی قدس سره: ج: ما ذکرت من انتقال النجاسهٔ إلی جمیع المطاف بعید للغایهٔ، والإجتناب عن التلوث لمن یتیقن بذلک سهل بلبسه الحذاء وإن لم یتیسّر علی فرض بعید فالضرورات تبیح المحظورات. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر علم حاصل شود از جهت تقیه محکوم به صحت است. (۳)

و فی الأخیر ص ۳۹۶: علم پیدا نمی‌شود و با فرض شک نباید اعتنا کند.

السید الشبیری: مایعی که با آن تطهیر می‌شود اگر به آن آب گفته شود ولو بالاستصحاب تطهیر بی اشکال است. (۴)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: هو محکوم بالطهارهٔ اذا لم تعلم نجاسته (۵) علی فرض الیقین و عدم تیسر الاجتناب فالضرورات تبیح المحذورات. (۶)

الشیخ الفاضل: حاشیه ندارد.

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

الشیخ المکارم: حاشیه ندارد.

مؤلف: ونظیر کلام السید الخویی قدس سره نظر السید الگلپایگانی قدس سره.

۱- محشی ص ۴۳۷.

۲- الصراط ج ۳ ص ۱۷۰ و وافقه الشیخ التبریزی.

۳- شفاهی.

۴- کتبی.

۵- الصراط ج ۲ ص ۵۰۲.

۶- ص ۱۵۱.

ص: ۲۷۰

أیضاً مؤلف: کسی که بخواهد احتیاط کند، نعلینی از لاستیک یا چرم بپوشد که مانع سرایت نجاست به پا شود.

خاک و سنگ حرم و قرآن در مسجدین

الإمام الخمینی قدس سره: از صفا و مروه جایز نیست و از مشعر مانع ندارد. (۱)

منه أیضاً: راجع به قرآن‌های مسجد الحرام، نفس العبارة المذکورة عن السید الگلپایگانی قدس سره.

السید الخوئی قدس سره: س: هل یجوز إخراج شیء من تراب أو حجر منطقة الحرم المحیطة بمکة المکرمة؟ ج: لا مانع من ذلک.

السید الگلپایگانی قدس سره: انتقال خاک و سنگ حرم بنابر احتیاط واجب جایز نیست. (۲)

منه أیضاً: در ص ۳۹۸: از صفا و مروه جایز نیست و باید بر گرداند- برداشتن قرآن بدون اینکه از متصدی ذی ربط اجازه بگیرد جایز نیست و باید برگردانده شود.

السید الشبیری: اجزاء مساجد و صفا و مروه باید به محل اصلی برگردانده شود و سایر موارد حرم لازم نیست. (۳)

*** الشیخ البهجت: برداشتن خاک و سنگ از مسجد الحرام و صفا و مروه جایز نیست و اگر آورده باید برگرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: نفس المذکورات. (۵)

۱- محشی ص ۴۳۷ م ۳۵.

۲- ص ۱۹۰ اخیر الشیخ الصافی موافق است.

۳- کتبی.

۴- آخرین مسئله مناسک.

۵- الصراط ج ۳ ص ۱۹۳.

ص: ۲۷۱

الشيخ الفاضل: بر فرع مذكور حاشيه ندارد.

الشيخ المكارم: حاشيه ندارد.

الشيخ النورى: حاشيه ندارد.

حرمة التظليل مع العمرة المستحبة

السيد الخوئى: هل تزاحم الحرمة حرمة التظليل فى الإحرام أصل استحباب العمرة المستحبة لو فرض انحصار تأدية هذا الاستحباب بارتكاب هذه الحرمة؟

ج: لا تزاحم لإنشاء الإحرام فى العمرة المستحبة. (۱)

گوشت منجمد و مرغ بلغارى و مهر ذبح شرعى

الإمام الخمينى قدس سره: اگر ندانند از كجا وارد شده يا بدانند كه از بلاد مسلمين است مانع ندارد و اگر بدانند از بلاد كفر است در صورتى محكوم به حليت است كه وارد كننده مسلمان باشد و احتمال بدهند كه احراز تذكيه آن را كرده است. (۲)

السيد الخوئى قدس سره: س: ما هو حكم الاطعمة والاشربة المشكوك فيها؟ ج: نعم تحل ما لم يكن المأكول من اللحوم التى يلزم العلم بتذكيتها حتى يحل الأكل وإن كان المشكوك فيها ظاهراً فقط (أى لا يحل أكله). (۳)

السيد الگلپايگانى قدس سره: گوشتى كه معلوم باشد از بلاد كفار است محكوم به نجاست است، مگر آنكه از دست مسلم گرفته شود با احتمال آنكه اين مسلم احراز تذكيه شرعى آن را نموده باشد و مهر و نوشته حجيت نيست مگر يقين به

۱- الصراط ج ۳ ص ۱۹۳ ووافقه التبريزى.

۲- محشى ص ۴۴۴.

۳- الصراط المحشى ص ۳۸۹.

ص: ۲۷۲

صدق آن باشد. (۱)

السید الشبیری: به احتمال آنکه وارد کنندگان مسلمان احراز تذکیه کرده‌اند محکوم به طهارت و حلیت است. (۲)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: یضاف إلی جوابه قدس سره [جواب السیّد الخوئی : والمشکوک منها محکوم بالنجاسة إذا کان الحیوانات ممّا یعتبر تذکیته بالذبح أو النحر.

مؤلف: مقتضای احتیاط اجتناب است مگر به طریق شرعی احراز تذکیه نموده باشد.

طواف نساء در عمره مفرده و حج برهمه واجب است

الإمام الخمینی قدس سره: پیرمردان و پیر زنان و عنین باید طواف نساء به‌جا آورند. (۳) احتیاط آن است که نائب طواف نساء را به قصد ما فی الذمه به جا آورد گر چه می‌تواند به نیت منوب عنه انجام دهد. (۴)

السید الخوئی قدس سره: کما یجب علی الرجال یجب علی النساء و النائب یأتی بطواف النساء عن المنوب عنه لاعن نفسه. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: بر هر حاجی واجب است و تفاوتی بین زن و مرد و بالغ و غیر بالغ نیست حتی برای طفل غیر ممیز. (۶) لازم است طواف نساء را از جانب منوب عنه به‌جا آورد. (۷)

السید السیستانی: و النائب یأتی بطواف النساء عن المنوب عنه لا عن نفسه. (۸)

السید الشبیری: طواف نساء بر مرد و زن و خنثی و کودک و بزرگ و اخته

۱- مجمع ج ۲ ص ۳۳۷.

۲- شفاهی.

۳- محشی ص ۴۰۸

۴- ص ۴۰۵

۵- م ۴۱۷

۶- ص ۳۴۹ اخیر.

۷- ص ۳۴۹

۸- ص ۲۱۰

ص: ۲۷۳

حتی پیرمردان و پیر زنان واجب است و اگر قبل از طواف نساء بمیرد باید از ترکه او طواف نساء به جا آورند. (۱)

*** الشیخ البهجت: بر آنها هم که هیچ عمل زناشویی انجام نمی‌دهند طواف نساء واجب است. (۲)

الشیخ الصافی: حاشیه ندارد.

الشیخ الفاضل: در فرع اول با امام موافق است ولی در فرع دوم فرموده انجام طواف نساء به نیت منوب عنه محل اشکال است. (۳)

ولی در مناسک خود فرموده نائب باید طواف نساء را به نیت منوب عنه انجام دهد. (۴)

الشیخ المکارم: حاشیه ندارد.

الشیخ النوری: در دو فرع مذکور از امام قدس سره حاشیه ندارد. (۵)

الشیخ الوحید: یجب علی الرجل و لو کان خصیاً وعلی المرأة و لو کانت کبیرة. والنائب یأتی بطواف النساء عن المنوب عنه. (۶)

مؤلف: انظار مراجع در این فرع متحد است.

یک طواف نساء یا چند طواف نساء

الإمام الخمینی قدس سره: یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند. (۷)

السید الخوئی قدس سره: بلی دو طواف لازم است برای هر دو احرام با قصد حج

۱- مسأله ۸۷۲

۲- ص ۲۰۰ جدید.

۳- محشی ص ۳۹۲

۴- ص ۳۳۱

۵- محشی ص ۳۸۵ و ص ۳۸۹

۶- ص ۱۷۵

۷- محشی ص ۳۹۲

ص: ۲۷۴

یا عمره. (۱)

السید الگلپایگانی قدس سره: س: چند عمره به جا آورده و در هیچ کدام طواف نساء انجام نداده.

ج: یک طواف کفایت می کند. (۲)

السید السیستانی: فی الحج و العمرة. ج: یلزمه الطوافان علی الأحوط.

وفیمن اعتمر عدة مرات؟ ج: لا یکفیه ذلک علی الأحوط فیأتی بطواف النساء بعددها. (۳)

السید الخامنئی: هر چند حلیت به یک طواف نساء حاصل می‌شود ولی باید برای هر عمره طواف جداگانه به‌جا آورد. (۴)

السید الشبیری: هر عمره مفرده یک طواف نساء مستقل دارد. (۵)

*** الشیخ البهجت: احتیاط دو طواف نساء است. شفاهی

الشیخ التبریزی قدس سره: طواف نساء در عمره مفرده جزء عمره است و باید برای هر عمره طواف نساء مستقل به جا آورد. (۶)

الشیخ الصافی: ظاهر این است که در عمره مفرده طواف نساء واجب است و ترک عمدی آن جایز نیست، اگر چه در صورتی که چند عمره انجام داده و طواف نساء را عمداً و یا سهواً ترک کرده باشد بعید نیست که برای خروج از احرام طواف نساء عمره آخری کافی باشد. (۷)

الشیخ الفاضل: برای هر کدام باید طواف نساء به‌جا آورد. (۸)

الشیخ المکارم: یک طواف نساء برای تمام آنها کافی است. (۹)

۱- استفتاء کتبی.

۲- مجمع ج ۱ ص ۴۷۲.

۳- ملحق ص ۱۵۳

۴- ۱۲۰ فرع.

۵- ص ۲۲۱

۶- شفاهی.

۷- ألف ص ۲۶۵.

۸- حول الحج.

۹- الأخیر ص ۳۸۱.

ص: ۲۷۵

الشیخ النوری: حاشیه ندارد. (۱)

مؤلف: مقتضای احتیاط تعدد طواف است به تعدد احرام.

قصد الإبطال

فرع: آیا قصد ابطال طواف موجب بطلان طواف می‌شود یا نه؟

السید الشبیری: لایوجب‌البطلان (آقای سیداحمدحسینی نقلًا عن الشبیری). (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: موجب نمی‌شود. شفاهی

اگر نفر بعد از ظهر حرجی باشد

الإمام الخمینی قدس سره: زنها هم در کوچ کردن بعد از ظهر حکم مردان را دارند و نمی‌توانند قبل از ظهر کوچ کنند مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشد. (۳)

السید الگلپایگانی قدس سره: زنها هم باید مثل مردان تا ظهر دوازدهم در منی بمانند مگر از ماندن تا ظهر معذور باشند. (۴)

السید السیستانی: وإن منعهم الزحام من النفر بعد زوال الیوم الثانی عشر فإن أمکنهم المبیت فی منی فی تلک اللیلة من غیر حرج و مشقة تعین وإلا جاز لهم الخروج منها قبل الزوال. (۵)

السید الشبیری: بانوان نیز حکم مردان را دارند و نمی‌تواند قبل از ظهر کوچ کنند مگر از کوچ کردن بعد از ظهر معذور باشند. (۶)

***

۱- ص ۳۸۵

۲- شفاهی.

۳- محشی ص ۴۰۴

۴- ص ۳۷۸ م ۹۷۹

۵- الملحق ص ۱۵۶

۶- م ۹۶۸

ص: ۲۷۶

الشیخ البهجت: کوچ کردن از منی بعد از ظهر دوازدهم جایز است. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: و تجوز لغیرهما الإفاضهٔ من منی بعد ظهر الیوم الثانی عشر. (۲)

الشیخ الصافی: قبل از ظهر کوچ جایز نیست. (۳) معذورین می‌توانند شب دوازدهم رمی کنند و کوچ کنند. (۴)

الشیخ الفاضل: قبل از ظهر نمی‌توانند نَفْر کنند مگر اینکه از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند. (۵)

الشیخ المکارم: نظیر عبارت الشیخ الفاضل را ذکر کرده‌اند. (۶)

مؤلف: قدر متیقن از جواز نفر بعد از زوال ظهر است و قبل از ظهر جایز نیست، مگر اینکه بودن تا بعداز زوال برای او حرجی باشد.

الشیخ النوری: حاشیه ندارد.

الشیخ الوحید: و یجوز النفر من منی بعد ظهر الیوم الثانی عشر. (۷)

وظیفه خنثای مشکل در حج

السید الشبیری: به نظر اینجانب بعیـد نیست که ماهیت ثالثه باشد نه مرد است و نه زن و از نظر احکام مخیر است در اخذ یکی از دو حکم مثلًا در تظلیل مخیر است بین استظلال و عدم استظلال. (۸)

الشیخ المکارم: در احکام متضاده که قابل جمع نیست مخیر است و در احکامی که قابل جمع است احتیاط کند. (۹)

حج مخالف

۱- ص ۱۴۹ بیتوته در منی.

۲- ص ۲۰۹

۳- مسئله ۲۱۲

۴- فرع ۸۳۱

۵- ص ۴۰۴

۶- ص ۴۱۴

۷- ص ۱۷۹

۸- شفاهی.

۹- شفاهی.

ص: ۲۷۷

فی العروة: إذا حج المخالف ثم استبصر لا ـ تجب علیه إعادة الحج إذا کان ما أتی به صحیحاً فی مذهبه وإن لم یکن صحیحاً فی مذهبنا. (۱)

السید الخوئی قدس سره: لا یجب علیه طواف النساء بعد الاستبصار. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر مخالف مستبصر شود اعاده حجی که بنابر مذهب خود صحیح انجام داده لازم نیست. (۳)

السید السیستانی: س: إذا کانت الزوجة مؤمنة و الزوج من المخالفین فلذا ترک طواف النساء من الحج فهل یجب علی الزوجة الامتناع عن المقاربة حتی یطوف؟

ج: لا یجب علیها ذلک. (۴)

السید الشبیری: حج او صحیح است ولی اگر طواف وداع را انجام نداده باشد به احتیاط واجب باید طواف نساء را انجام دهد. (۵)

*** الشیخ البهجت: مسلمان غیر شیعه چنانچه حج به جا آورد و بعد شیعه شود اعاده حج بر او واجب نیست در صورتی که حج را بر طبق مذهب خود یا مذهب شیعه به طور صحیح به جا آورده باشد. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: إذا حج المخالف علی الطریقة الشیعیة بإرشاد شیعی و کان المخالف یعتقد عدم الفرق بین الفریقین فی فروع الحج یجزیه حجّه فی الفرض الصراط ج ۲ ص ۴۹۸

(این را به مناسبت ذکر کردم هر چند عکس عنوان مسئله است).

۱- م ۷۱

۲- الصراط، ج ۲، ص ۲۳۶

۳- احکام ص ۴۴

۴- ملحق ص ۱۵۱

۵- کتبی.

۶- ص ۲۶

ص: ۲۷۸

الشیخ الصافی: در فرع مذکور حاشیه ندارد.

مؤلف: الفقهاء العظام المذکورون فی هذه الورقة متوافقون فی الحکم بعدم الإعادة فی هذا الفرع.

فوت الصلاة فی الحرمین

س: اگر نماز مسافر در حرمین قضا شد آیا در تدارک قضا تخییر بر قرار است یا نه چه در حرم باشد و چه خارج حرم؟

ج: مرحوم سید در عروه در فصل قضاء صلوات در مسئله ۱۱ متعرض نفس فرع شده و احتمال تخییر را داده است و در پایان فرموده الأحوط القصر مطلقا و محشین همه حکم به قصر نموده‌اند- عروه- پنج حاشیه.

الخروج عن المطاف

السیّد الخوئی: س: هل الخروج إلی الرواق المحیطة بالمطاف یعتبر خروجاً عن المطاف؟ ج: لا مانع منه اذا لم یناف الموالاة. (۱)

فرع

السید السیستانی: س: هل یجوز للمحرم وضع سماعة التلفون علی أذنه؟

ج: محل اشکال و الأحوط ترکه. (۲)

فرع

السید الشبیری: اگر زن إجهار به تلبیه کند و در معرض ریبه و تلذذ باشد بنابر

۱- الصراط ج ۳ ص ۱۷۱

۲- الملحق الثانی ص ۸۷

ص: ۲۷۹

احتیاط حرام و باطل است.

منه أیضاً: شخصی با علم به حرمت تماس با نامحرم در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس پیدا می‌کند و از این تماس متلذذ می‌شود آیا طواف او اشکال دارد. ج: طواف او صحیح است. (۱)

لزوم لباس احرام در اعاده طواف و سعی

السید الشبیری: لباس احرام لازم است یا احتیاط وجوبی است یا احتیاطاً برای اعاده. (۲)

الشیخ الفاضل: لازم نیست. (۳)

غسل حیض

السید الشبیری: زنی غسل جنابت یا مس میت در ذمه داشته و فراموش کرده و بعد غسل حیض داشته و انجام داده و بعد از حج متوجه شده، تکلیف چیست؟

ج: غسل حیض او کفایت از اغسال دیگر می‌کند. (۴)

جواز الإحرام مع العلم بانه یرتکب الاستظلال

السید الخوئی قدس سره: یجوز أن یحرم للعمرة المفردة أو التمتع مع العلم بأنه سیضطر إلی التظلیل بعد الإحرام ولا یضر ذلک بصحة إحرامه سواء کان فی الحج الواجب أو المستحب. (۵)

تقدیم الطواف و السعی

۱- ص ۲۱۲

۲- ملخص فرع ۴۸۴ ص ۱۲۴.

۳- ع ۵۱۴

۴- ص ۱۲۶

۵- الصراط ج ۲ ص ۲۳۰ و وافقه الشیخ التبریزی.

ص: ۲۸۰

السید الخوئی قدس سره: س: إمرأة قدّمت الطوافین والسعی علی الوقوف لعذر طروّ الحیض ثم بعد الرجوع من منی کشف عن عدم العذر فهل یجب علیها إعادة الطوافین و السعی أم لا؟ ج: الأولی الإعادة من غیر لزوم- و هذا الحکم جار أیضاً فی کل من قدم الطواف والسعی علی الموقفین لعذر. (۱)

جواز الخروج من مکه قبل طواف الحج

السید السیستانی: س: هل یجوز الخروج للمتمتع من مکة المکرمة قبل إتیان طواف الحج؟ ج: الظاهر جوازه. (۲)

نماز مقیم در مکه معظمه در عرفات و مشعر و منی

و مکه بعد از رجوع

الإمام الخمینی قدس سره: تمام است. (۳)

السید الخوئی قدس سره: تمام. (۴)

*** الشیخ البهجت: تمام. (۵)

الشیخ التبریزی قدس سره: تمام است اگر مجموع ایاب و ذهاب هشت فرسخ نباشد. (۶)

الشیخ الصافی: تمام. (۷)

۱- الصراط ج ۲ ص ۲۳۱.

۲- مناسک صغیر سیستانی ص ۴۴۰.

۳- ص ۲۶۵.

۴- ص ۲۹۴.

۵- م ۱۰۳۲.

۶- ضمیمه ص ۴۷.

۷- ص ۲۷۵.

ص: ۲۸۱

الشیخ الفاضل: تمام. (۱)

الشیخ المکارم: تمام. (۲)

الشیخ النوری: تمام. (۳)

سؤالات حج سال ۱۴۲۰ ه ق

مستحاضه قبل از انجام اغسال می‌تواند وارد مسجد الحرام شود یا نه؟

الشیخ البهجت: اقوی جواز مکث است اگر چه احوط اجتناب است. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: احتیاط مستحب آن است که بعد از غسل برای طواف وارد شود. (۵)

الشیخ الصافی: اقوی جواز است و احوط و اولی ترک. (۶)

*** مبدء و مختم نصف شب را در بیتوته و در احیاء به عبادت در مکه تعیین فرمایید؟

الشیخ البهجت: احتیاط برای کسی که نصف اول را بیتوته می‌کند بین غروب و طلوع آفتاب است و کسی که نصف دوم را می‌ماند بین غروب و طلوع فجر است و احیاء در مکه تمام شب تا طلوع فجر. (۷)

الشیخ التبریزی قدس سره: احیاء در مکه بدل از بیتوته تمام شب است و در مبیت به منی تا طلوع فجر است. (۸)

الشیخ الصافی: در بیتوته منی نصف بین غروب شرعی و طلوع آفتاب و در

۱- ص ۲۴۲

۲- م ۱۱۷۷

۳- ص ۳۹۵

۴- دفتر.

۵- کتبی.

۶- کتبی.

۷- دفتر.

۸- کتبی.

ص: ۲۸۲

احیاء به مکه از غروب شرعی تا طلوع صبح ملاحظه شود. (۱)

*** سه دور یا چهار دور طواف را انجام داده و بعد آن را رها می‌کند و ملغی تلقی می‌کند و استیناف می‌کند بدون قصد زیاده آیا طواف مستأنف صحیح است؟

الشیخ البهجت: ظاهر صحت طواف است. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر طواف کامل را به قصد وظیفه فعلیه انجام داده طوافش صحیح است. (۳)

الشیخ الصافی: عمل مذکور اشکال ندارد و قران نیست. (۴)

الشیخ الفاضل: بلی، طواف دوم صحیح است. (۵)

*** بعضی از رمی را قادر و بعض دیگر را عاجز است ابتداءً و یا در اثناء برای کل رمی استنابه کند یا برای بعض؟

أیضاً الشیخ الصافی: برای مقدار عجز استنابه کند و بعد احتیاطاً برای کل رمی هم نائب بگیرد. کتبی

الشیخ البهجت: همان بعض را استنابه کند و فرقی ندارد. دفتر. (نظر الشیخ الفاضل ص ۶۲) کالمذکورین

الشیخ التبریزی قدس سره: مقداری را که قادر است خود رمی کند و بعد دیگری استنابه کند برای رمی کل.

۱- دفتر.

۲- کتبی.

۳- دفتر.

۴- دفتر.

۵- دفتر.

ص: ۲۸۳

طواف مستحبی به نیابت از غیر با آنکه آن غیر خودش در مکه است و توانایی هم دارد جایز است یا نه؟

الشیخ البهجت: در صورت تمکن اشکال دارد. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: اشکال دارد. (۲)

الشیخ الصافی: بر حسب بعض اطلاقات حکم باستحباب بعید نیست. (۳)

*** لزوم ترتیب در اعمال منی تکلیف است و یا وضعی هم هست؟

الشیخ البهجت: ترتیب در اعمال ثلاثه منی تکلیفی است. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: وضعی هم هست لکن جهلًا و نسیاناً اگر مخالفت شد ضرر ندارد. (۵)

الشیخ الصافی: ترتیب تکلیفاً و وضعاً بنابر احتیاط لازم است بلی جهلًا و نسیاناً مضر نیست. (۶)

*** معذورین که جایز است طواف و سعی را بر وقوف مقدم دارند، تقدیم طواف نساء هم جایز است یا نه؟

الشیخ البهجت: بین طواف نساء و طواف حج در این جهت فرق نیست علی الأشهر والأظهر. (۷)

الشیخ التبریزی قدس سره: خائف بر نفس می‌تواند مقدم دارد و همچنین زنی که بعد از اعمال منی نمی‌تواند تا پاکی بماند و نمی‌تواند نائب بگیرد، احتیاطاً مقدم بدارد.

کتبی

۱- دفتر.

۲- کتبی.

۳- کتبی.

۴- دفتر.

۵- کتبی.

۶- کتبی.

۷- دفتر.

ص: ۲۸۴

الشیخ الصافی: جایز بلکه در بعض موارد لازم است بلی در صورت تمکن بعد از منی بنابر احتیاط اعاده کند و با عدم تمکن استنابه. (۱)

*** کسی که نماز طواف عمره تمتع را به عللی جهلًا یا نسیاناً یا مسامحهً و تعباً نخوانده و عمره را تمام کرده؟

الشیخ البهجت: اگر با اعتقاد صحت سعی و تقصیر کرده فقط نماز را بخواند و الا بعد از نماز سعی و تقصیر را هم اعاده کند. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: در صورت جهل و نسیان فقط نماز را بخواند و الا باید طواف را با سایر اعمال تا آخر به جا آورد. (۳)

الشیخ الصافی: با جهل و نسیان فقط نماز را بخواند و در غیر فرضین نماز را با اعمال مترتبه به جا آورد. (۴)

تخمیس پول حج

س: پولی که برای حج ودیعه نهاده شده و سال بر آن بگذرد خمس دارد یا نه؟

السید الگلپایگانی قدس سره: اگر از درآمد همان سال باشد صرف در مؤونه شده و خمس ندارد. (۵)

السید السیستانی: اگر برای حج واجب واریز کرد، خمس ندارد. (۶)

منه أیضاً: فی فرع ۳۱۳ ذکرتم عدم وجوب الخمس فیما یُودعُ فی مؤسسهٔ الحج والزیارهٔ للحج و العمرهٔ الواجبین وإن مرّ علیه سنوات ووجوبه فیما یودع

۱- کتبی.

۲- دفتر.

۳- کتبی.

۴- کتبی.

۵- احکام ص ۶۷.

۶- کتبی.

ص: ۲۸۵

للحج المستحب والعمرة كذلك وزيارة السيدة زينب عليها السلام، فما الفرق بينهما؟

ج: باعتبار أن الشخص لا يتيسر له الذهاب إلى الحج وحرجى عليه إلّامِن هذا الطريق فلو أمكنه الذهاب إلى الحج بأن يتمكن من شراء دور شخص آخر مثلًا، فما يودعه لا يستثنى من الخمس. (۱)

السید الشبیری: تخمیس پولی که برای حج واریز کرده لازم نیست. (۲)

*** الشیخ البهجت: در صورتی که اگر در همان سال حج می‌کرد خمس نداشت اگر طریق عقلایی تقدیم اجرت است بر سال حج اظهر عدم وجوب خمس است مگر آنکه در وقتش حج ننماید که باید اجرت را تخمیس نماید واجباً أو مستحباً. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: تخمیس آن لازم است هر چند از درآمد سال برای حج واریز کرده باشند و پس از سال نوبت حج آنها برسد. (۴)

الشیخ الصافی: بعد از استقرار خمس به مال تصرف در آن بدون اذن حاکم شرعی جایز نیست. (۵) خمس ندارد. (۶)

الشیخ الفاضل: در حج واجب خمس ندارد و در حج مستحبی و عمره مستحبی باید تخمیس کند. (۷)

منه أيضاً: اگر قبلًا حج بر او مستقر نشده باید خمس آن را بدهد. (۸)

الشیخ الوحید: مالی را که خرج سفر حج و زیارتهای دیگر می‌کند از مخارج مالی حساب می‌شود که در آن سال خرج کرده و اگر سفر او تا مقداری از سال بعد طول‌بکشد آنچه از سال‌بعد از منافع‌سال قبل‌خرج می‌کند باید خمس آن را بدهد. (۹)

***

۱- دفتر استفتائات حج.

۲- کتبی.

۳- ص ۱۶۵

۴- ضمیمه ص ۸

۵- توضیح ص ۳۵۵

۶- فرع ۹۴۵

۷- چهل مسأله ص ۹

۸- م ۱۳۷ مناسک.

۹- توضیح‌المسائل ص ۵۰۲

ص: ۲۸۶

المجازر الجديدة تقع خارج منى فى المعيصم فما الحكم؟

الشيخ التبريزى قدس سره: ج: إذا لم يمكن الذبح فى منى و لو بالتأخير إلى آخر ذى حجة و لا فى المكان الأقرب فالأقرب إلى منى يجزى الذبح فى المكان المذكور و لا يجوز فى مكان آخر أبعد منه. (۱)

أجوبة من السيد السيستانى مدّ ظلّه

س: تعذر الذبح فى منى؟

ج: مع تعذر الذبح فى منى و فى وادى محسّر لا يبعد الإجتزاء بالذبح فى أى موضع من الحرم.

وفى جواب آخر: لا ـ يجزى الذبح فى بلده فإن أمكنه الذبح فى موضع من الحرم فى أيّام النحر فهو وإن لم يمكنه ذلك فوظيفته الصوم. (۲)

س: إذا بقى الحاج فى منى ليلة الحادى عشر من دون نية المبيت لأنّه كان يعتقد عدم وجوبه فهل عليه الكفارة؟

ج: الظاهر عدم ثبوت الكفارة عليه.

س: هل يكفى الإشتغال بالعبادة فى مكة من أول الليل إلى نصفه و هل يكفى فى العبادة النظر إلى الكعبة و و قرائة القرآن وإطافة الحجيج والإجابة عن الاسئلة الدينية؟

ج: الإشتغال بالعبادة فى مكة فى النصف الأول من الليل لا يوجب سقوط وجوب المبيت بمنى فى النصف الثانى وإنما يوجبه الإشتغال بالعبادة من قبل منتصف الليل إلى الفجر وتكفى الأعمال المذكورة مع الإتيان بها بقصد القربة،

۱- الورق الممهور سنة ۱۴۲۱

۲- ۱۴۲۱- الورق الممهور

ص: ٢٨٧

لصدق كونه فی طاعة اللّه تعالی.

*** س: زن به واسطه دستگاه طبّی از خروج خون مستحاضه جلوگیری می‌کند ولی در باطن موجود است آیا این زن حکم طاهر را دارد؟

الشیخ البهجت: اگر خون خارج نشود حکم به استحاضه نمی‌شود. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: تا وقتی خون خارج نشده- ولو بواسطه پنبه- حکم استحاضه را ندارد. (۲)

الشیخ الصافی: مادام که خون خارج نشده حکم طاهره دارد. (۳)

*** در سال جاری گوشت قربانی ذخیره و به کشورهای فقیر ارسال می‌شود آیا مجزی از سهم فقیر می‌باشد یا نه؟

الشیخ البهجت: اگر یقین ندارد که به مؤمن برسد کافی نیست. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: اگر احراز نشود که سهم فقیر به فقیر مؤمن رسیده کفایت نمی‌کند. (۵)

الشیخ الصافی: اگر یقین دارد بایصال سهم مؤمن کافی است والا خیر. (۶)

*** اگر در اثناء طواف شک کند و مردد شود که در حدّ است یا خارج شده آیا آن مقدار را تدارک کند یا نه؟

الشیخ البهجت: می‌تواند استصحاب بقاء در مطاف نماید. (۷)

الشیخ التبریزی قدس سره: چنانچه قبلًا در حد بوده به شکّش اعتنا نکند. (۸)

۱- دفتر

۲- کتبی

۳- کتبی

۴- دفتر

۵- کتبی

۶- کتبی

۷- دفتر

۸- کتبی

ص: ۲۸۸

الشیخ الصافی: قاعده فراغ یا تجاوز در احراز طواف هم جاری است، تدارک مقدار مذکور لازم نیست. (۱)

*** زنی که از رمی عاجز است می‌تواند زن را استنابه کند یا باید نائب مرد بگیرد؟

الشیخ البهجت: هر یک از زن و مرد می‌تواند دیگری را نائب کند. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: می‌تواند زن را نائب قرار دهد. (۳)

الشیخ الصافی: نیابت زن اشکال ندارد.

*** اگر ذبح در منی تا به آخر ذی‌حجه میسر نباشد در مکه جدید یا وادی معیصم یا جای دیگر ذبح چه صورت دارد؟

الشیخ البهجت: اقرب به‌منی ذبح کند والّا أظهر لزوم ذبح در مکه قدیم است. (۴)

الشیخ التبریزی قدس سره: باید در مکانی که عرفاً اقرب الأماکن به منی است ذبح نماید. (۵)

الشیخ الصافی: در صورت امکان اقرب به منی مراعات شود. (۶)

الشیخ الوحید: در منی و اگر نشد وادی محسّر که مورد نص است و اگر نشد مکه و اقرب به منی دلیل ندارد و قاعده میسور مخصوص نماز است. (۷)

نماز با عامه

الإمام الخمینی قدس سره: س: جماعت عامه تمام و نمازگزاران در مسجد هستند آیا

۱- کتبی

۲- دفتر

۳- کتبی

۴- دفتر

۵- کتبی

۶- کتبی

۷- شفاهی.

ص: ۲۸۹

با شرایط موجود نماز بخوانم یا به منزل بیایم و با شرایط صحت در خانه بخوانم؟

ج: می‌تواند در همانجا و بر طبق نماز آنان بجا آورد. (۱)

السید الخوئی قدس سره: إذا تابع المصلی المؤمن جماعهٔ المخالفین فی صلاهٔ جهریهٔ لا یجب علیه الجهر بل یتعیّن علیه الإخفات. (۲)

السید الگلپایگانی قدس سره: نماز با عامه در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت خوب است لکن نماز را با شرایط کامل اعاده کند. (۳)

السید السیستانی: تجوز الصلاهٔ خلفهم ولکن لابدّ للمأموم أن یقرأ لنفسه إخفاتاً إن امکنه وإلّا یقرأ فی نفسه ویجوز السجود علی ما لا یصح السجود علیه إذا لم یتیسر فی مکانه ما یصحّ السجود علیه. (۴)

السید الشبیری: احتیاط در عدم اکتفا به آن است و در فرض عدم تقیه ظاهراً اعاده لازم است. (۵)

*** الشیخ البهجت: با شرایط تقیه مانعی ندارد و مجزی است ولی باید وظیفه منفرد مراعات شود. (۶)

الشیخ التبریزی قدس سره: تنها با آنها همراهی کند و قرائت را ولو بنحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است. (۷)

و در ص ۳۷۹: اگر در مساجد جایی که سجده بر آن صحیح باشد مثل موزاییک و سنگ، آنجا نماز بخواند.

الشیخ الفاضل: باید در منزل با رعایت شرایط معتبره بخواند مگر تقیه اقتضای غیر آن را داشته باشد.

الشیخ المکارم: موافق است.

۱- محشی ص ۴۳۳ م ۲۵

۲- الصراط، ص ۱۰۲

۳- ص ۳۹۶ اخیر.

۴- الملحق ص ۱۶۷

۵- کتبی

۶- جدید ص ۴۰

۷- ص ۳۷۸ جدید.

ص: ۲۹۰

الشیخ النوری: بر فرع امام حاشیه ندارد. (۱)

مؤلف: نظر آیهٔاللّه گلپایگانی اقرب به احتیاط است.

بعض الفروع المتفرقهٔ

س: إذا صلی جماعهٔ مع العامهٔ فهل تترتب أحکام الجماعهٔ کالرجوع إلی الإمام فی مورد الشک واغتفار زیادهٔ الرکوع؟

السید الخوئی قدس سره: نعم تترتب الأحکام سوی القرائهٔ فانّه لابد من القرائهٔ. (۲)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: یعلّق علی جوابه (و فی زیادهٔ الرکوع إشکال).

س: إذا صلی جماعهٔ مع العامهٔ فهل یصح أن یسجد علی ما لا یصح السجود علیه فی غیر مورد التقیهٔ؟

ج: السید الخوئی قدس سره: لا یجوز مع المندوحهٔ و وافقه التبریزی.

الشیخ البهجت: با وجود مندوحه مجزی نیست و شفاهی فرمودند: با عدم حفظ شرایط نماز را اعاده کند.

الشیخ الفاضل: س: شرکت در نماز جماعت اهل سنت کفایت از نماز واجب می‌کند؟ ج: بلی کفایت می‌کند. (۳)

الشیخ الفاضل: س: در جماعت عامه رعایت اتصال نمی‌شود می‌توانیم اقتدا کنیم؟

ج: اختیاراً و با وسعت وقت به آن قسمت‌ها نروید. بلی اگر اتفاقاً جماعت به پا شد و در آنجا بودید اقتدا کنید و نماز صحیح است ولی اگر کسی بداند و اختیاراً

۱- ص ۴۳۱

۲- الصراط ج ۳، ص ۷۶

۳- استفتائات حج و عمره، ص ۲۳۲

ص: ۲۹۱

برود و اقتدا کند اکتفا به آن نماز مشکل است و احتیاطاً نماز را اعاده کند. (۱)

الشیخ الفاضل: س: اقتدا به نماز مغرب اهل سنت چه حکمی دارد؟

ج: با توجه به فاصله بین اذان و اقامه اکتفا به آن صحیح است. (۲)

الشیخ الفاضل: س: گاهی در نماز آیه سجده می‌خوانند و همه به سجده می‌روند و شیعه هم همراهی می‌کند؟

ج: احتیاطاً این نماز را اعاده کند. (۳)

الشیخ الفاضل: س: اگر نماز جماعت تمام شده ولی هنوز صفوف بهم نخورده آیا اذان و اقامه ساقط است؟

ج: ساقط نیست.

الشیخ الفاضل: س: حکم افطار شیعه در مسجدین چیست؟

ج: اگر اتفاقاً آنجا بودند و ناچار به افطار تقیه‌ای شدند صحیح است و قضا ندارد ولی اختیاراً انجامش خلاف احتیاط است. (۴)

نماز مسافر در حرمین شریفین

الإمام الخمینی قدس سره: اختصاص به مسجد اصلی ندارد در جاهای توسعه داده شده هم جاری است. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: بلکه در دوشهر مکه و مدینه می‌تواند نماز را تمام بخواند. (۶)

السید الخوئی قدس سره: بلکه می‌تواند در تمام شهر مکه و مدینه نمازش را تمام بخواند. (۷)

السید الخامنئی: الظاهر أن موضوع الحکم عنوان البلدین من دون فرق بین

۱- مع التلخیص ص ۲۳۴ حج و عمره

۲- ص ۲۳۵

۳- ص ۲۳۶

۴- ص ۲۴۵

۵- ص ۲۵۷.

۶- توضیح ص ۲۳۷

۷- توضیح ص ۲۳۳

ص: ۲۹۲

الأمکنهٔ القدیمهٔ والجدیدهٔ. (۱)

السید السیستانی: لا یختص بالمناطق القدیمهٔ فی مکهٔ المکرمهٔ والمدینهٔ المنورهٔ بل یشمل الإمتدادات الحدیثهٔ أیضاً. (۲)

السید الشبیری: احوط قصر است حتی در مسجدین.

*** الشیخ البهجت: در اضافات‌احتیاط واجب‌قصراست. (۳) درتمام‌شهرمکه‌و مدینه

الشیخ التبریزی قدس سره: لا یختص بالمسجدین بل یشمل البلدین القدیمین. (۴)

الشیخ الصافی: در مسجدین مخیر است. (۵)

الشیخ الفاضل: مخیر است در مسجدین و فرقی بین بناء اصلی و فعلی نیست. (۶) وفی حول الحج: یشمل الحکم لما یسمی مکهٔ فعلًا. (۷)

الشیخ المکارم: مخیر است در مسجدین و اضافات فعلی و آینده. (۸)

الشیخ النوری: در تمام شهر مدینه و مکه مخیر است هر قدر وسعت پیدا کند. (۹)

الشیخ الوحید: در شهر مکه قدیم و مدینه زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله مخیر است گرچه احوط در غیر مسجدین قصر است. (۱۰)

نوافل در حرمین

در حج سال ۱۴۱۸ چند فرع پیش آمد که محتاج به استفتاء از مراجع فعلی شد چون قبلًا معلوم نبود.

۱- ص ۵۱

۲- ص ۱۷۱، ملحق.

۳- ص ۱۷۵.

۴- شفاهی

۵- ص ۲۷۷

۶- ص ۲۴۳

۷- ص ۴۸

۸- توضیح ص ۲۳۷

۹- ص ۲۳۰

۱۰- توضیح

ص: ۲۹۳

۱- در اماکن تخییر مثل مکه و مدینه طیبه اگر مسافر اختیار تمام نمود آیا نوافل ساقط می‌شود و بر فرض سقوط به نحو عزیمت است یا رخصت؟

السید الشبیری: به نظر اینجانب وظیفه مسافر شرعی در همه اماکن قصر صلاة است. (۱)

*** الشیخ البهجت: ساقط است و به نحو عزیمت. (۲)

الشیخ التبریزی قدس سره: نوافل ساقط است و استحباب ندارد و مقصود از سقوط به نحو عزیمت همین است ولی منافات با اتیان آنها به قصد رجا ندارد. (۳)

الشیخ الصافی: ظاهراً نوافل ساقطه از مسافر در مورد سؤال ساقط است بلی اتیان آنها برای کسی که تمام را اختیار کرده رجاء مانعی ندارد. (۴)

۲- اگر نماز مسافر در حرمین فوت شود آیا حکم تخییر باقی است؟

نماز مقیم در مکه مکرمه بعد از مراجعت از مواقف

الإمام الخمینی قدس سره: اگر مسافت شرعیه بین مکه و عرفات محقق نباشد و از عرفات به مکه بر می گردند به عنوان محل اقامت و بعد از مکه قصد مسافرت می کنند نمازشان تمام است در مراجعت و در خود مکه. (۵)

السید الخوئی قدس سره: در صورتی که مسافت شرعیه بین مکه و عرفات محقق نباشد وظیفه در عرفات و مشعر و در مراجعت به مکه تمام است. (۶)

السید الگلپایگانی قدس سره: در برگشت از محلی که رفته و در محل اقامت شکسته بخواند. (۷)

۱- کتبی

۲- کتبی

۳- کتبی

۴- کتبی

۵- ص ۲۶۵

۶- ص ۲۹۴ طبع ۱۴۱۱

۷- مجمع ص ۱۹۸

ص: ۲۹۴

السید الخامنئی: نماز در عرفات و منی تمام است. (۱)

السید السیستانی: اذا کانت المسافة من نهایة مکة الحالیة الی عرفات ثم المشعر ثم منی فمکة أربعة وأربعین کیلومتراً أو أکثر قصر فی صلاته فی هذه الأماکن وإلّا أتم فیها نعم فی الصورة الثانیة إذا کان ناویاً للسفر من عرفات و کان رجوعه إلی مکة لا من جهة کونها محل اقامته بل من جهة وقوعها فی طریقه کان حکمه القصر من مشعر و منی وأما فی مکة فتخییر بین القصر والتمام لأنه من مواطن التخییر للمسافر. (۲)

*** الشیخ البهجت: باید نماز را تمام بخواند. (۳)

الشیخ التبریزی قدس سره: نمازتمام است. (۴) اگر مجموع ایاب و ذهاب ۸ فرسخ نباشد.

منهأیضاً ص ۱۷۷: یحتاطبالجمع بینالقصر والإتمام فیعرفاتومشعر و منی.

الشیخ الصافی: نماز او تمام است مگر اینکه انشاء سفر جدید داشته باشد. (۵)

ص ۳۱۲ نماز تمام است.

الشیخ الفاضل: باید تمام بخواند. (۶)

الشیخ المکارم: باید تمام بخواند. (۷)

الشیخ النوری: تمام است. (۸)

الصلاة فی الکعبة وفوقها

فی العروة: الأحوط ترک الفریضة علی سطح الکعبة وفی جوفها اختیاراً ولا بأس بالنافلة وکذا لا بأس بالفریضة حال الضرورة.

۱- ص ۴۴

۲- ملحق ص ۱۷۳

۳- مسأله ۱۰۳۲

۴- ضمیمه ص ۴۷

۵- ص ۲۷۵

۶- ص ۲۴۲

۷- مسأله ۱۱۲۷

۸- ص ۳۹۵

ص: ۲۹۵

وفی المحشی بحاشیهٔ الأعلام الخمسهٔ قال السید الخوئی: وإن کان الأظهر جواز فعلها فی جوفها مع الرکوع و السجود.

السید الشبیری: احتیاط آن است که در حال اختیار نماز واجب یا مستحب نخواند (در سطح کعبه). (۱)

و اما در داخل کعبه نماز واجب در حال اختیار مکروه و نافله اشکال ندارد.

السید السیستانی: احتیاط واجب ترک نماز واجب است در کعبه و بام در حال اختیار و در حال ناچاری اشکال ندارد (۲) و نماز مستحب اشکال ندارد.

*** الشیخ التبریزی قدس سره: در حال اختیار احتیاط واجب ترک نماز واجب بر بام کعبه است و ظاهر جواز نماز در کعبه است در حال اختیار و نماز مستحب بر بام و کعبه اشکال ندارد. (۳)

نماز جماعت با عامّه

الإمام الخمینی قدس سره: تخلف از جماعت اهل سنت اگر خلاف تقیه باشد جایز نیست. (۴)

السید الخوئی قدس سره: بلی مجزی است در صورتی که قرائت حمد و سوره را خود آهسته بخواند. (۵)

السید الگلپایگانی قدس سره: در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت با نماز آنان خوب است لکن با تمکن اعاده کند.

السید السیستانی: تجوز الصلاهٔ خلفهم ولکن لابدّ للمأموم أن یقرأ لنفسه

۱- توضیح ص ۲۱۶.

۲- توضیح ص ۱۹۵.

۳- توضیح، ص ۱۶۱.

۴- ص ۲۵۸.

۵- کتبی.

ص: ۲۹۶

إخفاتاً إن أمكنه وإلّا يقرء في نفسه.

السيد الخامنئی: مجزية إن شاء اللّه. (۱)

السيد الشبيری: مناسب است در نماز جماعت اهل سنت شركت كنند ولی بنابر احتياط نماز را دوباره بخوانند. (۲)

*** الشيخ البهجت: با شرايط تقيه مانع ندارد و مجزی است ولی بايد وظيفه منفرد مراعات شود- ورقه ص ۱۱ و در جامع ص ۵۱۳ و اعتبار عدم مندوحه در حال عمل يقينی است و اما مندوحه مكانی و زمانی پس اعتبار آن موافق با احتياط است ص ۱۱.

الشيخ التبريزی قدس سره: با آنها همراهی كند و قرائت را ولو به نحو حديث نفس بخواند و اين نماز مجزی است. (۳)

الشيخ الصافی: اگر موجب تأليف عامه و دفع اتهام از شيعه باشد اعاده ندارد. (۴)

الشيخ المكارم: حق اين است كه چنين نمازی كفايت از نماز واجب می‌كند و اعاده آن لازم نيست و در مسئله وقت و مانند آن از آنها پيروی می‌كند. (۵)

الشيخ النوری: رعايت مندوحه لازم نيست. (۶)

نماز جماعت بالاستدارة

السيد فی العروة: يجوز علی الأقوی بالإستدارة حول الكعبة و الأحوط عدم تقدم المأموم علی الإمام بحسب الدائرة. (۷)

۱- ص ۵۱

۲- ص ۱۲

۳- كتبی؛ و فی المفيد ص ۴۸

۴- ورقه ص ۱۱.

۵- ص ۱۸۰

۶- ص ۳۸۷ و ص ۳۸۸.

۷- فرع ۲۵.

ص: ۲۹۷

الإمام الخمینی قدس سره: لا یخلو من إشکال (فی تعلیقته علی العروة) و در مناسک فارسی: با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد.

السید الخوئی قدس سره: فی القوّة إشکال بل منع (فی تعلیقته علی العروة).

السید الگلپایگانی قدس سره: مأموم اقرب از امام نباشد بالنسبة إلی الکعبة و احوط عدم تقدم المأموم علی الإمام.

السید السیستانی: یشکل الصلاة حول الکعبه بالاستدارة. (۱)

السید الخامنئی: الصلاة حول الکعبة بالاستدارة تجزی. (۲)

السید الشبیری: نماز جماعت به نحو استداره فی نفسه اشکال ندارد. (۳)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: اقتدا صوری است و باید مأموم به وظیفه فردی عمل کند لذا اقتداء مانع ندارد. (۴)

الشیخ البهجت: با انحفاظ نسبت در صف مأمومین با امام و با انحفاظ نسبت امام به کعبه در تمام دور حتی اطراف حجر اسماعیل و عدم حائل بین هر مأموم و آنکه به او متصل است دور نیست تصحیح نماز جماعت به طور استداره در اطراف کعبه. (۵)

الشیخ الفاضل: در غیرمورد تقیه صلاة استداره جایز نیست. (۶)

الشیخ المکارم: امام به حسب دایره متقدم و به کعبه نزدیک‌تر باشد بنابر احتیاط- حاشیه

اتمام نماز به خیال ماندن ده روز

۱- کتبی.

۲- ص ۵۱.

۳- کتبی.

۴- شفاهی.

۵- جامع، ص ۵۱۸.

۶- ص ۴۳۳.

ص: ۲۹۸

س: به خیال اینكه ده روز در مدینه می‌ماند نماز را تمام خوانده بعد از دو روز معلوم می‌شود كه مجموع توقف در مدینه هشت روز است وظیفه او نسبت به نمازهایی كه خوانده و آینده چیست؟

السید السیستانی: اگر به خیال اینكه رفقایش می‌خواهند ده روز در محلی بمانند قصد كند كه ده روز در آن‌جا بماند و بعد از خواندن یك نماز چهار ركعتی ادائی بفهمد كه آنها قصد نكرده‌اند اگر چه خودش هم از ماندن منصرف شود و تا مدتی كه در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند. (۱)

السید الشبیری: ظاهراً چنین شخصی مسافر است و حكم كسی را دارد كه از اول می‌داند كه مدت اقامت كمتر از ده روز است. (۲)

*** الشیخ التبریزی قدس سره: چنانچه اشتباه منشأ شده كه قصد ده روز بنماید نمازش تمام است ولی اگر قصد كرده تا روز معین مثلا جمعه می‌ماند و فكر می‌كرده كه از امروز تا آن روز ده روز است نمازش شكسته است ولی نمازهایی كه قبلًا تمام خوانده قضا ندارد. (۳)

الشیخ البهجت: در فرض مرقوم نماز تمام است. (۴)

الشیخ الصافی: نمازهایی كه تمام خوانده صحیح است و تا در مدینه است هم باید تمام بخواند. (۵)

استفتاءات جدید

۱- فرع ۱۳۶۱.

۲- كتبی.

۳- كتبی.

۴- كتبی.

۵- كتبی.

ص: ۲۹۹

س: احرام از ادنی‌الحل که میقات عمره مفرده است باید از اولین نقطه حل که متصل به حرم است انجام شود یا با فاصله ولو یک کیلومتر قبل از حرم کافی است یا میزان ادنی‌الحل عرفی است؟

السید السیستانی: ادنی‌الحل معیار است در همه مرزهای حرم.

السید الخامنئی: میزان صدق ادنی‌الحل است.

ادنی‌الحل میقات عمره مفرده است برای خصوص کسی که در مکه مکرمه حضور دارد و برای احرام برای عمره مفرده خارج می‌شود، نه برای کسی که از خارج وارد مکه می‌شود، و میزان خروج الی خارج حرم برای احرام است، اگرچه کمی با خط حدود حرم فاصله داشته باشد.

*** الشیخ البهجت: عرفی است ولو خیلی فاصله کم باشد.

الشیخ التبریزی قدس سره: میزان ادنی‌الحل عرفی است. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: کسی که در مکه است و می‌خواهد عمره مفرده به‌جا آورد از ادنی‌الحل (اولین نقطه عرفی) متصل به حرم محرم شود و فاصله نگیرد. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: میزان ادنی‌الحل عرفی است.

الشیخ المکارم: میزان ادنی‌الحل عرفی است.

س: کسی که از طریق عراق به مکه می‌رود و باید در وادی عقیق محرم شود آیا در این وادی طولانی نقطه خاصی به‌نظر حضرت عالی میقات است یا موکول به‌نظر اهل منطقه باید عمل شود و خود اهل محل هم مختلف جواب می‌دهند این وادی که اولش به عنوان مسلخ و قسمت وسط آن غمره و قسمت سوم آن

ص: ۳۰۰

ذات‌عرق است بین خود اهل محل مورد گفتگو است و قسمت خاصی را تعیین نمی‌کنند؟

السید السیستانی: از هرجایی از وادی عقیق احرام مجزی است.

السید الخامنئی: نقطه خاصی اعتبار ندارد، میزان صدق وادی عقیق است.

*** الشیخ البهجت: طلب افضل از اول وادی است. (۱)

الشیخ التبریزی قدس سره: تمام وادی عقیق میقات است و در تعیین مناطق آن به اهل آن مکان مراجعه می‌شود و اگر مورد اختلاف شد از جایی که محرز است از وادی عقیق است احرام می‌بندند. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: بنابر احتیاط از اول محل مذکور محرم شود. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: تحصیل اطمینان لازم است. و احرام در هر سه موضع نامبرده جایز و صحیح است، ولی از مسلخ و پس از آن، از غمره افضل است.

الشیخ المکارم: اگر آن‌چه مطابق مشهور در عرف محل است عمل کرده صحیح است.

س: در منی روز ۱۲ ذی‌حجه غسل کرده، به‌قصد انجام اعمال مکه و بدون وضو به مکه آمده و طواف و نماز و سایر اعمال را انجام داده است و می‌دانسته که در مکه پنج عمل باید انجام دهد آیا اعمال به‌نحو مذکور صحیح و مجزی است یا نه؟

السید السیستانی: غسل زیارت خانه خدا مستحب و مجزی از وضو است.

السید الخامنئی: غسل کفایت نمی‌کند و در اعمال مشروط به وضو باید

۱- حاشیه جامع، ص ۲۷۴.

ص: ۳۰۱

وضوء بگیرد و اگر بدون وضوء انجام داده اعاده لازم است.

غیر از غسل جنابت هیچ‌یک از اغسال مجزی از وضوء نیست، و اگر عمل مشروط به طهارت را بدون وضوء انجام داده باید اعاده کند.

*** الشیخ البهجت: مجزی نیست.

الشیخ التبریزی قدس سره: بلی صحیح و مجزی است. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: طواف و نماز که بی‌وضوء انجام شده‌اند باطلند و باید اعمال مکه را حتی سعی دوباره انجام دهد. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: غسل مستحبی کفایت از وضو نمی‌کند. لذا در فرض سؤال طواف‌ها و نمازهای آن صحیح نیست. و سعی را که با اعتقاد به صحت انجام داده مجزی و صحیح است، هرچند احتیاط مستحب است که سعی را نیز اعاده کند.

الشیخ المکارم: هرگاه غسل واجب یا مستحب معتبری انجام داده اعمال مذکور صحیح است.

س: بعد از وقوف به عرفات سکته مغزی کرده و او را شبانه به مشعرالحرام آورده‌اند و به او وقوف اضطراری داده‌اند و بعد او را به بیمارستان مکه برده‌اند و تا پایان ذی‌حجه در حال سکته است اگر اولیاء این بیمار یا سایر مؤمنین بقیه اعمال او را تبرعاً به‌جا آورند کافی است یا نه و با فرض عدم کفایت وظیفه چیست؟

السید السیستانی: حج او باطل است و بعد از به‌هوش آمدن اگر می‌تواند اعمال عمره مفرده را ولو با نایب گرفتن برای طواف و سعی آن را انجام دهد.

السید الخامنئی: اعمال تبرّعاً کافی نیست و حج او صحیح است و باید اعمال

ص: ۳۰۲

حج را ولو با استنابه انجام دهد و تا انجام نداده به احرام باقی است.

انجام نیابت دیگران بدون وکالت از شخص مکلف، صحیح و مجزی برای مکلف نیست، و اگر بقیه اعمال با مباشرت یا وکالت خودش در آن سال انجام نشود، حج آن سالش صحیح نیست، و خودش تا اعمال خروج از احرام به‌نحو صحیح انجام نگرفته، در احرام باقی است.

*** الشیخ البهجت: حج صحیح است و سؤال ۷۵ دارد اگر کسی محصور شد برای بقیه اعمال نائب می‌گیرد و حجش صحیح است.

الشیخ التبریزی قدس سره: در فرض مزبور اولیاء شخص مزبور از طرف او اعمال را انجام دهند و کافی است. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال اگر شخص مذکور بی‌هوش شده و هنوز بی‌هوش است به حال احرام باقی است اعمال نیابی دیگران تبرعاً کافی نیست و بعد از به‌هوش آمدن باید به اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: ظاهر سؤال این است که شخص مزبور وقوف اضطراری مشعر را نیت نکرده و قهراً ترک شده است. لذا بنابر احتیاط واجب حج او باطل است و اعمال انجام‌شده توسط دیگران کافی نیست. و بنابر احتیاط واجب برای خارج شدن از احرام اعمال عمره مفرده انجام دهد.

الشیخ المکارم: حج او صحیح است، ولی باقیمانده اعمال را هرچه می‌تواند خودش به‌جا آورد و بقیه را نایب بگیرد و اگر هوشیار نیست، ولیّ او برای او نائب بگیرد.

س: نائب در حج تمتع عمره تمتع را انجام داده و از احرام عمره خارج شده منوب‌عنه اظهار می‌دارد که من از استنابه حج منصرفم و به‌هرجهت تمکن اداء

ص: ۳۰۳

اجرت حج را ندارم خود را به زحمت نیانداز، تکلیف نائب و منوب‌عنه چیست؟

السید السیستانی: باید حج را به همان نیت انجام دهد مگر این‌که متمکن نباشد یا مستلزم حرجی باشد که معمولًا تحمل نمی‌شود.

السید الخامنئی: از منوب‌عنه کفایت نمی‌کند مگر نائب به‌جا آورد و نائب می‌تواند بین حج و عمره از عمل منصرف شود و منوب‌عنه یعنی اجیرکننده باید اجرت را به نائب بدهد.

شخصی که عمره تمتع انجام داده، اگر حج بر او واجب نباشد، می‌تواند از انجام حج منصرف شود و به‌جا نیاورد، ولی اگر برای انجام حج اجیر شده، باید پس از انجام عمره تمتع، حج تمتع را هم از باب وفا به قرارداد اجاره انجام دهد، و حق انصراف از انجام را ندارد، و عذر اجیرکننده در پرداخت اجرت، مجوز ترک وفاء به عقد اجاره و انصراف از انجام حج نیست، مگر آن‌که قرارداد او را با اقاله منحل سازند، و در صورت توافق بر اقاله و حل قرارداد، از اجرت قراردادی به نسبت آن‌چه از اعمال عمره که انجام داده استحقاق مطالبه دارد، نه تمام اجرت را.

*** الشیخ البهجت: عمره مبتوله می‌شود و اجیرکننده ضامن اجرت مقدار عمل شده است.

الشیخ التبریزی قدس سره: در فرض مزبور که منوب‌عنه اجرت حج را نمی‌دهد نایب می‌تواند بعد از انجام عمره تمتع یک طواف نساء انجام دهد و آن را عمره مفرده قرار دهد، و نسبت به مقداری که برای منوب‌عنه انجام داده اجرت مطالبه کند. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال کسی که نائب را اجیر نموده نمی‌تواند اجاره را فسخ نماید و نایب باید حج را انجام دهد و مستحق اجرت است. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: اجاره از عقود لازمه است و مستأجر نمی‌تواند منصرف شود.

ص: ۳۰۴

اجیر نیز پس از انجام عمره تمتع باید حج تمتع را انجام دهد و شرعاً هیچ‌کدام نمی‌توانند تخلف کنند.

الشیخ المکارم: احتیاطاً طواف نساء را انجام دهد و می‌تواند اجرت را به اندازه عملش به تصدیق اهل اطلاع از کسی که به او پیشنهاد نیابت کرده بگیرد.

س: بعضی فقهاء عظام فرموده‌اند که کسی که عمره مفرده مستحبی در اشهر حج انجام دهد و تا روز ترویه در مکه بماند عمره مفرده او متعه می‌شود و لیس له الّا أن یحجّ حجّ التمتّع، آیا این تمتع قهری در مطلق حج است چه مستحب و چه واجب و چه اصلی باشد یا نیابی یا مخصوص به حج استحبابی است؟

السید السیستانی: اختصاص به حج استحبابی ندارد و اگر عمره را به نیابت انجام داده حج را نیز به همان نیت باید انجام دهد.

السید الخامنئی: صحبت از انقلاب مفرده به تمتع نیست بلکه صحبت از اجزاء دومی از اولی است که در عمره مستحب مجزی است. اختصاص به‌صورت حضور در مکه مکرمه تا روز ترویه ندارد، بلکه با انجام عمره مفرده استحبابی در یکی از اشهر حج، می‌تواند آن را عمره تمتع به‌حساب آورد، و به دنبال آن حج تمتع در همان سال به‌جا آورد، به شرط آن‌که عمره مفرده استحبابی را برای خود به‌جا آورده باشد، و حج استحبابی را هم بخواهد برای خودش به‌جا آورد، و برای حج نیابی یا حج واجب صحیح و مجزی نیست.

*** الشیخ البهجت: فرق نمی‌کند.

الشیخ التبریزی قدس سره: در حکم مزبور بین حج واجب و حج مستحب و بین حج اصلی و حج نیابی فرقی نیست. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال قدر متیقن حج استحبابی است. واللّٰه العالم.

ص: ۳۰۵

الشیخ الفاضل: در مطلق حج است، ولی بایـد حـج را به نیت همان کسـی که عمره مفرده را برای او انجام داده است انجام دهـد نه به‌طور مطلق. مثلًا اگر عمره مفرده را برای خودش انجام داده است می‌توانـد آن را تبدیل به عمره تمتع کند و برای خودش حج تمتع انجام دهد. و چنان‌چه عمره مفرده را برای غیر انجام داده حج تمتع را نیز برای همان شخص انجام دهد.

الشیخ المکارم: در حج استحبابی شخص می‌تواند عمره مفرده خود را مبدل به عمره تمتع کند و به دنبال آن حج به‌جا آورد.

س: طواف و نمـاز طواف را با بـدن نجس یا لباس نجس به‌جا آورده جهلًا یا نسـیاناً آیا اعاده لازم است یا نه؟ و تکلیف او نسـبت به اعمال مترتبه چیست؟

السید السیستانی: طواف در صورت جهل به موضوع یا نسیان صحیح است و همچنین نماز ولی اگر قبل از نماز شک داشته و تفحّص نکرده و بعد از نماز آن را دیده است به احتیاط واجب باید نماز را اعاده کند و در مورد نسیان نیز اگر منشأ آن بی‌اعتنایی بوده اعاده نماز بنابراحتیاط لازم است.

السـید الخامنئی: در جهل به موضوع اعاده ندارد و اگر نسـیان کرده احوط اعاده است و سـعی با اعتقاد به صحت طواف اعاده ندارد ولی طواف نساء با بطلان طواف اعاده شود.

*** الشیخ البهجت: باید خودش طواف و نماز را اعاده کند و با عدم تمکن استنابه کند و اعمال مترتبه صحیح است.

الشیخ التبریزی قدس سره: در فرض جهل، طواف و نماز آن صحیح است و در فرض نسیان در طواف صحیح است و در نماز طواف باید اعاده کند. واللّه العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال در صورت نسیان طواف و نمازش را اعاده

ص: ۳۰۶

کنـد و احتیاطاً سـعی را نیز اعاده کنـد و در صورت جهل به موضوع نجاست اعاده نـدارد و طواف و نماز صـحیحند و اگر جاهل به حکم بود نیز طواف و نماز و سعی را اعاده نماید. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: در صورت نسیان طواف صحیح است، ولی نماز را اعاده کند.

و اعمـال مترتبه را که بـا اعتقـاد به صـحت انجـام داده صـحیح است. اما در صورت جهل به حکم، طواف و نماز را اعاده کنـد، ولی اعمال مترتبه مثل صورت قبل است.

الشیخ المکارم: اعاده لازم نیست.

س: احرام برای عمره یا حج واجب تکلیفی است یا شرطی؟ و فرق بین تکلیفی و شرطی کجا ظاهر می‌شود؟

السـید السیسـتانی: احرام از اجزاء واجب عمره و حـج است و احتمال این‌که واجب شـرطی باشد درست نیست و ثمره واجب شـرطی این است که مثل وضوی نماز می‌شود اگر به نیت دیگری احرام بست می‌تواند عدول به نیت دیگری کند.

السید الخامنئی: هیچ‌کدام و تا اعمال را انجام نداده به احرام باقی است و بدون احرام نمی‌تواند وارد مکه شود.

وجوب احرام برای عمره یا حـج، هم واجب تکلیفی است، زیرا که از مناسک است، و هم واجب شـرطی است، زیرا که صـحت بقیه اعمال در صورت تذکر قبل از عمل و امکان تدارک احرام منوط به احرام است.

*** الشیخ البهجت: شرط ذکری است در حج تمتع بنابر اقوی و در عمره شرط مطلق است بنابراحوط.

الشیخ التبریزی قدس سره: احرام جزء مناسک عمره و حج است مثل سایر اعمال

ص: ۳۰۷

عمره و حج. واللّه العالم.

الشیخ الصافی: احرام برای صحت حج و عمره شرط است و با ترک احرام در غیر مورد جهل و نسیان حج و عمره باطلند. واللّه العالم.

الشیخ الفاضل: برای هردو واجب شرطی است، ولی در حج ذکری و در عمره واقعی است. و فرق آن در موردی ظاهر می‌شود که انسان حج را فراموش کند یا جهلًا ترک کند تا اعمال تمام شود که در این صورت حج او صحیح است.

ولی اگر احرام عمره را فراموش کند یا جهلًا ترک کند تا اعمال تمام شود عمره‌اش باطل است.

الشیخ المکارم: احرام جنبه شرطی دارد و بدون آن عمل باطل است.

س: در حج بعد از حلق یا تقصیر از احرام خارج می‌شود ولی بوی خوش و نساء قبل از سایر اعمال بر حرمت باقی است آیا در عمره مفرده بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء این حکم جاری است یا نه؟

السید السیستانی: فقط استمتاع بر او حرام است.

السید الخامنئی: بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء از همه محرمات احرام خارج می‌شود مگر نساء.

اگر طواف واجب عمره و نماز آن را هم انجام داده باشد، طیب بر او حلال است، فقط می‌ماند نساء، که با طواف نساء و نماز آن بر او حلال می‌شود.

*** الشیخ البهجت: قبل از طواف نساء فقط زن و آن‌چه مبتنی بر آن است حرام است.

الشیخ التبریزی قدس سره: هرچند به حسب نظر مشهور بعد از حلق یا تقصیر در عمره مفرده و قبل از طواف نساء جمیع محرمات احرام به شخص حلال می‌شود

ص: ۳۰۸

فقط حرمت نساء باقی می‌ماند، لکن احتیاط این است که از جمیع محرمات احرام قبل از طواف نساء اجتناب شود. واللَّه العالم.

الشیخ الصافی: در عمره مفرده بعد از حلق یا تقصیر همه محرمات غیر نساء حتی بوی خوش حلال می‌شوند و حکم مذکور مخصوص حج تمتع است. واللَّه العالم.

الشیخ الفاضل: در عمره‌مفرده بعد از تقصیر همه‌چیز حلال می‌شود به‌جز زن.

الشیخ المکارم: در عمره مفرده قبل از طواف نساء تنها نساء برای او حرام است.

س: شخصی عمره مفرده انجام داده و قبل از این‌که طواف نساء به‌جا آورد انشاء عقد نکاح کرده آیا این عقد صحیح است یا نه و برفرض بطلان موجب حرمت ابدی می‌شود یا نه و موجب کفاره می‌شود یا نه؟ خصوصاً در صورت مباشرت.

السید السیستانی: عقد صحیح است ولی هرگونه استمتاع جایز نیست و اگر مباشرت با علم و عمد باشد موجب کفاره است.

السید الخامنئی: حرمت ابدی ندارد و لکن عقد باطل است و درصورت علم کفاره هم دارد.

اگر پیش از انجام طواف نساء و نماز آن، عقد زواج خوانده، در هرصورت آن عقد باطل است و در صورتی که با علم به حرمت باشد، موجب حرمت ابدی نیز می‌شود، و در صورت جهل به حرمت موجب حرمت ابدی نمی‌شود، اگرچه درصورت نزدیکی پس از عقد و پیش از توجه به بطلان آن احوط ترتیب آثار حرمت ابدی است.

***

ص: ۳۰۹

الشیخ البهجت: باطل است.

الشیخ التبریزی قدس سره: بنابر احتیاط قبل از طواف نساء در عمره مفرده باید از جمیع محرمات احرام اجتناب شود. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: حکم عقد قبل از خروج از احرام را دارد با علم به حکم موجب حرمت ابدی است. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: بنابر احتیاط واجب عقد باطل است. ولی موجب حرمت ابدی نمی‌شود و می‌توانند تجدید عقد کنند و چنانچه نمی‌دانسته کفاره ندارد هرچند مباشرت کرده باشد. بلی چنانچه علم به حرمت عقد و مباشرت داشته کفاره دارد.

الشیخ المکارم: عقد مذکور باطل است و اگر حکم را بداند موجب حرمت ابدی است و اگر دخولی صورت گیرد یک شتر بر هر یک از مرد و زن و همچنین بر عاقد در صورت علم لازم است.

*** س: فرموده‌اند شخص متمتّع بعد از عمره تمتع مرتبط بالحج است حتی یقضیه و نباید خارج شود آیا حرمت خروج خارج شدن از حرم است یا نفس مکه معظمه؟

السید السیستانی: به احتیاط واجب از مکه نباید خارج شود مگر برای حاجتی هرچند ضروری نباشد.

السید الخامنئی: جایز است و موجب بطلان عمره نمی‌شود و تجدید عمره لازم نیست به‌شرط این‌که وثوق به ادراک حج داشته باشد خروج از مکه مانع ندارد.

*** الشیخ البهجت: ظاهراً مکه است که احتیاط فرموده‌اند.

ص: ۳۱۰

الشیخ التبریزی قدس سره: به مقداری که حوالی مکه محسوب شود می‌تواند خارج شود. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: شخص مذکور نباید از مکه خارج شود. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: ملاک خارج شدن از شهر مکه است.

الشیخ المکارم: در صورتی که به مناطق نزدیک برود و مطمئن است بازمی‌گردد مانعی ندارد.

س: بعضی از کوه‌های مکه که داخل حرم است افرادی اعم از حکومتی و عادی سیم خاردار کشیده‌اند و به‌نظر می‌رسد که حیازت کرده‌اند برداشتن حصاهٔ جمرات از دامنه‌های این کوه‌ها که سیم کشیده‌اند اشکال دارد یا نه؟

السید السیستانی: اشکال ندارد.

السید الخامنئی: اگر به‌قصد احیاء باشد باید با رضایت تحجیرکننده باشد و نیز اگر مشکوک باشد که به چه قصدی تحجیر شده چون اباحه سنگ‌ها شرط است و باید احراز شود.

*** الشیخ البهجت: اشکال ندارد.

الشیخ التبریزی قدس سره: از جهت مذکور در سؤال مانعی ندارد، از جهت این‌که ممکن است خوف خطر باشد نباید برود، ولی برداشتن سنگریزه و صرف آن در رمی جمرات مانعی ندارد. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: ظاهراً اشکال ندارد. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: باید احراز اباحه کنند.

الشیخ المکارم: از مناطقی که به‌عنوان حیازت سیم‌کشی شده نباید سنگ برداشت مگر این‌که علم به رضایت داشته باشند.

ص: ۳۱۱

س: آیا بـدار برای معـذورین از طهـارت مـائیه بلکه مطلق ذوی‌الاعـذار جایز است یا نه؟ و علی فرض‌الجواز اگر قبل از انقضاء وقت عذر برطرف شد باید اعاده کنند یا نه؟

السید السیستانی: بدار در صورت یأس جایز است و اعاده لازم نیست هرچند در وقت، عذر برطرف شود.

السید الخامنئی: اگر امیدی به رفع عذر دارد احتیاط کند.

بعـد از دخول وقت عمل مشـروط به طهارت، بدار جایز است حتی با رجاء ارتفاع عذر در اثنای وقت اگرچه احوط در صورت اخیر ترک بـدار است، و در هر صورت اگر عمـل را انجـام داد و بعـداً اتفاقاً عـذر در اثنای وقت برطرف شـد، اعاده واجب نیست، ولی با علم به ارتفاع عذر در اثنای وقت بدار صحیح نیست و باید تا ضیق وقت منتظر بماند.

*** الشیخ البهجت: جایز است مگر علم به برطرف شدن عذر داشته باشد.

الشیخ التبریزی قـدس سـره: اگر مأیوس بود بـدار جایز است و در تیمم برای نماز در این‌صورت اعاده واجب نیست و در غیر نماز و تیمم آن در صورت رفع عذر در وقت اعاده لازم است. واللّٰه العالم.

الشیخ الصافی: در فرض سؤال اگر امید زوال عذر در آخر وقت را داشته باشند احتیاط در تأخیر است. واللّٰه العالم.

الشیخ الفاضل: معذور چنان‌چه بداند تا آخر وقت عذرش برطرف نمی‌شود می‌تواند به مجرد ورود اعمال را با وضو یا غسل جبیره‌ای یا تیمم انجام دهد. اما چنان‌چه امید دارد تا زمانی که در مکه است عذرش برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر تا آخر وقت عذرش برطرف نشد طبق وظیفه معذور عمل کند. و چنان‌چه بعد از عمل به‌وظیفه معذور عذرش برطرف شد چنان‌چه

ص: ۳۱۲

علم داشته عذرش برطرف نمی‌شود اعاده واجب نیست، ولی اگر امید داشته که عذرش برطرف می‌شود بنابر احتیاط باید اعمال را با غسل و وضو اعاده کند.

الشیخ المکارم: بـدار برای ذوی‌الاعـذار بنابر احتیاط واجب جایز نیست مگر این‌که یقین داشـته باشـد که تا آخر وقت عـذر برطرف نخواهد شد و در صورتی که تا آخر عذر برطرف شود بنابر احتیاط اعاده لازم است.

س: اگر برخلاف تقیه عمل کرد فقط حرمت تکلیفی دارد یا عملی را که انجام داده است باطل است؟

السید السیستانی: عمل صحیح است.

السید الخامنئی: اگر خلاف تقیه عمل کرد مثل مهر گذاشتن نمازش باطل است.

اگر عمل برخلاف تقیه به‌صورتی باشد که موجب وهن مذهب و شین بر شیعه باشد، حرام و باطل است.

*** الشیخ البهجت: صحت عمل مورد تأمل است.

الشیخ التبریزی قدس سره: در موردی که تقیه واجب است اکتفاء بر عمل خلاف تقیه باطل است. واللَّه العالم.

الشیخ الصافی: صحت عملی که برخلاف تقیه باشد مشکل است. واللَّه العالم.

الشیخ الفاضل: صحت عمل نیز مشکل است.

الشیخ المکارم: اصل عمل اشکال دارد.

تعریف مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (التوبة/۴۱).

قالَ الإمامُ علیّ ُبْنُ موسَی الرِّضا – علَیهِ السَّلامُ: رَحِمَ اللّهُ عَبْداً أحْیَا أمْرَنَا... َ یَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ یُعَلِّمُهَا النَّاسَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ کَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا... (بَنَادِرُ البِحَار – فی تلخیص بحار الأنوار، للعلاّمة فیض الاسلام، ص ۱۵۹؛ عُیونُ أخبارِ الرِّضا(ع)، الشَّیخ الصَّدوق، الباب۲۸، ج۱/ ص۳۰۷).

مؤسّس مُجتمَع "القائمیّة" الثّقافیّ بأصبَهانَ – إیرانَ: الشهید آیة الله "الشمس آباذی" – رَحِمَهُ اللهُ – کان أحداً من جَهابذة هذه المدینة، الذی قدِ اشتهَرَ بشَعَفِهِ بأهل بَیت النبیّ (صلواتُ اللهِ علَیهِم) و لاسیَّما بحضرة الإمام علیّ بن موسَی الرِّضا (علیه السّلام) و بساحة صاحِب الزّمان (عَجَّلَ اللهُ تعالی فرجَهُ الشَّریفَ)؛ و لهذا أسّس مع نظره و درایته، فی سَنَةِ ۱۳۴۰ الهجریّة الشمسیّة (=۱۳۸۰ الهجریّة القمریّة)، مؤسَّسةً و طریقةً لم یَنطَفِئ مِصباحُها، بل تُتَّبَع بأقوَی و أحسَنِ مَوقِفٍ کلَّ یوم.

مرکز "القائمیّة "للتحرِّی الحاسوبیّ – بأصبَهانَ، إیرانَ – قد ابتدَأَ أنشِطتَهُ من سَنَةِ ۱۳۸۵ الهجریّة الشمسیّة (=۱۴۲۷ الهجریّة القمریّة) تحتَ عنایة سماحة آیة الله الحاجّ السیّد حسن الإمامیّ – دامَ عِزّهُ – و مع مساعَدَةِ جمعٍ من خِرّیجی الحوزات العلمیّة و طلاب الجوامع، باللیل و النهار، فی مجالاتٍ شتّی: دینیّة، ثقافیّة و علمیّة...

الأهداف: الدّفاع عن ساحة الشیعة و تبسیط ثَقافة الثَّقَلَین (کتاب الله و اهل البیت علیهِمُ السَّلامُ) و معارفهما، تعزیز دوافع الشّباب و عموم الناس إلی التّحَرِّی الأدَقّ للمسائل الدّینیّة، تخلیف المطالب النّافعة – مکانَ البَلاتیثِ المبتذلة أو الرّدیئة – فی المحامیل (=الهواتف المنقولة) و الحواسیب (=الأجهزة الکمبیوتریّة)، تمهید أرضیّةٍ واسعةٍ جامعةٍ ثَقافیّةٍ علی أساس معارف القرآن و أهل البیت –علیهم السّلام – بباعث نشر المعارف، خدمات للمحققین و الطّلاّب، توسعة ثقافة القراءة و إغناء أوقات فراغة هُواةِ برامِجِ العلوم الإسلامیّة، إنالة المنابع اللازمة لتسهیل رفع الإبهام و الشّبُهات المنتشرة فی الجامعة، و...

- مِنها العَدالة الاجتماعیّة: التی یُمکِن نشرها و بثّها بالأجهزة الحدیثة متصاعدةً، علی أنّه یُمکِن تسریعُ إبراز المَرافِق و التسهیلاتِ – فی آکناف البلد - و نشرِ الثّقافةِ الاسلامیّة و الإیرانیّة – فی أنحاء العالَم - مِن جهةٍ اُخرَی.

- من الأنشطة الواسعة للمرکز:

الف) طبع و نشر عشراتِ عنوانِ کتبٍ، کتیبة، نشرة شهریّة، مع إقامة مسابقات القِراءة

ب) إنتاجُ مئات أجهزةٍ تحقیقیّة و مکتبیة، قابلة للتشغیل فی الحاسوب و المحمول

ج) إنتاج المَعارض ثّلاثیّةِ الأبعاد، المنظر الشامل (= بانوراما)، الرّسوم المتحرّکة و... الأماکن الدینیّة، السیاحیّة و...

د) إبداع الموقع الانترنتی "القائمیّة "www.Ghaemiyeh.com و عدّة مَواقِعَ اُخَرَ

ه) إنتاج المُنتَجات العرضیّة، الخَطابات و... للعرض فی القنوات القمریّة

و) الإطلاق و الدَّعم العلمیّ لنظام إجابة الأسئلة الشرعیّة، الاخلاقیّة و الاعتقادیّة (الهاتف: ۰۰۹۸۳۱۱۲۳۵۰۵۲۴)

ز) ترسیم النظام التلقائیّ و الیدویّ للبلوتوث، ویب کشک، و الرّسائل القصیرة SMS

ح) التعاون الفخریّ مع عشراتِ مراکزَ طبیعیّة و اعتباریّة، منها بیوت الآیات العِظام، الحوزات العلمیّة، الجوامع، الأماکن الدینیّة کمسجد جَمکرانَ و...

ط) إقامة المؤتمَرات، و تنفیذ مشروع "ما قبلَ المدرسة "الخاصّ بالأطفال و الأحداث المُشارِکین فی الجلسة

ی) إقامة دورات تعلیمیّة عمومیّة و دورات تربیة المربّی (حضوراً و افتراضاً) طیلة السَّنَةِ

المكتب الرّئيسيّ: إيران/أصبهان/ شارع"مسجد سيّد/ "ما بينَ شارع"پنج رَمَضان "ومُفترَق"وفائی/"بناية"القائميّة"
تاريخ التأسيس: ١٣٨٥ الهجريّة الشمسيّة (=١۴٢٧ الهجرية القمريّة)
رقم التسجيل: ٢٣٧٣
الهويّة الوطنيّة: ١٠٨۶٠١۵٢٠٢۶
الموقع: www.ghaemiyeh.com
البريد الالكتروني: Info@ghaemiyeh.com
المَتجَر الانترنتي: www.eslamshop.com
الهاتف: ٢۵-٢٣۵٧٠٢٣- (٠٠٩٨٣١١)
الفاكس: ٢٣۵٧٠٢٢ (٠٣١١)
مكتب طهرانَ ٨٨٣١٨٧٢٢ (٠٢١)
التِّجاريّة و المَبيعات ٠٩١٣٢٠٠٠١٠٩
امور المستخدمين ٢٣٣٣٠۴۵(٠٣١١)

ملاحَظة هامّة:

الميزانيّة الحاليّة لهذا المركز، شـَعبيّة، تبرّعيّة، غير حكوميّة، و غير ربحيّة، اقتُنِيَت باهتمام جمع من الخيّرين؛ لكنّها لا تُوافِي الحجمَ المتزايد و المتّسعَ للامور الدّينيّة و العلميّة الحاليّة و مشاريع التوسعة الثّقافيّة؛ لهذا فقد ترجّى هذا المركزُ صاحِبَ هذا البيتِ (المُسمَّى بالقائميّة) و مع ذلک، يرجو مِن جانب سماحة بقيّة الله الأعظم (عَجَّلَ اللهُ تعالى فرَجَهُ الشَّريفَ) أن يُوفّقَ الكلَّ توفيقاً متزائداً لِإعانتهم - في حدّ التّمكّن لكلّ احدٍ منهم – إيّانا في هذا الأمر العظيم؛ إن شاءَ اللهُ تعالى؛ و اللهُ وليّ التوفيق.